

آیا فروش نفت تهنه راه حفظ نظام جمهوری اسلامی است؟

تفقه فی الدین در جبهه یا حوزه؟

فَارَمَعَ الْمَسِيرُ نَبِيًّا
أَزَمَعَ الْمَسِيرُ نَبِيًّا

لاه مجاهد

در راه خدا بجز مجاهد و شهادت و شهادت باقی نماند
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
سال ششم - شماره ۴۳ - بهار ۱۰۰۰ ریال
مرداد و شهریور ۱۳۶۶ - ۳۶ صفحه

نظریات کارشناس مسائل ایران درباره
سروامای مسلح

۱۴ ص

چرا فکر می‌کردیم در عراق قیام می‌شود ولی نشد

۱۷ ص

انحلال یا تعطیل

حزب جمهوری اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انگیزه نگارش:

یکی از دستاوردهای که انقلاب اسلامی بواسطه خون با شهدا و سبها آزادی به ارمغان آورد شدت گرفتن این جمعیتی در میان نیروهای مسلمان و مبارز بود که برای ادامه مبارزه بر علیه استکبار جهانی و ایادی سلطنت می- با بست تشکل داشت و قطعاً "چنین تشکلی هم می‌بایست بر اساس مانی اسلام باشد. وجود این جمعیتی در سبها آزادی منجر به تشکل بسیاری از نیروهای مسلمان گشت و در نتیجه احزاب و گروههای مختلف اعلام موجودیت کردند. از جمله این گروهها حزب جمهوری اسلامی بود که اخیراً "اعلان تعطیل کرد. از آنجا که ضرورت تشکیل حزب یکی از نیازهای جوشیده از متنا انقلاب بود جمعیتی از دستاوردها و سیر تعطیل آن بعنوان یک تجربه تشکلاتی در درون انقلاب لازم می‌باشد. چنانچه در مورد سایر نیروها نیز تا بحال سعی مان برای این بوده که سیر حرکت آنان را مورد بررسی و جمعیتی قرار دهیم. در این زمینه می‌توان به مقالات زیر مندرج در راه مجاهد رجوع کرد. "ریشه‌یابی انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" (شماره ۳۹)، "ریشه‌یابی و تحلیل یک گروه عافیت طلب" (سری مقالات که از شماره ۱۱ آغاز شده است)، "افول اخلاقی یک مجاهد" (شماره ۳۲) همچنین نامه سرگشاده به مسئولین جامعه مدرسین.

نظرات موجود پیرامون انحلال حزب

نظراتی پیرامون انحلال حزب در جامعه وجود دارد که سعی ما بر آن بوده که در حد توان آنان را جمع آوری کرده و منعکس سازیم. با شکر در ریشه‌یابی تشکیل و انحلال حزب چه برای مسئولین و کادرهای آن و چه برای عامه مردم مفید واقع شود. بقیه در صفحه ۹

خطر عمده کردن شوروی

توطئه جابجایی دشمن اصلی

۲۴ ص

۵ نظریه پیرامون

انفجار ناو استارک و خلیج فارس

۵ ص

نظر امام خمینی درباره:

مقابله به مثل

۲۵ ص

برخی نقطه نظرات مرحوم استاد شریعی

۲۲ ص

نکاتی چند پیرامون:

اجلاس شورای ولی فاضلین در الجزایر

۱۲ ص

دگر شریعی

۱۹ ص

شهد مطهری

۱۶ ص



روحانیت و

انقلاب اسلامی

۳۱ ص

تدلیلات تاریخ از

۲۳ ص

روحانیت و جریانات فکری ایران

ریشه‌یابی اجبار از ملاحظه رسالت

۲۷ ص



- فقه امام خمینی (سخن امام راه‌نمای مستضعفین) ص ۲
- خط امام در کلام آیت‌الله العظمی منتظری ص ۱۱
- * اخبار جنگ اسلام کتبر
- اخبار درون عراق ص ۱۵
- * اخبار ایدئولوژیک و ولایت فقیه
- فقه سنتی همان فقه جتهادی است ص ۱۳
- حقوق شرعی تنها خمس و زکات نیست ص ۱۳
- چه فقهی بالاتر از قرآن ص ۱۳
- نحوه برخورد با شورای نگهبان ص ۱۳
- مسائل مستحدثه ص ۱۳
- * اخبار داخلی
- نهضت امام خمینی و رسالت‌های خط امام ص ۱۸
- در محافل ماه رمضان ص ۲۱
- تکیه به ملت‌ها رابطه با دولت‌ها ص ۲۴
- شهادت‌ها و برخورد‌های موجود ص ۲۵
- پیگیری دست‌های مرموز ص ۲۵
- ریشه‌یابی فساد یا ریشه‌یابی انفعال ص ۲۴
- * اخبار لبنان و فلسطین
- برخورد مکتبی با فلسطینی‌ها ص ۲۶

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

فقه امام خمینی

سخن امام راهنمای مستضعفین



مقدمه

در شماره ۳۸ راه مجاهد، سرمقاله ای داشتیم تحت عنوان "فقه امام خمینی". در این سرمقاله چندین پیام و سخنرانی امام مورد بررسی قرار گرفته بود. این مقاله نیز در ادامه همان مطلب است.

گذرانند و او را خود خدا بین و در نهایت خود محور میکنند. ولی امام پیامبر اکرم (را) انسان را بهر ترا ز فرشتگان و حتی جبرئیل امین دانسته است. بنگر تا چه حد است مقام آدمیت امام در این بیانات خود واقعا به انسان خدا جو اصالت دارند نه انسان را خدا کردند و نمایانتر از فرشتگان و نه موجود مادی است.

در سخنرانی عید فطر اسامی امام نیز نقطه عطفی بنظر ما رسید که به شرح آن می پردازیم. نکته اول - مطلبی بود در مورد ضیافت... که نه بمعنای ضیافت معمولی از قبیل اطعمه و اشربه بلکه به معنای ترک شهوات و لذات دنیوی است و به

رسالت ۶۶/۳/۱۴
سخنان امام در دیدار با نمایندگان مناسبت هفتاد و یکمین سالگرد ولادت ایشان است. این سالگرد را که در تمام دست اینها همیشه بوده است و همیشه خواهد بود، لکن آنچه ای است خدا است و اعتماد به خدا. شما این اعتماد را حفظ کنید و مشکلات را با تدبیرهاییکه دارید حل کنید و امید وارم که خداوند همه را تائید کند. وقتی برای خدا باشد تائید میکند. وقتی کاری برای خدا باشد ما چه بیروز شویم چه نشویم کارمان خداست تکلیفمان از اکریم ما میخواهیم یک تکلیفمان از ایشود، دنبال این نیستیم که یک منعی بدست بیاوریم شما همان نیستید و ما میدانید که از عهد و شکر خدا نمیتوانیم رهایییم. من خودم را عرض میکنم، من شهادت میدهم که خودم تا کنون در رکعت نماز برای خدا نخوانده ام، هر چه بوده برای نفر بوده و دلیلش هم این است که اگر چنانچه حنت و تازی نباشد اما ما باز همانطور مشغول مشویم بعد عایا خیر؟
راه سعادت

اهل زیغ و رادیوهای بیگانه از این جمله امام سزا استفاده فراوان بردماند و گفتند ریشه همه نارسائیه را امام آشکار کردند چرا که گفتند من دو رکعت نماز برای خدا نخوانده ام و اعتراف کردند که خدا در کارهایشان منظر نشده است. باید توجه شود این بیان عرفانی امام نقطه قوت امام را میرساند که نمازها برای بهشت خدا بوده و یا ترس از عذاب خدا نه خود خدا. و این میرساند که امام در مواجهه با خدا و در محضر خداست که چنین اعترافی مینماید نه میدان آنرا باید به حسابکم جنبگی خود مسان بگذاریم.

نقاط عطفی در سیر تفسیر و توشه گیری از قرآن

مقدمه

امام در سخنرانی عید فطر سال ۶۵ پس از یک ماه عبادت و تامل در قرآن به مطلبی اشاره کردند که نقطه عطفی بود در سیر تفسیر و توشه گیری از قرآن و مطالب متفکرین اسلامی نسبت به وحی و قرآن. ایشان گفتند برخلاف این تصور که جبرئیل به پیامبر اکرم نازل میشود پیامبر اکرم خود را در حد جبرئیل پائین می آورد در حالیکه مکاتب بظاهر اصالت انسان و بشر دوستانه غریب انسان را جای خدای

و فقه رایج. ثالثا - تاثیر فراوانی در سیر تفکر و اندیشه اسلامی خواهد داشت.

ایشان ابتدا از ضیافت... شروع کردند و چنین استدلال نمودند که ضیافت... دو وجه دارد یک وجه آن اینست که انسان خدا جو خود را در محضر خدا می بیند و از این موضع است که شرسار شده و به ضعفها و اشتباهات و گناهان خود اعتراف می نماید و از این مقوله است دعاهای انبیا و ائمه اطهار و

اطلاعات ۶۶/۳/۱

سخنان امام در عید فطر
"انبیا به ما تعلیم میدادند و اینطور نیست که دعا برای تعلیم ما باشد. دعا برای خودشان بوده است خودشان میترسیدند از گناهان خودشان گریه میکردند تا صبح. از پشیم گرفته تا امام عصر سلام... همه از گناه میترسیدند. گناه آنها غیر از این است که من و شما داریم. آنها یک عظمی را ادراک میکردند که توجه به کثرت از گناهان کبیره است....."

در روال جاری و عرفی معارف اسلامی معمولا از عیب ائمه نظیر دعای کمیل، صباح، و مناجات شعبانیه و دعای عرفه است. چرا اینها عملا از سنت یعنی کلام و قول معصوم حذف شده اند. و با تمامی انسجامش به آنها استناد نمیشود.

ساله مسئله بزرگی است آنها در مقابل عظمت خدا وقتی که خودشان را حساب میکنند میبینند که هیچ نیستند. هیچ ندارند. واقع مطلب همین است جز او کسی نیست. وقتی که توجه کنید به عالم کثرت ولو به امر خدا آن است که نسبت میدهند به رسول خدا که فرمود "لیغان علی قلبی و انسی لاستغفرا... فی کل الامور سبعین مره" آنها غیر از این مسائل بوده است که پیش ما هست.

برخلاف آنچه معروف است ائمه اطهار برای یاد دادن به دیگران دعا نمیکردند بلکه دعاهای آنها حالت مواجهه با خدا را میرساند. در بین نیروهای مذهبی اگر کسی چنین حرفی را میزد منزوی میشد و حالا هم بسیاری از مذاهب قبول ندارند که این دعاهای زبان دل ائمه اطهار باشد. امام خمینی از این موضع است که اساس احکام را مواجهه با خدا میداند که امتیاز است نسبت به آموزشها و فقه رایج. همچنین امام در روش توشه گیری از قرآن به این روایت معتقدند که "انما یعرف القرآن من خوطب به" یعنی قرآن را کسی میشناسد که مورد خطاب آن قرار بگیرد و از آنجا که پیامبر صورا خطاب آیات قرآن بود مانند لندا

هر اندازه انسان قادر باشد لذات شهوات دنیوی را ترک کند مرتبه بالاتری در ضیافت... دارد. بنظر میرسد امام سه مرحله برای مبارزه با نفس و شهوات قائل شده اند. ۱- مبارزه با شهوات جسمانی و طبیعی که گریه مشکل است ولی از دوی و صوی آسانتر است. ۲- مبارزه با شهوات تخیلی و مثالی که بنظر میرسد حالت کمسانی باشد که چیزی را از اموالشان اهدا کرده باشند ولی تصور و تخیل آن هنوز از ذهنشان بیرون نرفته است.

۳- مبارزه با شهوات عقلی و روحانی که این صوی از نوع اول و دوم سخت تر میباشد. و بنظر میرسد مثال کمسانی باشد که صاحب یک تر و نظریه باشند که سالها آن را تدریس کرده و به اصطلاح جسز و منافع فکری آنها شده گرچه چنین اشخاصی ممکن است خیلی هم ساده زیست و جسدان به کف باشند ولی حاضر نیستند از منافع فکری و عقلانی خود دست بردارند.

نکته دوم - مطلبی بود که امام راجع به دعاهای انبیا و ائمه اطهار گفتند که بنظر ما اولاً - نقطه عطف بزرگی بود در روش تفسیر قرآن. ثانیا - آغاز تحولی است در آموزش حوزه های علمیه

درک کامل با ایشان است و هر انسانی به هر اندازه که نیازمند آنست خود را در مواجهه با خدا قرار دهد به همان نسبت در معرض توشه گیری از قرآن قرار میگیرد. امام گفتند برای ائمه توجه به کثرت از گناهان کبیره بوده است. با توجه به اینکه انبیا پدیده ها را آیه و اثر خدا دانستند و طریقه ایشان این نبوده که از کثرت به وحدت یا از پدیده به خدا برسند لذا مطلب بسیار ظریف میشود که همان دعای امام حسین (ع) است که میفرماید: اللهم تزدنی فی الآثار یوجب بعد التزاور خدا را تودر در آثار تو موجب دوری زیارت از تو میشود. وقت شود که راه بشر را می است از پدیده به خدا و از کثرت به وحدت ببینید این دیگر چقدر انحراف و حجاب بزرگی است.

اینکه امام اینقدر روی ادعیه وارد تکیه دارند و اینکه امام صوکی ماه رمضان را ادعیه وارد در آن ماه دانسته علتش این است که ادعیه کلید فهم قرآن است و ضیافت خدا وارد نشویم و با خدا حرف نزنیم نمیتوانیم از قرآن توشه گیری درستی بنمائیم. بجای در این است که فقه اصغر را اما از فقه اکبر تغذیه شود و احکام در رابطه با خدای حی و زنده پویا و همیشه بهار گردد.

انکار ادعیه انکار اقوال ائمه است

"خداوند به ما نصیب کند که ما انکار نکنیم این مسائل را. از جمله چیزهایی که سد راه انسانیت است انکار مقامات است. محصور کردن همه چیز را در این چیزهایی که ما میفهمیم. اگر یک کسی یک قدم بالاتر بگذارد و بولفظاً، این از دیانت به نظر آنها خارج شده است. این سد راه است. قدم اول بقطعه است. انسان باید بیدار بشود. ما همه الان در خوابیم. الناس نيام وقتی اگر موت حاصل بشود برای انسان آنوقت انطباق است ولی کو که حاصلی بشود عمده این است که انسان این مسائل که وارد شده است ملاحظه کند که تمام آن چیزی که در گفتار اهل معرفت علمی است در ادعیه مافوق است. اگر انکار کردید انکار آنها هم کردید انکار اقوال ائمه علیهم السلام هم کردید ولو نگوید انکار ائمه است. این انکار سد راه انسان است. نیگدار انسان یک قدم بالا برود و این مآرب نفسانی و هواهای نفسانی سرچشمه تمام مفاسدی است که در عالم هست. این مفاسدی که دنیا را به آتش زده است و دنیا در آتش از دست آنها میسوزد.

در روال جاری و عرفی معارف اسلامی معمولا ادعیه ائمه نظیر دعای کمیل، صباح، مناجات شعبانیه و دعای عرفه. چرا اینها عملا از سنت یعنی کلام و قول معصوم حذف شده است و با تمامی انسجامش به آنها استناد نمیشود. گویا علتش همین باشد که امام خمینی گفته اند و آن عدم تبیین و عدم توجه به این مقامات عرفانی و یا انکار این مقامات باشد. ولی استدلال امام خمینی بسیار جالب است که اگر ادعیه ائمه انکار شود انکار اقوال آنها بمعنی انکار سنت است.

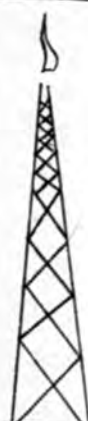
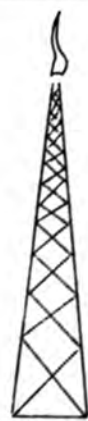
ادعیه ائمه در حالتی است که ائمه خود را در محضر خدا میدیدند و استناد به این ادعیه که در اوج عرفان و مناجات در برابر خدا به کلام و قول در آدمی است قویتر است تا استناد به دیگر روایات.

حذف ادعیه از سنت شاید بدین علت بوده که تبیین از این دعاهای نبوده. حالا این صحبت امام راه را بقیه در صفحه ۵

انحراف را با نور هدایت خدا و با سم رب مستقیم کنید

آیا فروش نفت تنها راه حفظ نظام

جمهوری اسلامی است؟



نفت : ادامه فعالیت کارخانجات

میگویند اگر نفت نفروشیم کارخانه‌ها بدلیل نبودن مواد اولیه تعطیل میشوند و کارگران بیکار میشوند و بدین حال آن بحران بیکاری بوجود میآید و ثبات نظام جمهوری اسلامی در خطر قرار میگیرد. مخصوصاً که در میان کارگران ناراضی گروههای کمونیستی نفوذ کرده و خطر جدی برای نظام میشوند.

نفت : بودجه فعالیتهای عمرانی چهار سازندگی

میگویند تمامی فعالیت های عمرانی چهار سازندگی در روستاها با درآمد حاصله از فروش نفت است و در صورت قطع درآمد نفت این فعالیت ها هم راکد میشوند.

نفت : وسیله ای برای نیل به خودکفائی

میگویند برای رسیدن به خودکفائی میبایست از یک دوره وابستگی گذر کنیم چرا که تمامی صنایع ما در حال حاضر وابسته اند و ما میبایست نگذاریم که این کارخانه ها از کار بیافتند. بلکه فعلاً میبایست مواد اولیه خرید و کارخانه هارا سرپا نگاه داشت تا کارگران و مهندسیان و ما اندک اندک تخصص و تجربه پیدا کنند. مواد اولیه در داخل تولید شود و خودکفائی تحقق پیدا کند. . . . و بالاخره فعلاً میبایست نفت فروخت

جریان قوی ای در جمهوری اسلامی بر این عقیده است که برای حفظ نظام جمهوری اسلامی میبایست خط مشی فروش حد اکثر نفت را دنبال کرد. اساسی ترین استدلال های این جریان به قرار زیر است :

نفت : بودجه جنگ

میگویند اگر نفت نفروشیم نمیتوانیم جنگ را اداره کنیم. سلاح و مهمات نمیتوانیم بخریم. حتی مواد اولیه مهمات و ادواتی که در داخل توسط صنایع نظامی سپاه و ارتش ساخته میشود را نمیتوانیم وارد کنیم. تدارک بسیج های بزرگ بسوی جبهه خود احتیاج به بودجه عظیمی دارد که بجز با فروش نفت نمیتوانیم آن را تامین کنیم (حقوق رزمندگان - خرج لباس و غذا و دارو و . . . لذا بدون فروش نفت خط اصلی دولت پیش نمیرود و اگر در این جنگ شکست بخوریم نظام جمهوری اسلامی سقوط میکند.

نفت : حقوق کارمندان

میگویند اگر نفت نفروشیم حقوق کارمندان ادارات مختلف را نمیتوانیم بدهیم، لذا کارمندان از کار بیکار میشوند و موج ناراضی ایران را فرا میگیرد. . . . و رشد این ناراضیها نظام را به سقوط میکشاند.

نفت : سوسید ارزاق عمومی

میگویند اگر نفت نفروشیم سوسید نان و گوشت وارداتی را نمیتوانیم بدهیم دارو و وسایل پزشکی نمیتوانیم بخریم، گرانی میآید و خواهد کرد. . . . و بالا رفتن قیمت ارزاق، موج ناراضی را در امن خواهد زد و این ناراضی جمهوری را به سقوط خواهد کشاند.

نفت : عامل مقاومت در برابر بخش خصوصی

میگویند اگر نفت نفروشیم بخش خصوصی بدلیل داشتن بیش از ۱۲۰۰ میلیارد تومان نقدینگی کنترل اقتصاد را در دست خود خواهد گرفت و دولت سقوط خواهد کرد و جریان سرمایه داری روی کار میآید.

نفت : بودجه مسائل حفاظتی

میگویند اگر نفت نفروشیم هزینه کار اطلاعاتی امنیتی و حفاظتی را از کجاست تامین کنیم. و ما تعطیل شدن این سیستم تروریسم براحتی خواهد توانست مسئولین را ترور کند و با ترور مسئولین نظام سقوط خواهد کرد.

بوروکراسی عریض و طولی که در زمان رژیم گذشته پایه ریزی شد و هم اکنون نیز بصورت یکی از بزرگترین معضلات دولت است، بر پایه درآمد نفت بنا نهاده شد. ظریفی میگفت

زمانی وقتی من پرسیدم که فلان کارخانه است میگویند: دیپلمه است یا لیسانس است. یعنی نفس دیپلم و یا لیسانس داشتن بمعنای کار و کسب داشتن بود. نظام گذشته هر مدرک داری را به راحتی در درون نظام خود جای میداد و با پرداخت ثمن بخس زندگی او را به وجود خود وابسته میکرد. آقای لا ریجانی چند وقت پیش به نکته

ظریفی اشاره کرده بود. او میگفت: ۲۰ میلیارد دلار درآمد نفت معادل سود ۲۰۰ میلیارد دلار تولید صنعتی هر کدام از کشورهای صنعتی است. سودی که پس از طی تمامی مراحل تهیه مواد اولیه، نصب کارخانه، تولید، بازاریابی و صدور و فروش . . . توسط یک ملت حاصل میشود

و درآمد سالیانه ۲۰ میلیارد دلار که فقط از فروش نفت حاصل میشود، ملت ما را به اندازه سالی ۲۰۰ میلیارد دلار تنبیل کرده است. این تنبیل نقش مهمی در مقاومت عمومی در برابر خط مبارزه با امپریالیسم خط مبارزه با اسرائیل و خودکفائی دارد. رفاه ناشی از درآمد نفت روحیه ای را در مردم بوجود آورده است که براحتی هر حاکمیتی را تحت تاثیر خود قرار میدهد و جامعه را به سوی سکون و آرامش، درآمد زیاد و فراوانی بدون زحمت تولید میکشاند و در شرایط فعلی رسیدن به این آرامش بجز با دست برداشتن جمهوری اسلامی از مواضع انقلابی و ترك خط مشی آزادی قدس میسر نیست.

برای مقابله با این معضل، راه اساسی ایجاد زمینه عملی برای تحقق خودکفائی و رهایی از وابستگی و هم زمان با آن مبارزه سیاسی ایدئولوژیک با نهاد های وابستگی است. این مهم هم تنها در دل خط مشی اصیل و توده بسیج کن آزادی

میگویند اگر نفت نفروشیم، سوسید نان و گوشت وارداتی را نمیتوانیم بدهیم. . . . گرانی پیدا خواهد کرد. . . . و بالا رفتن قیمت ارزاق، موج ناراضی را در امن خواهد زد و این ناراضی جمهوری اسلامی را به سقوط می کشد.

کاهش اتکا به نفت و رشد ابتکارهای مردمی در جنگ

این جریان توجه نمیکند که متکی کردن حرکت جبهه ها به درآمد نفت باعث کم بها دادن به ارزش نیروهای انسانی و ابتکارهای مردمی و پرهیزا دادن به عامل ابزار جنگی خواهد شد. و این امر باعث آن خواهد شد که سردار سسای و تربیت چریک رزمنده که اساسی ترین پشتوانه در تداوم خط مشی قدس و ضامن اصلی حفظ کشور در برابر تهاجمات آینده استکبار جهانی است، به بونه فراموشی سپرده شود. زمانی برادر محسن رضائی میگفت بزرگترین منبع تامین سلاح ما در جنگ، ارتش عراق است. و بواقع بزرگترین پیروزیهای ما در عملیات هائی بوده است که با اتکا به ابتکار نیروهای انسانی، سلاحها و انبارهای مهمات دشمن را دست نخورده تصرف کرده ایم.

کاهش اتکا به نفت و رشد خود کفائی تسلیحاتی

این جریان توجه ندارد که وقتی متکی به درآمد نفت نباشیم بناچار مواد اولیه سلاحها و مهمات تولید داخل را هم خود ما در داخل تولید میکنیم و در صورت عدم امکان تولید در داخل براحتی با تولید و صدور صنایع و محصولات کشاورزی میتوانیم دست به واردات این نوع مواد اولیه بزنیم و انگهی عدم امکان خرید مواد اولیه برای ساخت ادوات جنگی ما را از راه اندازی پروژه های بلند پروازانه ای که نتیجه ای جز وابستگی به کشورهای تولید کننده مواد اولیه همسان شدن با لشکر دشمن را ندارد، باز خواهد داشت. برای نمونه میتوان به پروژه تولید موشک دور برد اشاره کرد تولید این گونه سلاحها دست ما را در عمل مقابله به مثل موشکی باز خواهد گذاشت هر لحظه بکارگیری این شیوه مقابله به مثل ضربه ای به صدور انقلاب و افولی در انقلاب

جمهوری اسلامی تبلور جریان استقلال طلب و عدالت خواه مردم است و شیوه ها و سیاست ها میبایست به گونه ای باشد که اهداف فوق را تحقق بخشد.

ما را در بر خواهد داشت.

کاهش اتکا به درآمد نفت و رشد روحیه تمام گری در مردم منطقه

این جریان توجه ندارد که این دفع تجاوز با سلاحهای خودکفائی با سلاحهای به غنیمت گرفته شده از دشمن است که خود کم بینی توده های منطقه را در برابر ارتشهای امپریالیستی از بین برده، نیروی آنها را آزاد کرده و آنها را به قیام علیه مستکبران و حاکمیت های وابسته کشورشان می کشاند. کما اینکه تحقق این امر را در بسیج حزب الله لبنان و شکست نیروهای امریکائی فرانسوی و اسرائیلی و اخراج مفتضحانه آنها از خاک لبنان مشاهده کرده ایم. همچنین این قیام مردم و مبارزه با کوکتل و سه راهی با تانکهای بزرگترین ارتش خاورمیستانه

این جریان به این مهم توجه نمیکند: جمهوری اسلامی تبلور جریان استقلال طلب و عدالت خواه مردم است و شیوه ها و سیاست ها میبایست به گونه ای باشد که اهداف فوق را تحقق بخشد.

طایفه نفتی بوروکراسی نفتی

این جریان توجه ندارد که یکی از اساسی ترین عوامل وابستگی ایران به غرب، اتکا به الحصار به درآمد نفت بوده است. درآمد سرشار نفت باعث شده است که در کشور ما طی سالها ن متمادی طبقه ای شکل بگیرد که بدون کار و کوشش انتظار رفاه و فراوانی را دارد.

تکیه به خدا کنید و به نفت و سلاح تکیه نکنید. امام خمینی

آیا فروش نفت تنها راه ...

و سرنگونی نظام شاه بود که قیام علیه قدرت های وابسته را به مردم مستضعف منطقه یاد داد. در صورتیکه در صورت پیروزی در جنگ با اتکا به درآمد نفت
صدور انقلاب یعنی قیام مستضعفین علیه مستکبرین تحقق پیدا نخواهد کرد و این توهم در اذهان مردم مستضعف منطقه باقی خواهد ماند که ما که نه نفت داریم و نه سلاح چگونه میتوانیم بردشمنان خود فائق آییم.

کاهش اتکا به نفت و گسترش عملیات سیاسی امان و سرتاسری

این جریان توجه ندارد که در صورت نداشتن درآمد نفت، بعثت فقدان بودجه برای انجام عملیات بزرگ و گسترده، بناچار بسوی اجرای بسیج های کیفی و بکارگیری نیروهای کیفی و تربیت چریک پیش خواهیم رفت و این امر مهم ترین مشکل فعلی جنگ یعنی ضعف در کادر سازی و عدم هماهنگی پیش روی ما باشد و قیام گری مردم عراق را حل خواهد کرد.

کاهش اتکا به نفت و مردمی تر شدن مبارزه در عراق

این جریان توجه ندارد که در صورت عدم دسترسی به درآمد سرشار و باد آورده

نفت، مجاهدین عراقی بجای تکیه بر جمهوری اسلامی و بودجه آن بسوی پیوند خوردن با مردم خود و تأمین بودجه قیام مردم عراق از خود مردم عراق پیش خواهند رفت، شیوه ای که در طول بیش از ۲۰ سال مبارزه و حرکت توسط نیروهای انقلابی و روحانیت مبارز ایران بکار گرفته می شد. و این امر هم به مردمی تر شدن مجاهدین عراقی، مردمی تر شدن مبارزه در عراق (بدلیل روی آوردن نیروهای مبارز بسوی مردم عراق) خواهد انجامید و هم سلامت حکومت آینده عراق را تضمین خواهد کرد. چرا که

میتوانند مملکت را بچرخانند، یعنی هرکس نفت در دست داشته باشد مملکت را در دست دارد. لذا در برهه های توجیستی و رخوت در پیگیری امر جنگ در میان مسئولین وجود داشت.

حتی مسئولی در یکی از عملیاتها گفته بود اگر شکست بخوریم بهتر از این است که پیروزی بنام بنی صدر باشد. غافل از اینکه در ایران انقلابی ثبات سیاسی از آن کسی است که صادقانه در خط مشی قدس و کربلا بجنگد و بر توده های مستضعف تکیه داشته باشد چیزی که لیبرالها از آن محروم بودند



در صورت پیروزی در جنگ با اتکا به درآمد نفت و سلاح های خریداری شده توسط این پول، صدور انقلاب یعنی قیام مستضعفین علیه مستکبرین تحقق پیدا نخواهد کرد و توهم در اذهان مردم مستضعف منطقه باقی خواهد ماند که ما که نه نفت داریم و نه سلاح چگونه میتوانیم بردشمنان خودمان فائق آییم.

در کوره يك مبارزه دراز مدت مردمی و خودکفا، سره از ناسره شناخته شده و رهبران واقعی مردم به آنها شناسانده خواهند شد. این جریان توجه ندارد که در صورت گام برداشتن بسوی خودکفائی و نومید شدن مسئولین از درآمد نفت اتکا به نفس جمهوری اسلامی بالا رفته و باعث آن خواهد شد که

نفت و تحکیم موقعیت سیاسی ایران در يك کنفرانس بین المللی در جهت کسب پیروزی سیاسی و اختتام جنگ، عملیات نامتناسب با توان جبهه ها انجام پذیرفته است. اصالت نفت در دیدگاه اغلب مسئولین در برهه های از جنگ باعث شده بود که احساس کنند لیبرالها با درآمد نفت

آفرینی در درون نیروهای دشمن باشد. اینکه خدای متعال را در جنگ انهدام نیرو و تجهیزات دشمن بگذاریم یا این هدف مقابله است چرا که نیروهای دشمن از قابلیت های بالقوه ای هم برخوردارند که میتوانند

نظریه پنجم معتقد است که ایران عراق از حمله ناوگانهای بیگانگان

رقیه از صفحه ۵

و این عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكافرين حصيراً

و این است پایان فضاخت بار دخالت تجاوزگران! آمریکا در خلیج فارس نیز جزایین سرنوشتی نخواهد داشت.



انفجار و ... خروج مفتوحانه از لبنان



ورود گردنکشان آمریکایی به لبنان

در خلیج نگران هستند و مایل به این حضور نمیباشند و از قدرت فزاینده آنها در خلیج رضایتی ندارند لذا کشتی شورو، توسط ایران و کشتی آمریکایی توسط عراق مورد حمله قرار گرفتند. البته در این نظریه بطور تلویحی ایران ضد شوری و عراق ضد آمریکایی، قلمداد میشوند. این نظریه به این صورت هم مطرح است که بین دو ابر قدرت صائلی از قدم بر سر حضور در خلیج فارس وجود داشته و تعارض منافع دو ابر قدرت یکی از عوامل این حمله بوده است. والسلام

در زمانهایی بفتح انقلاب اسلامی عمل نمایند مانند جریان رزمنه و آمریکایی.

دو یا سه هفته بعد از زدن کشتی آمریکایی روزنامه رسالت در یکی از سرمقالات خود در این مورد نوشت این عملیات خودجوش بوده و تنها نقطه ابهام آن این بود که چرا خلبان هواپیما به ایران پناهنده نشده است.

حمله به رزمنه و عکس العمل ایران عراق از حضور ابرقدرتها

میدهد که جنگ ایران عراق هر چه زودتر پایان یابد.

قاطعیت امپریالیسم بر روی اتمام جنگ از اینجا ناشی میشود که اینگونه حرکت خودجوش از درون نیروهای باطل ضربه مهلکی است بسوی امپریالیسم و آنها میخواهند جلوی رشد این حرکات را سریعاً بگیرند آنها میدانند که اینگونه عملیات را جنگ ایران عراق و صدور شیوه های انقلابی ایران به منطقه میدانند.

با این نظریه این مطلب نیز مرسوم که باید اساس جنگ ما بر حور

ملتای مسلمان باید بدانند که ایران کثرتی است که رسماً با آمریکا میجنگد امام خمینی

دادن موقعیت خود نیست و برای حفظ خود حاضر است جنجالی در منطقه و خلیج برپا کند و امپریالیسم را مجبور نماید برای حفظ منافعش در خلیج از صدام حمایت کند. این حرکت اختطاری بود به سران امریکه اگر امریکه قصد حذف صدام را داشته باشد او منطقه را به آتش خواهد کشید.

۳- ثبات نفتی، به ضرر عراق است

نظریه سوم معتقد است که عراق نمیخواهد ابو قدرتها با حضورشان در منطقه ثبات نفتی را حفظ کنند چرا که حفظ این ثبات بفتح ایران است زیرا ایران میتواند نفت خود را از منطقه صادر کرده و جنگ را ادامه دهد. در حالیکه عراق دسترس به خلیج فارس ندارد تنها راه دستیابی عراق به خلیج از طریق بندر فاو بوده که اکنون در دست رژیمدگان اسلام قرار دارد.

راه دیگر فروش نفت عراق از طریق خط لوله کرکوک - مدیترانه است که امنیت آنهم توسط کردهای مبارز عراقی به خطر افتاده است. راه دیگر صدور نفت عراق از طریق بحر احمر است که تلحه خانه رهیل چند بار توسط تویها و هواپیما عانایرانی ضربه خورده است. بهر حال در صورت امنیت نفتی خلیج این ایران است که برای ادامه جنگ از آن بهره برداری میکند.

۴- حرکت خودجوش

نظریه چهارم معتقد است این حرکت خودجوش خلبانان عراقی بوده است چرا که اولاً در درون ارتش عراق جریاناتی با انگیزه های ضد امریکایی وجود دارند این انگیزه از موضع ناسیونالیسم عرب و ضد صهیونیسم می باشد و امریکا از صهیونیسم حمایت میکند.

ثانیاً ارتش عراق ارتشی است با آموزشهای روسی که در این آموزشها افسکار ضد امریکایی نیز تربیه میشود.

حال این سؤال مطرح است که چرا خلبانان عراقی به ایران پناهنده نشدند؟ بنظر می رسد خلبانان فکر میکردند با (وجود ادعای) ضد امریکایی بودن صدام و ارتش عراق او در بازگشت امنیت خواهد داشت چرا که اعدام او باعث انزوای صدام و حزب بعث در جنتا جی از ارتش عراق میشود با توجه به اینکه با افشای جریان ملک فارلین اینگونه افراد اعتماد خود را نسبت به ایران از دست داده باشند.

خبرهایی وجود دارد که صحت این نظریه را تأیید میکند. از جمله اینکه خلبانان هواپیما در بازگشت به عراق بازداشت میشوند و یا هیئت امریکایی که برای تحقیق پیرامون حادثه به بغداد رفته بود دولت عراق از بازجویی خلبانان توسط این هیئت جلوگیری بعمل آورده بود. اکنون بعد از گذشت زمانی از این حادثه هنوز دقیقاً اصل ماجرا مشخص نشده است و علت حادثه به سکوت برگزار شده است.

نظار حمدون سفیر عراق در امریکا در گفتگویی پیرامون این حادثه گفته بود اوضاع در خلیج فارس در حال انفجار است و اگر این جنگ تمام نشود حوادثی به اشتباه رخ خواهد داد که ما مایل به دیدن آن نیستیم. چیزی که امپریالیسم از آن وحشت دارد این است که این عمل یک حرکت خودجوش همچون سلیمان خاطر در مصر باشد. در اینصورت دیگر امریکا در همین جا دنیا امنیت نخواهد داشت و حتی در مقابل متحدین خود نیز وادار به دفاع میشود.

در این حادثه ناخدای کشتی با وجود نزدیک شدن هواپیما به کشتی و اخبار به خلبانان علیه هواپیما اقدامی انجام نداده بود چرا که به همین وجه باور نمیکردند که هواپیما عراقی قصد انجام عملیات علیه آنها را داشته باشد. ملوان کشتی گفته بود ما از آنجایی ضربه خوردیم که باور نمیکردیم یک کشور دوست قصد ضربه زدن به ما را داشته باشد. البته بعداً در گزارش هیئت اعزامی به عراق آمد که از آنجایی که عراق کم خطرتر از ایران بود ملوانان باور نمیکرد که مورد حمله قرار گیرد توجه شود که امریکا بزرگترین مدركی که داد اعلام ملوان کشتی بود که گفت باور نمیکردیم یک کشور دوست (عراق) به ما حمله کند و آشکارا طرفداری امریکان نسبت به عراق منحصراً شد و حتی رضاپهلوی هم اعتراف کرد که امریکا بیطرفی خود را نقض کرده است در حالیکه در گزارش هیئت اعزامی عنوان کشور دوست به عراق اطلاق نشده است و گفتند که عراق کم خطرتر است.

ریگان بعد از حمله به رزمناو با عصبانیت گفت ما منتظر پاسخ عراق هستیم ولی یک روز بعد از این جریان بدنیال تبلیغات رجوی که میگفتند علت این حمله جنگ است ریگسسان نیز اعلام کردند که این حرکت نشان

پتیه در صفحه ۴



در مورد این حادثه تحلیلهای مختلفی وجود داشته در این مقاله برآنچه که این نظرات را با ذکر دلایل آن بیان می آوریم :

۱- اقدام بغداد در جهت نسبت دادن آن به جمهوری اسلام

عدهای معتقدند با توجه به زمینه های قبلی که در خلیج ایجاد شده بود و زدن یک کشتی شوروی و تویهی و برخورد یک کشتی شوروی با مین سربما این حرکت به حساب ایران گذاشته شود و امریکا را وادار به عکس العمل کند و سریع علیه ایران بنماید. چنانکه بعضی از رسانه های غربی نیز ادعا کردند با توجه به اینکه این حادثه در نزدیکی سواحل قطر تا جزیره خارک صورت گرفته میتواند اقدامی از سوی بغداد در جهت نسبت دادن آن به جمهوری اسلامی باشد.

۲- باج خواهی دولت عراق از امریکا

نظریه دوم این است که زدن کشتی توسط عراق یک نوع باج خواهی است. این باج خواهی به دلایل زیر می باشد. الف- عراق از ارسال پنهانی اسلحه امریکایی به ایران نگران است و این عمل واکنشی در قبال این حرکت بوده است.

ب- در گزارش کمیسیون ناهر که راجع به جریان ملک فارلین است آمده که اولیور نورت از جانب ریگان قول حذف صدام را به ایران داده است لذا صدام از این عمل امریکا به خشم آمده است. در همان زمان نیز شورای امنیت سازمان ملل عراق

چیزی که امپریالیسم از آن وحشت دارد، این است که این عمل یک حرکت خودجوش همچون سلیمان خاطر در مصر باشد در این صورت دیگر امریکا در هیچ جای دنیا امنیت نخواهد داشت و حتی در مقابل متحدین خود نیز وادار به دفاع میشود.

و با خاطر استفاده از سلاحهای شیمیایی مورد حمله قرار داده بود و باز امریکا در دادگاه لاهه ملز به پرداخت ۴۵۱ میلیون دلار به ایران شد. در مجموع فشارهایی عراق از جریانات رخ داده فوق موجب شد که این حمله انجام شود و تویهی باج خواهی از دولت امریکا بود.

ج- در خبرها داشتیم که صدام در جمع بندی که از فرار شاه ایران داشته است معتقد بوده که اشتباه شاه این بود که در برابر مخالفین سریعاً تسلیم شد در حالیکه میبایست رهبران مخالفین را اعدام کرده و یا جنگ چریکی شهر به شهر میکرد و یا قبل از ترک کشور تمام منابع اقتصادی مهم را از بین میبرد. این جمع بندی نشان میدهد که صدام به آسانی حاضر به از دست

در روز ۲۸ / ۲ / ۶۶ خبر شکست انگیزی منتشر شد خبر این بود که یک فروند هواپیمای میراز عراق با موشک اگزوسه به کشتی یو اس اس استارک در ۸۵ مایلی شمال شرقی بحرین حمله کرده است. بلافاصله پس از این خبر اظهار نظرهای مختلف نسبت به چگونگی وقوع این حادثه و علت آن شروع شد.

در امریکا وزارت دفاع آن کشور اعلام کرد "بنظر ما عراقیها سوء قصدی نداشتند و عمدی در کار نبوده است."

ریگان با شدیدترین لحنی به عراقیها اعتراض کرد. او گفت ما منتظر نتایج آن هستیم. این برخورد ریگان در وهله اول نشان میداد که نسبت به سهوی بودن این اقدام مشکوک است.

صدام نیز این حرکت را سهوی دانست و گفت هواپیماهای عراقی قصد حمله به هدفهای دشمن را داشتند نه امریکا.

سرعنت ریچارد بوری مدیر عملیات ستاد مشترک ارتش امریکا گفت این کشتی هواپیمای در حال نزدیک شدن را دیده و دو بار هشدار داده است وی میگفت نمیداند چه نوع هشدار داده شده اما مطمئن است که هواپیما کشتی جنگی را بعنوان یک کشتی امریکایی شناسایی کرده است زیرا در مورد چنین هشدارهایی عبارات واضح و ابهامناهی استانداردی وجود دارد. وی گفت پینتاکون کمانان ایده های درباره دلیل انجام این تهاجم ندارد. بوری گفت هواپیمای مهاجم عراقی موشک خود را سه کمان میر و یک موشک اگزوسه فرانسوی سناج پیمابوده از فاصله حدود ۱۹ کیلومتری کشتی جنگی استارک شلیک کرده است وی گفت چندین هدف عراقی تا کنون در طی جنگ ۶ ساله خلیج فارس تا این عمق از نواحی جنوب خلیج دیده نشده اند.

یک مقام دیگر امریکایی گفته است هشدارها توسط ناو جنگی امریکا به زبان انگلیسی و بر روی یک فرکانس برداری شناسخته شده از لحاظ بین المللی پخش شده اما امریکاییها وسیله ای در دست ندارند که مطمئن شوند خلبان هواپیما در حال توجه به این فرکانس بوده است یا خیر.

یک مقام پینتاکون گفت ما به هیچ وجه انتظار حمله ای خصمانه از جانب عراق را نداشتیم و دلایلی نیز برای این امر وجود نداشت میدانیم که تا قبل از این رویداد عراقیها به هیچ یک از کشتیهای امریکا حمله نکرده بودند. حمله در ساعت ۲ / ۱ دقیقه شب به وقت خلیج فارس روی داد. زمان حمله که در طی شب انجام گرفت عملیات شناسایی و مانند آنها دشوار می ساخت. میدانیم که وقتی یک هواپیما جنگنده در رادار خود به سوی کشتی نشانه روی میکند صفحه رادار فقط یک هدف را نشان میدهد و در تار یکی شب راه دیگری برای شناسایی فیزیکی هدف وجود ندارد.

در ایران نیز حجت الاسلام رفسنیانی نیز در این مورد گفتند معجزه ایس در خلیج فارس تکرار شد و بار دیگر اعداد های غیبی در حمایت از اسلام و انقلاب اسلامی ایران هستیم... هم امریکا هم عربستان و هم رزمناو امریکایی در جریان این حمله بودند سربانان نیز گفته اند که امریکاییها به تائید رزمناو اعلام کردند که تودر مصرین خاطر هستی و همچنین با صراحت اعلام شده است که کاپیتان نیز به هواپیما اختطار کرد که خودداری کنند. همان دستی که ابرهه را در اطراف کعبه به خاک و خون کشید و امریکا را در ابریه ذلت انداخت اینجا در برابر قدرت را به ذلت انداخت. اینها با این عمل میخواستند روز قدرها تحت الشعاع قرار دهند.

حال با توجه به این خبرها که از منابع مختلف نقل شد بنظر می رسد که هواپیماهای عراقی رزمناو امریکایی را شناسایی کرده باشد با توجه به اینکه تشخیص یک کشتی جنگی از یک کشتی نفتکش به آسانی امکان پذیر می باشد.

ما باید بر امریکا غلبه کنیم و او را در تمامی منطقه شکست دهیم امام خمینی

مقدمه :

بین ارزش سال از شروع جنگ تحمیلی توسط استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی میگذرد. بعد از سقوط سلطنت در ایران استراتژی انقلاب اسلامی آزادی فاسد بود و همچنین صد و انقلاب به عنوان اصلی ترین هدف از سوی امام مطرح شده بود. با توجه به این مسائل حمله از طرف استکبار جهانی علیه این انقلاب امری بدیهی بنظر میرسد. با توجه به مسائل فوری آماده کردن انقلاب برای یک دفاع رازمدت در برابر رفته رفته های جهانی یکی از وظایف اصلی دست اندکاران نظام جمهوری اسلامی بود.

بانگای دوباره به سیر مواضعمان در طول جنگ شد شیوه های جدیدی را مشاهده می کنیم. شیوه هایی که شعارها و ویژگی های اساسی انقلاب را به زیر سؤال میبرد. ویژگی اساسی انقلاب اسلامی، پدین آوردن یک الگوی جدید و مکتبی برای سایر انقلابات جهان می باشد. بیم آن وجود دارد که در صورت عدم تمحیح این شیوه های جدید به درج اندک اسلامی از محتوای خود خالی شده و بتدریج به صورت شکلی بدون محتوای درمی آید. هم اکنون در منطقه هستند کشورهای بی که تنها ظاهری اسلامی دارند. اینگونه شیوه ها می تواند در رازمدت نظام جمهوری اسلامی را به تعدیل بکنند. در نهایت این راه آنچه که باقی می ماند نظام مطلوب غرب خواهد بود.

برای نمونه میتوان از شیوه مقابله به مثل موشکی و بمباران شهرهای عراق بوسیله توپخانه و روبرو نام برد.

نظر امام در مورد مقابله به مثل

اگر بخاطر داشته باشیم امام است در تاریخ ۶۲/۸/۱۶ در یک سخنرانی گفتند :

"باید ابواسطه بمباران شهرهای شما و کشتن عزیزان شما عصبانی شوید و جبران کنید. اینطور این انتقام از او نیست. انتقام از او از صد امپیرید و از حزب بعث. توجه کنید که باید یک گلوله بطرف شهرهای آنها بماند. همانطور که بمبها ما مظلوم است بصره هم مظلوم است، مدلی هم مظلوم است، همه اینها مظلومند. اینها تحت ستم هستند. ما باید جهات انسانی را آخر حفظ کنیم، جهات انسانی را باستانی تا مرز شهادت و فوت حفظ کنیم و هیچ وقت عصبانی نشویم که او در این کار را میکند پس ما خوب است یکی از شهرهای او را بزنیم. الان بسیاری از شهرهای آنها زیر بمباران است و روزمندان ما می توانند آنها را بمباران کنند"

نظر امام خمینی درباره :

مقابله به مثل

ابداً هم کاری نکردند و نباید هم بکنند برای اینکه مردم شهرها را نمی دارند. ما در جنگ باید حلوی او را بچیریم و رنجند باید صدات خود را به او وارد کنیم و او را محکوم کنیم و معدوم کنیم شما برای خدا جهاد می کنید. آنها برای شیطان جهاد می کنند. آنها تابع شیطان هستند شما تابع خدا هستید. این فاصله میان این دو امر است. توجه کنید که این همان است. من به آن قدر تمذانی که در جبهه ها ایستاده اند و الان مستاصل گردانند صدام و صدامیان را عرض میکنم که باید این قدرت اسباب این شود که انتقامی برخلاف این موازین الهی گرفتند شما تا بحال بنایتان بر این بوده است و انشأ... از حالا به بعد باشد که شهرهای عراق را که ما عزیز می دانیم مثل شهرهای خودمان و بعضی هایسن را بسیار بالا تر، باید توجه کنید که هالی شهرهای ما مبتلا هستند، آنها بیشتر مبتلا هستند.

این سخنان امام یعنی ولی فقیه و رئیس شرع و قانون و سیاست در جمهوری اسلامی، بسادگی روشن می سازد که اولاً "بمباران شهرهای عراق انتقام از صدام نیست بلکه حمله به افسردگی است که در جنگ علیه ما شرکت نداشته اند"

ما باید جهات انسانی را تا آخر حفظ کنیم، جهات انسانی را باستانی تا مرز شهادت و فوت حفظ کنیم و هیچ وقت عصبانی نشویم که او در این کار را میکند پس ما خوب است یکی از شهرهای او را بزنیم. این فاصله میان این دو امر است. توجه کنید این همان است.

۶۲/۸/۱۶

و بیگانه هستند. ثانیاً حتی یک گلوله هم نیایستی به طرف شهرهای مظلوم عراق پرتاب کرد. ثالثاً جهات انسانی و اخلاقی جنگ (کشتن افراد بی گناه) را تا آخرین حد یعنی تا مرز شهادت و فوت باید حلال کرد. رابعاً ما هرگز اجازه نمی دهیم که به تمام اضطرار و استثناء به این گونه شیوه ها متوسل شویم. اصلی ترین دلیل امام برای مخالفت با شیوه مقابله به مثل در جنگ شهرها، بی گناه بودن و مظلوم بودن مردم عراق می باشد. اصلی ترین هدف جنگ بیداری و رشد



اعتمادشان به ما کم نخواهد شد. ایستادگان انقلاب اسلامی جهان می باشد. آیا شیوه های غیر الهی تأثیر بدی در نهضت های جهانی بخشن جهان که ما را الگوی خود قرار دادند، نخواهد گذاشت.

آیا بکارگیری این گونه شیوه ها اندک اندک کانون انقلاب را از رون تعدیل نکرده و آن را از الگو بودن نمی اندازد. چه بسا جریانات اسلامی در دیگر کشورها دست به این گونه شیوه های غیر الهی بزنند و توجیه شان عملکرد نظام جمهوری اسلامی باشد.

اخیراً یکی از فقهای جامعه مدرسین در مقالهای ضمن توجیه و اسلامی عنوان کردن شیوه مقابله به مثل و زدن شهرها گفته اند این کار با اجازه شخص امام بوده است. نظر اعلام شده حضرت امام و فقیه عالی قدر، غیر اسلامی بودن این شیوه می باشد و نه بنظر میرسد اثر فتوای امام تغییر کرده بود تغییر فتوای خود را بیان میکردند تا بیرون ایشان بین فتوای علنی و عمل خدای فتوا سردرگم نشوند...

واقع امر این است که این روزها همسایر استقامت است و آموزش مردم به صبر و همچنین بکارگیری شیوه های حفاظتی مثل ساختن پناهگاهها بهترین راه چاره در مقابل بمبارانهاست.

واقع امر این است که بر اثر بمباران های ماعد های بیگانه در عراق کشته می شوند و عده های هم آواره خواهند شد. صدام از این مسئله برای انگیزه دادن به سربازان علیسه جمهوری اسلامی استفاده میکند.

واقع امر این است که مادر هر عملیات بیگانه از بمبارانها، شهید و مجروح می دهیم و بهتر است بجای تحت تأثیر اعتراضات مردم واقع شدن، آنها را هم مثل مردم حزب... جبهه ها دعوت به صبر و چاره اندیشی صحیح بنمائیم.

انشأ... که برای حفظ کانون انقلاب که حامی ارزشهای اسلامی می باشد، امید داریم از این طریق اصلی ترین هدف انقلاب یعنی بیداری مردم مستضعف منطقه که زمینه آزادی کربلا و قدس شریف می باشد فراهم گردد.

در جبهه یا حوزه

انگیزه نگارش:

جریانی در حوزه‌های علمی معتمد است که حوزه فقاهت از حوزه مبارزه با ظلمت جداست. جریان ضدظلم دیگری وقتی مواجهه با این طرز تفکر گردید فقاهت را کنار گذاشته و از موضع جهاد و مبارزه با ظلمت به نفی روحانیت می‌پردازد. از آنجا که این طرز تفکر ابعا استراتژیک پیدا نموده بر آنیم تا اینکه بودن "جهاد" و "تفقه" را نشان دهیم و در این رابطه از آیه ۱۲۲ سوره توبه که همه فقها برای شریعت امر فقه است بدان استناد می‌کنند تفسیر دیگری می‌نماییم باشد که گاهی در جهت حل این مشکل برآمده داشته باشیم در گذشته در راه مجاهد شماره‌های ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ مطالبی در این خصوص آمده است.

آیه ۱۲۲ سوره توبه و دیدگاه‌های موجود نسبت به آن

وَمَا لَكُمْ أَلْتُمُونَ بَشِيرًا لَّا تَدْعُونَ إِلَّا رَجُلًا كَذَبْتُمْ عَنْهُ إِنَّ بَشِيرًا لَّا تَدْعُونَ إِلَّا رَجُلًا كَذَبْتُمْ عَنْهُ إِنَّ بَشِيرًا لَّا تَدْعُونَ إِلَّا رَجُلًا كَذَبْتُمْ عَنْهُ

ترجمه معسری: نرسد مؤمنان را که بگویند همگی پس چرا نکوید از هر گروهی از ایشان دست‌های تا دانش‌جویند در دین و تا بترسانند قوم خویش را گاهی که باز گردند بسوی آنان شاید بترسند ایشان.

نظریه اول جدایی تفقه از جهاد

برداشت مرحوم علامه در تفسیر المیزان

در تفسیر المیزان در مورد آیه ۱۲۲ سوره توبه چنین آمده است. " برای مؤمنین سایر شهرهای غیر مدینه جایز نیست که همگی بسوی جهاد بروند چرا از هر شهری یک عده بسوی مدینه الرسول کوچ نمی‌کنند تا در آنجا احکام را یاد گرفته و عمل کنند و در مراجعت هموطنان خود را با نشر معارف دین انداز نموده و آثار مخالفت با اصول و فروع دین را گوشزد ایشان بکنند تا شاید بترسند و بسوی تقوی بگردند..."

... معلوم میشود که وظیفه کوچ دادن برای جهاد از طلبه علوم دینی بوده‌اند شده و آیه شریفه به خوبی بر این معنا دلالت دارد. معانی دیگری که مفسرین احتمال داده‌اند و زیلاً پاره‌ای از آنها نقل می‌شود از سیاق آیه دور است. مثلاً بعضی گفته اند مقصود از کوچ دادن در جمله لولا نفر کوچ دادن برای جهاد و مقصود از "لیتفقوا" در شهر ماندن عده‌ای دیگر است تا وقتی آن مجاهدین برگشته این عده آنان را انذار کنند اینها و هم چنین معانی دیگری که احتمال داده‌اند از سیاق دور است و ما معترض نقل و بحث در آنها نمی‌شویم."

صداق امروزی این برداشت در شرایط فعلی انقلاب این میشود که طلاب علوم دینی به جبهه هد تروند در حالیکه نزدیک به هزار طلبه در همین جنگ به شهادت رسیده‌اند. عدم دخالت روحانیت و طلاب در مسائل سیاسی و مبارزاتی برای روحانیت بهیچ وجه پذیرفته شده و مشروع نیست.

برداشت حجت‌الاسلام مکارم شیرازی در تفسیر نمونه

در تفسیر نمونه به ظم جمعی از علمای حوزه در ذیل آیه ۱۲۲ سوره توبه چنین آمده است. (جلد ۸ تفسیر نمونه)

" نباید همه به جبهه بروند بلکه لازم است هر جمعیتی از مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند. گروهی فریضه جهاد را انجام دهند و گروه دیگری در مدینه بمانند و معارف و احکام اسلام را بیاموزند و به هنگامی که پسران مجاهدشان از میدان بازگشتند احکام و فرمانهای الهی را به آنها تعلیم دهند و از مخالفت آن‌ها انذارشان نمایند. باشد که این برنامه موجب شود که آنها از مخالفت فرمان خدا بپرهیزند و وظایف خویش را انجام دهند."

تحقیق نظر فوق در شرایط فعلی این میشود که طلاب در حوزه‌ها درس بخوانند و رزمندگان از جبهه برگشته و نزد روحانیت بروند تا انذار شوند. در حالیکه روحانیت و طلابی که به جبهه‌ها میروند همگی

تفسیر محقق

کتاب نمونه بینات در شان نزول آیات " نوشته دکتر محمدحسین و تفسیر شریفی لامجعی جلد ۲ نقل قول بالا را بدون تفسیر از امام محمد باقر (ع) نقل کرده‌اند.

روشن است که این عده از مفسرین معتقدند در جبهه جنگ و جهاد است که می‌توان تفقه نمود و فقه شد و لذا برای این دسته از افراد صلاحیت آموزش دادن تعالیم اسلام قائل شده‌اند.

در این نقل قول بنظر می‌آید که امام محمد باقر (ع) "جهاد کردن و" تفقه و شناخت اسلام " هر دو را ضروری دانستند اما بدلیل شرایط خاص شرکت در جهاد را برای افراد از روی نیت قائل شده‌اند. این شیوه سازماندهی بخاطر آنست که کادرها همه جانبیه شده و در ضمن تفقه در صحنه جهاد نیز حاضر فعال داشته باشند نه اینکه افراد یک جانبه بار آیند.

تفسیر سید قطب

سید قطب در تفسیر خود " در سایه قرآن " چنین بیان داشته است:

"تفقه و بسیجی برای جهاد است و بسیجی برای آموختن علم دین و این دو را از آن جهت " بسیج تفقه " نامید که خود همراه با سفری است و نوع دیگری از جهاد است که برای زندگی اجتماع اسلامی ضرورت دارد. . . . بسیج همگانی با " نیاز مندیهای اجتماع اسلامی " و اینکه کدام یک از آن نیازها برای پیروزی مقدم تر است اندازه گیری می‌شود. از این راه آشکار میشود که آیا بهتر آنست که همگان در میدان جنگ باشند یا آنکه گروهی چنین باشند و دیگران به کارهایی برخیزند که بوسیله آنها پیروزی در میدان نبرد کامل میشود مخصوصاً اینکه جنگهای جدید نیازمند دانشمندان در فنون مختلف و فقیهان در دین حقیقی است که باید زمام امور در دست ایشان باشد و اما فقیه دینی که از همه میدانهای نبرد دور باشد صوتی است که اسلام آنرا نمی‌شناسد و تا این اواخر هم نشناخته است."

سید قطب در این تفسیر هم تفقه هم جهاد را حرکتی بسیجی دانسته است با توجه به اینکه بسیج حرکتی اصولی و هدفدار و تابع نیاز اصالت و جامعه است.

مطالب فوق گزیده‌ای بود از مجموعه تفاسیری که در رابطه با این آیه مطرح شده است.

نظر امام خمینی پیرامون تفقه فی الدین

اخیراً برخی طلاب علوم دینی اصفهان استفتایی از امام خمینی کرده‌اند که بین جبهه رفتن و حوزه ماندن کدامیک را انتخاب کنیم؟ امام در جواب فرمودند جبهه اولویت دارد.

امام خمینی هم چنین در عید فطر سال ۶۵ فرمودند: " خدا میداند که من هر وقت نظرم به این جوانانی که عازم جبهه هستند و یا با شرف و شجاعت در جبهه‌ها میروند وقتی من آنها را نگاه می‌کنم از خودم خجالت می‌کنم. ما که هستیم من قریب هشتاد و چند سال در این دنیا خود من بوده‌ام و بقدر ایسرح چند روزی که اینها مشغول خدمت هستند خدمت نکردم ما خودمان را نساختم از من گذشت لیکن شما توجه کنید که دنیا را به چپ‌سوی نگریید."

نظر حجة الاسلام خامنه‌ای پیرامون تفقه فی الدین

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در تاریخ ۶۳/۶/۲۸ در روزنامه اطلاعات گفتند " فقه اسلامی را باید متناسب با نیاز اسلامی امروز احیاء کنیم. . . . طلبه‌ها امروز باید در صحنه‌های نبرد حضور دائم داشته باشند زیرا در جبهه‌های جنگ است که تجسم اخلاق اسلامی و

تربیت اسلامی و خطرات دشمنان اسلام مشاهده میشود. در جبهه‌های جنگ در حقیقت غلبه قدرت حق بر باطل تفقه در دین است. . . . کسانی که در آینده فقه خواهند شد همان بازوهای هستند که حرکت عظیم این انقلاب را ادامه خواهند داد. (راه مجاهد شماره ۲۷)

نظر حجت‌الاسلام قرائتی در مورد تفقه فی الدین

حجت‌الاسلام قرائتی قبل از حج سال ۶۵ بدین ضمون در برنامه تلویزیونی گفتند: " اگر حجاج در خانه خدا می‌گردند رزمندگان در خود خدا می‌گردند."

معتبرند که در آنجا از رزمندگان روحیه و انگیزه گرفته و از ایمان رزمندگان و بسیجی‌ها به عظمت اسلام و پیروزی حق بر باطل مشوق تر می‌شوند. تفسیر نمونه نظرات دیگر را نقل نکرده و بصورت احتمال آورده منجمله نظر طبری:

" هر آیه هیچگونه تقریری وجود ندارد و منظور آنست که گروهی از مسلمانان به عنوان واجب‌الکفای به میدان جهاد بروند و در صحنه جهاد به تعلیمات اسلام آشنا بشوند و پیروزی مسلمانان را بر دشمنان که نمونه‌ای از آثار عظمت و حقانیت این آیین است با چشم خود ببینند و به هنگام مراجعت به دوستان خود گوشزد کنند."

با دست‌نویس فوق بنظر میرسد که این عده از مفسرین "حوزه جهاد" و "حوزه تفقه" را جدا از یکدیگر در نظر گرفته و با کمی اختلاف تفقه را نسبت به جهاد اولویت می‌دهند. بطور خلاصه این نظریه معتقد است که یک عده وظیفه جهاد را وعده‌ای دیگر آموختن تفقه نزد پیامبر و تعلیم آنرا بر عهده داشته‌اند و این اصل را به همه شرایط منجمله زمان حال تصحیح می‌دهند.

نظریه دوم تفقه بر همه واجب است اما به نیت

برداشت طبری

در تفسیر طبری از آیه ۱۲۲ سوره توبه چنین برداشت شده است: "باید گروهی که بیرون روند همگی و چرا بیرون نروند از هر گروهی از ایشان، گروهی تا نگرش کنند اندر دین و بیم کنند گروه ایشان را چون باز آیند سوی ایشان مگر ایشان بپرهیزند" تفسیر کلبی

کلبی نیز این آیه را چنین تفسیر کرده است.

"آیت در بنی اسد آمد که ایشان را قطعی عظیم بمسئله برخاستند با زنان و کودکان به مدینه آمدند و گفتند ما آمده‌ایم تا از رسول (ص) فقه آموزیم (به این خاطر) نوحها گران کردند و راهها بنمیداشتند. خدای تعالی آیه است فرستاد که نیکو نکرند چرا از هر گروهی طائفه و جماعتی نرفتند تا در دین اسلام فقه و شریعت بیاموزند و چون نزدیک قوم خویش روند ایشان را بیچکنند و خبر دهند از آنچه خدای تعالی و رسول خدا گفته است ایشان حذر کنند از معاصی این آیه را دلیل است بر آنکه طلب علم فریضه است و اگر ممکن نشود که جمله بروند و علم بیاموزند و باز آیند قوم خود را بیاموزند و اگر ممکن باشد که همه بروند بر همه واجب بود."

واضح است که این نظریه آیه منسور را مستقل از جهاد می‌داند و معتقد است منظور از کوچ کردن فراگیری علوم نزد پیامبر بوده است.

نظریه سوم ساختن آدمهای همه جانبه - فقیه مجاهد و مجاهد فقیه تفسیر ابوالفتح رازی

ابوالفتح رازی از امام محمد باقر (ع) نقل کرده است:

" این آیه موقعی نازل گردید که عده‌ای از برای تفقه در شهر و یا بادیه اقامت نمایند و موضوع شرکت در جنگ را از روی نیت قرار داده بود."

سپس ابوالفتح رازی می‌گوید:

" اگر این قول از امام ثابت شود بر حسب سیاق کلام دور می‌نماید که فقه آموزان گروه دیگر باشند و بیرون روندگان گروه دیگر بلکه ظاهر آیه کریمه آن است که چرا گروهی بیرون نروند از هر قوم تا همین بیرون روندگان تفقه آموزند و بسوی قوم خود باز گردند. " (نقل از ص ۱۴۲) هم چنین طبری از قرطبی چنین برداشتی دارد:

" منظر این است که گروهی از مسلمانان به عنوان واجب‌الکفای به میدان جهاد بروند و در صحنه جهاد به تعلیمات اسلام آشنا شوند و پیروزی مسلمانان را بر دشمنان که نمونه‌ای از آثار عظمت و حقانیت این آیین است با چشم خود ببینند و به هنگام مراجعت به دوستان خود گوشزد کنند."

نتیجه گیری: تفقه قرآنی

۱- اغلب مفسرین پیامون آیه مورد نظری این مطلب بحث کرده اند که اصولا تفقه مذکور در آیه باید در جبهه جنگ و جهاد باشد یا اینکه تفقه در جبهه جنگ امکان پذیر نبوده و بایستی کسانی که به این امر می پردازند در جنگ و جهاد شرکت نمایند. سپس مفسرین همان شکل را به همه شرایط تعمیم داده و وظیفه عموم مسلمانها در همه زمانها میدانند. اما بنظر میرسد آنچه تاکنون و منظور اصلی آیه است "تفقه فی الدین بهرهم پیامبر باشد" خواه پیامبر در جبهه باشد یا در غیرجبهه. قرآن امر به تفقه و آموزش است که در رابطه با امامت و رهبری جامعه اسلامی باشد و از آنجا که امامت از عمل صالح زمان جدا نیست طبعا این تفقه و آموزش هم از جهاد و مبارزه جدا نخواهد بود. کما اینکه پیامبر که خود معلم فقه و آموزگار مکتب بود بطور مستمر در جنگها شرکت داشت. اگر احتیانا در جنگ در خط مقدم شرکت نکرد ولی کاملا در متن جریان بوده و در آن رابطه فعال بود.

البته آیه ۱۲۲ سوره توبه در شرایطی نازل شده که مومنین برای جنگ با دشمن بسیج شده بودند ولی پیامبر در مدینه می ماند لذا امر تفقه که بایستی در ارتباط با آن حضرت باشد در مدینه صورت می پذیرد و این شکل کاریک شیوه سازماندهی مطابق با آن شرایط بوده است نه یک خط مشی برای همه شرایط. قرآن در آیه فوق ویژگی اصلی فقه را محور بودن پیامبر یا امامت حقیقی جامعه می گیرد نه بودن مکانیکی در جبهه و نه خارج از صحنه و جهاد بودن با توجه به اینکه امامت حق بالاترین نیاز و ترک مکتبی را داشته و مستمرا در عمل صالح شرکت دارد و پیوسته تفقه و آموزش جامعه را نیز تضمین می نماید.

۲- در تفاسیر بالا بخصو ص نظریه اول "ما کان المؤمنین" را بمعنای "شایسته نیست - سزاوار نیست" نباید گرفته اند لذا آیه را اینطور معنی می کنند که نباید مومنین همگی کسب کنند و این امر را یک حکم کلی و عام و قابل تحقق در همه شرایط می دانند و چنین نتیجه گیری می کنند که یک عده موظفند و بسایند همواره به امر جهاد بپردازند و یک عده لزوما خارج از صحنه جهاد در علوم دینی تخصص شده و به دیگران آموزش دهند. در حالی که اگر بجای "ما کان المؤمنین" "ما کان للمؤمنین" آورده شده بود معنای شایسته نیست، سزاوار نیست، نباید را می داد که به برداشتهای فوق نزدیکتر بود یعنی اینطور معنی می شد. نباید مومنان همگی بکویچند جمله "ما کان المؤمنین لینفروا کافه" معنای "مومنین قادر نیستند" و "نی توانند" را می داد که نمایانگر این مسئله است که مومنان در یک مقطع در آن حد و مرتبه نیستند که همگی کوچ کنند و بسیر عمومی شوند و اگر نه مطلوب آنستکه همگی کوچ کنند. در سایر آیات قرآن نیز که ماکان "بکاررفته است بمعنای "نمی شود" "امکانش نیست" و وجود ندارد "نیست" "مستفاد میشود تا" شایسته نیست و درست نیست" مثلا "ماکان محمد ابا احدنا من رجالکم" "سوره احزاب آیه ۴" محمد پدر هیچکدام از مردان شما نیست. در آیتی هم که "ماکان ل" بکاررفته عموما معنای "شایسته نیست" "درست نیست" صلاح نیست درست در می آید.

در دنباله آیه می آید فلولا نفر. پس چرا عده ای کوچ نکنند از هر طائفه از ایشان برای اینکه در دین خود تفقه کنند . . . در این قسمت از آیه "فلولا نفر پس چرا کوچ نکنند جنبه اعتراضی و تعجب دارد و نشان میدهد که در آن زمان یک سری موانع و مشکلاتی بر سر راه سلمین بوده که قادر نبوده اند همگی به جهاد بروند لذا این طهر مطرح می کنند که حالا که همه نمی توانند بروند پس یک عده چرا نروند ؟ و اگر نه مطلوب و ایده آل این است که رفیع مانع شده و همه به جهاد بروند.

۳- بسیج عمومی حکم اولیه

از آیه ۱۲۲ سوره توبه این نتیجه بدست می آید که بسیج عمومی اصل و حکم اولیه بوده یعنی همه باید در یک جهت بسیج میشوند ولی بر طبق شرایط و نیاز جامعه اسلامی ضرورت بر این بود که عده ای نزدیک پیامبر ص آموزش دیده و تعلیم یابند که مسلما چنین فقهایی جدای از جهاد نبوده بلکه منطبق بر عمل صالح می باشد بسیج عمومی به معنای رفتن مکانیکی و شکی همه به خط مقدم جبهه نیست بلکه به این معناست که همه در جهت جنگ بسیج باشند مثلا در شرایط فعلی حکم اولیه بسیج عمومی برای دفاع از انقلاب اسلامی است منتهی چون همه

قادر نیستند به جبهه های نبرد بشتابند افراد سازماندهی شده عده ای در خط مقدم بر علیه بعثیان متجاوز عراق می جنگند و عده ای در سایر خطوط به نیاز های دیگر جنگ پاسخ می گویند. علاوه برینم که دشمن همیشه سعی دارد پشت جبهه را عم باران کند و با تضاد های کاذب در درون جامعه بوجود آورد تا شکافی بین جبهه و پشت جبهه ایجاد کرده و جبهه پشتوانه مردمی اثر را از دست ندهد یعنی کسی که به خط مقدم نیروی بایستی جهت کارش همان پیشبرد خط مقدم باشد. این مسئله بیانگر چنین واقعیتی است که تفقه و "بسیج عمومی" در آیه فوق در یک خط می باشند یعنی فقط باید در جهت نیازهای اصیل و تابع خط مشی اصلی جامعه باشد جهت روشن شدن این مطلب می توان به رابطه اقتصاد و جنگ در شرایط فعلی ملاحظمان اشاره نمود. انقلاب ما نیاز به اقتصاد جنگی دارد لذا جهت تفقه علما باید بر آورده شدن این نیاز باشد به عنوان مثال نقره مالیات را در طرح اقتصادی کشور و سر نوشت جنگ بونوع می بینیم عدم پرداخت مالیات به دولت موجب کسب بودجه در نتیجه احتیاج افزایش تولید و فروش نفت جهت تامین بودجه ملکت میشود که این خود حرکتی است در جهت تکیه پیر از حد به درآمد نفت و در نهایت ضد دفاع و مانع آزادی عدس خواهد بود. لذا تفقهی در این شرایط گره گاست که بتواند حلال تضاد های موجود در انقلاب باشد. اگر مواضع امروز روحانیون خط امام را که روی مالیات تکیه می کنند و آن را اصولی می دانند و عده ای دیگر از فقها با آن مخالفت می کنند ریشهایی کنیم باید دید گاههای فقهی فوق بر می خوریم.

تفقه قرآنی و حل مسائل انقلاب

رابطه جهاد و تفقه

امروزه مشاهده می کنیم عده ای معتقدند که برای فقه شدن بسایند به جبهه رفت و عده ای دیگر معتقدند که برای فقه شدن باید به حوزه رفت حال ما می خواهیم شیوه درست تفقه را دریابیم که جهت روشنتر شدن دیدگاههای فوق به بررسی آنها می پردازیم.

باید در ضمن اسلام شناسی و آموزش ایدئولوژی و فقهات، رزمندگی داشت و نیز در ضمن پاسداری بودن و شرکت در جنگ، طلبه خوبی بوده و از آموزش ایدئولوژی غافل نباشیم.

کدامیک از این دو نظریه اصالت دارد ؟

در رابطه با جریان اول این سؤال مطرح است که آیا دوری و نزدیکی مکانی و جغرافیایی به جبهه میتواند ملاک برای تفقه باشد. آیا می توان گفت که هر کس به هر نحوی به جبهه برود می تواند بالاترین درک را از تفقه داشته و جهت حل مشکلات موجود در جامعه حکم استنباط نماید ؟

جریان دوم خط مشی دراز مدت خود را مانند در حوزه می دانند و در نهایت معتقدند که چون ما فقه شده ایم نباید به جهاد برویم چه بسا عده ای از موضع عاقبت طلبی به آیه مورد بحث (و آیه ۱۲۲ سوره توبه) استناد می کنند که پیامبر به جهاد نرفته و به امر آموزش فقهی پرداختند لذا می گویند که جهاد از طلاب علوم دینی برداشته شده است. این شیوه تقسیم بندی وظایف و مطلق نگری با روح اسلام و شیوه حضرت پیامبر (ص) سازگار نبوده چرا که ایشان در عین حال که فقیه پرور بوده اند سالهای طولانی از عمرشان را در صحنه جهاد بر علیه دشمنان اسلام سپری نمودند.

اشتباه این جریان اینست که شخص پیامبر (ص) را در آن شرایط ثابت فرض نموده و شرایط مکانی و زمانی و موقعی و کدرای موقع نزول آیه را به همه زمانها تعمیم می دهند. درست است فقهات و علوم که مستقیما از آموزش پیامبر گرفته شود از بالاترین رشد و کمال برخوردار است ولیکن با توجه به حرکت پیامبر این فقهات با خون و شهادت عین شده است و پیامبر خود خارج از جهاد و جبهه نبود که در سکون آموزش دهد و طلاب و فقهایش را که به جهاندانته باشند بلکه آموزش پویایی داشته و شاگردان جان بگذاشتند که هر کجا نیاز بود و پیامبر بود چه در جبهه و چه در شهر برائتفقه بسیج می شدند. جریان فوق که تفقه را جدا از جهاد و مبارزه میدانند و سعی دارند

خط مشی و ذهنیت خود را به پیامبر تحمیل نمایند در حالی که بنیاد این آیه تسلیم به خط مشی پیامبر می باشد جدا از جامعه اسلامی نمی توان باشد و واضح است که کادر سازی پیامبر در جهت تحقق امر خدا و اقامه عدل بوده و این افراد آموزش دیده باید نیروی خود را در آن جهت بسیج نمایند. در همان زمان افرادی که از طرف پیامبر بسوی میدان جهاد سازماندهی میشدند مسلما در غزوات قبل با پیامبر بوده و از طرف وی آموزش دیده و به درجه فقهات رسیده که قادر بودند سربازی و فرماندهی جنگ را بر عهده گرفته و در بیکار بسا کفار شیوه های مکتبی و اصولی پیامبر را بکار برند از طرف دیگر چه بسا افرادی که در آن شرایط در مدینه نزد پیامبر آموزش دیدند در هنگامی که از طرف پیامبر و یا همراه ایشان سازماندهی و بسیج می شدند.

بنا بر این بنظر میرسد روایتی که از جانب امام محمد باقر (ع) نقل گردیده به ساق آیه نزدیکتر است که پیامبر جهاد و تفقه را از روی نصت قرار داده بودند چرا که مجاهدین موظفند پیرا با گشت نیز آموزش دیده و ضمن شرکت در عمل صالح اسلامشان را خوب باشند و فقهایان نیز ضمن اسلام شناسی درگیری مستقیم و نظامی بسا دشمنان اسلام داشته باشند. لذا جهاد و تفقه لاینفک از هم می باشد. با توجه به مطالب فوق الذکر فقهات امری تخصصی نبوده و بر همگان وظیفه است. و فقیه باید در امر جهاد و مبارزه و حل تضاد اصلی جامعه فعال شود.

تفقه فی الدین یعنی تحقق یا اجرای امر خدا و لذا هیچوجه تقاعد و گوشه نشینی از آن در نمی آید.

دور پاسدار - طلبه یا جبهه - حوزه

بنظر میرسد این شیوه پیامبر می تواند راهگشای این دور مقدس باشد که از مسائل فعلی انقلاب است. پیامبر امام خمینی فرمودند حسرت می خورم به زمانی که در حجره بودم برخی به این جمله استناد میکنند که کار اصول رفتن به حوزه است اما همین افراد پس از مدتی دور بودن از جبهه حوزه را پاسخگو میمانند و به سرگردانی مقدس دچار میشوند. و بسیار از طلبه ای هستند که ای کاش من هم یک پاسدار بودم و در جبهه جنگیدم. عده ای چنین استنباط می کنند که پاسدار شدن و جبهه رفتن کار اصلی است و ضرورتی برای آموزش ایدئولوژی و تفقه نمی بینند. اینان هم پس از مدتی در جبهه نیاز به تبیین معاد رابطه ایشان و خدا و مسئله شهادت شیوه مکتبی عدو و انقلاب و آزادی قدس و پیدا کرده و روز بروز این نیاز تشدید می گردد و جهت پاسداری این نیاز مقدس جبهه را رها کرده و به حوزه های علمی روی آورند. در حالیکه این دو نیاز لاینفک از هم بوده و باید در ضمن اسلام شناسی و آموزش ایدئولوژی و فقهات رزمندگی داشت و نیز در ضمن پاسدار بودن و شرکت در جنگ طلبه خوبی بوده و از آموزش ایدئولوژی غافل نباشیم.

۳- فقهات در کادرا امامت

نکته قابل توجه در این آیه این است که خداوند می فرماید. بسایند نزد پیامبر تفقه فی الدین نمایند. بیانگر این امر است که همیشه افراد باید جهت فقه شدن مستقیما آموزش خود را از امامت جامعه (که هم بالاترین درک و تفقه را از قرآن و مکتب دارد و هم در عمل صالح جامعه پیشتاز است امامت حق بهتری می توان اصول فطری را در افراسیدار کند و آموزش هم چیزی جز بهیاد کردن اصول نباشد) فرا بگیرند یعنی فقها باید مستقیما در خط مشی تابع رهبر اسلامی باشند. و افراد بدون توجه به استراتژی انقلاب نمی توانند فقیه بشوند و حتما به انحراف کشانده خواهند شد. چرا که حرکت در جهت نیاز اصل است و امامت تصحیح خصلت را هم بدنهال دارد. اما اغلب مفسرین به این نکته توجه نکرده اند که مقصود از آیه تفقه نزد پیامبر و امامت جامعه است بلکه بیرون رفتن در جنگ و جهاد با تفقه در شهر و خارج جبهه بحث کرده اند و نفس وجود پیامبر را از یاد برده اند.

در شرایط فعلی برای تحقق خدا - قرآن - خمینی باید از خدا شروع کرد و به قرآن رسید و بنظر ما بالاترین برداشت را امام خمینی در تفسیر سوره الحمد که مانع ادامه آن شدند از قرآن نموده اند. چرا که امام از موضع جنگ و عمل صالح آموزش ایدئولوژی داده و با همین ایدئولوژی مردم را بسیج نموده و انقلاب را رهبری کرده است و آنها از این طریق همواره در خدمت جنگ خواهند بود اما بقیه درس ۳۰

در حوزه های علمی باید تفقه فی الدین جایگزین تفقه فی العلوم شود

بقیه از صفحه ۱

۱ - ناتوانی در حل اختلافات: یک نظر معتقد است که اختلافات درونی بین جناحهای حزب بحدی زیاد شده بود که چند سال است کارشورای مرکزی صرفاً "حل اختلافات بوده و از آنجا که این اختلافات بینشی بود شورای داورى حلال اختلاف (مرحوم آیت الله املى، حجج اسلام خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، طیبی، موحدی کرمانی) نتوانست کاری انجام دهد و ناچاراً "حزب منحل شد".

۲ - اختلافات حزب جدا از اختلافات نظام نیست: نظریه ای معتقد است مسئولین حزب در راه رسیدن به توافق قرار ندادند و با بیاموری و جرایبی نظام هم دست اندر کار هستند. اگر اینها نتوانند اختلافات را در حدیک حزب حل کنند چگونه میتوانند این اختلافات را که به درون نظام جمهوری اسلامی هم کشیده شده حل نمایند و از تکرار ضربه جلوگیری نمایند. این امر موجب بدبینی به نظام هم می‌شود مگر اینکه اختلافات را ریشه‌یابی کرده و راه حل آن به مردم گفته شود.

۳ - رکود چندساله حزب: عده‌ای معتقدند مدتی است که راندمان کار حزب بسیار کم و عملاً "در حد توقف بوده در حقیقت حزب منحل بود و تازه آنرا اعلان کردند".

۴ - انحلال حزب در خط تعدیل و پایان جنگ: عده‌ای معتقدند که بافت اصلی و اسکلت و آموزش حزب جمهوری اسلامی یک بافت ضد امپریالیستی را تشکیل میداد و به اعتبار همان فرهنگ جا افتاده در اعضا و رورنایان مه‌بود که توانست جلوی خط بنی‌مدریعی خط نزدیکی به ژاپن، چین، اروپا، ترکیه و پاکستان بایستد. ولی از آنجا که یک خط مشی پایان جنگ و نزدیکی به غرب در درون حزب و نظام جمهوری وجود دارد و اسکلت حزب با فرهنگ خون و شهادت، شهدای تیرو سائیرین موی دماغ و مانع خط مشی تعدیل می‌گردد لذا با یستی حزب منحل شود تا تعدیل انجام گشته و جنگ پایان یابد.

۵ - کار حزب تمام شده: عده‌ای معتقدند که کار حزب عمدتاً "مبارزه و سرکوب لیبرالها، بنی‌صدر و منافقین بود" حال آنکه این کار انجام شده ضرورتی برای ادامه کار آن وجود ندارد.

۶ - عدم حمایت امام: عده‌ای معتقدند امام از ابتدا مخالف تشکیل حزب بودند با صحبتی که بنیاد نگذاران حزب با ایشان کردند به آن تن دادند. منتهی پس از مدتی تشکیلات خود را از حزب جدا کرده و گفتند که ائمه جمعه بجز آقایان هاشمی و خامنه‌ای نباید عضو حزب باشند. وقتی مسئولین حزب دیدند که بدون حمایت امام نمی‌توانند بکار خود ادامه دهند، حزب را تعطیل کردند.

۷ - نداشتن فلسفه وجودی: عده‌ای معتقدند که ایدئولوژی حزب با ایدئولوژی حوزه‌های علمیه و جامع‌مدرسین هیچ فرقی نمی‌کند و چون رسالت جدیدی نداشت طبیعی بود که سیر آن انحلال یا ادغام در تشکیلات حوزه باشد (گروه رسالت).

۸ - انحلال بمنظور بی‌بردن به خلافت فقه‌سیاسی - حکومتی نظری معتقد است که علت انحلال حزب را با یستی در این مسئله دید که مردم و خیلی گروهها ریشه‌نا رسا فیها در حزب جمهوری می‌دیدند ولی سران حزب جمهوری ریشه‌نا رسا فیها را در نداشتن فقه‌سیاسی - حکومتی و ناشی از یک خلافت فقهی می‌دانستند. لذا انحلال حزب یک مانور مانورانه‌ای بود که مردم و گروههای ضد حزب متوجه ریشه اصلی نا رسا فیها بشوند و در نتیجه دردها بهتر درمان شود.

۹ - آیا روحانیت توان ایجاد اداره یک تشکل اسلامی را دارد؟ عده‌ای معتقدند پس از ضربه سال ۴۳ زمان مجاهدین این جمعیتی بوجود آمده که اگر تشکلی جدا از روحانیت باشد نمی‌تواند بقا داشته و به سمت منحرف شود. انحلال حزب نشان داد که خود روحانیت هم توانایی اداره یک تشکل اسلامی را ندارد.

۱۰ - خلع انگیزه زگروههای ضد حزب: عده‌ای

معتقدند از آنجا که مخالفت با حزب انگیزه تشکیل بسیاری از گروهها منحل گردیدند سید مهدی هاشمی بود لذا بمنظور گرفتن چنین انگیزه‌هایی حزب منحل شد. ناگفته نماند که در درون حزب روابط ناسالمی وجود داشت که زمینه‌ساز مخالفت‌هایی را ایجاد می‌کرد که با ضد حزب بودن فرق دارد. صاحبان این نظریه معتقدند که گرچه اعضای گروه سید مهدی هاشمی دستگیر شدند ولی خط آنها تقویت شد و به انحلال حزب انجامید.

۱۱ - انحلال حزب مقدمه‌ای برای فتح خاکریز دوم: نظری معتقد است که انحلال حزب در خط مشی جریانی می‌گردد که گروه سید مهدی هاشمی را خاکریز اول و تحکیم وحدت را خاکریز دوم می‌داند. سپس استدلال می‌کنند که مبارزه با تحکیم وحدت ممکن نیست مگر اینکه حزب را بعنوان مقدمه منحل نمود، تا یک تشکیلات اسلامی نباشد و این منطق از بین برود که اگر در جمهوری اسلامی نباید گروه تشکیل داد پس چرا حزب جمهوری وجود دارد. باید توجه داشت که نفس وجود حزب سنگری بود برای بقا و پیرشکلها و با انحلال حزب فشار زیادی به سایر تشکلها وارد می‌آید.

در جهت ریشه‌یابی انحلال حزب و عواقب آن چند مطلب بنظر میرسد.

نظری معتقد است که انحلال حزب در خط مشی جریانی می‌گردد که گروه سید مهدی هاشمی را خاکریز اول و تحکیم وحدت را خاکریز دوم می‌داند. سپس استدلال می‌کنند که مبارزه با تحکیم وحدت ممکن نیست مگر اینکه حزب را بعنوان مقدمه منحل نمود.

عده‌ای معتقدند از آنجا که خط مشی پایان جنگ و نزدیکی به غرب در درون نظام وجود دارد و اسکلت و آموزش حزب با بافت ضد امپریالیستی اش، موی دماغ خط مشی تعدیل است.

آیا مبارزه با امپریالیسم تعطیل بردار است؟

حزب در اساساً سنا مه خود را یک حزب اسلامی و ضد امپریالیستی اعلام کرده بود و در مبارزه رهبران حزب پس از انحلال بیان و عملکرد حزب را مبارزه با بنی‌صدر و منافقین دانستند و گفتند چون این جریانات از بین رفتند ضرورتی برای ادامه فعالیت حزب وجود نداشت. حال این سوال مطرح است در شرایطی که توطئه‌های امپریالیسم با رزرترو آشکارتر شده و امپریالیسم در فضای بر علیه انقلاب حرکت می‌کند چرا می‌بایست حزب تعطیل شود. مگر از ابتدا ضرورت ضد امپریالیستی نداشت آیا صرفاً "مبارزه با نیروهای داخلی ضرورت تشکیل آن بود در حالی که در این دو سال اخیر سه توطئه مهم در جریان بوده است ۱ - توطئه کاهش فاحش قیمت نفت ۲ - ادامه بهر حمانه جنگ و کار بر دگرگانه‌های شیمیایی و زدن شهرها و تاسیسات صنعتی - نفتی ۳ - اشغال نظامی خلیج ضمناً "نباید از یاد دور کرد که حزب جمهوری در ابتدای انقلاب در تضافت قدرتی که با دولت موقت داشت بنی‌صدر را تقویت نمود و موجبات رشد و گسترش او را فراهم آورد و حتی بنی‌صدر جزو کارکنان حزب برای مجلس خبرگان بود.

آیا انگیزه تشکیل بر اساس توجیحات یا ضدیت مسئولین حزب اعلان کردند چون توطئه لیبرالها و بنی‌صدر و منافقین بر علیه انقلاب غشی شد دیگر ضرورتی برای ادامه تشکیل حزب وجود ندارد. این انگیزه یک نوع خلاق قراردادی محسوب می‌گردد چرا که علت تعاون و همکاری را بجای اخلاق فطری و الهی از ضدیت با دشمن بیرونی درمی‌آورد. لکن ضدیت با دشمن بیرونی که از بین برود علت تعاون و همکاری حزبی هم از بین می‌رود. در این رابطه مطالعه سخنرانی شهید مطهری تحت عنوان "جاودانگی و اخلاق" در کتاب یادنامه شهید مطهری جلد ۱ را بسیار مفید است ایشان معتقدند منشاء تعاون و اتحاد در اکثر اتحادیه‌های نظامی غرب بر اساس ضدیت است مثلاً "اتحادیه‌ها تا زمانی فعال است که و در شرف فعال باشد و بالعکس".

وحدت اصولی یا شعار وحدت

در جایی که اختلاف بین جناحهای حزب تا حدی است که نه تنها در امور اجرایی و مسائل ریزمره بلکه در برداشتن و اعتقاد از مبانی اسلام فاحش می‌نماید دادن شعار وحدت مسئله‌ای را حل نمی‌کند و اختلاف بینشها را نمی‌توان به حساب چپ زدگی یا اختلاف سلیقه‌ها و با عواطف گذاشت. چنانچه امام هم در پیام حج سال ۶۵ به مسئله دو عقل و دو شرع اشاره می‌کنند و این امر نشان می‌دهد که اختلافات عمیق تر از اینهاست که صرفاً "با شعار وحدت بتوان آنها را بوجدت رساند. اینگونه شیوه‌ها که در امور اجرایی هم از این دسته و هم از آن دسته افرادی را مسئولیت بدهیم تا وحدت حزبی برقرار کنیم موقتی بوده و برای درازمدت کارگشاییست چنانکه در مورد حزب دیدیم. در این رابطه بنظر میرسد راه حل اساسی این است که اولاً "نگوئیم حزب بلکه گوئیم جنبه اسلامی و آئین‌نامه‌ای برای روابط نیروها در درون جنبه تهیه کنیم آنگاه اختلافات را مرز بندی کرده و در اختیار ملت قرار دهیم. و از نیروی تمامی ملت و فضلای دانشمندان برای حل اختلافات استمداد جوئیم. باید توجه کرد که طبقه بندی و مرز بندی اختلافات و ریشه‌یابی آنها خود قدم اول است و از این طریق تمامی آحاد مردم بفراتر افتاده و کار سازی می‌شوند.

اسلام راهنمای عمل و حل تضاد دشواری و اجرا

مسئولین حزب در مصاحبه‌های دوسه سال اخیر خود مطرح کرده‌اند که عملکرد واحد ایدئولوژیک مفروضه است. در پاسخگویی به این سوال که چرا با ایدئولوژی یک حزب اسلامی با آن همه امکانات و حمایت سیاسی و مالی امام (بمنظور تبلیغات اسلامی) مفرطاً شد مطرح می‌کنند که شخصیت‌هایی که از کیفیت لازم برای برخورد فکری عقیدتی سالم و دقیق و عمیق برخوردار هستند عمدتاً "مسئولین نظام و دست‌اندرکار امور اجرایی می‌باشند و فرصت آنرا ندارند که در اینگونه مسائل وقت بگذرانند و این امر نه تنها مشکل حزب بلکه مشکل نظام هم هست. اگر از مقابله این نقطه ضعف براه حتی بگذریم و برخورد نکنیم چه بسا در آینده نیز انقلاب دچار یک چنین وضعی شود و مسئولین امور اجرایی به مرور کیفیت و عمق مکتبی خود را در برخورد با مسائل جدید ر دست بدهند و عملاً "کیفیت کار کم شود. با توجه به اینکه بخصوص در امور اجرایی بدلیل اینکه جمهوری اسلامی، ادعای اسلامی بودن دارد تحقق اصول اسلام در شیوه‌ها مسئله‌ای بسیار ظریف بوده و نیاز به عمق مکتبی و بینش سالم اسلامی دارد. بنا بر این تضادی که برای مسئولین حزب بین کار تجربی و کار مکتبی بوجود آمده همان تضاد تجربه و تئوری است که چندین سال است در میان نیروهای انقلاب وجود دارد و این تضاد صرفاً "با اسلام راهنمای عمل حل می‌شود اسلامی که در موقع عمل و اجرا راهنمای ما باشد و اولاد این محیط پرتلاطم و غرب زده ممکن است یا شرق زده شویم یا غرب زده و یا عوام زده. لازم به یاد آوری است که قبیل و بعد از سال ۴۲ نیز مجاهدین نیز همین اسلام راهنمای عمل بود که به حرکت خود بخودی نیافتند.

حزب یا جنبه

یکی از مشکلات جامعه استعمار زده این است که نیروها

در راه انبیا، خدای اول الاوین کانون یقین است

انحلال یا ...

از هم خبر ندارند. در یک چنین شرایطی همین که یک عده نیرو-
های مسلمان تحت لوای حزب متشکل شدند و به سرور
اختلافاتشان مشخص شد یک مرحله رشد محسوب می‌گردد که زمینه
مرحله بعدی یعنی حل اختلاف می‌باشد. چنانکه مسئولین
حزب جمهوری مطرح کردند اعضای حزب بدلیل مسئولیت
اجرائی در نظام اختلافاتشان آشکار شد و عدم توانایی حزب در
حل اختلافات را یکی از دلایل انحلال شمرده در صورتیکه
مسئولین حزب می‌بایست به این نکته توجه کنند که نفس آشکار
شدن اختلاف یک نقطه قوت است و باید بدنبال آن بود که آنرا
بطور بنیادین حل کرد.

باید توجه داشت که ما نایستی انقلاب را منحصر به
تجربیات و جمع‌بندیهای روحانیت بکنیم. بایستی از تجربیات
انقلاب مشروطه، شهید مدرس، مرحوم مصدق، محمداهدین و... استفاده
نمود.

مرحوم مصدق تجربیات بسا صلی در رابطه با حزب و
حیثیت داشت. او معتقد بود که در یک جامعه استعمار زده که ابادی
مردم همه جا هستند نمی‌شود یک حزب واحد تشکیل داد بلکه باید
تشکل بصورت یک جبهه یا شبکه اگر دست مرموزی در یک گروه
نفوذ کرده دیگر گروهها و جمعیتها ضربه نزنند. در همین حزب
جمهوری دیدیم یکی از نفوذیهای حزب توده توانست به
سطوح بالای تشکیلات برسد و حتی چارت تشکیلاتی حزب را تهیه
و تنظیم نماید، که پس از دستگیری سران حزب توده او هم
دستگیر شد. در جبهه اگر کودتا و یا مسائلی از این قبیل پیش
آید و یکی از گروهها ضربه خورد بقیه نهضت را ادامه میدهند.
نیاز به تشکیل جبهه بخصوص پس از پیروزی انقلاب ضرورت
بیشتری پیدا کرد چرا که ایادی مرموز نسبت به دوران مصدق
بیچیدگی و گسترش بیشتری داشتند، از طرفی تجربه‌ای که در
حزب جمهوری اسلامی جریان یافت منحصر به خود حزب نیست.
بلکه متعلق به اسلام و انقلاب است و آنجا که ما تجربه حزب
را بعنوان یک تجربه جبهه اسلامی قلمداد می‌کنیم از مسئولین
حزب خواهان آنیم که دستاوردهای حزب را در اختیار نیرو-
های انقلاب قرار دهند. قبل از ضربه سال ۵۴ مسئولین سازمان
مجاهدین فکری کردند آنچه که در دوران سازمان اتفاق می-
افتد مربوط به خود سازمان و آئین نامه درونی سازمان است
در حالیکه تمام ملت مسلمانانی که چشم امید به این سازمان
دوخته بودند آنرا بعنوان یک تجربه درون تشکیلاتی تلقی
نکردند و آن مسائل به همه انقلاب وزندانها سرایت کرد.

تجدید حیات حزب با کاروی فقه سیاسی - حکومتی

حجت الاسلام خامنه‌ای در اولین سخنرانی دوردوم ریاست
جمهوری در مشهد گفت: "فقه موجد سیاسی نبوده و پدیدار حکومت
نمیخورد."
حجت الاسلام‌ها شمی رفسنجانی نیز در هفته مجلس به
مسئله خلا فقهی اشاره کردند و در جمع بندی از عملکرد مجلس دور
دوم نقطه ضعف آنرا عدم حل برخی مسائل از جمله ملی شدن
بازرگانی خارجی، رابطه بین بخش خصوصی، دولتی، تعاونی
و... دانستند. آیا هم اکنون که آقایان بعنوان مسئولین
شورای مرکزی حزب مسئولیت و رسالت حزب را تمام شده می-
بینند بهتر نبود نیرو و توان حزب را در این جهت فعال می-
نمودند. آیا بهتر نبود که حزب در تمام مباحث حاکم بجای
انحلال یا تعطیل، روی مبنای فقه حکومتی و فقه سیاسی کار
می‌کرد.

حوزه‌های علمیه و حزب جمهوری

در شماره ۲۴ راه مجاهد سال ۶۳ مطلب دلسوزانهای تحت
عنوان "حوزه‌های علمیه و حزب جمهوری" درج شده که ذیلاً می-
آوریم. امیدواریم که مسئولین و اعضای حزب بخاطر اسلام و
انقلاب به پیشنهاد دلسوزانها توجه بیشتری بنمایند.
"از ابتدای تأسیس حزب این سؤال مطرح بود که آیا
حزب جمهوری اسلامی تشکیلاتی در برابر حوزه است؟ آیا
ایدئولوژی حزب چیزی جز ایدئولوژی حوزه است؟ آیا حزب
جمهوری می‌خواهد چیزی جز احکام حوزه را پیاده کند؟
اعضای حزب از ابتدای تشکیل حزب می‌گفتند که حزب
رسالت خاصی در مورد ایدئولوژی نداشته و هیچگونه اختلافی
با ایدئولوژی حوزه ندارد، و وجه امتیاز حزب نسبت به حوزه
فعالیتها و تحلیل‌های سیاسی و روزنامه حزب است. بعد از

تشکیل کابینه شهید رجایی که مورد تأیید مسئولین حزبی و
مملکتی، هم بود با این سؤال مطرح شد که بلحاظ سیاسی
را دیوتلوژیون خطبه‌های نماز جمعه و اجتماعات و صحبت‌های
نخست وزیر و رئیس جمهور و رئیس مجلس و رئیس دیوان عالی
کشور و پیش خطبه‌های در خط امام و اینها به نوبه خود، تحلیل
سیاسی روز را به مردم ارائه میکنند با این وجود چه نیازی به
وجود حزب هست؟ آنهم با توجه به اینکه کلیه مسئولین مملکت
یا عضو حزبند یا مورد تأیید حزب.

اعضای حزب در برابر این سؤال فلسفه وجودی خود را کار
اقتصادی و وسیع بازار در خط انقلاب قلمداد کردند. باید توجه
داشت که مسئله، صرفاً "حزب جمهوری نیست بلکه با این روند
دستاورد های مرحوم طالقانی در زمینه قرآن و سنت و همچنین
دستاورد های شهید مطهری و شهید بهشتی و شهید باهنر که در
بیرون حوزه انجام گرفته در زیر سؤال قرار میگیرد.

ما پیشنهاد می‌کنیم هم‌انطور که رهبران و اعضای حزب
رهبری سیاسی و مرجعیت امام را قبول دارند، کتابهای
ایدئولوژی امام را جزو آموزش رسمی خود قرار داده و پیام
مهم ایدئولوژیک امام در روز هفده ربیع الاول ۶۲ را در مورد
فلسفه و کتابهای ارسطو توجه نمایند. در غیر این صورت وحدت
ایدئولوژیک حزب ضعیف گشته و تدریجاً اختلافات استراتژیک

مسئولین حزب اعلام کردند
چون توطئه لیبرالها و نسی صدر
و منافقین بر علیه انقلاب خنثی
شد دیگر ضرورتی برای ادامه
نعالیت حزب وجود ندارد.
این انگیزه بگونه اخلاق قراردادی
محسوب می‌گردد چرا که
علت تعاون و همکاری را بجای
اخلاق فطری و الهی از هدییت
با دشمن بیرونی در می‌آورد.

آینا شورای مرکزی حزب که
مسئولیت و رسالت حزب را
تمام شده میبیند، بهتر
نیود که نیرو و توان حزب
را در جهت کاروی مبنایی
فقه سیاسی و فقه حکومتی
فعال می‌کرد.

بروز میکند و عمل حزب بصورت یک جبهه در می‌آید.
از آنجا که در شعب مختلف حزب یک انسجام ایدئولوژیک
وجود ندارد تحت یک فشار رقابت فرسایشی، وحدت تشکیلاتی آنهم
ممکن است از بین برود.

امیدواریم انتقادات دلسوزانهای که مسئولین فعلی
حزب در آن روزها به سازمان مجاهدین داشتند در مورد خود
حزب تکرار نگردد.

مقدم داشتن وحدت تشکیلاتی بروحدت استراتژیک و
وحدت استراتژیک بروحدت ایدئولوژیک یکبار تجربه شده
است.

امیدواریم مسئولین حزب گرچه در عمل صالح ضد کمپ دیویدی
درگیرند، از تمام کار ایدئولوژی هم‌نیا بدعاقل شوند و گرنه
مبارزه ضد کمپ دیویدی هم از مسیر مکتبی اش خارج میشود.

ریشه‌یابی مکتبی دوتنوع تشکیلات، نهاد دگرایی یا
گروه گریایی

در شماره‌های ۱۲ و ۱۴ راه مجاهد سال ۶۱ مقاله‌ای تحت
عنوان سازماندهی و مکتب درج شده است که به بررسی
نهاد دگرایی اسلامی و تشکیلات الهی پرداخته است بنظر رسید

برای کسانی که می‌خواهند تجربه حزب را بررسی کنند مطالعه
آن لازم می‌باشد. بخصوص که در آن مقاله سعی شده ریشه‌یابی
فلسفی و مکتبی از دوتنوع تشکیلات گفته شود.
مطلب زیرگزیده‌ای از آن مقاله است که خوانندگان هم‌اترا
توصیه می‌کنیم.

"از آنجا که توده‌های متضعف هدفی بحزلقا* الله و
قرب بخدا ندارند، لذا هر کس مردم میدان جنگ و عمل صالح
تشنه و نیا زمیندروابطی است که در عمل صالح و در جهت عمل
صالح بوجود آمده و با شعار "حقی علی خیر العمل" میشتابد تا به
عمل صالح و بهترین عمل برسد و زندگی خود را فدای تحقق
این عمل بنماید. در این راه از زیست و مقام اداری غیری نیست
شهادت و لقا* الله بهترین مرتبه و مقام است.

"نهادگرایی اسلامی" قبل از اینکه یک سازمان یا گروه یا
تشکیلات باشد، یک حرکت است، حرکتی بسمت خدا که در این
حرکت هدف را روبروررت الهی الله، تشکیلات هم‌ایجاد می‌گردد
شوق واد و وطنی و اختیار و تسلیم به سیر هداقتا ریخ و جهان
ویژگی با زرا این "حرکت" است.

و از آنجا که مستضعفین همواره در حرکت بی وقفه و سوسی
خدا و تحقق اهداف الهی خود یعنی تحقق جامعه توحیدی بدون
طبقات ظالم و استعمارگر دارند لذا نهادگرایی اسلامی شیوه
سازماندهی در حین حرکت و عمل صالح زمان است و با سازماندهی
در سکون و سازماندهی‌های کلاسیک و متعارف تفاوت فاحش
دارد (سازماندهی بر مبنای تخصص، سازماندهی بر مبنای
سرمایه، سازماندهی بر مبنای شیوه تولید، سازماندهی بر
مبنای مدرک تحصیلی و...) نهادگرایی اسلامی موجی است
که آرامش و سکون ندارد، و آرامش آن در زندگی جان یکف
و شهادت طلبی و پیوند با ابدیت است. (فاذا فرغت فانصب
والی ربک فان رغب)

نفوذنا پذیری یکی دیگر از ویژگیهای نهادگرایی اسلامی
است که در طی حرکت دراز مدت و خونبار انقلاب ما راه آنجان
ملاکهای میرساند که از شرایط نهایی نفوذی و دستهای مرموز
و همچنین ایدئولوژی و شیوه‌های نفوذی در زمان ما نماند.
دوشیوه سازماندهی تشبیت در حرکت عمل صالح و تشبیت در سکون

در بین انقلابیون دوشیوه اساسی سازماندهی بنظر میرسد:
الف- تشبیت در سکون (سازماندهی قبل از حرکت)

ب- تشبیت در حرکت عمل صالح

قابل ذکر است که وقتی از تشبیت در سکون می‌گوئیم، بدان
معنی نمی‌باشد که معتقدین به این شیوه به حرکت اعتقاد ندارند
و با صلاح اهل حرکت و مبارزه نیستند بلکه بدان معنی است
که سازماندهی را قبل از حرکت دانسته و معتقدند که با بداول
سازماندهی حرکت معلوم شود، افراد معین شوند، مسئولیتها
معلوم باشد، تقسیم کار بشود، بعد واد در حرکت بشویم. باید گفت
در عین حال که لزوم کار روبرو ما ریزی قبل از حرکت فراموش
نمیشود، لیکن در صورتیکه ارزش افراد، قدرت هماهنگی و میزان
تخصص آنها در حین عمل صالح به آزمایش گذاشته نشده و مشخص
نگردد، و بر مبنای ارزش واقعی افراد سازماندهی انجام
نپذیرد، امکان بدست گرفتن مشاغل و پستهای حساس توسط
افراد کم صلاحیت فراوان می‌باشد. قبل از حرکت افراد ذلاف زن
و با صلاح خالی بنده زیاد وجود داشته و تنها شیوه سازماندهی
سازماندهی در عمل صالح است که ما را از افتادن بدام افراد
کم صلاحیت بازمی‌دارد.

در مورد مسئله نفوذیها، ما حیاتیان بین نظریه تشکیلاتی معتقد
هستند برای آنکه نفوذیها به ما ضربه نزنند، باید اول
سازماندهی را محکم کنیم، نفوذیها را شناسایی و تصفیه کنیم
بعد حرکت را شروع نماسیم تا مبادا در جریان عمل عباد صبر
نفوذی به سازمان و عمل صالح ما ضربه بزنند.

معمولاً در این شیوه سازماندهی (تشبیت در سکون) هدف
از تشکیلات که تفرق به خدا است فراموش شده و در عمل بطور
ظرفی تشکیلات و سازمان اصالت پیدا میکند زیرا مسئولان
تشکیلات بیشتر از اینکه بفکر یافتن عمل صالح زمان و یافتن
حجت و رهبر باشند درگیر روابط سازماندهی خود هستند و حیاتی
اگر دست مرموزی در تشکیلات نفوذ کرده باشد برای مسئله
نفوذی سعی میکنند ارتباط تشکیلاتی خود را پیچیده تر کرده و
در نتیجه روابط تشکیلاتی دست و پا گیر می‌شود. این عمل به
آنجا می‌انجامد که برخی از افراد نسبت به نفس تشکیلات
و سازماندهی منفعل شده و دست بکارهای سنجیده و با صلاح
"خود بخودی" بزنند.
بقیه در صفحه ۳۰

هروقت دیدی چیزی بنظرت سخت می‌آید بین درکجای رابطات با خدا خللی وارد شده است شهید رجایی

خط امام در کلام

آیت العظمی منتظری



قرآن، راهنمای عمل و درمان درد های جامعه

کیهان ۶۶/۱/۲۷

" ما سالها آیات قرآن را در راه با جهاد میخواندیم و میگذاشتیم و خیال میکردیم که اسلام فقط نماز خواندن و زکات دادن است و به دفاع و جهاد مجهز شدن در مقابل کفار به انواع سلاح های روز میباید شدن روح شجاعت در جامعه توجه نمیکردیم اما امروز متوجه شدیم که هر چه بخواهیم در قرآن کریم و روایت اهل بیت هست و دردهای جامعه ما بوسیله قرآن و عترت درمان میشود . "

معنای انتظار فرج

" امروزه وقتی رزمنده ای به جبهه رفته و به شهادت میرسد پدر و مادر و بستگان او بجای تسلیت بیه یکدیگر تبریک میگویند و این امر بسیار مهمی است و چنین کسانی هستند که در زمان غیبت با اخلاص و ایمان از اسلام حمایت کرده و مہیای پیاده کردن حق هستند . . . معنای انتظار فرج نیز همین است نه در جایی خفتن و بی تفاوت ماندن . "

ویژگی نظام اسلامی احقاق حق ضعفست

" علی علیه السلام در نهج البلاغه از قول پیامبر اکرم نقل میکنند که بارها فرمود امت ولتی که ساختار تشکیلاتی اش به گونه ای نباشد که حقوق ضعیف از اقویا و قدرتمندان گرفته بشود در پیشگاه خداوند مقرب نیست . "

خط مشی جذب زندانیان بجای دفع آنان

بسیاری از افرادی که به زندان می افتند فکر و عاطفه دارند و در نتیجه قلب و فکر شان قابل جذب و هم قابل دفع است . هم میتوان بگونه ای رفتار کرد که او را به اسلام و انقلاب جذب کرد و یا آنکه او را بدین ساخت و این بستگی دارد به برخورد برادرانه محترم با زوجه و داستان زندانیان و سایر خد متکوران .

زندانیها مریضهای فکری روحی هستند . برای مداوی یک مریض ابتدا باید مریض را تشخیص داد و سپس او را درمان کرد . چه بسا با عاطفه و اخلاق حسنه برخورد کردن موجب میشود افراد منحرف به اسلام و انقلاب علاقت پیدا کنند و جذب شوند . اگر

بیتوانید در قلب زندانی نون نکرده و او را جذب کنید قرآن میفرماید احیا یک انسان مانند احیا کردن همه مردم است . مسئولین زندانها افراد خسوس زبان ، خوش اخلاق ، خوش برخورد و روانشنا را در امر مختلف مربوط به زندانها بگمارند تا عمل و گفتار و کردارشان زندانیها را جذب کند . . .

سران این گروهها غیر قابل اصلاح بوده و امروز در اختیار استبداد جهانی قرار گرفته و حامی صدام شده اند و جانی اند اما بسیاری از هواداران شان که فریب شعارهای فریبنده را خورده اند را میتوان با برخورد های صحیح و با تخریب فکری و معرفی معارف اسلامی بسوی اسلام و انقلاب جذب کرد و متصدیان امر در داخل و خارج از کشور لازم است همواره روششان در برخورد با افراد و افکار مختلف از روش مولایشان حضرت امیر تبعیت نمایند . "

جاذبه شهرها کمکی است به مهاجرت روستائیان

کیهان ۶۶/۱/۲۹

" اگر چه کارخان زیاد است (خطاب به وزیر کشور و استانداران) ولی به این تانع نباشید که در استانداری بنشینید تا مردم به شما مراجعه کنند . گاهی خودتان به شهرهای کوچک و روستاها بروید و در حد قدرت و توانتان در حل مشکلات مردم اقدام کنید و سعی شود امکانات فرهنگی بهداشتی و رفاهی حتی المقدور توجه روستاها و مراکز تولید بشود تا جاذبه شهر نشینی از بیدرفته و به صرف کنندگان کشور افزوده نشود . "

با همت کشاورزان از واردات بگامیم

" واردات محصولات کشاورزی برای ایران اسلام که خود زمانی صادر کننده این محصولات بود عار و ننگ است و باید با همت کشاورزان از واردات آن بگامیم . چون جنگ در راس مسائل است

نیروهای رزیده را به جبهه اعزام کنید

" صانه جنگ در شرایط فعلی در راس مسائل قرار گیرد و بینر از شعار به نیرو و امکانات توجه شود افراد را در مناطق مختلف کشور آموزش داده و از رده بندی و آزمایش نیروهای رزیده را به جبهه اعزام کنید . "

مسئله انتصابات

" آقایان استانداران و فرمانداران در انتخابات آینده باید دقت کرده و بیطرفی خود را حفظ کنند شما فرما اگر طرز فکر خاصی هم داشته باشید ولی مردم را باید در انتخابات آزاد بگذارید و فکرتان را در انتصابات دخالت ندهید . سرمایه شما و اسلام مردم هستند سعی کنید رغبت آنها را حتی المقدور تحصیل کنید . "

اراضی موات در اختیار حاکم مسلمین است

کیهان ۶۶/۱/۳۱

" آنچه از اخبار اهل بیت استفاده می شود آن است که اراضی موات در اختیار حاکم مسلمین است و فرد احیا کننده مالک رتبه آن نمیشود فقط مالک



از آنجا که اخبار و اطلاعات صحیح گاهایی همانطور که هستند تحلیلها را با رورمیثما بر آن شدیم مونه ای از اخبار مهم ماه را در بخشها زنده کرده ایم که اینکار اختصاص دادیم در ج نعاشیم . اهداف مورد نظر ما را اینکار عبارتند از :

- ۱- کمک به باروری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی .
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویداد های ایران ، منطقه ، جهان .
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم .

ضمنا راهمجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند .

پیروزیها مدیون اخلاص رزمندگان است

" برادرانی که در بخش فرهنگی سیاسی سپاه هستند باید تلاش کنند آن جاذبه و معنویت که از ابتدا در سپاه وجود داشت را حفظ کنند و بدانند پیروزیهای رزمندگان ما در جبهه ها مرهون فداکاریهای آن جوانان است که با خلوص و اعتقاد در جنگ شرکت میکنند عشق به انقلاب و اسلام در افراد بسیج و سپاه و کمیته و ارتش و سایر مراکز موجب شده تا این عزیزان اینگونه ای بیثار و از خود گذشتگی نشان دهند و تا مرز شهادت از اسلام و کیمان اسلامی دفاع کنند . "

نحوه هدایت نسل جوان

کیهان ۶۶/۲/۱

" در جامعه امروز ما آنها که در سنن بالا هستند معمولا مشکلی ندارند نسل جوان است که مورد طمع شیاطین میباشد و در معرض افکار مادی و اندیشه های باطل موجود دنیا قرار میگیرد و از آنجا که در جوانیها بی حالت عصیان و انقیاد وجود دارد و متأسفانه ما هم نتوانستیم بخاطر گرفتاریهای موجود بیشتر به آنها برسیم گروههای فاسد و منحرف زمینه را خالی دیده و بعضی از آنها را فریب داده و به دام انداختند لذا باید بیشتر رسیدگی و تلاش نمود و نسل جوان خصوصا روشنفکران و افراد تحصیل کرده و آنها که در دانشگاهها هستند را دریافت و افرادی که بتوانند پاسخگوی نیاز آنها باشند شناسایی کرده و از آنها استفاده نمود و طبیعی است که برخورد شعاری با اینگونه افراد خطی بود مند نیست . "

دستورات الهی عموما بر اساس رحم و عطوفت است

۶۶/۲/۹

" قرآن و دستورات الهی عموما بر اساس رحمت و عطوفت است حتی آن فرد مجرم و جنایتکاری که گناهایی را مرتکب شده و حد شرعی بر او جاری میشود این اجرای حد نیز بر اساس عطوفت است زیرا خداوند نسبت به مردم مهربان بوده و نمیخواهد بخاطر فساد یک شخص دیگر افراد جامعه نیز فاسد شوند . . . شما آقایان سعی کنید در خانه در محیط اجتماع در دانشگاه و در هر جا با عطوفت و مهربانی رفتار کنید و تصمیماتتان بر اساس عطوفت و رحمت باشد . "

مشغولان گزینش همیشه وضع فعلی افراد را ملاک قرار دهند

" برادرانی که در قسمت گزینش مشغول خدمت هستند ضمن اینکه دقتهای لازم را در گزینش افراد بعمل می آورند سعی کنند همیشه وضع فعلی اشخاص را ملاک قرار دهند مگر اینکه این اشخاص از کارهای خلاق دست بردار داشته باشند و اگر میتوانند در محیط دانشگاه و محیطهای دیگر کاری کنید که افرادی که خلافی را مرتکب شده و هم اکنون پشیمان به آغوش اسلام و انقلاب جذب بشوند که طرد اینگونه افراد موجب میشود بیشتر بسوی گناه سوق یافته و افراد فاسد و منحرف آنها را در دام خود گرفتار کنند . "

مساله جنگ در شرایط فعلی در راس مسائل قرار گیرد و بیشتر از شعار به نیرو و امکانات توجه شود . افراد را در مناطق مختلف کشور آموزش داده و سپس از رده بندی و آزمایش نیروهای رزیده را به جبهه اعزام کنید .

کیهان ۶۶/۲/۲۶

ضابطه باید ملاک باشد نه رابطه در حساب برسیها ضعیف گش نباشیم

" پیامبر اکرم (ص) که خود نیز طبق آیه شریفه " فاحکم بینهم بما انزل او . . . و بما تتبع احوالهم " محکوم به متابعت از قانون بود . همچنین در داستان زن مخزومیهای که دزدی کرده بود و عمامه پیش رسول . . . برای وی شفاعت کرد ، ایشان در جواب با لحن اعتراض آمیز فرمودند : آیا برای ترک حدی از خود و خدا شفاعت میکنی و سپس مردم را مخاطب قرار داد و فرمودند : طوایفی قبل از شما به هلاکت رسیدند بخاطر آنکه وقتی فردی از اشراف و قدرتمندان دزدی میکرد وی را رها میکردند ولی وقتی فرد ضعیف و درمانده ای دزدی میکرد حد بروی جاری

معنی مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر استعمار و ظلم



خطابنام در کلام...

مینمودند، سوگند به خدا اگر فاطمه دختر محمد نیز زدی کند من دستش را قطع میکنم. همه اینها مشعر بر این معناست که همه افراد چه قوی و چه ضعیف در مقابل قانون وحدود الهی باید یکسان باشند و مقام و شخصیت و روابط حسب و منصب افراد نباید مانع از اجرای قصاص و حدود الهی در باره آنان باشد.

آبرو و حیثیت و حقوق حقه یک اعدای هم باید حفظ شود.

مربیان و مسئولین زندانها باید در بر خوردشان با محکومین و زندانیان قانون و شرع را ملاک عمل قرار دهند، محازات آنها بدون کم و زیاد طبق قوانین اسلام و قانون اساسی اعمال و اجراء شود، فرضا اگر شخصی محکوم به اعدام است باید اعدام شود بدون آنکه آبرو و حیثیت او مورد خدشه و حقوق حقه او تضعیف و یا مورد ضرب و حرج قرار گیرد.

اطلاعات ۶۶/۳/۱۰

انقلاب اسلامی ریشه مشکلات سایر رژیمهای ضد مردمی شده است.

سخنان ایدئولوژی - منتظری در دیدار با دانشجویان و اعضای هیئت مدیره دانشگاه تهران

تعبیر بیشتر از سران کشورهای اسلامی و آنهاست که خود را متولی اسلام میدانند چگونه سکوت کرده و در مقابل این همه کشتارها و اهانت به مقدسات اسلامی دم فرو بسته اند و به نظرشان تمام مشکلات همان اسلام، انقلاب اسلامی ایران است که همه نیروها را خدایان بسج کرده اند و میخواهند با سازش با صهیونیستها و آوردن قدرتهای بزرگ غارتگر خلیج فارس به خیال خام خودشان انقلاب اسلامی را مهار کنند و آنرا منزوی سازند.

اطلاعات ۶۶/۳/۱۱

در اظهار نظرها حیثیت افراد باید حفظ شود

همانطور که من بارها قبلا عرض کرده ام که اگر چنانچه مثلا نوز بگیرد کسی راجع به مطلبی میخواهد اظهار نظر کند همیشه مناسبت آقایان را حفظ کنند و به حیثیت افراد احترام بگذارند.

نمایندگان باید روی مسائل اساسی و کلیدی کشور تلاش و فعالیت کنند.

در رسیدار باریش و نمایندگان مجلس شورای اسلامی

نمایندگی معنائش این نیست که فرض کنید نماینده تم مثلا صحبت کند، در حالیکه این یک مسئله فرعی است. هر یک از نمایندگان نماینده اسلام هستند و در حقیقت نماینده تمام کشور هستند. مردمی که نماینده میفرستند نظرشان این است که در مسائل اساسی کشور و کارهای کلیدی ملت تلاش و فعالیت نمایند، ممکن است یک وقت ایجاب نکند که مثلا فرض کنید راجع به جنگ در مجلس علمی صحبت کنید، اما چنین نباشد که کسی اطلاع

یاشند، و تعامل ملاحظه باشد.

نمایندگان باید قاطعیت و استقلال داشته باشند.

مسئله قاطعیت و استقلال فکری نمایندگان خیلی مهم است. اگر یک مسئله را تعامل تشخیص دادید و به معنای کشور هم هست، مرعوب نشوید و سعی کنید نظرتان را قاطعانه بیان نمایید.

نمایندگان نباید مرعوب حوسا زبها شوند.

نمایند ه بیجوت نباید در حوسا زبها مرعوب شوند.

این جهد رماراد آورد است. اگر بنا شود - قاضی، حاکم، نماینده و تصمیم گیرنده مرعوب حو و اینکه ببینند مردم چه میگویند، بشود آنوقت در حقیقت میشود حکومت تابع مردم این غلط است.

مجلس يك خطی بی خاصیت است در تقارب افکار مطلب پخته میشود.

اگر کسانی بفرمایند که مجلس را میخواهم يك خطی بکنیم که تمام نمایندگان توی يك خط باشند، این در دنیا عملی نشده است و این مجلس هم بی رود ریاستی مجلس بی خاصیتی خواهد بود. انسان در تقارب و برخورد افکار چیزی میفهمد، مطلب پخته میشود.

در مقابل افکار و خطوط مختلف باید سعه صدر و ظرفیت داشت.

برای حکومت و ریاست باید آنگد وسعت صدر داشته باشید که افکار مختلف، خطوط گوناگون را بشنویید و از میدان هم بدرنویید. بیجوت از امتش تهرنگرد. بنابراین اگر میخواهیم همه را اداره کنیم و نگذاریم باید سعه صدر و ظرفیت داشته باشیم و اگر يك کسی میخواهد ایران را اداره کند، به اندازه همه فکرها ایران و همه مردم با سستی ظرفیت داشته باشد.

کانالیزه کردن انتخابات خیانت است.

هیچ مقامی حق محدود کردن انتخابات و هدایت آن در يك کانال خاص را ندارد. اگر این کار بشود، در حقیقت خیانت کرده ایم.

کیهان ۶۶/۳/۱۶

به نهاد شورای نگهبان احترام بگذارید

۱- اهتمام به شورای نگهبان يك امر

ضروری است و نباید بگذاریم خدای نکرده به سرنوشت علمای طراز اول در متمع قانون مشروطه مبتلا شود. شورای نگهبان فیلتر است برای محکم کاری مواد قانونی و مصوبات مجلس و مسئله افراد از حساب نهاد جدا است. بر همه لازم است به اصل نهاد احترام بگذارند اگر چه نسبت به فرد یا افراد اعتراض داشته باشند.

شورای نگهبان باید دلایل رد یا تصویب قوانین را اعلام کند.

۲- ارتباط شورای نگهبان با حوزه علمیه و مجامع علمی و حقوقی ضروری است و آقایان مناسب است اگر قانونی را رد میکنند یا تأیید میکنند یا شخصیهای علمی و حقوقی در تماس باشند و ادله خودشان را بنویسند و به مجامع علمی و قانونی بفرستند تا حوزه علمیه، بزرگان، علما و قانوندانان در روند تصویب قوانین باشند و تحویب نباشند و وقتی قانونی رد شود همه تعجب کنند و ندانند بر چه اساسی بوده و مخالفت آن با اسلام یا قانون اساسی در کجا بوده است.

راه مجاهد: آیت الله خزعلی گفته بودند: ۶ تفرقیه شورای نگهبان میتوانند جلوی يك ملتق بایستند و طرحی را بلحاظ شرعی و قانونی رد بکنند. حال اگرهای استدلال در کار باشد این امکان به يك دانشجو

آقایان (شورای نگهبان) مناسب است اگر قانونی را رد میکنند یا تأیید می کنند یا شخصیهای علمی و حقوقی در تماس باشند و ادله خودشان را بنویسند تا حوزه علمیه، بزرگان و... در روند تصویب قوانین باشند.

هم داده می شود که اگر استدلال لغز توپتر باشد بتواند در برابر ۶ فقیه به استدلال بنشیند. این رهنمود آیت الله منتظری موجب يك انقلاب آموزشی وسیع میگردد که کارهای زیادی از این طریق ساخته میشوند.

رسالت ۶۶/۳/۳۰

مردمداری و خودگفایی مقدمه صدور انقلاب است

باید جهاد یکوشد کشاورزان را نسبت به فراگیری روشها و امکانات مدرسه کشاورزی یاری دهد تا حد اکثر بهره برداری از زمینهای کشاورزی بعمل آید و درآمد مربوط به آب و زمین کوشتر شما این باشد که کمال استفاده را برد ما بشاید. دولت نیز در سر مایه گذاری خود توجه خاص را به روستا میدول نماید تا جاد... شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهرها از وضعیت کنونی بیرون بیاید تا مردم به کشاورزی و دامداری و صنایع روستایی سهر ازند که این امر میتواند به خود گفایی کمک خوبی نماید. اگر ما مردم را داشته باشیم و به خود گفایی هم برسانیم اسلام و انقلاب صادر خواهد شد.

کیهان ۶۶/۴/۲
در دیدار با علمای پاکستان
نفوذ تد ریحی فرهنگ غرب

امریکا بصورت ظاهر ادعای مخالفت با اسلام نمیکند اما پس از نفوذ کشورهای اسلامی وابستگی و اخلاق و فرهنگ منحط غرب را بر ملت ما تحمیل میکند.

رسالت ۶۶/۳/۲

لزوم تمرکز فعالیتها در روستاها و مناطق تولید

یک جهت اینکه هر چه می توانید فعالیتها را بیشتر به طرف مناطق تولید ببرید و تولید هم نوعاً در روستاها و مناطق محروم است. در شهرها غیر از اینکه کارشان مصرف است و توقعات و اینها هم امکانات برایش تهیه کردند چیز دیگری نیست. هر کشوری که سطح شهرهایش مرتب بالا برود و مراکز تولیدش خالی بشود این دلیل سقوط آن کشور است ممکن است به حسب ظاهر رزق و برقی کشور زیاد شود اما آن کشور وابسته می شود. ما اگر بخوایم کشورمان روی پای خودش بایستد، در درجه اول بایستی از نظر نیازهای ضروری مثل مواد غذایی، کشاورزی و دامداری خود کفا باشیم و اینها مراکزش همان روستاها و دهات است و لذا قاعده اش این هست که آقایان هر چه می توانید خدمتشان را بیشتر متوجه همین مراکز تولید بکنند و دولت و وزارتخانه ها هم با شما هماهنگی بکنند. این را من بارها عرض کرده ام. اصلاً بایستی همه توجه داشته باشیم که همه وزارتخانه های ما و همه ارگانها مال یک کشور است، وقتی که دیدند جهاد سازندگی مثلاً در یک جا فعالیت داشته و کمبودی دارد، وزارتخانه های دیگر هر چه امکانات دارند بایستی در اختیار بگذارند. چنین نباشد که یک وزارتخانه بگوید تخیر ما کار به کار او نداریم، تمام وزارتخانه ها بایستی هماهنگ بشوند و مصالح کشور و ملت را در نظر بگیرند و به یکدیگر خدمات بدهند، امکاناتشان را به همدیگر بدهند. اگر چنانچه بخوایم انشاء... مردم در روستاها بمانند و مراکز تولید ما آباد بشود این یک امر ضروری است و شما هم سعی بکنید حتی المقدور با وزارتخانه های دیگر تماس داشته باشید و دولت هم امکانات در اختیار شما بگذارد که الان دیده می شود از اول هم بوده است که امکانات را بیشتر متوجه شهرها می کنند، سوسید بیشتر به شهر داده می شود. فرض کنیم حالا دولت می خواهد بعد از یک مدتی برنج بدهد، آخرش می گوید به شهری یک کیلو برنج و به روستایی نیم کیلو می دهد. اینهم تازه تاخیر می افتد اینها به نظر من برنامه های غلطی است وقتی که با آقایان صحبت می کنیم می گویند شهری برنج خور است و روستایی نه! اینهایی که الان شما خیال می کنید شهری هستند، اینها که شهری نیستند، تهران که هشت میلیون جمعیت نداشته، اینها خیلی شان روستایی بودند بعد دیدند که شما به شهر امکانات می دهید روستا را رها کرده، آمده اینجا، شما خیال می کنید این شهری است. نه این همان روستایی سال گذشته است، امکانات شهر، مدرسه شهر، بهداشت شهر و سوسید شهر برایش جاذبه داشته رها کرده و آمده، اگر چنانچه ما امکانات را متوجه روستاها بکنیم اینها برمی گردند و می روند و لذا دولت بایستی امکانات بهداشتی، سوسید، رفاه، آموزش و پرورش و اینجور چیزها را هر چه می تواند بیشتر متوجه مراکز تولید بکند تا شهرها خالی بشود.

آب و زمین داریم ولی هشتاد درصد آنها هدر می رود ۲/ زمینهای قابل کشت هنوز استفاده نمی شود، اینها را هم این است که امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی، سوسید و هر چه می خواهند به شهر بدهند، بیشتر به روستاها بدهند. به عقیده من دولت اگر چنانچه خواهد به غیر کارمندانش سوسید بدهد غلط است یک وقتی رفیق پاریس، آنجا آنوقت نان کیلویی بیست و پنج تومان می شد ولی در روستاها نان ارزان بود. یعنی هر کس می خواهد از امکانات شهری استفاده کند نان گران هم بخورد، حالا ما می آیم نان و برنج و گوشت ارزان به شهرها می دهیم و روستایی باید گوشت کیلویی ۲۵۰ تومان بخورد، نان گران بخورد، خوب برایش صرف نمی کند و به شهر می آید. بنابراین بایستی دولت و مسئولین با شما همکاری بکنند و هر چه می شود امکانات و وسایل در اختیارشان بگذارند تا شما بتوانید مراکز تولید را فعال بکنید، روستاها را فعال بکنید، یا به فرض جاهایی کارگاههایی نظیر قالی بافی و صنایع دیگر هست آنها را فعال بکنید. بنابراین دولت و وزارتخانه ها حساب بکنند که همه مال یک کشور هستیم و وقتی یک ارگانی تا آخرین روستاهای دور افتاده کشور می رود امکانات به آن بدهند و سخت گیری نکنند.

استفاده از کمکهای مردمی و امکانات صندوقهای قرض الحسنه

نکته دیگر اینکه حالا دولت مشکلات دارد، پولش کم است، شما همه تکیه تان روی پول دولت و سرمایه دولت نباشد، بلکه جهاد سازندگی باید وضعیت را طوری قرار بدهد و از سرمایه های مردمی و امکانات مردمی به نفع روستاها و مراکز بقیه در صفحه ۲۲

این چند روز دنیا رفتی است این ریاست ها رفتی است آنچه بجای ماند این است که در محضر مقدس حق تعالی چه کاره هستیم



اخبار ایدئولوژیک ولایت فقیه

فقه سنتی همان فقه اجتهادی است

روزنامه رسمی مجلس شورای اسلامی ۶۶/۲/۱
فقه سنتی را همه آقایان میدانند یعنی فقه اجتهادی. در واقع اگر مقصود آقایان که میگویند فقه پویا اگر اجتهاد بوده باشد این نزاع لفظی است. در واقع ما پیرو فقه سنتی هستیم و فقه اجتهادی...
شهور علمای ما از بعد از شیخ الطائفه تا این اواخر احتکار را منحصراً میکردند بر ۲۰ و ۳۰ چیز بر ۷ چیز، ولی با اجتهادی که از حضرت آیت... العظمی منتظری مشاهده کردیم و آن کتابی را که نوشتند درباره احتکار، ایشان احتکار را گسترش داده اند حتی به چیزهایی که مورد احتیاج هستند و حرمان عجیب نیستند و ما با بدین جور فقها را راجح بنهیم و این فقه اجتهادی است کسی نمی گوید که بیاید مقلد صاحب جواهر بشود یا صاحب مستند بشود یا مثلاً شیخ شوید و این حرفها. نه، اجتهاد است، روی مدارک، با عقل، با اجماع، با سنت، با کتاب یک مسئله ای را یک فقیهی می فهمد تا بید دیگران نفهمیدند. امام امت مسأله

را مطرح میکنند که بعضی ها قبلاً آن مسائل را مطرح نکرده اند.

کیهان ۶۶/۳/۴

سخنان جده الاسلام عباسی در جمع دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت:

حقوق شرعی تنها خمس وزکات نیست

سؤال کرده بودند آیا انسان از مال حلال و طیب میتواند یک کاخ بسازد یا نه؟ پاسخ دادم که اگر همه حقوق شرعی را بپردازد باشد نمیتواند بخاطر اینکه حقوق شرعی تنها خمس وزکات نیست. دو نمونه از حقوق شرعی که مطرح نیست ولی در کتاب آمده مورد بحث مرحوم علامه طباطبائی قرار گرفته است یکی درباره حق معلوم است که میفرماید حق معلوم لساثل و المحروم، این انسانها یک حق معلوم برای ساثل و محروم دارند و میگویند حق معلوم مسلم زکات نیست... میگوید معنای حق معلوم این است که اگر در شرایط خاص زندگی ولو اینکه انسان حقوق مالیش را دارد، اما باز در عین حال حیران نکرده کمبودها را با بدجبران کند.

چه فقهی بالاتر از قرآن

علامه طباطبائی یک بحث دیگر دارد و آنها بی که میگویند اینها بحثهای فقهی نیست و شعاری است پیشنهاد، در آیه "الذین یکنزون الذب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل... فی شهرهم بعد الذب الیم" بحث

میکند و میگوید مسئله کزنغیرا زکات و خمس است، این مسئله کنزیعی پولی که باید صرف تولید شود و جریان داشته باشد آن را جمع آوری - کند برای خودش، و بعد در آنجا مباحثه ابو ذر و کعب الاحبار را نقل میکند و میگوید ابو ذر فقیه بود و کعب الاحبار عوام بسود کعب الاحبار ادعایش این بود که میشود انسان پس از دادن خمس وزکات و حقوق مالی یک مقدار زیادی آبخوری که معاویه و... کاخ زر و سرخ ساختند بسازد. ابو ذر میگوید توبه و زاده ای و من نسبت به اسلام آشنا نیستم و بعد ابو ذر آیه بالا را میخواند که ربطی به زکات ندارد و فقط در جمع کردن ثروت است

نحوه برخورد با شورای نگهبان

اگر نقد، نقدی محترمانه و محققانه باشد اشکالی ندارد، با دلیل نقد کنند... الان شرایط افراط و تفریط است، عده ای میگویند که اصلاً نباید گفت که بالای چشم این آقایان ابروست و یک عده هم بدون محابله و بدون مسئولیت و بدون قدرت نظر، نقد میکنند که هر دو اشتباه است.

مسائل مستحدثه

مسائل مستحدثه همه در فقه حای دارد یا با عناوین اولیه یا با عناوین ثانویه و الا اگر مسئله ای باشد که در فقه جای نداشته باشد اسلام ناقص است. راه مجاهد: امیدواریم فقه قرآنی که مبنایش خدا و قرآن بوده و سه قرآن بعنوان دلیل اول اولویت داده میشود، در همه جا جریان پیدا کند.

کنیم این را نمی گفتند، فکری آنروز مطرح بوده که اگر خلاف نظر دولت حرفی زده شود او زده کسی خون بیا بدمن پیش خدا مشغول هستم امروز نمیتواند این فکر مشکلات اقتصادی و اجتماعی انقلاب را حل کند، آن فکری بیا بدمشکلات مملکت را حل کند مشکلات نهضت را حل کند آنروز حرفش این بود که کسی که فریاد نزنند مرتکب گناه کبیره است، کسی که سکوت کند مرتکب گناه کبیره است، مردم بر مبنای فرمایشات ایشان حرکت کردند، بر مبنای آن فرمایشاتی که فرمودند ما سرما به داران، فشو الهها و خوانین را به پای میز محاکمه میکشائیم و مبنای آن نظرت که فرمودند بنظر من حتی یک مورد احتمال اینکه این مالکین بزرگ مالکیتشان مشروع باشد نمی دهم و فرمودند اگر حقوق الهی از این سرما به دارها اخذ شود تمام آنچه را که دارند بدهند با زمین و زمینها را بدهند... ما با این رسیدیم که همان فکری استی معضلات دیگر را حل کند و اگر تفکرات دیگر برداشتهای دیگر آنها هم برداشتهای تخصصی است آنها هم برداشتهای خبرگیت است، اما تفکرات دیگر مخلوط بشود با تفکرات امام معضلات روز بروز برهم انباشته میشود و ما در مقابل کوهی از مشکلات قرار خواهیم گرفت.

اخلال در نظام حرام است

رسالت ۶۶/۳/۳۰
آیتا... موسوی اردبیلی در خطبه های نماز جمعه:
اخلال بر نظام جزه مسلمات است که حرام است یا مثلاً فرض کنند قاچاق میکنند جنس را آمدند اعلان کردند و رود فلان جنس ممنوع است آقای که قاچاقچی است، جنس را بطور قاچاق وارد میکنند، خارج میکنند پول کسب میکنند عملش حرام است، ولو این پولی که بدست آمده بیا بد مسجد بسازد یا بیا ورد ببنیاد شهید بدهد یا بیا ورد حسینیه بسازد یا هر کاری میخواهد بکند که عملی حرام است و اخلال بر نظام است. گاهی بحث میکنیم که گرانفروشی چه اشکالی دارد؟ جنسی است مال خودش، می خواهد بفروشد میگوید "الناس مسلطون علی اموالهم" من انگور را امروز می دهم صد تومان، به زور که در جیب کسی نمی ریزد. می خواهد بخرد می خواهد نخرد. آنهم با رضا و رغبت خودش می آید میگوید چند؟ می گویم ۹۰ تومان یک صد تومان می دهد میگوید ۱۰ تومان نش را هم نمی خواهم، این کجایش حرام است. البته اگر مسئله این جور مطرح بشود هیچ کجایش حرام نیست. با رضای خودش فروخته با رضای خودش خریده،... این هیچ کجایش حرام نیست. اما اگر با اینکار اخلال در نظام بوجود بیاورد نظمی را در اقتصاد بهم بزند و وضعی را پیش بیاورد که کارگر نتواند از اول وقت میوه تا آخر وقت میوه هر قدر هم مزد کارگری را زیاد گرفته برای بچش برای یک بار هندوانه بخرد، بدهد اگر چنین پیاپی مدتی در دنیا داشته باشد این حرام نیست، دست برد به اموال دولتی حرام است، جعل اسناد دولتی حرام است ندادن مالیات حرام است... عدم پرداخت مالیات، بورس بازی، برهم زدن وضع بازار و ایجاد دگرهای کور برای اقتصاد کشور اخلال در نظام است چون وضع نابسامان اقتصادی ثبات جامعه را متزلزل میکند بنابراین حفظ نظامی که خدایی و مردمی است و قانون انقلاب و اصل و فرعش با دست مردم صورت گرفته است شرعاً واجب و اخلال این نظام شرعاً حرام است.

ریشه یابی فسادها... بقیه از ص ۲۴

کیهان ۶۶/۳/۲۶
جده الاسلام شریعی معاون پارلمانی وزارت کشور:
در رابطه با مسائل، جوانان و مسائل سیاسی بندهای فسادها که از نامیه جوانان مطرح میشود باید دنبال ریشه اساسی آن باشیم چون تکیه به معلول دردی را دوا نمیکند، مهمترین عامل فساد و بی بندوباری در میان جوانان بی تفاوتی آنهاست و این علل مختلف دارد... یکی تضاد میان سخنان و عمل مسئولین است.

جده الاسلام محتشمی:

سرما یه اصلی انقلاب اسلامی ما همان جوانان و نوجوانان بوده و هستند و دشمن هم دقیقاً این پایگاه را قدرت و پشتوانه دراز مدت انقلاب را شناسایی کرده و لذا برای گرفتن این بازوی انقلاب طرح و برنامه دارد... من میدانم در بعضی از مسئولین و افراد دعادی و غیر دعادی جا معه چرا این فکر القاء شده که قشر جوان باید از مسائل سیاسی دور شود؟ چرا ما این اهرم را از دست بدهیم این یک جاذبه حساس برای این طبقه عظیم است. اگر ما این را از آنها بگیریم جوان یا بدنبال آن شعارهای زرق و برق دار چینی یا راستی می افتد یا اینکه اسیر جاذبه های شهوت و فساد اخلاقی میشود که بوسیله غریب رواج پیدا میکند.

راه مجاهد: آیت... موسوی اردبیلی در هفته قانون در دانشگاه سخنانی ایراد نمودند و به این مضمون گفتند اصلی ترین مشکل ما این است که قانونی برای مبارزه

که در جریان انقلاب و جنگ بسیاری بسج شده و شکل انقلابی ترک اعتبار نمودند. از مسئولین تقاضا داریم کمی جا معگردی کرده تا آشکارا و بطور مستقیم ببینند که چگونه داشتن افکار سیاسی فکری از نظر مردم فسادش بیشتر از اعتبار است هروئین... است وقتی یک فقیهی روی منبر میگوید مشروب خوردن و اعتبار دخطرش کمتر است تا خط دادن و با این تفکر مبارزه نشود خطرش همان اعتبار و افعال میشود. در این رابطه به مقاله ریشه یابی فساد راه مجاهد شماره ۳۸ مراجعه شود.

سؤال دردناک این است که آیا اعتبار جوانان ناشی از انفعال نیست؟ آیا این انفعالها معلول سیاست زدایی در بین جوانان نمیشد؟ و آیا بدون تحدید نظر در این خط مشی میتوان با قاچاقچی هروئین مبارزه اصولی و جدی نمود؟

رسالت ۶۶/۳/۱۶

نطق آقای رها می در جلسه علنی مجلس: وقتی اصل انقلاب بر اساس تفکرات امام باشد، اصل حرکت بر مبنای راهنما فیهای امام باشد، حل معضلات این حرکت، حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی این حرکت با یتی بر اساس همان فکری باشد، آن فکری که مردم قبول کردند، آنروز چند فکر در حوزه در بین علماء بود، اینکه همه ما نندا امام میگفتند که با یتی با شاه بچنگیم و تنها آخرین نفس مقاومت، و حکومت اسلامی ایجاد

در یک دوره جوانهای ۱۶ ساله را با خاطر پخش اعلامیه ای اعدام میکردند و حال اینکه قاچاقچی هروئین را نمیتوان اعدام کرد سؤال دردناک این است که آیا اعتبار جوانان ناشی از انفعال نیست و آیا این انفعالها ناشی از سیاست زدایی در بین جوانان نیست و آیا بدون تحدید نظر در این خط مشی میتوان با قاچاقچی هروئین مبارزه اصولی و جدی نمود؟ و آیا بهترین شکل مبارزه با هروئین این نیست که مردم بسج شده و پذیرای آن نباشند. ما شاهد آن بودیم



اخبار جنگ اسلام و کفر



ارتش در این سیررهای حتی امکان پیوند تشکیلاتی با نهاد نظامی انقلاب (سپاه پاسداران) را پیدا خواهد کرد. باید توجه داشت که در مرحله فعلی در فـاز "هماهنگی بسیج و سپاه و ارتش" هستیم و اگر این سیررهای ادامه یابد، پیوند تشکیلاتی هم ممکن میشود.

رضا پهلوی در دو مصاحبه اخیر خود (تیرماه ۱۳۶۶) ابتدا از آمریکا خواهش کرد که بیطرفی خود را در جنگ کنار گذاشته و از عراق جانبداری نکند چرا که بهانه بدست جمهوری اسلامی میدهد و با ردیگر به آمریکا گفت نباید به ایران حمله شود چرا که رژیم ایران مظلوم نمایی نموده و جنگ هم با این زودیها تمام نمیشود.

حال چرا رضا پهلوی به چنین خط مشی رسیده است، علت را با یـدرا این جستجو کردیم.

تشکیلاتی بلحاظ ایدئولوژیک هم متصل گردید، که اگر این تحول ایدئولوژیک انجام نشود امکان برگشت تشکیلاتی وجود خواهد داشت.

ویژگیهای سپاه پاسداران سپاه یکی از بر قدرت ترین نهادهای نه تنها نظامی بلکه سیاسی مملکت است. این نیرو سیر تحول و تکامل تشکیلاتی اش خیلی گنج کهنه بود که ما این روند را در هیچ جای دنیا مشاهده نمیکنیم. در سال ۸۰ نیروی بود تعلیم نیافته، تنظیماتی نداشت، حدود ۲۰ هزار نفر بودند، امروز بعد از گذشت ۵ سال تعدادشان به ۳۵۰ هزار نفر رسیده است. اینها با سلاحهای سبک و سنگین درجه حضور دارند و نهادی است که از طرف حکومت حمایت تمام میشود و خودش مسئول تشکیلاتی و عملیاتی و عقیدتی خودش میباشد (خود).

۴- عدهای هم کار تخصصی خودشان را انجام می دهند.

نظریک کارشناس مسائل ایران درباره نیروهای مسلح

ویژگیهای افسران سیاسی ارتش خطری از جانب نظام این افسران را تهدید نمیکنند، خود این افسران در پایداری رژیم نقش مهمی دارند و طرفدار جدی نظام هستند، در حال حاضر متحرک ترین و فعالترین دسته در ارتش هستند، تعدادشان روز بروز بیشتر میشود، اختیارات نظامی بیشتر از سایر افسران دارند، مقامات فرماندهی و انتظامی کلاً در دست اینهاست، اغلب اینها قبل از انقلاب از افسران و درجه داران جز بودند که تاریخچه انقلابی داشتند، معمولاً از خانوادههای محروم و زحمتکش بوده اند تحصیلاتشان را در خارج طی نکرده اند و وابستگیهایی با خانوادههای مذهبی یا بازاریان نداشته اند، از طرف دولت و طبقه مذهبی حمایت کامل میشوند.

صدای امریکاطی مصاحبه ای با نیکولا شاه گردیان کارشناس مسائل ایسیران در سازمان ون در تاریخ ۱۲ و ۱۳ و ۶۶/۲/۱۴ گزارشی را در مورد ارتش ایران بخش نمود. این گزارش برای وزارت دفاع امریکا تهیه شده بود و مجموعاً "در کتابی بنام "ارتش ایران در جمهوری اسلامی" چاپ شده است. برخی محورهای مصاحبه در زیر آورده میشود:

راه محاهد: بنظر میرسد تحلیل این است که در اثر انقلاب جایگزینی تشکیلاتی و طبقاتی انجام شده بدین معنی که طبقه تیمسارها (سرتیپ، سرلشکر، سپهبد، ارتشبد) همچنین طبقه افسران ارشد (سرگرد، سرهنگ دوم سرهنگ تمام) از سازماندهی ارتش حذف شده اند و کار اصلی ارتش بدست کسانی افتاده که در دوران طاغوت افسران جز (ستوان دو، ستوان یک، سروان) بوده اند.

چرا ارتش بصورت نیروی ملی درآمد؟
علیرغم همه کمبودهای تسلیحاتی و "ارتش ۷ سال است که به دفاع خود ادامه میدهد. ثانیاً برخلاف گذشته ارتش نهادی است که در استثنای داخلی و آزار روستائیان و عشا بیرومخالفتی دستی ندارد، ثالثاً "همه امتیازات امرای قبلی ارتش مثل گماشته یا ساختن ویلا در شمال را از دست داده اند، این عوامل باعث شده که در طول زمان ارتش بصورت نهادی در بیاید که مردم بآن احترام می گذارند و آن حمایت میکنند.

مراحل تصفیه در ارتش
در درجه اول نیروی زمینی و بعد هوا نیرو و آوارا ریلیس و ژاندارمری تصفیه شده اند، نیروی دریایی و هوایی به مراتب کمتر تصفیه شده است، کلاً ۴۲٪ افسران تا حال تصفیه شده اند.

حریانات درون ارتش و جنگ:
۱- عدهای جنگ و اطاعت از فتوای مذهبی را وظیفه دینی خود میدانند.
۲- عدهای دفاع از تمامیت ارضی را وظیفه خود دانسته و در جبهه فعالند.
۳- عدهای هم تضادی بین مذهب و ملیت نمی بینند.

مرحله اول تصفیه: تا آخر سال ۷۹ (۱۳۵۸) تمامی امرای ارتش حدود ۵۰۰۰ نفر و ۳۰۰۰ نفر دیگر تصفیه شدند اینها شامل اشخاصی بودند که روابط نزدیک با شاه و اطرافیان او داشتند و مخالف علنی رژیم انقلابی بودند و در کشتار و شکنجه در دوران سلطنت دست داشتند.

مرحله دوم تصفیه: در سال ۸۱-۸۰ (۱۳۶۰-۱۳۵۹) درجات پائین تر پاکسازی شدند که حدود ۱۰ هزار نفر میشدند و اکثر آنها اعضای گروههای مختلف سیاسی نظیر محاهدین یا طرفدار رستی صدر بودند.
مرحله سوم تصفیه: بعد از سال ۸۳ (۱۳۶۲)



سلطنت طلبها ادعا دارند که پایگاهشان در ایران ارتش است از طرفی میدانیم که ارتش با صدام درگیر است، اگر امریکا جانب صدام را بگیرد ارتش ایران فدا میکرایی خواهد شد که با اصول سلطنت طلبها نمی خواند از طرف دیگر اگر امریکا به ایران حمله نماید ارتش مجبور است با امریکا درگیر شده و متحول

کفایی (کفایی) راه محاهد: گیحی غرب و گیحی صدام و سازمانهای غرب گرا از شتاب انقلاب است و واقعیت این است که در ایران انقلابی شده ولی غرب حاضر نیست هیچگونه تحولی را بپذیرد.

هماهنگی ارتش و سپاه
سپاه بعنوان یک نیروی انقلابی و جدید التاء سیس بخصوص در اوائل انقلاب به عنوان رقیب و حریف اصلی ارتش محسوب میشد، چه از طرف ارتش و چه از طرف خود سپاه تا چند سال پیش درگیری بین این دو نهاد چه از لحاظ فرماندهی چه لجستیکی چه تاکتیکی، خیلی متداول بود. ولی حضور مشترک این دو در جبهه جنگ و لزوم عکس العمل مشترک (تصمیم گیریها و عملیات) جنگی در از بین بردن باکتر شدن این رقابتها خیلی موثر بوده، امروز اشکال عمده ای در هماهنگی فرماندهی در جبهه جنگ بین این دو گروه وجود ندارد، البته این به این معنا نیست که روابط حسنه ای بین این دو گروه بخودی خود حکم فرماست.

بنظر میرسد علت هماهنگی ارتش و سپاه، وحدت در میدان عمل صالح و نبرد با کمپد ریوید تحت رهبری ورهنمودهای امام باشد و لا چنین رشد و گسترش تشکیلاتی میسر نمی شد.

میشود و دیگر در ادعا هم پایگاه سلطنت طلبها نخواهد بود.
بنظر ما ارتش مراحل زیر را پشت سر گذاشته است:
۱- مرحله تصفیه امرای سلطنت طلب
۲- مرحله تصفیه افسران ارشد
۳- مرحله تصفیه از گروهکها
امیدواریم مرحله کربلائی جنگ، وسی نفتی و درگیری با امریکا در خلیج را با موفقیت پشت سر بگذارد و بوندن بال این تحول

راه محاهد: بنظر میرسد علت این هماهنگی وحدت در میدان عمل صالح و نبرد با کمپ دیوید تحت رهبری ورهنمودهای امام باشد و لا چنین رشد و گسترش تشکیلاتی میسر نمیشد.

سپاه و گسترش تشکیلاتی
یک نیروی نظامی که در عرض ۵،۶ سال ۱۵ یا ۱۶ بار به تعداد افرادش اضافه شده

دشمن وقتی شکست خورد و مرعوب شد باید او را تصقیب کرد تا ابرقدرت را مجدداً او را مجزئ کرده اند امر جنگ را بجا رساند و کار را یکسره نمود

اخبار جنگ اسلام و کفر



بسیار تواندها ن نیروی فشرده قلی بماند .
مخله سستی در وفاداری ایدئولوژی و سیاسی
سپاه البته از آن مطالبی است که خواهد
نشان می دهد که روی سالی مذهبی مملکت بطور
جدی دنبالش هستند که مبادا خطری از این
جانب بروز کند ، البته این درباره آئینده
است . کلاً فرماندهان سپاه همگی وفادار

به رژیم و سیاستهای دولت مانده اند ولی
این را برای کلیه اعضای سپاه نمیتوان
گفت ، بخصوص که عده کثیری از سپاه هستند
که بخاطر سکاری موجود در مملکت و بسا
بیشرفت شخصی خودشان وارد سپاه شده اند .

راه محاهد : باید توجه نمود که بین گسترش
سی رویه با گسترش سپاه در شرایط جنگی
تفاوت هست . زیرا اعزام نیروهای سپاه
به جبههها خود رحمتی است ، چون خود جنگ
حق و باطل یک محور آموزشی و کار سازی است
ولی باید این امر بصورت آموزشهای مدون در
آمده و نیروها انسجام ایدئولوژیک سیاسی
هم پیدا کنند بنظر میرسد در این راه کار روی
تفسیر حمدا ما خمینی و خواندن قرآن
و نهج البلاغه با معنی آیه پیشنهاد دیتا ...
منتظری و ... مفید باشد .



ژنرال عراقی احمد حسین العیاتی که در کربلای ۵ اسیر شد سلاح خود را به برادر برادرش تسلیم میکند .

اخبار درون عراق

شیمیایی در شهر ناصریه و انهدام بخش مهمی
از آن و قتل و جرح عده ای از افسران ارتش
عراق .
۱۵ - انفجار ایستگاه نقل و انتقالات
نظامی های عراق در شهر عمارة .
سری عملیات اخیر باعث شده که استاندار
عمارة عوض شده و یعنی دیگری جایگزین
آن شود .

کشتن کادرهای بعضی بهترین شیوه انهدام نیرو :

ارتش عراق ، ارتش یکپارچه ای نیست
و شامل دو بخش است :
۱- کادرهای بعضی که در جهت آرمانهای
حزب بعث ساخته شده اند که رهبریشان سنا
صدام است و جوهره ، ماشین جنگی عراق
میباشند و حکم ائمه الکفر را دارند ، این
دسته مبتکر خط مشی نظامی میباشد .
۲- توده های ارتش عراق که بصورت
داوطلبانه و با اجباری وارد ارتش عراق
میشوند که دارای فرهنگ مذهبی بسوده
و آموزشهای بعضی کمتر در آنها جا افتاده است
در جنگ با ارتش بعضی و در خط صهیونیسم
صدام بایده مسائل زیر توجه کرد :
۱- مظلومیت تاریخی اعراب در برابر
صهیونیسم :

۱- حمله به نا در جمله الشیخ فرمانده واحدهای
عراقی متمرکز در هورنا صریه .
۲- حمله به نا در جمله الشیخ فرمانده
واحدهای عراقی متمرکز در هورنا صریه .
۳- حمله به اتوموبیل رئیس سازمان
امنیت شهرستان فهد و قتل او و یکی از
همراهان او .
۴- اعدام انقلابی نماینده شهر ناصریه
در بارلمان عراق و رئیس تشکیلات دفاع ملی
استان .
۵- اجرای حکم اعدام در مورد یکی
رسمولین سازمان امنیت شهر جابیش .
۶- کمین گذاری در جاده ناصریه
برای یکی از افسران جیش الشعبی بنام
سدا لزهرة ، این فرد نقش موثری در دستگیری
و شکنجه مجاهدین عراقی داشته است .
۷- کمین گذاری در جاده منتهی به
شهر قلعه سکر استان ناصریه و قتل معاون
مدیر سازمان امنیت استان ناصریه
بوزخمی کردن دوتن از همراهان او .
۸- هماهنگی مجاهدین عراقی تابع
نیروهای سیدالشهدا با رزمندگان قرارگاه
رمضان ، در اجرای عملیات قهرمانانای
در استان بغداد بنام عملیات شهید دقایی ،
در این عملیات یک کارخانه اسلحه سازی
در اسکندریه منفجر و آتش کشیده شد .
۹- حمله به کارخانه تولید مواد

با توجه به اینکه ارتش عراق بسا
انگیزه های ضد صهیونیستی تشکیل گشته به
مراتب رشد یافته تر از ارتش ایران بسود
و بالقوه میتواند یک نیروی فعال در مبارزه
با اسرائیل باشد که با شیوه های اسلامی
و انسانی ما این قوه به فعل تبدیل شده
و ثبات نظامی ارتش بعث خواهد شکست .
۴- مبارزه واقعی با صهیونیسم به این
معناست که تمام نیروهای عمل کننده و شعاری
دهنده در این راه در هر مرتبه ای بسیج
شده و در خدمت خط مشی آزادی قدس قرار گیرند
در این سیرو طیفه ، ما ست که توده های ارتش
عراق را که با شعار مبارزه با اسرائیل وارد
ارتش عراق میشوند ، جذب کرده و تسلط
بیشتری در جهت اسارت این نیروها بسا
فرب خورده و در بند حزب بعث که از ذکا فر
مبارزه با اسرائیل هستند عمل آوریم .
۵- درگیری و انهدام کادرهای بالای
بعث عراق به معنای نفی درگیری بسا
سربازان نیست و باید بیشتر به جذب آنها
توجه کرد . شیوه برخورد های اسلامی
و انسانی ما در جبهه میتواند مبنای تحول
در سربازان باشد .

حزب بعث عراق با شعار آزادی فلسطین
و استقلال اعراب خود را در بین توده های
عرب مطرح کرد و توانست از درون مردم
عراق که انگیزه های ضد صهیونیستی داشتند
بسیاری را برای ارتش عراق عضو گیری
کند و بسا سو استفاده از این شعار باعث
تثبیت خود در بین توده های آن کشور شد
۲- اکثر تسلیم شدگان از سربازان
عراقی هستند که در برخورد با شیوه های اسلامی
و انسانی ما تسلیم میشوند و بعد از روشن
ماهیت صدام و حزب بعث حاضر میشوند حتی
چون خود را فدا کنند و با ارتش صدام درگیر
شوند در صورتیکه این مسئله در کادرهای بالای
ارتش عراق کمتر دیده شده است .
۳- در زمان شاه با اینکه ارتش
آمریکایی شاه به کشتار روحشیا نه علیه مردم
دست زد ولی امام خمینی با انحلال آن مخالفت
کرده و سعی نمود جذب جمهوری اسلامی شوند
و خدمت کنند و دیدیم فقط سران ارتش
دستور کشتار مردم را میدادند اعدام شدند
در شرایط کنونی نیز ارتش آمریکایی سابق
به نیروی ضد آمریکایی و مخالف صدام
تبدیل شده و در حال جنگ است .

درگیری و انهدام کادرهای بالای بعث عراق به
معنای نفی درگیری با سربازان نیست و باید بیشتر
به جذب آنها توجه کرد . شیوه برخورد همسای
اسلامی و انسانی ما در جبهه میتواند مبنای
تحول در سربازان باشد .

برای انهدام جوهری ماشین جنگی
عراق بایشنها دمیشود در جبهه ها کشتن
کادرهای بعضی بیشتر در نظر ، جایگزین
انهدام نیروی بدون مرز بندی گردد ، تا
بین دولت ایران و عراق کینه ای ایجاد
نگردد که مانع پیوند دولت برای آزادی قدس
بشود ، البته در روال کلی جنگ اسیر گیری
در جهت حرافربینی و جنگ رها شیبش خواهد
بود و کشتن در موارد اضطراری .

فقہ امام خمینی ...
بقیه از ص ۲
در ادامه امام گفتند امریکا حتی صلح و سازش ما را
نمیخواهد او مطیع شدن ما را میخواهد . امریکا
عراق را بعد از رام شدن از لیست کشورهای
ترویستی حذف کرد .
روش امام در حل اختلافات
همه فکر میکردند پس از ماه رمضان امام اشارهای
به اختلافات میکنند .
آیا امام نخواستند اختلافات را مطرح و حل نمایند ؟
بنظر میرسد امام اختلافات را ریشه یابی کردند و
ریشه آنها در ادامه جنگ با سازش دانستند و در این
رابطه گفتند
بقیه در صفحه ۳۲

خط امریکا رام کردن و مطیع کردن است
امام پس از این مقدمه ایدئولوژیک به صحبتهای
ائمه الکفر رهبران اشاره کردند که ملت ما را وحشی
خوانده بود و در این رابطه گفتند اگر منظور او از
توحش این است که رام نیستیم اشکالی ندارد ولی
اگر منظورش باغش است حرف بی حسابی زده است .

فرماندهانی که متصدی امر جنگ هستند تجربه های گذشته درس بگیرند و نیروها را از منظر اسبرعت تجزیر نمود و دشمن را تقویت نمایند

اخبار دانش

شهید مطهری و نظرات موجود

آیت ا... امامی کاشانی رسالت ۶۶/۲/۱۳
چندی پیش عده‌ای برخی یادداشت‌های شهید مطهری را که شامل پیش‌قرصها و حرفهای ما رکن و دیگران در مسائل اقتصادی را که خود او قرار بود اینها را تنظیم کند، نظم دهد، جرح و تعدیل نماید و بعداً "اظها رنظر نماید" نام نظریات اقتصادی وی به چاپ رسانده‌اند. اینجا است که من تکلیف احساس میکنم که عرض کنم چیزی را که برخی صورت‌نویسها، یادداشتها در مسائل فکری عمیق آیت ا... مطهری نقل میکنند هیچ دلیل بر اینکه اینها فکراستاد بوده، نیست آیت ا... مطهری بخته حوزه علمیه نبود، شاگرد فقه در محضر آیت ا... العظمی بروجرودی و امام است یا آن انگار عمیقش بود چند روز پیش که با حاج احمد آقا خمینی صحبت میکردیم ایشان میگفتند وقتی که ما این مطلب را آوردیم و امام دیدند و بعد از اطلاع امام رسانیدیم که یکی از روزنامه‌ها اقدام به چاپ این مطلب کرده است، امام فرمودند روزنامه را برایم بیا روید و وقتی مطالب چاپ شده را خدمت امام نشان دادیم امام به من فرمودند که به روزنامه بگوئید جلوی چاپ این مطلب را بگیرند من عرض میکنم وقتی امام در مقابل آن روزنامه ایسی موضع را گرفتند چرا روزنامه دیگری این کار را میکند. نکنید این کارها را اینهمه بجه‌هایی که در حبه‌ها شهید میشوند خاطر این است که التقاط بوجود نیاید.

مشکلات بیامبر را چه کسانی حل میکردند؟
فقرا، یا ثروتمندان؟
ایشان به نقطه نظرات بعضی‌ها که میگویند قیام پیامبر علیه ثروتمندان بوده است اشاره کرد و گفت: گرچه در طول تاریخ کسانی که دنبال پیامبر راه میافتادند فقیر بودند ولی در عوض مشکلاتی که پیامبر داشت بدست امثال حضرت خدیجه (س) حل میشد اما در اسلام نداریم که فقرا بر علیه ثروتمندان جبهه بگیرند و با هم بجنگند چیزی که در اسلام هست جنگ بین حق و باطل و جنگ بین ظالم و مظلوم است.

جوابیه کیهان به آیت ا... کاشانی
کیهان ۶۶/۲/۱۵
آنچه که در کیهان منتشر شده متن سخنرانی استاد شهید است تحت عنوان "سرمایه داری و سوسیالیسم" که عیناً "ارتوآر سخنرانی استاد پیاده شده و بدون هیچ دخل و تصرف با اندک ویرایش گفتاری به

چاپ رسیده است و بنا بر مضمون تنها در کیهان بلکه در بسیاری از مراکز توزیع نوارهای سخنان آن شهید بزرگوار موجود است.... بنا بر این آنچه درج شده عین سخنرانی استاد شهید است نه افکار مارکس و دیگران و نه نظرات التقاطی و نه یادداشت‌های پراکنده شهید مطهری...
... اظها رنظر و حکم کردن از هر که باشد باید دقیق و محکم و با میزان باشد و این ویژگیها از عضو بالاترین مرجع قانون گذاری نظام اسلامی بیشتر انتظار میرود.
... آثار نقل شده از ایشان در روزنامه رسالت درباره یکی از روزنامه‌ها و نظیر حضرت امام در این باب به مطالب مندرجه در روزنامه محترمی غیر از کیهان در سال



۶۲ بر میگردد و ارتباط آن مطالب با سخنان چاپ شده در کیهان تطابق تاریخی و سنجیت موضوعی ندارد.
... اینکه استاد شهید مطهری بعنوان یک فقیه متبحر آشنای به زبان، وظیفه خویش داشته‌اند که پیرامون مسائل مستحدثه بحث کنند، حق است که خداوند متعال برای ایشان و امثال ایشان مقرر داشته است و باز بودن باب اجتهاد، که از اختراعات تشیع است نیز به همین معناست... از سوی دیگر ما حینظران ذیصلاح نیز حق دارند که حتی نظریاتی خلاف نظریات شهید مطهری داشته باشند و آن را نشر دهند، اما تخطئه، انگار واقعیت ونفی یک گفتار منطبق در نوار نیست دادن آن به افکار التقاطی و مکاتب سادی را بر چه چیزی میتوان حمل کرد؟
... در اختلاف نظرها و سلیقه‌ها باید بر برهان، جدال احسن و در جای خود نصیحت و ارشاد تکیه کرد و اگر اندیشه‌ای را درست نمیدانیم باید با اندیشه‌ای برتر و استوار تر به اصلاح آن بپردازیم و بالاخره درک مقام واقعی رهبر عالیقدر که در افقی بسیار فراتر از سلیقه‌ها - و تنگ حوصلگی‌های ما، حق را سرنوشت اسلام و مسلمین و کشور اسلامی ایران را میگیرند و نیز احترام حقیقی به رزمندگان افتخار آفرینمان ایجاب میکند که از هرگونه مایه گذاشتن نا بجا از این سرمایه‌های گرانقدر الهی و تاریخی در باب مسائل و مواضع سیاسی و غیر سیاسی مقطعی و اثبات خویش ونفی دیگران بپرهیزیم.

روزنامه رسمی مجلس شورای اسلامی ۶۶/۲/۱۳
آقای کمبری در جلسه علنی مجلس: تحلیل وزرگداشت واقعی وقتی از این بزرگان جنبه واقعیت خواهد یافت که اندیشه و فکر و برنامهای آنها را در عمل پیاپی ده نمایم استاد شهید مطهری تا کید ز یاد روی اصل عدالت اجتماعی و عدالت، ایشان می‌فرمایند اصل عدالت از مقیاسهای اسلام است که باید دید چه چیزها و منطق میشود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت عدالت است بلکه آنچه عدالت دین میگوید این معنی مقیاس بودن عدالت است برای دین، پس باید بحث کرد که آیا دین مقیاس عدالت است یا عدالت مقیاس دین، مقدسی

اقتضا میکند که بگوئیم دین مقیاس عدالت است اما اینطور نیست "در حای دیگر می فرمایند: "روش علی (ع) به ما می‌آموزد که تغییر رژیم سیاسی و تغییر و تعویض بستها و برداشتن افراد نام صالح و گذاشتن افراد صالح بجای آنها بدون دست زدن به بنیاد آن اجتماع از نظر نظامات اقتصادی و عدالت اجتماعی فایده‌ای ندارد و اثرش نخواهد بود".... در حای دیگر استاد شهید به بیان آفات نهضتها و انقلابها و خطراتی که هر انقلابی را تهدید میکند می‌پردازند و از جمله آفات را که بر می‌شمرند به دو مورد اشاره میشود: ۱- رخنه فرصت طلبان ۲- اسهام طرحهای آئینه.

نظر حجه الاسلام عباسی در مورد انتشار سخنرانیهای شهید مطهری:
کیهان ۶۶/۲/۲۹
این سلسله مباحث که در کیهان دو یا سه شماره اش منتشر و سپس قطع شد، سخنی سخنرانی از مرحوم مطهری است. اینها دست نویس و قش نیست مثل کتابی بود که قبلاً از آقای مطهری از مجموعه فیش‌های ایشان تهیه کرده‌اند. آنچه در کیهان منتشر شد نوار سخنرانیهای ایشان بود اینها را خود ایشان گفته و عنوان کرده و مورد تایید خود ایشان است و این را نمیتوانیم با دست نوشته‌ها مقایسه کنیم. و انتشارش هم خیلی لازم و خوب بود. من در رابطه با این مورد که سخنرانیهای ایشان در روزنامه کیهان قطع شد بیش از همه انتقاد به کیهان است... حال سؤال این است که چرا آقایان و شاگردان استاد مطهری که بسیاری از آنها اکنون جزء مسئولین مملکت هستند از افکار ایشان و سخنرانیها و دیدگاههای ایشان حمایت نمیکند. من معتقدم که مظلومیت آقای مطهری خیلی بیشتر از آیت ا... دکتر بهشتی است. بدلیل اینکه آقای بهشتی بدست بنی صدرها و مخالفین مظلوم و متهم شد و آنها از نشر افکارش جلوگیری کردند اما الان با جلوگیری از نشر سخنرانیهای استاد مطهری داریم ایشان را متهم میکنیم.

... اما راجع به کتاب ایشان من نظرم این است که شاگردان ایشان که هم در سطح دانشگاه و هم در سطح حوزه هستند بنشینند

و آن کتاب را با نظریاتی که از این مرد بزرگ در ذهن دارند با توجه به مباحث جلسات خصوصی ایشان به حاشی برسانند این صحیح نیست که ایشان یک زحماتی بکنند و یک کتاب فیش با شد و این همینطورا زین برود ما نمیخواهیم بگوئیم که افکار آیت ا... مطهری وحی منزل است یعنی هر چه که این مرد بزرگ گفت قابل بررسی نیست ولی میخواهیم بگوئیم که افکار ایشان آنقدر ارزشمند است که میتوانیم حدیثی حرکتی باشد، یکی از حرفهای مهم آقای مطهری این است که روش اقتصادی دنیای فعلی واقعاً "بوجود آورنده فقر است.... نظرات آیت ا... مهدوی کندی پیرامون

ما نمیخواهیم بگوئیم که افکار آیت ا... مطهری وحی منزل است ولی میخواهیم بگوئیم که افکار ایشان آنقدر ارزشمند است که میتوانیم حدیثی حرکتی باشد، یکی از حرفهای مهم آقای مطهری این است که روش اقتصادی دنیای فعلی واقعاً "بوجود آورنده فقر است....

آثار شهید مطهری:
رساله ۶۶/۳/۳
درسه یا چهار سال قبل کتابی بنام اقتصاد اسلامی از مرحوم شهید بزرگوارمان شهید متفکر و عالم فیلسوف ما و شاگرد خاص امام و پاره تن امام مرحوم آیت ا... مطهری، البته بطور تقریباً "نیمه مخفی قسمتی از آن منتشر شد، بعد از این قضیه یکی از آقایان علما تهران نامه‌ای خدمت امام نوشتند و در آن نامه خدمت ایشان عرض کردند که این کتاب مجموعه‌ای از نوشته‌ها و یادداشت‌هایی از مرحوم شهید مطهری است که بعضی‌ها پیش نظرات ایشان میباشد و بعضی‌ها ایشان بعنوان یادداشت‌هایی است که برای بررسی مجدد وقت و لذا ایشان خودش این را بصورت کتاب در دنیا آورده بودند و بعضی‌ها هم از نوارهایی که ظاهر است از قسمتهایی از نوارها و درسها و منبرهای ایشان بوده اینها جمع شده بود و با یک حواشی هم که به آن اضافه شده یک کتاب شده است. و در آن نامه عرض کرده بود که در این کتاب مطالبی هست که با فقه اسلام و شیعه بعضی جاهاش نمیخواند. و اگر مرحوم مطهری این مطالب را بعنوان یک اظهار نظری در محافل علمی بیان نکردند اینها کاشف از اعتقادات ایشان نیست. و بهرحال اینها اشکال دارد. حضرت امام بعد از اینکه این نامه را قرائت کرده بودند، این کتاب را خواسته بودند. بعد از آن چون خودشان وقت نداشتند که کاملاً تمام کتاب را از اول تا آخر بخوانند بسویله آقا زاده‌شان دستور دادند که بنده این کتاب را بخوانم. فرمودند: این کتاب را شما بخوانید جا‌هایی که بنظرتان می‌آید که اشکال و شبهه‌ای دارد آنها را برای من یادداشت کنید که من آنجاها را خودم نگاه کنم، بعد از آن نظر کنم"..... خلاصه بنده عرض کردم: جها مورد یاد پنج مورد این کتاب اشکال دار و بقیه‌اش بسیار خوب است خیلی هم عالی است نظرات خوب، دقیق و عمیق شهید مطهری است که باید استفاده کنیم... یکی از آنها همین مسئله ماشین بود یعنی ابزار تولید و کارخانه بود که کارخانه مثل ابزار تولید "کاردر" و "چکش" سابق نیست که یک بقیه در صفحه ۲۴



اخبار داخلی اجتماعی

را طلب کردند و انقلابشان به پیروزی رسید و این انقلاب هم مردمی بود و مردم اسلام را میخواستند و شعارشان هم اللعاکبر بود و تحلیل هم ندارد؟

چرا انقلاب اسلامی فی‌المثل در سال ۵۰ اتفاق نیفتاد؟

این حرفها برای محافل روستفکری است. خوب سؤال ما این است که چرا عنایات الهی سال ۵۰ شامل حال این ملت نشد؟ یک حادثه دیگری که من بعدا راجع به آن

چرا فکرمی‌کردیم در عراق باید انقلاب شود اما نشد؟

مقدمه:

نشریه سفیر (ارگان فرهنگی ، خبری جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی) در شماره ۶۵ و ۶۴ خود اقدام به درج يك سخنرانی از برادر محمد جواد مظفر پیرامون "عوامل بوجود آورنده انقلاب اسلامی" نموده است. در این سخنرانی بحثی پیرامون انقلاب اسلامی ایران شده و سپس در ادامه به بررسی حزب بعث و جامعه عراق پرداخته است. از جهت اهمیت اینگونه بررسیها قسمتهای از صحبتهای ایشان را نقل میکنیم.

آیا انقلاب اسلامی بدون تحلیل است؟

صحت بیشتری خواهم داشت در همین جامعه خودمان و در همین کشور خودمان در تاریخ معاصر در تاریخی بوقوع پیوسته که فکر می‌کنم عموماً حواهران و برادران در قید حیات بوده باشند، اتفاقا در آن واقعه ۳ عصری که ناظران در انقلاب اسلامی پیروز حاضر بودند آنجا هم عامل مونتر بود این ۳ عنصر مسئله مکتب (اسلام) ، مسئله مردم (مردم مسلمان) و مسئله رهبری اتفاقا همین رهبر نیز همانجا هم بود ولی آنجا حرکت به حاکمیت سیاسی نمتجاسید موفق نشد و به پیروزی رسید و در آن زمان نیروی انقلاب موفق نشد حاکمیت سیاسی را بدست گیرد بلکه بعد از آن ۱۵ سال سیاه بر این مملکت مستولی شد. چه شد آن موقع عنایات الهی شامل حال این رهبری، این مردم مسلمان، این اسلام نشد؟ چرا این عنایات الهی شامل حال پاکستانی‌ها در جریان قیام دوران ذوالفقار علی بوتو نشد و سرانجام از درون آن حرکت ضیاءالحق سر بیرون آورد.

چرا این عنایات الهی شامل حال کشورهای دیگر جهان نشد و هزاران جرای دیگر اینجا ما فقط نیاز به جواب داریم. پاسخی نخواهیم داشت اگر به این شیوای که عرض کردم با این مسئله برخورد کنیم، اینجا به بن بست خواهیم رسید. اما برای اینکه خوب انبات کنیم و استدلال منکی به سند باشد و جواب را ذهینت یافته نخصی ندانید، من در جواب از دو بعد به نصیه نگاه می‌کنم داخلی و خارجی و شما خواهید دید که اینگونه اندیشه و نگاه به انقلاب اسلامی و مسائل داخلی و جهانی داشتن چیزی نیست جز تفکری در همین رده که انقلاب اسلامی بدون هیچ تحلیلی صرفاً یک عنایت الهی بوده است.

آیا شیوه‌های ما در انقلاب

نسخه قابل استفاده‌ای برای همه دنیا است چرا اینجوری فکر می‌کردیم و فکر می‌کنند جز این است که تصورشان اینست که انقلاب اسلامی ایران هم بوجود آمده یک روزی مردم همت‌کردند و آمدند تو خمایان نظاهرات کردند. نظاهرات پشت نظاهرات، گونا نهامدند، انقلاب پیروز شد پس این نسخه قابل استفاده‌ای برای همه دنیا است. کار ندارد همه دنیا می‌توانند نظاهرات کنند بعد هم گونا نهامدند بعد هم پیروز شوند. ای عجب! آیا نظاهرات ما، جوهر نظاهرات ما با نظاهرات در اروپا یکی است؟ ...

سؤالی که به ذهن شما حداقل بگزار حضور کرده و آن اینست که چرا در عراق انقلاب نمی‌شود؟ آقا این صدام حسن که صدام برید کافر است. خوب اینکه معلوم است شما هم که مسلمان و شیعه خوب پس با علی مدد، یعنی حی با علی مدد؟ خوب یعنی حالا چه کار کنیم. خوب دیکه حالا نظاهرات کنید. با احساساتی کند صدام برید سرنگون می‌شود. بعدا

آدمم کسبم که خوشتر را بکیرم صدام سافط شد خوب کرفتم شد کسبم برویم تا دم صره سافط خواهد شد شد، مونت برود وسط بعدا سافط خواهد شد شد. او کافر است باید سافط شود. چرا شده. چرا ما اینجوری فکر می‌کردیم، چرا فکر می‌کردیم در عراق باید انقلاب شود چرا انقلاب نشد؟ برای اینکه نمیر خودمان از انقلاب خودمان غلط بوده درست ما به دام نفکر خود صدام افتادیم. صدام می‌گفت من می‌آیم یک هفته خوزستان را می‌کیرم. ناظران خوزستان (جاده درفول) را قطع می‌کنم، داخل کشور به هم می‌ریزد و بعد از آن جمهوری اسلامی سرنگون می‌شود. خوب نشد. بعد ما خودمان افتادیم به دام نفکر صدام، ما کسبم حالا او سرنگون می‌شود. سن سال است می‌بیمم که ارس مزدور بعث عراق هم که مانند این رژیم لعنی کافر یعنی صهیونیستی که هیچ بانکهای در میان مردم ندارد با یک سوم جمعیت ایران سن سال هم هست که دارد می‌جنگد.

ایجاد یک انقلاب به فراهم بودن مجموعه شرایطی بستگی دارد

باور کنید این را من از خودم نمی‌گویم. این سؤال به ذهن یکی از بزرگترین مقامات این مملکت هم آمده بود. در یک جلسه گفت البته نه حالا دو سال پیش واقعا مسئله است ما یک ملت می‌کنیم ولی او که می‌گویم پایگاه ندارد حزب بعثی هست و یک ارتش ولی واقعا چهار سال است که او هم دارد می‌جنگد چه جوری دارند می‌جنگند؟ خود ما که مدعی هستیم که نمت هزار نا اسیرش را اینجا داریم (یواسا) بواش دارد آن خواب آشفته پیش می‌آید) اینهمه کشته و معلول در عراق هم هست پس چگونه هنوز سرباست؟ برای اینکه سر پا بودن نظام بعث عراق به قانونمندی مربوط است، به قوانین حاکم بر تحولات اجتماعات و ایجاد انقلاب و بوجود آمدن انقلاب در حوامه که هنوز مجموعه آن شرایط در عراق فراهم نیست خوب وقت بفرمائید. صحبت من از انقلاب مردمی برای سرنگونی صدام است من در اینمورد و این کیفیت سرنگونی صدام صحبتی کنم نه مسئله اینکه مثلا ما برویم تا بعدا یعنی بوسیله نیروی نظامی تا بغداد برویم. رژیم آنجا را سرنگون بکنیم اما مانند ارتش هندوستان که نا داگا رفت و کشور بنگلادش را مستقل اعلام کرد اینجا من نمی‌گویم گذشته از آن به هر حال همه ما این میل را داریم که با همه این بحثها بیج رادبو را باز کنیم و بشنوم صدام بزیسد سرنگون شد. به درک واصل شد نمی‌دانم قرار کرد و رفت به یاریس ترور شد. بالاخره یک چیزی بشنوم که مرگ و سقوط رژیم او را برساند خود من هم دلم این جیرها را می‌خواهد. ممکن هم هست این اتفاقات هم بیافسد، یک کودتای نظامی. یک تحول اینجوری یک تحول نظامی از طرف ما. من اینرا نمی‌گویم این محتمل است. من

نایسبتر از حاکمیت موجودان پیدا نکنند (حالا ممکن است در عراق موجود باشد ولی آنرا کشف نکرده باشد و نشانند) قیام نمی‌کنند. قیام مردم به قصد براندازی رهبر می‌خواهد، مردم بدون رهبری قیام به قصد براندازی نمی‌کنند بنابراین در یک جامعه‌ای من منظوم یعنی حکومت بسیار بسیار مغرور صدام، اگر نظاهرات، اعتماسها، درکریها، برحوردهای مطلق وجود داشته باشد اما قیام عمومی مردم در عراق به قصد براندازی آنجاسکه در ایران اسلامی شاهدس بودم این چنین رح نخواهد داد نا زمانی که مردم بفرهبری نایسبتر از حکومت موجودان ایمان بساورند و پشت سرش بسج نشوند این پس قدم اول یعنی در رابطه با عراق باید به این نکته نیز توجه کنیم.

قدرت تشکیلات و سازماندهی

مطلب دیگر، من تحلیل خودم را از علل سربائی رژیم بعث عرض کردم که چه هست و مطلب دیگر آنکه در کنار این قانونمندی که طرح کردم می‌گویم تشکیلات می‌تواند در حلا رهبری مورد قبول عامه اداره کننده و نگاهدارنده جامعه باشد یا نه دست گیرنده در رهبری در تحرک مردمی باشد. حالا به عنوان نمونه انقلاب اکثر روسته را مورد بحث قرار می‌دهم، در آنجا بوده‌های مردم غلبه برار قیام می‌کنند حور در آنجا سازمان منسکل بلسویکها مطرح است آن سازمان می‌تواند بدست بگیرد، یعنی می‌گویم این جایگزین آن می‌شود. چه تشکیلات و سازمان بر قدرت می‌تواند جایگزین رهبری شود و می‌تواند برکننده حلا رهبری مورد قبول عامه واقع شود در مورد عراق هم همینطور است، حزب بعث حزب منسکل و کارکردهای است در طول این ۲۰ سال در تمام شئون جامعه عراق رسوخ داشته و دقیقا کارکرده است و سازمان سازماندهی شده است و به همین دلیل ما سازماندهی برادرش جامعه را سر با نگهداشته هرچند شما بگوئید بی‌ایگاه است و ممکن است هم همینطور باشد اما ما سازماندهی جامعه را سر با نگهداشته است. من نمونه نزدیک به خودمان را می‌گویم باید مناقصین که به اعتقاد من همیشه کسبم "صدام، رجوی" به قدرت رسیده است. قدرت تشکیلات و سازماندهی در امد مناقصین باعث شده بود که بسینم فلان دختر ۱۶ ساله آنطرف برچند همان حواسی را می‌دهد در اسحا رجوی در مفر خودش می‌داد. بطور بسیار سازمان‌یافتهای فکر را منسقل می‌کردند. باسحها مسح و روس. بومسکریها مسح و روس. پس سازماندهی رهبری ما سازماندهی برمسود. ما سازماندهی بر قدرت عاملی که در عراق امروز مطرح است. فعلا عراق باجراس.

انقلاب اسلامی ایران انقلابی بی تحلیل نیست

چرا فکرمی‌کردیم در عراق باید انقلاب شود اما نشد؟ خودمان از انقلاب خودمان غلط بوده و ما درست به دام تفکر خود صدام افتادیم.

سائراس می‌گویم انقلاب اسلامی ایران انقلابی بی‌تحلیل نیست. انقلاب اسلامی ایران در پائیز ۵۶ بوجود نیامد، انقلاب اسلامی ایران در اثر عوامل ساده‌ای که ما به آن می‌اندیسیم منسکل نشده است بلکه انقلاب اسلامی ایران دقیقا دارای تحلیل است که چرا و از چه سبیری عمور کرده و چگونه به پیروزی رسید. ... حالا با سؤال و جوابهایی که رد و بدل خواهد شد یک مقدار قصبه را می‌شکافیم و بوضیح می‌دهم. اما اگر من اینطور صحبت میکنم و لروما برخی انبامات برایتان ایجاد می‌شود مسئلای نیست. من می‌خواهم این انبام و شک به صورتی که می‌خواهم مطرح شود که راهگشا باشد نه اینکه بافی بماند و مفصلی شود.

چرا پانزدهم خرداد ۴۳ آغاز انقلاب اسلامی ایران است؟

اما ما معتقد هستیم که انقلاب اسلامی زمانی زودتر از این شروع شده و آغازی دیگر دارد. اتفاقا از دیدگاه ما انقلاب اسلامی ایران همان مقطعی بود که حدود نیم ساعت بیست از آن یاد کردم و ظاهر احساس کردید من در آن مقطع موضعی منفی دارم و برعکس حامی بحث من انبات این است که شالوده انقلاب اسلامی همان تحول تاریخی خاص است و آن اینست که ما می‌گویم آغاز انقلاب اسلامی ایران پانزدهم خرداد ۴۳ است اما چرا اینرا می‌گوئیم؟

دارم صحبت از انقلاب توده‌های مردم علیه رژیم صدام می‌کنم، می‌گویم چرا فکر می‌کنیم در عراق چرا انقلاب نمی‌شود؟ یا چرا فکر کردیم در عراق انقلاب خواهد شد و یا در اثر فلان تحول و در اثر دگرگونی در عراق رژیم بعثی سقوط خواهد کرد چرا اینجور است برای اینکه درباره انقلاب اسلامی خود ما اشتباه فکر می‌کردیم. ما فکر می‌کردیم در انقلاب اسلامی خودمان هم این جوری بود یعنی مردم یک رسبه برایشان فراهم شد سائرابین انقلاب کردند و گونا نهامدند. در حالیکه انقلاب در حوامه تابع قانونمندی است که حالا در مورد عراق رسیدیم به آن.

نقش رهبری و تشکیلات در تکوین انقلاب

یکی از آنها را من عرض می‌کنم. مطلب عربی و بیگانهای نیست که می‌خواهم بگویم مسئلای است که خودتان قبول دارید خودتان اما به آن توجه نکرده‌اید به صورت یک بحث مدون و مشخص راجع به آن فکر نمی‌کردید و به آن اندیشه نمی‌شود و آن اینکه هیچ قوم و ملتی بدون آنکه به رهبری‌ای (ممکن است یک سازمان و یا یک حزب این مهم را بعهده بگیرد) نایستمنتر از حکومت موجودش ایمان نیاورد دست به انقلاب به قصد براندازی نخواهد زد. اینرا با جرئت می‌گویم، اینرا به عنوان یک قانونمندی که به آن رسیدیم خدمتان طرح می‌کنم تا مردم رهبری



اخبار فلسفه

چرا فکری کردیم در عراق ...

چون مد است؟ چون رهبری جریان ۱۵ خرداد همان رهبر انقلاب اسلامی است می‌گوئیم یا بر اساس جوایز می‌گوئیم یا نه دلیلی داریم؟ یک موقعی ما با یکی از بزرگان جامعه که بوسیده اسلامی هست و همه سا او را می‌سناسند بحث می‌کردیم در همین زمینه او می‌گفت آغاز انقلاب ما از انقلاب ابراهیم است گفتم شما که می‌گوئید چرا کم می‌گوئید بگو از زمان حضرت آدم است اصلاً از پیدایش حیات در جهان است این اعتقاد خیلی هم بی‌ربط نیست با این تعبیر و تلفی که تمامی تحولات اجتماعی زنجیره به هم پیوسته‌ای است حرف بی‌ربط و غلطی نیست که بگوئیم آغاز انقلاب اسلامی از زمان حضرت آدم و پیدایش حیات و هستی است یا بگوئیم ابراهیم و با یکی بگوئید تمام امام حسین و با هر واقعه دیگری می‌باید. اما همه برادران و خواهران خوشحاندان اسرا قبول دارند که انتخاب مقاطع تاریخی بدلائل روسی و فنی که جامعه را دگرگونی خاص می‌بخشد رسم است. مثلاً می‌گوئید ایران قبل از اسلام، ایران بعد از اسلام. این در مطالعه تاریخی یک روس

علمی قابل قبول و مورد پذیرش است. روس غلطی نیست، بنابراین نمی‌شود آنکسی که می‌گوید ایران قبل از اسلام ایران بعد از اسلام یعنی ورود اسلام را نقطه عطف می‌داند و مطالعه از آن به بعد برایش فصلی مشخص و ممیزه است ابراهیم بکریم. بنابراین انتخاب مقاطع تاریخی صدساله برای اسکه نوعی تحولات در این سال نبوسد بیوسد و مستند این مربوط به این صد سال است قبلاً این تحولات نبوده، نه به معنای کسستی تاریخی نه به معنای اسکه وقایع قبل از این صد سال روی این صد سال موبر نبوده است، فقط این‌طور نیست. حالا با این سخنانی که خدمتان عرض کردم می‌خواهم بگویم انتخاب ۱۵ خرداد بعنوان یک مقطع تاریخی و نقطه عطف اگر منکی بر دلیل باشد قابل قبول است. ما معتقد هستیم که به دو دلیل عمده ۱۵ خرداد سال ۴۴ نقطه عطف و بالوده انقلاب اسلامی ایران است:

- ۱- سوه حاکم بر مبارزات تا قبل از ۱۵ خرداد مبارزه در چارچوب نظام بوده است. از بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۴ است که سوه مبارزه، مبارزه به قصد براندازی می‌شود. (هر زمان ما این موضوع را بیس می‌کشم بحث‌هایی بیس می‌آید و همه دچار مشکل می‌شود.) حتی برخاستن سوه مبارزه قبل از ۱۵ خرداد ۴۴ که در جامعه راجح بود یعنی مبارزاتی که با زور و اسلحه یا زرم سخن می‌گفت باز هم در چارچوب نظام حاکم بود در چارچوب نظام سلطنتی بود. در مسروظه سلطنتی. انسانی که می‌افند ایست که با دبرور آقای مظفرالدین شاه که شاه مستبد فاجار است. امروز بکدفعه می‌شود امضا کشیده مسروظه سلطنت موهبتی است الهی که از جانب ملت به سخن بادشاه تفویض شده است) بکدفعه سلطنت شاه می‌شود موهبتی الهی که از جانب مردم به شاه تفویض شده که در واقع نظام سلطنتی آب و رنگ پیدا می‌کند. نه این دلیل است که می‌گوئیم

برخاستن سوه مبارزه در چارچوب نظام بود. از بعد از ۱۵ خرداد است که سوه غالب. سوه مبارزه می‌شود به قصد براندازی

- ۲- اسلام از بعد از ۱۵ خرداد ۴۴ بعنوان ایدئولوژی حاکم و مکتب مدعی حکومت مطرح می‌شود. (باز خواهان و برادران نوی برانسر عرض کم من به اینکه تحولات قبل را منکر نوم. خبر در هیچ مطالعه تاریخی نمی‌شود تحولات قبل را انکار کرد فقط زنجیره به هم پیوسته‌ای است) اما این مقطع تاریخی این تحول را بوجود آورد درست است که روحانیت و مردم مسلمان در مبارزات قبل از خرداد ۴۴ نیز شرکت دارند. اما در آنجا آنها ادعای حکومت اسلامی به شیوه‌ای که امام خمینی بایفکندارس شد نداشتند.

آیا مطرح شدن احکام شرعیه توسط بعضی علمای قبل از ۱۵ خرداد با شیوه امام در ایجاد حکومت بر مبنای اصول شرعی یکی است؟

متأسفانه در مطالعه تاریخی ما (مسائل) با هم نداخل پیدا می‌کنند و مرزبان محدود می‌شود و آن نیست که حواست اجرای احکام شرعیه در جامعه نه بوسیده بعضی از علما و روحانیون در تاریخ معاصر ایران مطرح شده با حواست ایجاد حکومت اسلامی به شیوه‌ای امام بایفکنداری کرد یکسان مطرح نظر قرار می‌گیرد و یکی می‌دانند درحالی‌که اینطور نبوده است و در آنجا ممکن است روحانیت می‌گفته احکام شرعیه باید اجرا شود اما این به معنای این نبوده که می‌گفته حکومت اسلامی به شیوه‌ای که ولی‌فقیه رهبر آن بود بناده شود و اسلام خودی ادعای جهان‌شمولی و ادعای حکومت‌داری و ادعای داس امتدادی، نظام برنامه و سیاست خارجی و داخلی و روابط اجتماعی

کند. این ادعا و این حواست از بعد از ۱۵ خرداد ۴۴ است که شکل می‌گیرد و پایه و قور می‌گیرد و جناح‌ها و حزب‌ها و مقابلس را کنار می‌زند و به پیروزی می‌رسد و اما قبل از آن این مسئله مطرح نبود. روحانیت در حزب‌ها شرکت می‌کند اما باز فابون اساسی مسروظه که بوسه می‌شود می‌بند که فابون اساسی مسروظه که بوسه می‌شود یک آب و رنگی دارد ناره. بعد خیلی که مرحوم شیخ فضل... توری بلاس می‌کند موفقی می‌شود در منم فابون اساسی، نظارت ۵ مجتهد را بر فابونین مصوب مجلس اقبال یکند. حرکتی از مواد منم. اما در اینکه خود ساختار نظام سلطنتی است حرفی نیست. مردم در جریان انقلاب اسلامی می‌گویند ما بیرو فرآیم، سلطنت نمی‌خواهیم. ان الملوک اذا دخلوا قریه افسدوها. مردم در انقلاب اسلامی به این نتیجه می‌رسند در قبل از ۱۵ خرداد گلمه حواست حتی روحانیت به حسن نتیجه‌ای نرسیده است اما در اسحا به حسن می‌رسند بنابراین ۱۵ خرداد ۴۴ از نظر ما نقطه عطفی است که برای انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. راه مجاهد

ایشان در بررسی علت ثبات مدام و حزب بعثت عامل تشکیلات سازماندهی را علت اصلی بقای این دانسته‌اند. با توجه به اینکه هر سازماندهی و تشکیلاتی از دل یک ایدئولوژی خاص درآمده و متکی به آن سازماندهی می‌باشد، بنظر می‌رسد که ثبات حزب بعثت قبل از آنکه ثبات تشکیلاتی باشد یک ثبات ایدئولوژیک است. جهت بررسی عمیقتر مطالعه سرمقاله راه مجاهد شماره ۴۱ را توصیه می‌کنیم.

نهفت امام خمینی و رسالت نیروهای خط امام

در رین نیروهای انقلاب یا لاهص خط امامیهاییکه در حال تعمیق هستند سوالات زیر مطرح شده است:

- ۱- استمرار نهفت اسلامی پس از تثبیت جمهوری اسلامی چگونه است؟
- ۲- آیا نیروهای خط امام علاوه بر حفظ نظام جمهوری اسلامی، رسالت دیگری ندارند؟
- ۳- آیا رسالت خط امامیهاتنها در انتقاد به نارسائیهای موجود خلاصه می‌شود یا برای اصلاح نارسائیهها، نیاز به یک رهگشایی و عمل صالح اثباتی دارند؟

امید داریم این نوشتار گامی باشد در جهت پاسخ به نیازهای روز. برای اینکار به تعریفی از "نهفت و نظام" و سپس رابطه آن دو میپردازیم.

نهفت و نظام

تعریف نهفت: هر نهفتی یک حرکت بالقوه یا بالفعل است، معمولاً حرکت در نظام ظاهر چشمگیری ندارد. تعریف نهفت: سنوالی است که پاسخ به آن نیروهای اجتماعی را فعال میکند و نیاز از امیل است که ارضای آن موجب حل بسیاری از معضلات اجتماعی و رشد و گسترش امت واحد خواهد شد. بنابراین "نهفت" در واقع یک "حرکت جوهری" است.

تعریف نظام: هر نهفتی وقتی بصورت سازماندهی و تشکل درآمده و بطور نسبی، سیستم متناسب با ارزشهایش را بوجود آورد. به حاکمیت ظاهری هم میرسد و بصورت نظام جلوه‌گر می‌شود. بنابراین "نظام" عبارت است از: "ظهور و فعلیت" نهفت، به عبارت دیگر وقتی در پاسخ به نیازهای یک نهفت، گاد رسازی و بسجی ایجاد شود و دستاوردهایی رسیدیم، سازماندهی و تشکلی که برای اجرای ارزشها و دستاوردهای فوق بوجود می‌آید "نظام" نامیده می‌شود.

نهفت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی - وقتی "استقلال"، "آزادی جمهوری اسلامی" در حد یک نیاز و یک طلب مطرح بود در حکم یک "نهفت" محسوب می‌شود و به درجه‌ای که تحقق یافته و حالت سازمان یافته‌ای بخود می‌گیرد و تثبیت میشود بصورت یک نظام رشد یافته در می‌آید. حفظ چنین نظامی در واقع حفظ ارزشهای تحکیم یافته نهفت است و ولی از آنجا که تمام ارزشهای نهفت فعلیت نیافته و پیگاههای رژیم سلطنتی کاملاً از بین رفته است بنابراین حفظ نظام جمهوری اسلامی بدون اصلاح پیگاههای سلطنت (شیوه تولید و سرمایه‌داری وابسته به نفت، بوروکراسی، دستهای مرموز و...) مانعی برای ادامه نهفت خواهد بود. حفظ نظامیکه تدوام نهفت باشد از واجب و احیات است ولی امروزه در رین سعی‌لین تعارضی بین ادامه نهفت و

حفظ نظام وجود دارد. بعنوان مثال آقای دکتر رجانی (از مسئولین وزارت خارجه) حفظ نظام را در رهبریت نهفت (مد و رانقلاب) قرار دادند. این شیوه در برگیرنده مبارزه با پایگاه‌های سلطنت که نیست بلکه مانع مد و رانقلاب نیز میشود.

(به مقاله سیاست خارجی جمهوری اسلامی در راه مجاهد شماره ۴۱ مراجعه شود.) امام خمینی از سال ۴۲ تا بحال، ارزشهای رابعورت یک "نهفت" مطرح کرده‌اند از جمله "حکومت اسلامی"، "شاه باید برود"، "گرفت ما را برینند غرب روی نهفت ران خواهد دید" و... که برخی از این ارزشها تحقق یافته و بصورت نظام درآمده است. علت تحقق یافتن ارزشهای فوق این بود که نیروهای انقلاب در پاسخ به آنها فعال شده و پس از ۱۵ خرداد ۴۲، شروع به گاد رسازی و سازماندهی مبارزه علیه رژیم سلطنتی نمودند این جهاد و تلاش و شهادت‌ها موجب شد تا ارزشها و ایمیکه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در مرحله یک "نهفت" بود بصورت "نظام" درآمده و جمهوری اسلامی تشکیل شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی عده‌ای از روی غرض، یاساد هاندیشی، شعارهایان انقلاب را مطرح نمودند حال اینکه نهفت اسلامی هنوز بطور کامل به نظام تبدیل نشده و ارزشهایش کاملاً فعلیت نیافته بود، شعار "استقلال" داده می‌شد ولی هنوز به تولیدات خودکامی مستقل از دل‌راهای نفتی نرسیده بودیم. طی چند سال اخیر نیز در رهنمود هم‌سا و سخنان امام خمینی، نهفت‌هایی بچشم می‌خورد که تدوام نهفت اسلامی در گرو پاسخگویی به آنهاست از جمله اینکه "در کتابهای ارسطو بیس از آنچه در قرآن کریم است بچشم نمی‌خورد"، "خدا یا ما را ازین نفت نجات بده"، "استخراج احکام از صمد"، و...

این رهنمودها بصورت نهفتی است که در مرحله فعلی حاکمیت ظاهری ندارد. رسالت خط امامیهاتین است که در خدمت تدوام این نهفت اسلامی درآمده و علاوه بر حفظ نظامی که حاصل خون شهداست نیروی خود را در پاسخ به نیازهای اصلی که امام مطرح کرده‌اند فعال کنند این رسالت، یک حرکت اثباتی است که اگر پیگیری شود به نظام نیز تبدیل خواهد شد ولی بدون این حرکت اثباتی او با انتقاد صرف ادر نیستند معضلاتی را که گریبانگیر انقلاب اسلامی است، نه تحویطی حل نمی‌مانند. بطوریکه سید که علت اصلی عدم تحقق بعضی از رهنمودهای اصولی امام منجمله پیام ۸ ماده‌ای و... در اهماط خط امامیهات و عدم پیگیری آنها در رابطه با رسالت فوق بوده است.

امید داریم که خط امامیهات دل‌سوز، در تدوام این نهفت اسلامی فعال شوند و یک کار اثباتی و رهگشاز در این راه شروع کنند.

امید داریم نیروهاییکه از موضع استقلال اقتصادی به جمهوری اسلامی انتقاد دارند در خط تدوام نهفت "غرب روی نفت ران خواهد دید" فعال شوند و یاد بگانه‌ها و روشهای مختلف در مورد وابستگی و اتکا به نفت برخوردارهای مستدل و چاره ساز کنند و سعی در ارائه شیوه‌های خودکامی نمایند (مبارزه اصولی با نفت) نیروهاییکه از موضع استقلال ایدئولوژیک از شیطان بزرگ و انتقاد به شیوه‌های غیر اسلامی از جمله شکنجه بمنظور اعتراف و مقابله به مثل و... و توجیهات فقهی این شیوه‌ها ناراضی هستند نیروی خود را در نهفت "استخراج احکام از صمد" و "استقلال از منطبق یونانی - غربی ارسطو" فعال کنند به این ترتیب در پاسخ به نیازهاییکه امام خمینی بصورت یک نهفت مطرح کرده‌اند نهادهای خود خویشی ایجاد خواهد شد که خود غمان تدوام نهفت اسلامی و حفظ اصولی نظام جمهوری اسلامی در برابر شیطان بزرگ خواهد شد.

والسلام

اخبار داخلي

دکتر شریعتی
و برخورد های موجود

سخنرانی آقای حجازی در مراسم
چهلمین روز درگذشت استاد شریعتی :

کیهان ۶۶/۳/۷

وی ضمن تجلیل از شهید دکتر شریعتی گفت :
... عده ای که دم از سازمان اقتصاد اسلامی
خاصی میزنند در شمال شهر مسجد چند ملیونی
ساز میکنند و اجازه ورود مسیحیان را هم به
مسجد نمیدهند... خطری که انقلاب اسلامی را
هدید میکند انحراف به راست نه انحراف به
چپ.

... کسانی که میگویند باید خاکریز بعدی را
امام تصرف کند اگر منظورشان دانشجویان
و انجمنهای اسلامی دانشگاه است سخت در اشتباهند
مگر همین ها نیستند که بازو را با انقلاب و بازو آن
روحانیت میبازند. مگر همین انجمنهای اسلامی
انشجویان نیستند که در حبه ها حضور دارند
و تهدید می شوند... پس چرا میگویند باید این
خاکریز را فتح کرد.

راه مجاهد: بنظر میرسد در شرایطی که امام
سروحدت نیروها تا یکدگر کرده اند و امریکادار
فاز نظامی علیه نهضت اسلامی است آیا بهتر
نیست واژه خاکریز را در مورد صدامیان و امریکادار
در خلیج بکار ببریم؟

نظر حجه الاسلام خلخالی :

کیهان ۶۶/۳/۱۵

حاج گلداردکسانی که در زمان رژیم
گذشته در زندانها زیر شکنجه بودند و تسلیم
شدند کسانی که در سربون کردن بنی صدر
و در منحنظ کردن لیبالیها سهم مهمی داشتند
خواهند اینحورا افراد که مایه امت مستضعف
هستند و آدمهای لایقی هستند، روزه گرفتند
و نماز خواندند، در نمازهای جمعه شرکت
کردند با قیافه نورانی و مصمم در خدمت
امام و در خدمت این امت بودند و واقعا این
امت مستضعف چشم امید به اینگونه افراد
دوخته است این افراد را این دلسوزان را،
قیافه های نورانی را بعضی ها به خیال واهی
خودشان خاکریز دوم حساب میکنند. این خیلی
اشتباه بزرگی است و نباید اینحور مسائل
تکرار شود. همین طوری که امام امت فرمودند
مناقشات را کنار بگذارید و قدمهای بزرگی
در این راه برداشته شده... این منافقات
فقط به فقط مایه خوشحالی یک عده فراری
میشود.

سخنرانی دکتر طولانی در مراسم
گرمیادداشت سالگرد شهادت دکتر شریعتی...

کیهان ۶۶/۳/۳۵

... علامه طباطبائی خطاب به استاد شریعتی
میگفت: من غیبه میخورم خوشحال شما



که انسان میسازد... شهید بهشتی میگفت
اگر انقلاب بیروز شود یک بعدا با سبب دکنسر
شریعتی و پدرش استاد محمد تقی شریعتی است
مرحوم مطهری هم از دکنسر تحلیل میکرد. یک
وقتی شخصی به من تلفن زد و گفت شما
طرفدار دکتر شریعتی هستید؟ گفتم ما طرفدار
مظلوم هستیم. ما طرفدار است نیتیم و است
نمی سازیم. هر کس اشتباه دارد مسلماً آنها که
بیشتر کار و حرکت کنند بیشتر اشتباه خواهند
داشت. شریعتی مطلق نیست ولی ما میگوییم
عزیزانی که میگویند او ایراد میگیرد چرا
حوسازی میکنند. بیاید نقد علمی کنید و رد
کنید... اگر دیروز نوبت شریعتی بود که
بایکوت شود و امروز نوبت مطهری، فردا نوبت
آیتا... العظمی منتظری و پس فردا هم علم
نیست که به نام دین، اسلام و وجدان نوبت
چه کسی باشد... شریعتی، مطهری، طالقانی
و... هیچکدام معصوم نبوده اند اما آیا باید
کلتک را برداشت و ریشه را زد؟

سخنرانی دکتر سروش در مراسم
بزرگداشت شهیدان شریعتی و جمران :

کیهان ۶۶/۴/۲

... آیا ما آنقدر حسارت ورزیده ایم که از
تاریخ خودمان آنقدر فاصله بگیریم که این
پالاره های تاریخ ساز را ندیده بگیریم؟
چرا باید ما کسانی را که از آنها هستند چنان
بکنیم که از آن دیگران شوند؟ ما بدون
آنها نمیتوانیم پیش پای خودمان را ببینیم
و این گستاخی را نباید بر خودمان روا داریم
که آنها را به نیم نگاه می نظر کنیم و آنها
را دور میفکنیم. بنابراین اولین دلیل
و عاملی که الزام میکند ما مجدداً طرح
اندیشه شریعتی کنیم و با خاطره و رازنده نگه
داریم این است که ما از آن ما است... گذشتگان
کار خودشان را کردند و راه خودشان را رفتند
و امروز آنها به منزله چراغهایی هستند که ما
نیازمند راه کعبک آنها هستیم...

قابل توجه آیتا... خزعلی

در یکی از سحرهای ماه رمضان رادیوی
جمهوری اسلامی یک دعای نیم دقیقه ای قبل
از اذان از دکتر شریعتی پخش نمودند دنبال
آیتا... خزعلی در حسینیه اصفهان نیتها
واقع در آب منگل به مدت نیم ساعت، از صدا و
سیمانتقاد کرد و بدین مضمون گفتند که چرا
صحت مطهری کش ها از ادب و بیخیش میشود؟ در
حالی که خود آیتا... مطهری چنین برخوردی
را تایید نمیکنند و اطلاعیه ایشان شاهد
بر این مدعاست باید توجه داشت که افرادی
نظیر گودرزی رهبر فرقان، روحانی بود که از

شیوه های غیرمکتبی افرادی مثل "شیخ قاسم
اسلامی" و دیگران به عکس العمل افتاده
و بدان انحرافات دچار شدند. مثلاً شیخ قاسم
اسلامی در مجلسی در خیابان زیبا مستمعین را
به کف زدن دو انگشته دعوت نمود که همگی
با هم بگویند "به سر دکنسر علی شریعتی من
...". یا بعنوان مثال کتابهای دکنسر
را خریدند در سیاهانه های اطراف تهران
میسوزاندند تا دیگر کسی آن کتابها را نخواند
گفته میشود گودرزی در یکی از این برنامه ها
کتاب سوزی یکی از کتابهای دکتر را میخواند
و جذب آن میشود و از کتاب سوزی نادم و پشیمان
شده و نسبت با این کارها متنفر میگردد. و کلاً به
خط مشی ضد آخوند و روحانی رسیده و ایادی
مرموز هم در آنها نفوذ کرده و به محاربه با
جمهوری اسلامی میروند.

امیدواریم با دقت در اطلاعیه آیتا...
مطهری بدام شیوه هایی که از منزل شیخ -
حسین لنگرانی نشاءت میگیرند نیتیم
و سوابق شیخ حسین را اگر نمیدانیم شمه ای
از آن را در کتاب کاشی در روحانیت نوشته
ع- باقی مطالعه نمائیم و سعی کنیم اگر
انتقادی به دکتر شریعتی هست بصورت کتاب،
مقاله یا رساله ای مستدل باشد تا جا معه
را از تفرقه نجات بخشد.

اگر دیروز نوبت شریعتی بود که بایکوت
شود، امروز نوبت مطهری، فردا نوبت آیتا...
العظمی منتظری و پس فردا هم معلوم نیست
که با نام دین و اسلام و خدا نوبت چه کسی
است.

امیدواریم از دو قطبی کردن کاذب
جامعه پرهیز نمائیم. از علم کردن
مطهری در برابر شریعتی یا بالعکس باید
پرهیز نمود.

ما وجدان بیدار ما حینظران و متفکرین
اسلامی را مخاطب قرار داده میگوئیم چطور
میشود وقتی یک مرجع روحانی و پیر سابقه
مثل شریعتی را علیه انقلاب و امام دست
به گودتا زده و در این رابطه با ساواک و سیا
تماسهایی برقرار میکند هنوز عنوان فقاقت
را دارا است و آیتا... خزعلی فقاقت او را
قبول دارند و قضیه شریعتی را راتعمیم
نداده و روحانیت را به دلیل این نمونه
ها، نمیگویند ولی وقتی یکنفر که آثار
دکتر را خوانده و رابطه تشکیلاتی هم نداشته
و شاگرد نزدیک ایشان هم نبوده و دست به
عملی میزند به این سرعت و عجله کل حرکت
دکتر شریعتی زیر سؤال میرود و تعجب
اینجاست که به سوابق گودرزی و روحانی
بودن او و رویه ییت شیوه های غیرمکتبی هم
توجه نمیشود. علاوه بر پی بردن به قاتل
مکانیکی بایستی به ریشه های قتل
شهید مطهری و شهید قره نی نیز پرداخت.

اطلاعیه آیتا... مطهری و مهندس
بازرگان در مورد دکتر شریعتی :

حال اطلاعیه آیتا... مطهری و مهندس
بازرگان در سال ۵۶ را که اخیراً "در نشریه
پیام دانشگاه ارگان جهاد دانشگاهی
اصفهان شماره ۳۵ مورخ خرداد ماه ۶۶ درج
شده است نقل میکنیم.

نظریاتی که مسائل مربوط به دکتر
علی شریعتی مدتی است موضوع جنجال و اطلاق
وقت طبقات مختلف و موجب انحراف آنها از
مسائل اساسی و حیاتی ما و بهره برداری افراد

و دستگا های مغرض گردیده است اینجانبان
تبادل نظر در این مسائل را ضروری دانستیم
و در پی یک سلسله مذاکرات به این نتیجه
رسیدیم که تا حدود زیادی وحدت نظر
داریم و با توجه باینکه بیشتر افرادی که
دچار این سردرگمی و بیپهوه کاری هستند
از قشر حقیقت طلبند و وظیفه شرعی دانستیم
عقاد و نظریات مشترک خود را در این زمینه
نخست بطور اجمال و سپس بطور تفصیل به اطلاع
عموم و بویژه این قشر برسانیم و با شد که
وسيله خیری برای رهایی از این سردرگمی
و بازگشت به وحدت و الفت میان این مسلمانان
گردد که این موجب رضای خدای متعال خواهد
بود... اینجانبان که علاوه بر آشنائی به
آثار و نوشته های مشارالیه، باشخص
فی الحمله معاشرت داشتیم معتقدیم نسبت به
از قبیل سنی گیری و هوا بیگری اوبی اساس
است و او در هیچیک از مسائل اصول اسلام
از توحید گرفته تا نبوت، معاد، عدل و امامت
گرایش غیر اسلامی نداشته است. اما نظریاتی که
تحصیلات عالی و فرهنگ او غریبی بود و هنوز
فرصت و مجال کافی نیافته بود در معارف
اسلامی مطالعه و آشنائی داشته باشد تا آنجا که
گاهی از مسلمات قرآن و سنت و معارف و فقه
اسلامی بیخبر میماند. هر چند با کوشش زیاد

بتدریج بر اطلاعات خود در این زمینه میافزود
در مسائل اصولی دجا را اشتباهات فراوان گردید
که سکوت در برابر آنان ناروا و نوعی کتمان
حقیقت و مشمول سخن خداست که "الذین یکنز
ما انزلنا من الینات من بعد ما بیننا للناس
اولئک یلعنهم... ویلعنهم الاعنون".

از این رو با توجه به اقبال فراوان
خوانان به کتب مشارالیه و اینکه خود او در
اواخر عمر در اثر تذکرات متوالی افرادی -
غرض و بلا ترفتن سطح معلومات "خسودش
متوجه اشتباهات خودش" و به یکی از نزدیکانش
و کالت تام برای اصلاح آنها داده (۱)
اینجانبان بر آن شدیم، بحول وقوه الهی
ضمن احترام به شخصیت او و تقدیر از زحمات
و خدماتش در سوق دادن نسل جوان به اسلام
بدون مجامله و بهره پوشی و بدون اعتنا به
احساسات طرفداران متعصب و یا دشمنان مغرض
طی نشریاتی نظر خود را در باره مطالب و
مندرجات کتابهای ایشان بالمصراحه اعلام
داریم. از خداوند متعال مدد میطلبیم و از
همه افرادی که بی غرضانه نظریات مستدل
خود را در اختیار ما قرار میدهند و ما را در این
راه یاری نمایند متشکر خواهیم شد.

۱۳۵۶/۹/۲۳ مرتضی مطهری مهدی بازرگان

پا و رقی (۱) از نشریه جهاد دانشگاهی است :
منظور استاد محمد رضا حکیمی (صاحب تالیفات
الحیاه، امام در عیتیت جامعه، خورشید مغرب
...) که متن وصیت نامه مرحوم دکتر شریعتی
نیز در نزد ایشان محفوظ است.



دکتر شریعتی و ...

کتاب انتشار در روحانیت

برگزیده‌ای از مواضع شیخ حسن لنگرانی از کتاب کاشی درباره روحانیت

شیخ حسن لنگرانی در انتخابات مجلس دوره چهارم سال ۱۳۲۰ کاندیدای حزب توده از اردبیل می‌شود و بعنوان نماینده حزب توده وارد مجلس شورای ملی می‌گردد. رابطه قوام با حزب توده: در سال ۱۳۲۴ قوام از حزب توده دعوت به شرکت در کابینه مینماید و سه وزیر بنا می‌آید ابرح اسکندری دکتر فریدون کشا و زود کتیریزی از حزب توده وارد کابینه میشوند که این امر با دخالت و معرفی شیخ حسن لنگرانی صورت می‌گیرد.

نظر شهید محمد منتظری: ... در ارتباط با سید صادق روحانی بوده ... در قلم هم این مسئله اشاره به مسئله درگیریهای مخالفین وحدت شیعه و سنی در اواخر انقلاب دارد یعنی این لنگرانی متخصص مسئله جنگهای شیعه و سنی، مسئله وهابیت و ولایتی ...

مارک و هابیت به مبارزین: مسئله وهابی بودن هر کس که زندان می‌افتد و یک شخصیت مذهبی داشت این مارک و هابیت می‌خورد، یعنی مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی دکتر سحابی اینها را اول میگفت ... دوم (دوره اینها که گذشت) آقای مطهری را مطرح می‌کرد که در خانه همین فاضل قفقازی (شیخ محمد فاضل قفقازی در قم) که من خود آنجا بودم که ایشان میگفت که خلاصه شیخ حسن میگفت یک پولی از عربستان سعودی می‌آید برای آقای مطهری و این پول را تقسیم میکند بین تهران، مشهد، قم، اصفهان و میگفت که این پول میرسد دست آقای منتظری، آقای مشکینی، آقای صالحی نجف‌آبادی. این یک چیزی بود که مطرح میکرد از اون طرف وقتی که آقای نهشتی از اروپا آمده بود مطرح میکرد که خلاصه یک ما موریتی دارد که بیاید مسئله وهابیت را در ایران مطرح کند و این اشهدان امیرالمومنین علی ولی ... را می‌خواهند حذف بکنند و وجه الکفین را به اتفاق آقای مطهری می‌خواهند از زمین ببرند و یک ما موریتی دارد از اروپا و کازمینیات

مقدس نمایی شیخ حسن لنگرانی: این شیخ در جلساتی که مینشستیم هر وقت رادیو مثلا موسیقی اش می‌آمد میگفت که بگذار موسیقی باشد شکل ندارد ... در طهران ونجاسات وقتی که بحث میشد میگفت که بابا این مسخره بازیها چیست، فقه را مسخره کردند، طهران ... اینقدر سخت نیست. ولی همین شیخ من یادم است که رفتیم خانه اش در جریان شهیدجا وید که برویم آنجا بفهمیم چکار میکند. رفتیم یک چایی آوردند جلوی ما، بعد یکدفعه خودش حالتی را بهم زد و تا کنون میگفت خلاصه این تعلیقی نجس شده هر چه ما میگفتیم بابا ما با استکان چایی میخوریم حالا زکجا که این فرش نجس باشد میگفت نجس شد خلاصه اینقدر مقدس نشده بود که خانمش دادند این تعلیقی ها را آب بکش. دوباره رفتیم آنجا توی یک اطاق نماز بخوانیم توی طاقچه یک مهرم بیشتر نبود آنهم سنگ بود ما برداشتم نماز بخوانیم

بعد سلام دادیم یکدفعه آمدتو اطاق دست روی دست زد و گفت که وای وای تو هم که چه شده‌ای ماهم پرسیدیم که چی گفت توهم که داری وهابی میشوی چرا روی تربیت نماز خواندی. من گفتم که اول این سنگ است و اشکال ندارد ثانیاً "تو چرا مهربانگی را گذاشته‌ای اینجا، چرا تربیت نگذاشته‌ای."

این یکمقل از آقای سعیدی است. آقای سعیدی رفیق می‌شود ... بلی مرحوم سعیدی با شیخ حسن لنگرانی بعد می‌رود به می‌خواهم که ماه رمضان بیاید به همراهی خلق ... یک مطالبی بگوید که استفاده نکنند و هم علامه برقی را معرفی میکند به آقای سعیدی، همان برقی که اخیراً دستگیر شده بود و یکسری لاطلاعات با اسم ولایت ... این علامه برقی صاحب همین کتاب عقل و دین و حافظ شیرازی و ... سیّد ابوالفضل برقی - خلاصه شیخ حسن لنگرانی به این آقای سعیدی می‌گوید این خیلی خوب است این را دعوت می‌کند و می‌رود تو مسجد ده، با نژده روز منبر می‌رود و بعد یکدفعه جنگ شیعه و سنی و ولایتی و ضد ولایتی در می‌آفتد و آنجا حیرانی شد و به با زار هم کشید. من یادم است بعد وسط ماه رمضان، حالا خودش گفته این را دعوت کن. آنوقت شیخ حسن لنگرانی یکی شیخ علی میانجی که مرتباً با او بود، یک شیخ علی میانجی که آدم بی سواد هم بود خلاصه دوتا شاهد عادل میشوند و آقای سعیدی می‌گویند دوتا شاهد عادل بر ایمان ثابت شده که این "علامه سید ابوالفضل برقی" رهابی است و باید روی منبر بگویی آقای سعیدی هم می‌رود روی منبر می‌گوید دوتا شاهد عادل بنام شیخ حسن لنگرانی و شیخ علی میانجی شهادت میدهند این وهابی است تا که آن مسئله را می‌گوید از آن به بعد آنچنان اوج گرفته بود که حد ندارد بعد من و آقای ربانی شیرازی و یک مجموعی با آقای سعیدی صحبت کردیم که این شیخ حسن یک همچو بازی در آورده ... خلاصه برای اینکه این فائده بخواهد بیاید روی بگویی که درست نبوده این شهادت آقای سعیدی رفت روی منبر گفت که این شهادت درست نبوده و اون فائده خوابید.

خط باصطلاح دفاع از امام حسین (ع) در رد کتاب شهید جاوید:

مبارزه علیه دکتر علی شریعتی: نویسنده کتاب شهید مطهری افتخارگر و مؤلفه (منذر) لنگرانی را مراد و مرشد خویش می‌شناسد و از مدت‌ها پیش متوالیاً نزد شیخ حسن رفته و آروزی در تهیه و تنظیم کتاب فوق‌الهام گرفته است.

کاندیدای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری آقای لنگرانی که هیچگونه شهرت و مقبولیتی نزد عامه مردم نداشت و تنها در میان خاص معروف بود خود را کاندیدای ریاست جمهوری میکند در حالی که در آن تاریخ قدا و کاملاً خمیده و حدوداً ۶۰ سال از عمر وی سپری شده بود، پس از سخنرانی افتخارگرا - حجه الاسلام خوشینی ها پیرامون عدم صلاحیت برخی کاندیداها و ... آقای لنگرانی ثفاها و تلفظاً اعلام انصراف مینماید.

حمایت از مدنی: شیخ حسن پس از کناره‌گیری از دوره انتخابات اعلامیه‌ای در حمایت از دکتر مدنی برای ریاست جمهوری منتشر نمود.

مسئله وهابی بودن هر کس که زندان می‌افتد و یک شخصیت مذهبی داشت این مارک و هابیت می‌خورد. یعنی مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی دکتر سحابی اینها را اول میگفت ... دوم (دوره اینها که گذشت) آقای مطهری را مطرح می‌کرد که در خانه همین فاضل قفقازی (شیخ محمد فاضل قفقازی در قم) که من خود آنجا بودم که ایشان میگفت که خلاصه شیخ حسن میگفت یک پولی از عربستان سعودی می‌آید برای آقای مطهری و این پول را تقسیم میکند بین تهران، مشهد، قم، اصفهان و ...

علت انصراف شیخ حسن لنگرانی از کاندیداتوری:

خود آقای لنگرانی پیرامون علل انصراف می‌گوید: من عقب کشیدم چون دیدم تمیز شدن تنها کسی بودم که صلاحیت داشتم اگر آزادی بود این منصب حتماً مال من بود. برای این عقب کشیدم که اگر می‌ماندم رد و خوردیش می‌آمد. و درگیری شدم من نمی‌خواستم علیه رژیم اقدامی بکنم نمی‌خواستم علیه سید (منظور امام خمینی است) کاری کرده باشم. من فقط به ایمان سدایمان دارم. ولی اشتباهاتی دارد. هفده سال در نجف، بعد هم در این چند سال او را محاصره کرده اند، عقب نکشیدن من زودتر انتخابات مستلزم معارضه با سید و رژیم بود.

خط تفرقه اندازی بین شیعه و سنی این کتاب با خطرات یک جاسوس انگلیسی در سرزمینهای اسلامی است. همفرد این کتاب از شمهای از طرحهای وزارت جاسوسی انگلیس در مبارزه با اسلام بریده بر میدارد محور و موضوع اصلی کتاب چگونگی یافتن محمد بن عبدالوهاب یک روحانی جوان عرب و متکبر از اهل سنت می‌باشد و اینکه محرک عبدالوهاب در اعلام مسلک و هابیت و پیامدهای آن انگلیس است ... انگیزه شیخ حسن از مقدمه و تعلیق زدن بر این کتاب و جایبهای مکرر و تبلیغ آن بوسیله نشر اعلامیه در تیراژهای بسیار زیاد و نحوه استفاده لنگرانی از محتویات کتاب دقیقاً "در راستای تحقق همان نویسنده" خطرات متره مفرات است.

بزرگ چگونگی مبارزه با کفر
لذت بخش بر بر عزم ما که کفر
همیشه ... چنین پدید آید
بخش خیرین وقت الهی

اخبار داخلی



کیهان ۶۶/۲/۲۹

حجت الاسلام رضوی در مقاله‌ای تحت عنوان "قاتل علی علیه السلام" مینویسد.

اوقات این طبع آن چیزی نیست که گفته میشود

شکل و تصویری که از این طبع در اکثر دهها هست با واقعیت تفاوت زیادی دارد. این طبع یک ولگرد ولات که به انگیزه عشق یک زن دست به قتل امیر سلیمان بزند و یا مسئله جنسی جزئی از انگیزه او باشد نبود. او مردی بود مدعی علم و به اصطلاح امروز دارای ایدئولوژی و بعنوان صاحب نظر در اسلام مطرح بود یکی از افراد سرشناس بحساب میرفت. از مخالفین حکومت عثمان و ابتدا یکی از افراد موثر و هوادار حکومت حضرت علی (ع) بود. او در جنگها در رکاب حضرت علی (ع) و از عبادتگزاران و اهل مسجد کوفه بود. موضع اجتماعی سیاسی و عقیدتی و فکری قاتل در این بین لوٹ شده و جامعه از شناختن چهره‌های بظاهر مسلمان معتقد و ولی خطرناک محروم میماند. او از موضع فکراندیشه عقیده و باصلاح ایمان یا انگیزه خدمت به جامعه و خدمت به مردم و دین و اسلام شمشیر بر فرق اسلام و دین و عدالت و مردم کوبید.

چرا این طبع تصمیم به قتل علی (ع) گرفت

آری تصمیم عبد الرحمن از فضای عمومی و جو جامعه منبعت میگردد. او به هر محفل بازاری کوچهای ... گذر میکرد میدید که نق زنها نق میزنند. از حکومت علی (ع) گله دارند بعضی ها از کمبودهای

مساله مالیات به جایی رسید که امام فرمودند این چه حرف عوامانه ای است که در دهانهای انداخته اند. چه کسی گفته است مالیات جزو احکام ثانویه است؟ مالیات جزو احکام اولیه است.

موجوده بعضی دیگر از کثرت شهدا و یتیم شدن بچه ها بی شوهر ماندن عروسها و ... که آری جنگ جمل، جنگ صفین، جنگ نهروان همه جای مملکت را به ماتم کشانده است دستگاه اداری نارسایی دارد. ... که رفاه طلبان و فرزندان تاجر مذاق که خود یکی از عوامل اصلی فشار بودند توده مردم را تحریک می کردند (صفهای خرید، مساله کوبین، گرانی، تورم و ...). در این بین بجای اینکه عامل کمبودها معاویه و یاران او باشند و هواداران یولدا را با بظواهر مقدسشان شناخته شوند همه تصویرها بگسردن حکومت انداخته میشد. رفاه طلبان زبردست و از خودرانی (که خودشان را صدای مسلمان واقعی میدانستند و به نماز عبادتشان و یا چند ربالی که بعنوان صدقه به فقرا میدادند مشهور بودند) مغز توده مردم را میخوردند و به ذهنها القا میکردند این حکومت علی (ع) است که باعث هر گونه فشارها و تومنها شده است مگر نمی بینید قبل از حکومت

در محافل

ماه رمضان

علی آسایش داشتیم و اینها روزگاران تپاه شده است اینان با تیفاف حق بجانی و خیره در اسلام و خیره در مسلمانان نتیجه رفتار زراوندوز خودشان را به حساب حکومت میگذاشتند. . . .

اما نمیتوانیم باور کنیم که قاتل علی (ع) نقاب حریان یا جریانها بود کل جامعه (منهای عده کم) در قتل علی (ع) مصول بودند. آری نق زنها نیز تاملند اگر چه نق زنها در محله حقوقی قاتل نباشند اما در محله جامعه شناسی چرا. . . .

کیهان ۶۶/۲/۲۶

حجت الاسلام عباسی در مصاحبه با کیهان

نباید به بهانه التقاط چپ وارد التقاط راست بشویم

اینکه میگویند جوانهای ما در جبهه میجنگند تا التقاط نباشد البته صحیح است ولی آنها با عدههای وسیعتری میجنگند تا عدالت اجتماعی اسلام و توانین بر مایه اسلام هم مطرح و اجرا بشود. التقاط بد است البته تنها التقاط چپ بد نیست التقاط چپ و راست هر دو بد است ما نباید به بهانه التقاط چپ وارد التقاط راست بشویم. یعنی درست تر اقتصادیمان همان طرحی باشد که امریکا میخواهد.

مهم کیفیت بخشش در راه خداست نه کمیت آن

... خدیجه در زمان بی کسی پیامبر اول زنی است که اسلام آورده و دین خدا را از پیغمبر آموخته و بعد میفرماید ثروتش را هم در راه خدا بخشش

مساله مالیات به جایی رسید که امام فرمودند این چه حرف عوامانه ای است که در دهانهای انداخته اند. چه کسی گفته است مالیات جزو احکام ثانویه است؟ مالیات جزو احکام اولیه است.

کرد ما سببیم آیا روی کمیت ثروت حضرت تکیه کرده اند و یا روی اینکه تمام ثروتش را داده. آنچه در اسلام مهم است کیفیت اعمال است نه کمیت آن. . . . خدیجه ها و یاران کربسای دوران ماهمان خانوارهای مستضعفین هستند که نه تنها بچه ها - ایشان را فرستادند به جبهه خودشان به جبهه میروند که اصلا سفر نانشان را هم در اختیار جبهه قرار داده اند.

راههای پیاده شدن عدالت اجتماعی

- توجه در بیانات و سخنان مرحوم آیتا. . . شبیه مطهری و بعضی کتابها چاپ شده اینان - ثروتها چیزی نبود که در دین یک عده خاصی ماند یعنی انحصار و انحصار غلط باشد. - روی جنبشها نرخ گذاشته شود.

که نان فقرا را بخورد و برای ثروتمندان شعار بدهد ما نباید گول عوامفریبها را بخوریم زیرا که علو (ع) به ما یاد داده است که قرآنی را که بر سر نیزه عمرو عاص دیدی به تیر ببند و فقهائتی را که مدعیان سرمایه داران میباشند نیز به تیر ببند.

کیهان ۶۶/۲/۳۱

سخنرانی حجت الاسلام هادی خامنه‌ای طی مراسم شب نوزدهم ماه مبارک رمضان در مشهد

کسانی که قبل از انقلاب فعالیت میکردند فضیلتشان

بیشتر است

کسانی که قبل از انقلاب فعالیت میکردند کسانی که قبل از آنکه حکومت اسلامی و اسلام به قدرت برسد جهاد کردند و در این راه انفاق کردند اینها به مراتب فضیلتشان و ارزششان بیشتر از کسانی است که بعد از پیروزی انقلاب قدم به میدان مینهند. منظور این نیست کمبگویم از آنهاست که بعد از انقلاب به میدان قدم میگذارند استفاده نشود اما در حد خودشان و در آن مداری که لیاقت و شخصیت به آنها اجازه میدهد نه بیشتر.

فرصت طلبان چه کسانی هستند

فرصت طلبان کسانی هستند که مانسند اهو



همانطور که حضرت علی (ع) در مقابل انحراف زمان خود ایستاد و مبارزه کرد، مانیز در مقابل انحراف از خط امام ایستادگی خواهیم کرد و لیسو اینکه طلحه و زبیر باشند.

کیهان ۶۶/۲/۲۸

حجت الاسلام هادی فخاری در مراسم شبهای ماه رمضان

"... اگر در زمان حضرت علی علیه السلام با تسک به قرآن و احادیث مانع از ادامه حکومت آن حضرت شدند امروز در قالب فقه و فقهائت در مقابل حرکت اسلامی مانع ایجاد میکنند. . . . روزیکه ابروسفیان بعنوان مظهر اشرافیت و سرمایه داری اسلام و ایمان آورد، محمد (ص) خلع سلاح شد و روزیکه عمرواص بت جبل را گذاشت و قرآن را بدست گرفت علی (ع) فاتح خوبرو را در صفین شکست داد.

همانطور که حضرت علی در مقابل انحراف زمان خود ایستاد و مبارزه کرد ما نیز در مقابل انحراف از خط امام ایستادگی خواهیم کرد ولو اینکه طلحه و زبیر باشند. مگر آنها افرادی بودند و یا سوابق ناچیزی در صدر اسلام داشتند که امیر المومنین (ع) در مقابله با آنها تردیدی به خود راه ندهد؟ کسانی که مدتی بعد از ۱۷ شهریور ۵۷ در کارخانه مورتلجه کردند که برای مقابله با انحصار کارگران و جلوگیری از حرکت توفند و انقلاب از کارگران فلبینی استفاده کنند امروز فقه شده اند و ما را هم ضمیمه به ضد فقه سنتی مینمایند.

"... مساله مالیات به جایی رسید که امام فرمودند این چه حرف عوامانه‌ای است که در دهانهای انداخته اند چه کسی گفته است که مالیات جزو احکام ثانیه است مالیات جزو احکام اولیه است و احتیاج به تصویب مجلس هم ندارد بلکه خود دولت هم میتواند مالیات بگیرد. . . . این از شأن یک ایدئولوژی بدور است

سفیان مدت کوتاهی می آیند اسلام می آورند و یک عده‌ای را جمع میکنند و شروع به توطئه میکنند و در واقع اسلام و انقلاب و نظام انقلابی را دور میزنند و به آن نقطه‌ای که حساس سرنویشت ساز است رخنه میکنند و بعد هم هر بلایی که بخواهند بر سر اسلام و مردم می آورند.

چگونه انقلاب از درون می پوسد؟

ما از جنگ و محاصره اقتصادی نترسیم و هرگز نیز نصیترسیم اما آن چیزی که ما را میترساند اینست که تفکرات و اندیشه های اسلامی و انقلابی در جامعه ما دچار ضعف شود و گرایشهای انقلابی هر روز ضعیفتر شود آن گرایشهای انقلابی که روز اول به مردم میگفت هر چه خان سرمایه دار و خشان در هر جا دیدید دستگیر و به محاکم قضایی و انقلابی تحول دهید این کم کم ضعیف بشود و کار به جایی برسد که خائنانی که از ترس دلبره انقلاب و انقلابی خواب راحت ندارند اشتند کم کم احساس کنند که جایی برای آنها هست حتی آنها فکر کنند در بعد ها ممکن است در جاهای مهمتر برای تصمیم گیری بالاتر از آنها استفاده شود.

تحریف سخنان امام

آنهاست که نظرات امام را نادیده میگویند تذکر

فاستقم كما امرت، پیروان سوسی حسین (ع)

خط امام در کلام ...

تولید استفاده کنند. فرض کنید که صندوقهای قرض الحسنه یک امکاناتی دارند یا آدمهای خیریه هستند میگویند ما میخواهیم برای کشاورزی پول بدهیم، برای تولید کمک بکنیم، اینها اگر بخواهند خودشان یک افرادی را استخدام بکنند و به روستاها بفرستند این دوباره کاری می شود افراد را که جهاد سازندگی دارد. سرمایه های آنها را هم جذب کند و آب و امکانات دیگر برای کشاورزان فراهم بکنند. از صندوقهای قرض الحسنه و افراد خیر می شود کمک گرفت. مثلاً یک آدمی است که دلش می خواهد توی یک ده یک مدرسه بسازد ولی

● ما نان و برنج و گوشت ارزان را با سوسیس به شهرها می دهیم و روستایی باید گوشت کیلویی ۲۵۰ تومان و نان گران بخورد، خوب برایش صرف نمی کند و به شهر می آید.

● پامبر(ص) می فرماید اگر گناهکاری از دست شما در برود بهتر از این است که بی گناهی گرفتار شود، این را در همه جا تعمیمی بدهیم و کار را آسان کنیم تا مردم به رحمت نرفتند. حالا یکی هم سوءاستفاده کرد اشکال ندارد.

و سایش را ندارد از آن طرف شما یک وسایلی را دارید، ابزارش را دارید، ماشینش را دارید ولی پولش را ندارید. آنوقت اگر شما تشکیلات را طوری قرار بدهید و اعلام کنید که مثلاً فلان ده مدرسه می خواهد و ما می توانیم با سیصد هزار تومان یک مدرسه برایش بسازیم افرادی پیدا می شوند که اینطور کمکها را در اختیار شما بگذارند. شما آن وسایلی را، خدمات انسانی را در اختیار بگذارید و سرمایه اش را دیگری، خلاصه سعی کنید حتی المقدور روی پولهایی که صندوقهای قرض الحسنه و افراد خیر می خواهند کمک بکنند، جذب کنید.

با مثلاً فرض بگرید یک منطقه ای میل فنانهای یک منطقه ای را برده حالا یک کسانی حاضرند به سیزده ده کمک بکنند خوب شما سعی کنید این کمکها را جذب کنید و از طریق جهاد سازندگی قناتها اصلاح بشود یا سد سازی بشود، یا مثلاً فرض بگرید یک جاهایی لازم است برای حفظ شهریک میل بند درست بشود، اینطور چیزها از طریق کمکهای مردمی و جهاد امکان پذیر است. همه اش تکیه تان روی پول دولت و بودجه دولت باشد از کمکهای مردمی و صندوقهای قرض الحسنه هم استفاده کنید. حتی کمکهایی که وزارت

کشاورزی یا بانک کشاورزی می خواهد به اینها نکند باید به صورت خدمات باشد و این عفت است که پول نقد به کشاورز بدهند باید بررسی کنند اینجاست که می خواهد آب برایش تهیه کند. یا مثلاً راه می خواهد راه درست کند و پول نقد ندهند. من از اول با خدمات پولی مخالف بوده بایستی آن پول را به صورت خدمات و ماشین و کمپاین و هر چه احتیاج دارد تهیه بشود، زه کسی بشود و یا قنات احب شود. کمکها نباید بانک کشاورزی اصلاً باید از طریق جهاد و افرادی که می خواهند کار بکنند باشد خلاصه تکیه تان روی پول و سرمایه دولت نباشد، روی کمکهای مردمی باشد.

توجه به تولید بیشتر در روستاها

نکته دیگری که ایشان گفتند اینکه ما همه اش به فکر توسعه افنی باشیم به قول ایشان کشاورزی و تولیدات را عمودی بالا ببریم. یک وقتی می بینی ما از یک هکتار زمین ارباب اینک کشاورزان ما وارد بستند یک تن گندم برمی دارند، ما اینک روی اصول علمی می شود ۵ تن یا ۶ تن گندم برداشت کرد.



بارها عرض کرده ام فرانسه زمینهای خیلی از ایران کمتر است و دو برابر ایران جمعیت دارد و در کشاورزی صادرات هم دارد. برای این است که کشاورزیشان روی اصول علمی است دامداریشان روی اصول علمی است. بنابراین شما سعی بکنید افراد متخصص را به روستاها بفرستید تا راهنمایی کنند و یاد بدهند که آن کشاورز از زمین و آب بیشتر استفاده کند.

مسئله دامداری را هم از غفلت تکبید مردم را از گوشت آرزانتر و اینطور چیزها انشاء... نجات بدهید. اصلاً به جای آوردن گوشت سعی بکنید حیوانات زنده را از ترکیه یا از جای دیگر بیاورید مثلاً گاو وارد کنید و خیلی جاها و بعضی جنگلها هست که خیلی برای دامداری مستعد است چون علف زیرش

هدر می رود، غلظش را دامها بخورند. یک کسی می گفت این گوشت گاو که ما از ایرلند می آوریم آنجا همه گاوها را توی جنگل تربیت می کنند، درخت را که گاو نمی خورد از آن علف و آتش استفاده می کنند. بروید اینها را بررسی کنید که دیگر گوشت گوساله از ایرلند بر ایمان بیاورند. آخر یک جشن کشوری به این وسعت آنوقت ما بخواهیم گوشت گاو را از کجا بیاوریم و گوشت گوسفند مانده را از کجا بیاوریم. کسانی که این گوشت آرزانتری را می آورند، می گفتند اگر آدم وضع آنجا را ببیند، اصلاً نمی خواهد این گوشتها را بخورد. بنابراین سعی بکنید که در این رشته ها فعالیت کنید یکی از مشکلاتی که هست این سختگیرهایی است که گاهی اوقات جنگل بانی می کند. گاهی هماهنگی نیست. این که من می گویم گاهی اوقات یک اشکال تراشیهایی می کنند این بایستی روی اصول صحیح رفع شود و البته جنگلها را نباید تخریب کرد. اما یک سختگیرهایی هم که بعضی ها می کنند سختگیرهای بیجایی است بایستی جنگلیانی همکاری بکنند و جاهایی را که می شود

● جهاد سازندگی خوبی اش به این بود که از اول گرفتار این بوروکراسیها نبود، آن وقت که یک وزارتخانه شد من وحشت کردم و گفتم حالا نکنند اینهم گرفتار همین تار عنکبوت مقررات بشود.

زمینهایی را در اختیار دامدارها بگذارند جنگلها را در اختیارشان بگذارند. شما هم سعی کنید که در این جهت کمک کنید و آنها هم هماهنگی بکنند. این را عرض کردم و بایستی در معرمان باشد که همه ارگانها، همه وزارتخانه ها مال این کشور هست و مال این ملت است و اگر چنانچه ما این ملت را حفظ کردیم اسلام و انقلاب انشاء... صادر هم می شود و امریکا و شوروی هم واقعاً هیچ کاری نمی توانند بکنند. اگر چنانچه ملت را از دست بدهیم انقلاب و اسلام را از دست داده ایم. سرمایه این انقلاب ملت بوده است بایستی یک کاری کرد که این ملت را حفظ کرد. و ملت ما الحمداً... ملت رشد و آگاهی هم هست، قانع هم هستند اگر چنانچه ملت بیست و دو واقعاً افرادی می خواهند خدمت بکنند، بسا اگر دیدند کمبودهایی هم هست خودشان می آیند و مخلصانه کمبودها را برطرف می کنند. شما یادتان هست بعد از انقلاب مردم از پول خودشان خرج می کردند برای اینکه انقلاب حفظ بشود. بنابراین اگر چنانچه رضایت ملت را بدست بیاورید هم سرمایه خدایمان هستند و هم پشتیبان هستند و پول در اختیار می گذارند. و لذا این جهت را خیلی باید توجه کرد. انشاء... امیدوارم همه مسئولین، همه وزارتخانه ها و ارگانها با همدیگر کمک بکنند و در راه رضایت ملت قدم بردارند و از بعضی اشکال تراشیها و به قول خودشان بوروکراسی ها بایستی صرف نظر کرد و حتی المقدور کارها را آسان کرد.

بنا را بر صحت بگذارید نه بر فساد

مسلمان باید در عمل اصالة الصلحه باشد. اصل را باید بر

صحت بگذارید نه بر فساد. همه اش اصالة الفسادی نباشیم. مثلاً قرض بگیرید در یک اداره ای یا در گمرکات چون بسیار فساد گذاشته می شود اینقدر برای افراد اشکال تراشی می کنید که آنها از همه چیز سر بخورند. حدیث خوبی از پیامبر(ص) هست که می گوید اگر گناهکاری از دست شما در برود بهتر از این است که بی گناهی گرفتار بشود. این را در همه جا تعمیمش بدهیم. یعنی شما وسعت قائل باش و کار را آسان کن تا مردم به رحمت نرفتند، حالا یکی هم سوءاستفاده کرد اشکال ندارد. اما وقتی بنا شود در گمرک سخت بگیریم آن قانناها آخر کار خودشان را می کنند. بنابراین عمل بایستی بر اصالة الصلحه باشد و بر اصالة البرائة باشد، مگر یک جایی کشف خلاف بشود. خلاصه سختگیرها و قانونها و مقررات دست گیر مشکل ایجاد می کند. برای یک کار جزئی می بایستی کاغذ بنویسیم و ده دهمه این آن برود تهران و بیاید و وقتش هم می گذرد و کاری انجام نمی شود. این جهاد سازندگی خوبی اش به این بود که از اول گرفتار این بوروکراسیها و این مقررات دست و پا گیر نبود و خوب هم کار می کرد. آنوقت یکی که یک وزارتخانه شد من وحشت کردم و گفتم حالا نکنند اینهم گرفتار همین تار عنکبوت مقررات بشود. خلاصه تا می توانید یک کاری کنید اصلاً مقررات و این جور چیزها کم شود و کارها هم بیشتر استانی باشد. فرض کنید مثلاً در یک استانی وقتیکه تصمیم گرفتند یک چیزی به مصلحت است عمل بکنند. اگر می خواهند یک مدرسه در یک روستا بسازند لازم نباشد با آقای وزیر تماس بگیرند و گزارش و کمیسیون و طرح و پروژه و برو و بیا و ده برابر پول مدرسه را خرج این چیزها بکنند. اگر اینها باشد کار پیش نمی رود. خداوند انشاء... به من و همه شما توفیق بدهد تا بتوانیم با همه مشکلات بسازیم و صابر باشیم و به این ملت خدمت بکنیم. برای حسن ختام حدیث دیگری از پیامبر اکرم(ص) می خوانم: در اصول کافی نقل می شود از ایشان پرسیدند: «من احب الناس الی الله، قال رسول الله(ص): انتم الناس للئاس» یعنی محبوبترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: آنکه نفعش به مردم بیشتر برسد. شما قصدتان را خالص بکنید که به مردم نفع برسانید، بگذار کسی قدر دانی نکند، بگذرد دیگری پُر آن را بدهد، شما کارت را بکن توبرای خدا در آن روستاها کارکن، بگذار وزیر پُرش را بدهد. خدا که می داند شما برای او کار کرده اید، روز قیامت به شما اجر می دهد. خداوند انشاء... به همه ما توفیق بدهد تا بتوانیم بیشتر خدمت کنیم. خدایا به خدمتگزاران این کشور اجر جزیل عنایت بفرما، رزمندگان مسلمان در همه جا پیروز فرما. شهدای انقلاب شهدای جبهه ها شهدای جهاد سازندگی که واقعا جهاد سازندگی در جبهه ها خیلی نقش اساسی دارد اگر چنانچه آن پیشقدمیهایی که می روند و راهسازی می کنند و خاکسپاری می زنند و مسئولی روی بلدوزر شهید می شوند، اگر اینها نبودند رزمندگان ما اصلاً نمی توانستند توفیق داشته باشند و جهاد واقعا در جبهه ها نقش فعالی داشته و شهید زیاد داده است، خدایا به همه شهدای جهاد و سایر شهدا اجر جزیل عنایت بفرما و شهدای کربلا محشورشان بفرما. به بازماندگانشان هم صبر جمیل و اجر جزیل عنایت بفرما و به رهبر انقلاب طول عمر عنایت بفرما.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

● راه جهاد
● سلیقتی

کار را میکند و آن کسی که بعنوان قودال ایمن جنایت را انجام میدهد اینها همایشان ظالمند و اینهم مظلوم است. موضعگیری مظلوم علیه ظالم حق طبیعی است اینها مگر داستان ابودر غفاری را نمیدانند. این مستضعفین بودند که شما را به به این مقام و منزلت رسانده اند.

اشاعه افکار مرحوم مطهری جرمی نابخشودنی است

امروز بسعد از گذشت سالها از انقلاب هنوز اشاعه افکار مرحوم شهید مطهری جرمی نابخشودنی است و اگر عدای دلسوز پیدا شوند که بخواهند افکار آن شهید بزرگ را نشر بدهند شدیداً مورد غضب و اتهام واقع میشوند. البته این واکنشها برای چیست؟ برای این است که حرفهای مطهری بسا منافع عدای قلیل که برای آقاها سفره های رنگین می اندازند مطابقت ندارد.

آیا این سخنان تضعیف جنگ است؟

ممكن است تشکیل این جلسات خوشایند بعضی ها نیست به ایجاد تفرقه و تشتت و تضعیف جبهه جنگ متهم شود اتفاقاً اینکار دقیقاً تقویت جبهه است. آن بسیجی که در جبهه است و جسرات مرخصی رفتن ندارد چون اگر به مرخصی بمرود دادگاه محل به دعوت قودال و خان اورادستگیر

و روانه زندان میکند. درد دلش باید چایسی گفته شود.
سخنرانی حجة الاسلام هادی غفاری در شب ۱۹ ماه مبارک رمضان در مسجد الهادی.
مضمون این سخنان بدین شرح است

آیا این کج سلیقتی نیست؟

چندی پیش ناهای از یک مادر شهید برای جناب آقای هاشمی رسیده بود که ایشان ایمن نامه را به نمایندگان مجلس نشان دادند. متن نامه به همراه یک جفت گوشواره طلا بود. مادری نوشته بود من دو پسر یک دختر داشتم که برادر بھاران خانه ما خراب شد و تنها دخترم زیر آوار ماند و شهید شد. من این گوشواره را که تنها یادگار دخترم بود برای شما میفرستم تا در راه جبهه از آن استفاده کنید. ضمناً حاضر دو پسر نیز به جبهه بفرستم و شهید شوند پس از آنها نیز شوهرم قادر است به جبهه برود و حتی حاضر خودم نیز به جبهه بروم و شهید شوم.
حجقا سلام هادی غفاری در ادامه این مطلب گفتند چرا ما باید در مقابل این همه اخلاص از آن سرمایه داران دفاع کنیم؟
آیا این کج سلیقتی نیست؟ ای وای بر این کج

نکته قابل توجه در این سخنرانیها این است که اولاً مطالب عنوان شده در سخنرانیها نشان میدهد که این جریان در مقابل جریانی است که میخواهد ظاهراً با استفاده از عنوان اسلام فهاقی سائلی چون مالکیت بخش خصوصی و... را مشروعیت ببخشد.
ضمن تقدیر از انگیزه های حمایت از مستضعفین در مقابل مستکبرین بنظر میرسد شیوه صحیح تر و جنبایی تر در برخورد با این جریان این باشد که در مقابل مسائل اقتصادی مبتلا به جامعه مانند مالکیت، احتکار، بخش خصوصی و... مباحی فقهی و استدلالات لازمه آنرا مورد بحث و بررسی قرار دهیم چرا که مبنای اختلافات بیشتر ایدئولوژیک است. آنچه که شایان توجه است این است که اگر حمایت از بخش خصوصی و سرمایه داری را صرفاً یک کج سلیقتی و یا بد سلیقتی بدانیم نشاندهنده ایمن موضوع است که اختلاف بنیادی در بونشهای دو جریان نمی بینیم و فقط با انگیزه های مستضعفین میخواهیم جلوی جریان مقابل بایستیم. در حالیکه این مواضع ناشی از کج سلیقتی نبوده بلکه مباحی ایدئولوژیک سیاسی دارد که باید با آن برخورد جدی نمود. بهترین شیوه ای که هم اکنون در جامعه ما وجود دارد بحثهای فقهی آیت... منتظری است که مسائلی از قبیل احتکار مالیات و... را تبیین فقی میکنند. اینگونه بحثها گره گشای مشکلات است.



اخبار داخلی

نظریه‌های اسلام شجونی درباره نیروهای انقلاب و خط امام

در روز دوشنبه ۶۶/۴/۸ در مسجد امام خمینی مراسمی بمناسبت سالگرد شهادت محمد کجوی و همچنین بمناسبت شهادت حسن حسین زاده برگزار شد. در این مراسم حجت الاسلام شجونی نمایند مسابق کرج سخنرانی کردند که مضمون صحبت‌های ایشان در زیر می‌آید. اگر می‌بینید که عدای خود را از کارها کنار کشید هاند، علتش این است که میخواهند خود سازی کنند تا چنانچه مقامی بدستشان رسید مردم صدمه نزنند. هم اکنون عدای میراث خواران انقلاب شده اند و در راس امور نشسته اند. در این مجلس نگاه کنید، کدامیک از دولت

مردان رامی‌بینید. عدای شده اند میراث خوار شهید بهشتی و برای او جلسه می‌گیرند ولی اگر او زنده بود به همین بهشتی بهمین مطهری تهمت طرفداری از محترک می‌زدند.

می‌گویند بازاری گرانفروش است، خیر، دولت گرانفروش است، عامل اصلی گرانفروشی دولت است که ۵۰٪ گرانفروشی میکند.

خیال می‌کنید برای چه با تیر زدن توی منور، علتش آن بود که تفرج شیعیان توهین کرد. حالا خیال می‌کنید به مرجع شیعیان توهین نمی‌کنند. فلان آقا در مجلس سخنرانی میکند و وقتی به او می‌گویم آقا این صحبت‌های تویا تحریر الوسیله امام نمی‌خواند می‌گوید تحریر الوسیله مال قبل از انقلاب است نه حالا

این توهین به مرجع شیعیان است. یک‌عدد در انشعوب آمده اند به آیت ا... مطهری کتی توهین میکنند. اسم خود را هم گذاشته اند در فترت حکیم وحدت در حالیکه فترت حکیم تفرقه هستند. اینها چکار کرده اند برای این مملکت

اینها خاگریز دوم هستند. این مملکت فقط دست ۲ تا امریکایی را بسته‌اید. فقط کاری نکرد هاید. تازه ما همین کارتان اینهمه ضرر مالی به این مملکت زدید. اینها خاگریز دوم هستند.

بیخود نباید زاهد بازی در آوریم و گوئیم اجر را خدا میدهد و نباید دنبال اجر و مقام دنیا بیاییم. نخیر حالا وقت اینجور زاهد بازی نیست. من همینجا اعلام میکنم که من

نزد همینها متروک بود. صحبت از جها د نبود صحبت از فاع نبود، صحبت از حکومت اسلامی نبود، صحبت از مبارزه با مستکبر نبود، صحبت از اجرای عدالت نبود، صحبت از اقتصاد اسلامی نبود. بطور کلی بخش حرکت آفرین اسلام مورد غفلت واقع شد. مردم به همین مردم. در مدارس دینی که شما می‌آیدید کتاب صلوة، طهارت، حج و زکات، مورد بحث بود، اما صحبتی از حکومت اسلامی در مدارس علمیه نبود. در آنجا حتی حدود و دیات را

در انتخابات آینده کاندید خواهیم شد. ما چه طلب نیستیم ولی حایمان را یکسوی نمیدیم. تمام روزنامه‌ها دست منافقین است. آنهم از رادیو تلویزیون با آن برنامه‌هایش و آن

... اسم خود را گذاشته اند در فترت حکیم وحدت در حالیکه فترت حکیم تفرقه هستند. اینها چکار کرده اند برای این مملکت اینها خاگریز دوم هستند.

موسیقی اش مال خودتان ما نخواستیم. یک نفر که از جناح چپ... مجاهدین انقلاب جدا شد می‌رود جبهه و شهید شده هفته قبل در همین مسجد برای او ختم می‌گیرند و آن جناح چپ می‌آیند و ادعا میکنند که این شهید آنهاست و آن واعظ فاسق می‌آید اینجا سخنرانی میکند و بریاست جمعه توهین میکند.

اینهم از وضعیت شهرداری، یک‌عدد کردن گلنت میریزند و اموال مردم را میریزند و داغون میکنند و میریزند. من رفتم جامعه روحانیت مبارز و گفتم آقا من یک مسئله شرعی دارم. اگر

که نبود. حکومت اسلامی که نبود، مبارزه با مستکبر که نبود، جهاد و دفاع هم که نبود، بنابراین این دین ضرر به رژیم نمیزند. از این جهت رژیمها خودشان مخالفت با این دین ندارند. بلکه خودشان گاهگاهی بعضی مراسم را انجام میدادند. میدیدید که مجلس روزی می‌قرار می‌کنند، مجلس جشن برقرار می‌کنند، خودشان هم تائب می‌کردند، آن بحالشان ضرری نداشت روحانیونی که در این قسمت بودند آنها کاری

بیایند و ما هم سد معبر کولر مردم را بیایند از داخل ماشین و رویش میوه مردم، رویش لباس مردم و... آیا این در اسلام جایز است؟ نخیر اینها خلاف شرع است. آتای شهردار اسلام که به ریش داشتن نیست. باید عملتان اسلامی باشد.

دیوار این انقلاب را آجر به آجر همین مؤلفه و... بنا گذاشته اند حالا یک عده میراث خوار می‌خواهند بالگد آنرا خراب کنند. خدا یا تو خودت ریشه آنها را بکن.

راه مجاهد: امام در رابطه با انتقاد به روزنامه رسالت گفتند: لسان نصیحت بالسان لجن مال کردن نفاق دارد. امید داریم در آستانه انتخابات این رهنمود امام رعایت شود.

امام در دیدار با اعضا مجلس خبرگان نیز گفتند برسرنفسانیات نزاع نکنید، برای خدا نمیشود به مؤمن اهانت کرد.

دین وسیله ایست در اختیار مستمگران و زورگویان، وسیله ایست در اختیار شر و تمند ان و محترکان. ... یک تشریح از جوانها گرایش پیدا کردند به همین چیزها.

... در این بین یک تشرد دیگری بوجود آمدند، یک جمعیت بگروه دیگری بوجود آمدند که اینها را من بخوادم معرفی کنم باید بگویم اسلام شناسان روشنفکر، اینها از یکطرف به اسلام علاقه داشتند و عقیده من شخصاً این است که بسیاری از اینها مخلص بودند، واقعا میخواستند از اسلام دفاع کنند، از طرف دیگر اسلامی را که در پیش مردم میدیدند و در حضور مردم میدیدند، این اسلام را مورد تمسخر و چپها می‌دیدند. میدیدند، این اسلام، جوانها را با این وضعیت دور کرد و از اسلام از این جهت اینها رصدها برداشتند که اسلام را بقل خودشان جوری معرفی کنند و واقعیت اسلام را معرفی کنند که جوانها به اسلام علاقه مند بشوند. جوانها تحصیل کرده ها و کارگرها و امثال اینها که از اسلام دور میشدند بواسطه تبلیغات چپها، اینها میخواستند یک کاری بکنند که جوانها به اسلام خوشبین بشوند و نزد یک بشوند و حالا کار اینها کار بسیار مقدس خوبی بود، اما نحوه کار قاعدتاً نباید این میبود که این آقایان بیایند و حقیقت اسلام را معرفی کنند و بگویند که مردم شما یک بخش عظیمی از اسلام را فراموش کرده اید. جهاد را بگویند، دفاع را بگویند و مبارزه با مستکبر را بگویند، حکومت را بگویند، امثال اینها را بگویند، بگویند که شما قسمتی از اسلام را خوب گفته اید ولی یک بخش دیگری از اسلام را ترک کرده اید، اگر اینکار را میکردند، یک کار بسیار رستی بود، اینها باید موازی هم، هم از معنویات و تعبدیات حمایت میکردند که بخش عظیمی از اسلام است و هم نسبت به بخش تحریک اسلام کار میکردند. این دو تا را اگر منظم با هم کار میکردند خیلی خوب میشد. اینها این روش را متأسفانه پیش نگرفتند. یک روش دیگری را پیش گرفتند. اینها آمدند و عکس العمل آن چیزیکه آنها بودند که همه دین را منحصر در معنویات و عبادت یاد میکردند، اینها آمدند و عکس آنرا رفتار کردند. اینها آمدند اصالت را دادند به مبارزه با مستکبر، برای اجرای عدالت.

بقیه در صفحه ۲۸

تحلیل تاریخی از روحانیت و جریانات فکری ایران

آیت ا... امینی در تاریخ ۶۶/۲/۱۱ قبل از خطبه‌های نماز جمعه تهران در ریش سخنرانی تحت عنوان "نقش مطهری در نشر فرهنگ اسلامی و مبارزات او با انحرافات"، تحلیل تاریخی از جریانات فکری ایران و توضیحاتی پیرامون وضعیت حوزه‌های علمیه ارائه کردند. با توجه به اهمیت نقش روحانیت در انقلاب، گاهی از وضعیت تاریخی روحانیت را می‌توانیم جهت دستیابی به این امر و همچنین جهت اطلاع از نظرات ایشان پیرامون گروهها و جریانات فکری، قسمتهای مربوطه از سخنرانی ایشان را عیناً نقل میکنیم.

نقش مطهری در نشر فرهنگ اصیل اسلامی و مبارزات او با انحرافات

آیت ا... امینی سخنرانی قبل از خطبه‌ها ۶۶/۲/۱۱ ... کلا مردم ایران در آن زمان ... چندان دست به ... نتوان تقسیم کرد. یک دسته مسلمانان معمول و متعارف آن کسانی که علاقه به اسلام داشتند و عقیده به اسلام و احکام اسلام بودند، که اکثریت مردم اینها بودند، اهل نماز و اهل روزی بودند، اهل دعا و توسل و زیارت بودند، اهل سوگواری برای ابا عبد... جشن ولادت ائمه اطهار بودند، بطور کلی به عبادت و معنویات اسلام توجه داشتند. ... اسلام را رویش عنایت داشتند، ولی متأسفانه در همین زمان بخش دیگری از اسلام

اسلام شناسان روشنفکر، اینها از یکطرف به اسلام علاقه داشتند و عقیده من شخصاً این است که بسیاری از اینها مخلص بودند و واقعا میخواستند از اسلام دفاع کنند. اینها باید به موازی هم، هم از معنویات و تعبدیات حمایت می‌کردند.

نوعاً ریش نمی‌کردند. می‌گفتند باید همدار. صحبت از قضای اسلامی نبود. خلاصه چیزهایی که حرکت آفرین بود، که جز بخش عظیم اسلام بود در بین حوزه‌های علمیه هم تقریباً متروک بود. نه در روش بود نه نوشته‌اش بود، کتابهایی که در آن زمان نوشته میشد شما بررسی کنید، می‌بینید نوعاً کتابهایی است که مربوط به عقاید، نماز و روزهاست. اما کتابی در مورد حکومت اسلامی اصلاً کتابی نوشته نشود در مورد جهاد، نه، کتابی در مورد دفاع، نه، و خوب مبارزه با مستکبر و این چیزها نبود. در سخنرانیها و منبرها هم همین جور بود. دولت‌ها هم، رژیمها هم از این دین بدشان نمی‌آمد. دینی که نماز و روز و حج و زکات فقط باشد ضرری به آنها نمیزد. دفاع

نداشتند، روحانیون هم دلخوش بودند به اینکه خوب الحمد لله مردم نمازشان را می‌خوانند، روز هم که می‌گیرند. روزه هم دارند مراسم مذهبی را هم انجام میدهند، پس دین الحمد لله خوب است. فلان که هم مخالفت با دین ندارد، بلکه حامی دین هم هست. ... در این بین گروهی پیدا شدند، در همان زمان و از این موقعیت سو استفاده کردند و آن ملحدین و کفاری بودند که عقیده به اسلام نداشتند، اینها شروع کردند ترویج کردن که این دین بد مردم نمی‌خورد. این دینی که نمای مردم را اداره نمی‌کند، این دینی که حکومت ندارد این دینی که بهای مستضعفین نمیشاید و این دینی که دنیای مردم را اصلاح نمیکند، این دین تریاک جامعه‌هاست، تخدیر کننده‌هاست. این

اخبار و تحولات

تلیه بر ملت‌ها رابطه با دولت‌ها طرحی نو در میاست خارجی

کیهان ۶۶/۳/۱۷

نطق آقای عزیزی در جلسه علنی مجلس :
"ملت باوری" نه به معنای پشت کردن
کا مل به دولت‌ها و حذف روابط خارجی با
ملت‌هاست که اساساً "طرح وجودچنین تفکراتی
و سپس کوبیدن آن بعنوان یک شعار ذهنی
از سوی کسانی است که می خواهند عمل زدگی
در سیاست خارجی و روند حرکت‌های راکت
پیش از آنکه بنیادگرایانه باشد مصلحت
گرایانه - هستند توجیه میکنند
تازه ترین نمود آن استقبال از وزیر
خارجہ رژیم شاه قاپوس وابسته ترین
رژیم منطقه و بیاری دهنده آمریکا در ماجرای
طیس است . اهمیت هوشیاری در چنین
محدوده‌ای با توجه به یکی از محورهای اساسی
سیاست آمریکا در رابطه با انقلاب اسلامی
یعنی تحت تاثیر قرار دادن رفتار سیاسی
جمهوری اسلامی از طریق دوستان و متحدان
خو را بیشتر آشکار میکند .
سفرهای متعدد سیاسی و ارسال پیامهای
مکرر برای کشورهای بی اعتباری که
متأ سفا نه هرگز با سخگوی این همه عنایت
از سوی انقلاب اسلامی تیز نبوده اند نمیتوانند
ملت‌ها را نسبت به اعتماد دینفس و ... و با وهای
مسئولان نظام دچار تردید نماید . ضمن
حضور فعال در مجمع بین المللی بحاست با
هشیاری کامل و ... مشارکت غیر متعادل
در بازیهای سیاسی و بهاد دادن بیش از حد
به تحرکات سازمان ملل که قطعاً نمیتواند
خارج از حیطه برنامه‌های استکباری باشد
میتواند جمهوری اسلامی را متحمل هزینه‌های
سنگین سیاسی کند .

با دولت‌ها به تبع رابطه با توده‌ها و تقویت
جبهه مستضعفین است نه صرفاً "رابطه
برقرار کردن . احساس میشود با اندازه‌ای که
با دولت‌ها رابطه گرفته ایم با ملت‌هایشان
برخوردند اشتباهیم .

رسالت ۶۶/۳/۲۵
سرمقاله رابطه با ملت‌ها ، ارتباط با
دولت‌ها - از آقای احمد توکلی :
... به دلیل ذیل راه اساسی و فراگیر
ارتباط با ملت‌ها و بیداری آنها و زمینه سازی
برای تحاشان جزا ارتباط با دولت‌های حاکم
بر آنها نیست :
... اولاً "صدها و هزاران قانون و مقررات
ملی و بین الدولی موجود که هرگونه رابطه
مستقیم با ملت‌ها را تحت کنترل در آورده است
اگر ملت اسلام بخواهد بدون اعتنا به روابط
بین الدولی با ملت‌های تحت سیطره همان
قوانین و مقررات مرتبط با شجره‌های قائل
تصور است ؟
ثانیاً "اگر تمام دولت‌ها که برگرده
ملل خویش سوار رند و بر هدف اصلی اسلام
واقف گشته اند بخواهند در مقابل ما قرار
گیرند چگونه در وضعیتی که تمام جهان در
ارتباط با هم حیات می یابد میتوان مصالح
ام القریای انقلاب اسلامی را در جهان حفظ
نمود و وقتی برای ادا مصلحتات
جمهوری اسلامی لازم باشد که ارتباطات با
کشورها برقرار بماند ، چه کسی به خود تردید
راه می‌دهد که حفظ مصالح اصلی انقلاب
اسلامی ایران که ام القریا است بر تمام
مصالح هر ملت دیگری فعلاً ترجیح دارد .
... در آن ۶۵ نیز به دنبال افشای
گروهی منحرف و جنجالی که آنان و بعضی
افراد و گروه‌هایی که از نظر فکری هم‌سازان
بودند سرسما جرای مک فارلین و روابط
خارجی با کشورهای اروپایی و منطقه سیریا
کردند ، با زمام سازش نا پذیر بصیر ، طومار
این انحرافها و جهالت‌ها را در هم پیچیدند
آیا با زرد است که همان سخنان تحت
عناوین تازه "ملت باوری" و "دولت باوری"
تکرار شود و ...

راه مجاهد : بنظر میرسد در رابطه با سیاست
خارجی و رابطه با ملت‌ها و دولت‌ها ، آنچه از
نظر امام و انقلاب اصالت دارد تشکیلی
جبهه مستضعفین و حمایت از ملت‌هاست .

پیگیری دست‌های مرموز

کیهان ۶۶/۲/۱
حجه الاسلام خلخالی در جلسه علنی مجلس :
وضعیت حزب جمهوری اسلامی
روزنامه رسمی مجلس شورای اسلامی ۶۶/۲/۱

حجه الاسلام خلخالی در جلسه علنی مجلس :
با کشتن ایشان (شهید بهشتی) مسئولان
درجه یک از قسمل آقای هاشمی و آقای
خامنای با مسئولیت‌های خطیر و سنگین و
متعددی که داشتند چگونه اشرافی که اوایل
بود ، نبود و لذا گردش حزب جمهوری اسلامی
بدست افرادی در تهران و شهرستانها افتاد
عوض مطرح کردن اهداف انقلابی می خواستند
خودشان را مطرح کنند و عده‌ای هم سودجو
و فرصت طلب از این رخنه استفاده کردند
تا به مجلس آمدند و در ارگانهای دیگر قرار
گرفتند و از آنجا کارشکنی‌ها شروع شد و آنها
می خواستند از وجود آقای خامنه‌ای و آقای
هاشمی برای خود ستادی درست کنند و حال آنکه
اینها شناخته شده بودند .

نماز جمعه و سخنرانان قبل از خطبه
روزنامه رسمی مجلس شورای اسلامی ۶۶/۲/۱

حجه الاسلام خلخالی در جلسه علنی مجلس :
نماز جمعه تهران را در اختیار یک عده
خاصی قرار میدهند و به مناسبت قبل از خطبه‌های
نماز جمعه افرادی را دعوت میکنند ، در رقم
هم همین جوری هست ، افرادی را دعوت میکنند
با بد ملت ایران بدانند ، بعضی از این افراد
کسانی بودند که در قم ساواک می ایستاد
برای آنها محافظت میکرد که طلاب علوم دینی
آنها را اذیت نکنند ، افرادی نقلی و دلسوز را
بعنوان هوجی و بلوا بخواهند از این مجلس
بیرون کنند .



ریشه‌یابی فساد یا ریشه‌یابی انفصال

روزنامه رسمی مجلس شورای اسلامی ۶۶/۲/۱۳

حجه الاسلام رضوی در جلسه علنی مجلس :
چرا بی حجابی برنگردد؟ وقتی که همه
احکام مآدره در اول انقلاب می خواهد
برگردد ، ما که املاک صادره شده را برمیگردانیم
ظا غوتچه‌ها را برمی گردانیم چرا بی حجابی
برنگردد؟ مگر احکام با هم تفاوت دارند
وقتی که ما خودمان آن روند انقلاب را رو
نقلاب را در ابعاد زیر سؤال می بریم
احکام آن روزی اشتباه بوده اند باید همه
سینماهای آذربایجان برگردد ، باید
با سازمان تیریزدوباره به حبیب سرمایه دار
گردن کلفت برگردد . خوب ، وقتیکه خودمان
در صورت احکام در مآهیت احکام تشکیک
میکنیم چرا آن زن غریبه در نظرمان نیست

چرا بی حجابی برنگردد ، وقتی
که همه احکام صادره در اول
انقلاب می خواهد برگردد ، ما
که املاک صادره شد را
برمیگردانیم ، چرا بی حجابی
برنگردد ؟

به بی حجابی شک نکنند؟ او هم حق دارد شک
کند ، ابعاد جامعه به هم مربوط است . من
میخواهم بازار هیچ تغییری نکندهمان بازار
زمان شاه شود ، اما حجاب تعبیر کند ، این
نمیشود ، این یک ایده آلیسم خیال گرائی
است . من میخواهم امورات اقتصادی تغییر
نکند اما اخلاق تغییر کند ، نمیشود . اگر
این آقای هزیریزدانی نماز خوان بود مثلاً
روژه بگیر بود ، برنامه اقتصادی اش صحیح
میشد؟ آیا فساد هزیر فقط این بود که هزیر
نماز نمی خواند ، روژه نمیگیرد؟ تسبیح
بدست ندارد ؟

بقیه در صفحه ۱۳



شهید مطهری و ... بقیه از ص ۱۶

کسی دستش بگیرد میگوید درست میکند
کارخانه یک چیزی است عظیم که مولود
هزارها سال حرکت علم ، تاریخ است .
خوب البته این مقدمات زیادی دارد که
خود ایشان فرمودند که ما در برابر مارکسیست‌ها
حرف بالاتر از آنها داریم ، آنها میگویند
در کارخانه استعما راست ما میگوئیم که
عدالت اقتضا میکند که اصلاً "این کارخانه
ملک کسی نباشد . بنده خدمت امام عرض کردم
این با فقه ما جور نیست . خوب بیک
سوالی ممکن است ایجاد بشود که اگر مرحوم
مطهری میفرماید چیزی که مولود هزارها
مغز و ملک شخصی نیست ، علم مرحوم مطهری
هم مال خودش نبوده است ، البته ایشان
استعداد داشته ولی اگر از حیات علمی

استایدی چون میردامادها ، ارسطوها ، فقها
علماء که هزارها سال بالا آمدند ، با بیبن
رفتند و استادی چون علامه طباطبائی استفاده
نکرده بود ، مطهری نمیشد ، خوب حالا این
مسائلی که اینجا نوشته شده بنام مرحوم
مطهری ، پس این کتابها مال ایشان نیست
و این کتابها را هم که چاپ میکنند نباید
پولهایش را به ایشان بدهند . خود مرحوم
مطهری یادم هست که در زمانی که زنده
بودند یک کتاب ایشان را یکی از شاگردین
گرفته بود و چاپ کرده بود و ایشان رفتند
و با آن ناسر دعوا کردند و حقوق امتیازشان
را گرفتند و گفتند که قاتوداری تا و می‌کنی
پس معلوم میشود که ایشان خودشان عملاً
به این نظریه اعتقاد نداشتند .

مرحوم مطهری همه اش خوب است ، آنها هم
نوشته‌های ایشان و نه نوارها ایشان .
... من یک وقت برای آن خط قهر در جمان
در کار زرو ن گفتم که در تاریخ مانده که امام
با بد این خط و این خاکریز را فتح بکنند و
دیدید امام خاکریز قهر در جمان را فتح کرد
و یک خط دیگر هم باقی مانده است که این
را هم امام باید فتح بکند . و این خط هم
فتح میشود . بگذارید اینها فی که این حرفها
را میزنند خوب دستشان را باز نکنند . ببینید
اینها واقعا "طرفدار امام هستند؟ واقعا"
طرفدار روحانیت هستند؟
نامه فرزندان استاد مطهری به آیت ا...
مهدوی کنی :
کیهان ۶۶/۳/۴
... در نقل بیان حضرت امام درباره آثار

شهید مطهری اشتباهی رخ داده است که
فرموده‌اید : ایشان قبلاً فرموده بودند که
نوشته‌های مرحوم مطهری همه اش خوب است
آنها نوشته‌های ایشان نه نوارها ایشان .
فرمودند که نوشته‌های ایشان و نه هرمنس
و نواری . در حالیکه امام در پیام خود
مناسبت دومین سالگرد شهادت استاد میفرماید
آنها قلم و زبان او بی استثناء آموزند
و خوب است .
... اینجا نباید با هم کاری چند تنی زعلاقمندان
نظارت دقیق بر نشر آثار قدیم و جدید است
اعمال می نمائیم . کتاب "مبانی اقتصاد
اسلامی" مربوط به قبل از این نظارت دقیق
است و توسط یکی از شاگردان دانشگاهی
انتشار یافته و شاید گردون پا و ورقی و
وجهت استفاده اهل تحقیق منتشر میشد
مسئله‌ای پیش نمی آمد .

آنچه از نظر امام و انقلاب اصالت دارد ، تشکیل جبهه مستضعفین و حمایت از ملت‌هاست



بیکبری دستهای مرموز پاکسازی خط و کتابخانه‌های

روزنامه رسمی مجلس شورای اسلامی ۶۶/۲/۱
حجه الاسلام خلخالی در جلسه علنی مجلس گرفتاری مظفر بقایی پسر میرزا شهاب مانایی یک موفقیت بزرگی برای قوه قضاییه و زمان اطلاعات و امنیت کشورمان بشمار می رود که این باندهای خطرناک و آدم کش مانند با ندمی ها شمی در جلوتلوویزیون و رندونشان بدهند که چگونه طناب بر ای افشار طوس بستند و چگونه حسین فاطمی ترور کردند. اینها یک چیزهایی است که مردم منتظرند و خیلی هم دلبره نشان میدهند که عکس منحوس، منحرف، منحط، فراماسون بندوباز مظفر بقایی را ببینند و جریانهای می خوانند به اصطلاح خودشان به کودتا کمک کنند دست احمدکاشانی آنها را هم مردم در نظر دارند.
کیهان ۶۶/۳/۷
نطق آقای شاملو در جلسه علنی مجلس: نیاید از نفوذیادی حزب زحمتکشمان نقل گردیم... وی، مؤسس حزب (دکتر بقاشانی) در جریان مدافعات خود در سال ۱۳۴۰

اینچنین اظهار نظر کرده است: من به اعتراف کسانی که وارد جریانهای سیاسی این چندسال اخیر بوده اند شغفاً "بابا کمک همفکران و دوستانم به دفعه تاج و تخت این مملکت را از خطر سقوط حتمی نجات دادم وی در سال ۴۱ رضاخان را بعنوان سردی ساده دل که امکان سازش با او بضرایران وجود نداشت یاد میکند... ۵۰۰۰۰ خرداد ۲۲ نطق در مجلس ایراد و فردایش روزنامه شاهساز ارگان این حزب می نویسد... توطئه ای که برای تغییر رژیم مملکت ترتیب داده بودند دکتر بقایی با نطق دیروز خود پرده ها را بالا زد و آنها بی که می خواستند تغییر رژیم بدهند رسوا کرد.
صرف نظر از بعد سیاسی قتل مرتضی افشار طوس چون اصولاً "مرور زمان در اسلام وجود ندارد" دربارداران مسئول قضایی و اطلاعاتی در خصوص شناختن عاملان و مشارکان این قتل از قضایی تحقیقات کافی بنمایند.
وی در صحبتنامه با اصطلاح سیاسی خود در مورد قانون اساسی میگوید... "بهر حال این قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست

بلکه قانون اساسی تشوکرانی است. من به این قانون اعتقاد ندارم و به چیزی که اعتقاد ندارم رای نمی دهم."
می خواهم نتیجه بگیرم که ما باید هوشیارانه مراقب نفوذ ایادی و سرپرندگان بقایی در نهادها و وزارتخانه ها باشیم و لو این ایادی امتحان سرپرستی خود را نسبت به وی داده اند با تغییر رنگ در مقام مشاور یک وزیر یا درست استاد دانشگاه و یا کاندیدا توری ریاست جمهوری و داوری بران

شاید وصیت نامه سیاسی دکتر بقایی او را تا بدمیکردید ولی بعد از وصیت نامه او را و احبالقتل دانستید، معذرت اوقات او را تا بدمیکردید. شمه ای از مواضع گذشته دکتر بقایی در کتاب "اقول یک مبارز" آمده است. مراجعه به اسناد لانه جاسوسی شماره ۲۳ نیز در این رابطه مفید میباشد. امیدواریم شما و دوستانتان با تحدید نظر سیاسی به عناصر فاعلتری تبدیل شوید. آقای ازهای در نامه ای به رهبری فکری و تشکیلاتی این جریان اشاره کرده اند که در کیهان چاپ شده است و در شماره آتی راه مجاهدی آوریم.

در راه مجاهدی با شما کیهان ۶۶/۴/۲
آقای اسرافیلیان در جلسه علنی مجلس: اینها می آیند مرده سیاسی را که در سال ۳۲ مرده است زنده میکنند... مگر مرحوم شهید آیت که گروه مسلح نظامی علیه شاه تشکیل داد میتواند پیرو کسی باشد که بقول خودش سه دفعه سلطنت را از خطر سقوط نجات داده است.
راه مجاهد: مسلماً "اگر اختلافی باشد بر سر مواضع فکری است و نه حذف وجودی فرد یا گروه خاصی، منظور این است که افکار

بعضی جریانهای هم هستند که وحدت جنبه ها را محلی برای برخورد و حاکمیت خط خود میدانند در واقع جنبه ها را هم در جهت خط مشی خاص خود تا بند میکنند. و عاقل وحدت را این چنین توجیه میکنند. بعضی جریانات دیگر هم بودند که افراد وابسته به خود را تلوپا "از جنبه رفتن نمی میگردند و با تا منطقهایی مثل اینکه درس خواندن واجب تر است و... مانع اعزام آنها به جنبه میشدند ولی با سیریشرفت جنگ و تاکیدات امام و رزمندگان، همین جریانات شهید هم داده اند.
تدریجاً "می بینیم که تضادهای انقلاب فراتر از اختلاف سلیقه رفته و بصورت عمقی وایدئولوژیک در آمده و نیاز به برخوردی ایدئولوژیک و بینا دی دارد. دیگر برخوردی سطحی و ساده اندیشانه حل کننده مشکلات انقلاب ایران نیست، نگاهی به وصیتنامه های، شهدای اخیر نیز نشان دهنده مطالب فوق است. توجه به محکمت انقلاب، نحوه پی گیری آنها، روش برخورد با مشکلات روش برخورد با آموزش حوزه های علمیه برخورد های سیاسی ایدئولوژیک... مطالبی است جریانات موجود در جامعه می خورد.
به امید آنکه خداوند بمانا توفیق دهد که ما برخوردی بنیادی با یکدیگر سعی کنیم و خدایمان را تعالی داده و اختلافات را با صبر جمیل و توشه گیری از قرآن کریم حل نمائیم و راه شهیدان را به ثمرشانییم از مسئولین جنبه ها تقاضا داریم راه جبهه را برای همگان بگشایند و وحدت واقعی را در عمل صالح ضد کمپ دیوبندی نشان دهند.

مهندس موسوی در اطلاعیه شان هزاران بسیجی گمنام و عاشق اشاره کردند که ما دقانه خود را فدا میکنیم و هیچ نامی هم از آنها برده نمیشود، چندی پیش آقای حجازی در سخنانی بدین مضمون گفتند که در جنبه ها تا نگرانی که روی آن است اهدا کننده با طول و عرض فراوان نوشته شده
تضادهای انقلاب فراتر از اختلاف سلیقه رفته و بصورت عمقی وایدئولوژیک در آمده و نیاز به برخوردی ایدئولوژیک و بینا دی دارد.
می بینیم غافل از آنکه رزمندگانی از آن و فو میگیرند که حتی پلاک شناسایی هم ندارند و گمنام شهید میشوند. آن جنبه را در جهت منافع خود میخواهد و این جنبه را برای مواجه با خدا.
تضادهای جامعه مشکل ایدئولوژیک بخود گرفت است: از طرف دیگر شهیدانی را می بینیم که ارتباطات متمکن و سرمایه دار را معیوبه اند ولی در مقابل عظمت انقلاب متحول شده و نه تنها خود به غافل شهیدان بیبوسه اند که خانواده خود را جهت کندن از وابستگیها سوق داده اند. تا آنجا که پدران و مادران شان از گذشته خود در سوگ اند و بحال خود غبطه می خوردند.

اصولی کردند که به مطالب اطلاعیه ایشان اشاره می کنیم:
در کیهان مورخ ۶۶/۲/۲۶ اشاره میکنیم بسم رب الشهداء والصدیقین سید ابراهیم موسوی حبیبی دتروز یک بسیجی بود در میان صدها هزار بسیجی عاشق شهادت و امروز شهیدی است در میان غافل پرشکوه و نورانی شهیدان انقلاب اسلامی، افتخار پرورش چنین فرزندان در وهله اول متوجه رهبری نورانی انقلاب اسلامی، سپیدران و مادران دریادل این شهیدان است. اینجانب که از چنین افتخاری سهم نبرده ام از اینکه مخاطب آگهی های تبریک و تسلیت دوستان قرار گیرم احساس انفعال میکنم، از جانب خانواده و میگویم که ما همدوش آنها فیکه ایثارهای عظیم کرده اند و انتظار را کوچک نیز ندارند ما درانی که چها رشید داده اند و پنجمین را با روی گشاده روبه میمان می فرستند نیستیم، ما بیشتر از آنها تبریک و تسلیت می شویم در حالی که در جنبه فدا کارهای آنان کاری که سزاوار باشد نکرده ایم اینکه از خانواده خدمتگزار کوچک شهیدی تقدیم اسلام شود حادثه ای چنین مهم در کشوری که جلوه گاه نور خدا شده است همه اقتضای ملت و از جمله روحانیت عزیز و مسئولین خدمتگزار و درکنار هم وبدون امتیاز آماده قربانسی دادن در راه اسلام عزیز هستند و سبقت در این میدان را وسیله ای برای قرب به خداوند متعال می دانند، با امید اینکه خداوند به همه ما توفیق دهد که خود را به افتخار شهیدان نزدیک سازیم و خونخواهانی صادق برای آنان باشیم.

اخبار و مناسبت

شهادتها و برخوردهای موجود

هر روز که از انقلاب اسلامی مان میگذرد همدشیدی دیگر از کاروان نورانی شهید می باشیم.
مخورد های مسئولین نسبت به شهادت نزدیکان: یکی از مسائلی که مردم در مورد فرزندان مسئولین مطرح میگردند این بود که توقع داشتند آنها هم مانند دیگران عازم جبهه شوند و تبعیض بین مسئولین و مردم را ناروایی دانستند اکنون جنگ اسلام و کفر در تداوم خود از یکسو انجان عمقی پیدا کرده است که این تضاد با معر را حل کرده و اکنون شاه شهیدای بیاد ای از طرف مسئولین نظام هستیم.
در رابطه با شهادت نزدیکان مسئولین بهترین برخورد را از مهندس موسوی نخست وزیر، داشتند. ایشان بجای اینکه خود را مخاطب تبریک و تسلیت داشته و در جهت شمیم موقعیت خود استفاده کنند برخوردی

معتقدیم که باید انتقادات متکی بر ارزشهای انقلاب و مکتب باشد نخست وزیر



گرچه نتوانستیم جلوی کشته شدن فلسطینی ها را بگیریم اما مظلومیت آنها تا شد و مسلمان بودن آنها برای من امری محرز و بایر روی آنها سرمایه گذاری کبیر گروهکهای که حتی فدعرفات با شدند هیچکدام از آنها خدمتی به اسلام نخواهند کردند تا بدید خود وقت پول و نیرو هدر رود، باید رفتار اسلامی وجود داشته باشد.

داود داد و یکی از مقامات امل به من گفت که یک نامه سرکشاده برای جمهوری اسلامی فرستاده و اعلام کرده که می خواهد اسلحه جنوبی ها را بگیرد و نمیتواند اینک را بکنند مگر آنکه اول اسلحه فلسطینی ها جمع شود.

هجوم اسرائیل به جنوب لبنان بر اثر احساس خطری بود که از جنگ ایران و عراق بلاخص بعد از حمله بیت المقدس و فتح العین که اسرائیل نمی توانست مستقیماً از فلسطین اشغالی به کمک صدام بیاید شروع شد. و این تنها راهی بود که از نظر آنها میتوانست جلوی پیشرفت جفیش اسلامی را بگیرد.

بنظر من حزب... هم در آینده در خطر قرار خواهد گرفت... حزب... حوا... عملی این فتنه ها را در جنبه ها علیه اسرائیل می دهد.

نواری خدمت آیتا... منتظری فرستاد که ایشان دستور سریعی داده بودند و بی هفته نگذشت که افق روشن شد و با دادن شهیدان زبچه های سفارت آمبولانس امدادی سفارت جمهوری اسلامی وارد اردوگاه شدند بنظر من امل یک مهره شطرنج است در دست دیگران قرار گرفته است.

تاریخچه باغهای میوه جنوب لبنان تا ریخته آوارگی فلسطینی هاست، زمینها و باغها و مناطق سرسبز بدست اینها و بار لیره کار وجود آمده است، فلسطینی ها در مهاجرت دارند، آنها جنوب را سرسبز کردند، چهل سال بین شیعه بوده اند و تعصبات مذهبی اساساً ندارند اسم حسن و حسین و وفاطمه در خانه هایشان نه و فوردیده منته

بوجود آمده که جنگ با اسرائیل مستحکم و جنگ علیه فلسطینی ها واجب است... اسرائیلی ها چند سال روی این مسئله کار کرده بودند، لذا نتیجه این بود که شیعه فکر میکرد اگر فلسطینی ها حالت انسجام قبلی را بدست آورند و نیروی تشکیل بدهند تا با اسرائیل درگیر شوند، با اسرائیل دوباره به جنوب لبنان حمله خواهد کرد و با اینکه خود فلسطینی ها با خود شیعیان درگیر خواهند شد که در واقع این فکریا به های مادی محض و بدور از اندیشه های اسلامی بود.

فلسطینی ها آمادگی کامل را برای انجام عملیات جریکی علیه اسرائیل را دارند گرچه با راه ای از آنها وارد سازمانها و گروههای شده اند که با زیبا سیاسی میان آنها معمول است لیکن ملت فلسطین مسلمان است و خواهان بازگشت سرزمینهای خود از طریق عملیات مسلحانه میباشد.

متأسفانه گرچه اسرائیل چندین هزار فلسطینی را به بازداشتگاه انصار روزندان عتلیت برد اما بعد از آن در رابطه با مبادله زندانیان، متأسفانه نیروهای جنیش امل کاری را کردند که اسرائیل آنها داد.

هنوز پنج دقیقه گذشته بود که نیروهای

اخبار لبنان و فلسطین

اسرائیلی که هیچ حلقه ای در جهان بوجود نمی آید و هیچ جا بحث و مناقشه ای نمی شود مگر آنکه این رژیم در آن دستی داشته باشد.

هجوم اسرائیل به جنوب لبنان بر اثر احساس خطری بود که از جنگ ایران و عراق بلاخص بعد از حمله بیت المقدس و فتح العین که اسرائیل نمی توانست مستقیماً از فلسطین اشغالی به کمک صدام بیاید و حمله خود را علیه ایران آغاز نماید شروع شد. و این تنها راهی بود که از نظر آنها میتوانست جلوی پیشرفت جنش اسلامی را بگیرد.

برخورد مکتبی با فلسطینی ها

کیهان ۶۶/۲/۲۷
نطق آقاي ر باي املشي در جلسه علني و يكي از نمايندهاي اصلي انقلاب "اليوم ايران عدا فلسطین بود" آيا تنها با شعار و حرف و راهیما بی و انتقاد از اسیس و آن آرمایهای مذکور تحقق پیدا میکند. ما باید بدون هیچگونه قید و شرطی به همه سازمانها و محامی که در ترمین مسلحانه با اسرائیل غاصت معولند کمک و همکاری کنیم. گرچه سازمان آزاد بخش فلسطین و رهبری آن اخیراً بخاطر سیاست مبهمی که در پیش گرفته اند و مخصوصاً بخاطر نزدیکی با صدام و ملک حسین و منافقین شدیداً "محکومند ولی در عین حال همانطور که امام امت صریحاً فرموده اند مسلمانان نباید آزادی قدس شریف را سرلوحه برنامه های خود قرار دهند و اگر واقعاً "مسلمانان آزادی قدس را سرلوحه برنامه خود دارند حتی با افراد و گروههایی که تا یک دست به ما سنگ بزنند و میکنند و با دست دیگر به اسرائیل حمله میکنند گرچه باید دستی که علیه ماست دفع کنیم ولی دست دیگری که علیه اسرائیل است باید حمایت کنیم.



تظاهرات مردم علیه قتل عام های اسرائیل در جنوب لبنان پس از قتل عام مزرکه ۸۵/۳/۵

اگر ما واقعاً آزادی قدس را سرلوحه برنامه خود داریم حتی با افراد و گروههایی که با یک دست به ما سنگ پرتاب می کنند و با دست دیگر به اسرائیل حمله می کنند، گرچه باید دست را که علیه ماست دفع کنیم، ولی دست دیگری را که علیه اسرائیل است، باید حمایت کنیم.

از سوی دیگر فلسطینی ها هم برای عاده حیثیت خود سعی کردند دوباره به لبنان بازگردند و این یک حقیقت بود که پاره ای از فلسطینی ها واقعاً می خواستند با اسرائیل درگیر شوند. جنوب لبنان سرزمینی مستعد برای مقابله با اسرائیل است هم روحیه شیعه آمادگی درگیری با اسرائیل را دارد و هم خود فلسطینی ها ما بلندی اسرائیل بکنند. این مفهوم در میان پاره ای از شیعیان

تقریباً "ما حمل گزاری (مما حملنا)" آسوشیند پرس با عرفات (نشان میدهد که ایشان گفته است ما خواهان یک کشور بزرگ فلسطینی هستیم که در آن افراد یهودی نیز میتوانند زندگی کنند. این مظلومان بعضی از مسئولین و جرائد ما تحت عنوان اینکه فلانی گفته است ما خواهان یک اسرائیل بزرگتری هستیم با آت و تاب پخش کردند... بلاخره همین تشکیلات سازمان آزاد بخش فلسطین مورد تأیید اکثریت قریب با تقای ملت آواره فلسطین است و اسرائیل دوسه روز قبل در لبنان اردوگاه همین افراد را معیاران کرده است و دهها تن را شهید و مجروح کرده است. و همین امروز دوهزار نفر از همین فلسطینی ها در زندانهای رژیم اشغالگر دست به اعتصاب زده اند....

کیهان ۶۶/۲/۲۹ و ۲۷
سید عیسی طباطبائی: علت محاصره ۷۰ روز اردوگاه رشیدیه:
تاریخچه این جنگ را میتوان به قضیه اسرائیل مربوط دانست اسرائیلی که اطلاق در منطقه برای فتنه و فساد وجود آمده است

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است امام خمینی

ریشه‌یابی اجمالی از مواضع رسالت

قسمت چهارم

انگیزه نگارش:

امام خمینی طی سخنانی که بمناسبت هفته دولت بمان فرمودند مواضع روزنامه رسالت را که به تضعیف دولت می انجامید، مورد انتقاد قرار دادند. هرچند مسئولان روزنامه در یافتن روی سخن امام با ايمان است و اشتباه خودشان را پذیرفتند لیکن تا بحال ریشه بایبی مواضع گذشته را در روزنامه ندیده‌ام لذا امکان تکرار آن وجود ندارد حال که نماز به یک بازنگری از جانب مسئولان روزنامه مطرح شده است مواضع سؤال برانگیز این روزنامه را ذکر می‌کنم تا بلکه مورد توجه قرار گیرد و ریشه بایبی شود.

لزم به ذکر است که بدنبال فرمایشات امام از جانب شخصیت‌های متلف برخوردار می‌باشند. رسالت در جهت ریشه بایبی و اصلاح اشتباهات نبوده است. امدهوارم این مقاله در گام داسوزانند در این جهت تلقی بشود. براین مقاله فقط به ریشه بایبی اجمالی اکتفا می‌شود و ریشه بایبی عمیق را در نامه سرگنده به جامعه مدرسین در زمستان ۶۲ مطرح کرده‌ام و بیه آن ارجاع می‌دهیم.

جنگ با بعث متجاوز عراق، جنگ با کمپ دیوید است یا با شوروی؟

رسالت ۱۹ اردیبهشت ۶۶
مقاله "شوروی و بحران خلیج فارس"

محکم شوروی بد انیم بتدریج این سؤال مطرح میشود که چرا با پایگاه شوروی در منطقه درگیر شده‌ایم در حالی که دشمن اصلی ما آمریکا است. و لذا باید جنگ را تعطیل کنیم و نهایتاً به سازش با صدام کشیده می‌شویم. با توجه به اینکه نویسنده در قسمت دوم این مقاله، اصلی کردن شوروی را یکی از اهداف آمریکا دانسته و مینویسد:

آمریکا از سیاست خود در استفاده از روسها در منطقه خلیج فارس برای مقابله با انقلاب اسلامی دو هدف عمده و اساسی را تعقیب می‌کند که عبارتند از:
۱- کشاندن روسها به این منطقه بحرانی و درگیر کردن رقیب خود در این بحران
۲- انحراف افکار عمومی مردم ایران از احساسات ضد آمریکائی، از طریق پخش این احساسات و متوجه کردن آنها به سوی دیگران.

اگر محور زن هن کسی ضدیت با فساد باشد، این فساد همیشه در زن اوهست و همیشه روابط فاسد جامعه در ذهنش منعکس میشود.

آیا جداسازی زن و مرد در محیط‌های اجتماعی راه حل نهایی است؟

رسالت ۲۳ اردیبهشت ۶۶
مقاله وارزه پیرامون "سالم سازی محیط دانشگاه" (۱)
در قسمتهایی از این مقاله آمده است:
... لکن بعد از سن ۱۸ سالگی و اتمام دبیرستان که اوج دوران بلوغ است، متاسفانه وارد محیط مختلط دانشگاهها

روسیا در جمع بندی خود از روند جدید جنگ و همچنین اهداف سیاسی و دیپلماتیک برای پایان جنگ در هر دو صورت برای منافع خود احساس خطر کردند که می‌توانست صدمه بسیار سختی علیه شوروی بحساب آید. حذف صدام و از بین رفتن حزب بعث در عراق در هر یک از دو صورت بویژه در صورت پیروزی ایران در جنگ تحمیلی می‌تواند نتایج زیر را برای شوروی در بر داشته باشد:

۱- از اعتبار افتادن تکنولوژی تسلیحاتی شوروی در جهان، زیرا شوروی تأمین کننده اصلی اسلحه و تجهیزات نظامی عراق در جنگ با ایران می‌باشد و شکست نظامی عراق در برابر حملات نظامی ایران آنها را با تکنولوژی پایین تسلیحاتی اعتبار سلاحهای روسی را زیر سؤال خواهد برد.
۲- از دست دادن جای پای محکم در منطقه خلیج فارس و دارومرانه، با سقوط حزب بعث در عراق و حذف صدام شوروی یکی از محکمترین و مهمترین جاپای نفوذی خود در منطقه را از دست خواهد داد، جای چنانی که جایگزینی آن غیرممکن می‌باشد.

حزب بعث و صدام از ابتدای جنگ به عنوان عامل جنگ افروزیهای آمریکا شناخته شده اند، درست است که عراق کشوری با نظام سوسیالیستی است، ولی از آنجائیکه بیشترین درآمد را از طریق فروش نفت بدست می‌آورد، سوسیالیست نفتی و وابسته به غرب است. چرا که خریدار عمده نفت آمریکا و غرب می‌باشند.

بلوک شرق در مجموع درگیری با سرمایه داری ندارند. نیروی پشتتاز از نظر آنها کارگرانند، کارگران نیز در مجتمع‌های صنعتی متمرکز هستند و درگیری با کارتل های نفتی متلاشی شدن طبقه شان میانجامد. بدین لحاظ است که امام میفرمایند آمریکا شوروی را به بازی گرفته است.
نکته دیگر اینکه اگر عراق را جای پای

جویان آن دوره را دوره عشق و خون نامیده بودند. چه دختر و چه پسر شرط ازدواج را مبارزه همسرشان با طاغوت گذاشتند و اکثراً دختران و پسران در محیط های سالم قرائت قرآن و نهج البلاغه آشنا میشدند و حتی يك مورد ناپسند دیده نشده بود. قبل از انقلاب مردان مومن بودند که با انگیزه‌های بسیار بالا با رژیم مبارزه کردند و محیط بسیار فاسد شاهنشاهی زهنشان را آلوده نکرد. نمونه دیگر اینکه حضرت لوط نیز در چنان محیطی آلوده نشد.

مارکسیستها مبنای شناخت را انعکاس محیط خارج در زهن افراد میدانند. طبق این تعریف، محیط فاسد در زهن افراد منعکس میشود و زهنش را فاسد میکند. در این صورت نمیتوان تبیین کرد که در محیط فاسد کسی قادر است جان سالم و پاک بدر ببرد. اگر با مبنای ایمان و انگیزه رشد و تعالی به سراغ جامعه برویم، وجه متعالی جامعه در زهن ما منعکس میشود. راه چاره این است که زن و مرد با انگیزه رشد و تعالی با هم برخورد کنند. وقتی يك مصلح اجتماعی با انگیزه تعالی جامعه با افراد برخورد می‌کند برای او تفاوتی نمیکند که طرف مقابل او جنس مخالف است یا نه. همانطور که وقتی پدر یا مادری فقط به بیماری کودکش فکر میکند، در صورت مراجعه به دکتر یا دارو خانه، تنها چیزی که برایش اهمیتی ندارد، مرد یا زن بودن دکتر یا پرستار است.

یکی از عواملی که فساد را رشد میدهد همین حساسیت بیش از حد نسبت به جنس مخالف است. اگر محور زن هن کسی ضدیت با فساد باشد، این فساد همیشه در زهن او هست و همیشه روابط فاسد جامعه در ذهنش منعکس میشود و وقتی به خودش فشار می‌آورد که به جنس مخالف توجه نکند، در حقیقت جنس مخالف همیشه در زهن اوست و تصور گناه او را می‌آزارد. در این رابطه قصه کوتاهی است از دو کشیش تارک دنیا. این دو از محلی عبور میکردند که به علت باران شدید آب جمع شده بود و پیرزنی در مانده نمیدانست چگونه از این آب عبور کند. یکی از کشیشها کمک کرده او را به آنطرف آب رساند. وقتی دو کشیش به کلیسا رسیدند، دومی پرسید چرا اصول کلیسا را زیر پا گذاشتی؟ مگر ما تارک دنیا نیستیم،

و موسسات آموزش عالی (با استثناء چند مورد) می‌شوند و همه زحمتهای آنها نمیتواند بریاد رود. . . . مگر حدیث از معصوم نیست که نگاه مقدمه زنا یا زنا چشم است، مگر فتوای حضرت امام (مسد ظله) ترک رویت وجه و کفین نامحرم (مسورت و دو کسف. دست تاج) به احتیاط واجب نیست، مگر حضرت موسی به دختر باحیا، حضرت شعیب نغمود: من بدنیال زنان راه میروم تا که اندام آنها را ببینم. برخورد یوسف صدیق با زلیخا و زنان مصری در قرآن به چه صورت بود که موجب خشم ایشان گشته سالها زندانی شد. . . . و شواهد فراوان دیگری آیات گویای اهمیت مسئله نیست؟ پس علت استمرار این روش چیست؟ که اگر فرد جسماً آلوده نشود آلودگی روحی و جسمی پیدا میکند و تاثیرات نامطلوبی بر فرد و اجتماع دارد. . . . لذا اگر گناه با گناهانی از این وضع صورت گیرد متوجه آنان خواهد بود که توانایی جداسازی را داشته اند و اقدامی نکرده اند و اگر این امر مهم انجام شود سنت حسنه ای خواهد شد که باقیات صالحات مسئولین و مجریان و روش‌والگویی برای پیاده شدن در سایر کشورهای خواهان اسلامی کردن محیط دانشگاه خواهد بود. . . .

نویسنده مقاله تفکیک خواهی‌مردان و برادران دانشجو را در مکانهای مختلف دانشگاه به عنوان راه حل مطرح کرده‌اند. آیا راه حل نهایی است و با تفکیک دانشگاه مسئله حل میشود؟ بنظر میرسد که این راه چاره حد و مرزی نداشته باشد. وقتی میگوئیم زنان نیز مانند مردان باید فعالیت اجتماعی داشته باشند، آیا امکان دارد زنان و مردان را در فعالیت اجتماعیشان از یکدیگر جدا کرد. مجلس شورای اسلامی از دو جنس مخا نمایند دارد، در دادگاههای اسلامی نیز وقتی شکایت يك زن بررسی میشود و یا متهم يك زن است مدت زیادی آمد و رفت میکند و در این مدت با قضات دادگاه که از جنس مخالفند، طرف صحبت است. نهایتاً کشور مردان و کشور زنان را نمیتوان از هم جدا کرد. نمیتوان گفت برای جلوگیری از فساد زن مومن باید محیط را عوض کرد. نوشته اند: مومن حواسش پرت میشود، باید

اگر عراق را جای پای محکم شوروی بد انیم، بتدریج این سؤال مطرح میشود که چرا با پایگاه شوروی در منطقه درگیر شده‌ایم در حالی که دشمن اصلی ما آمریکا است، لذا باید جنگ را تعطیل کنیم و نهایتاً به سازش با صدام کشیده می‌شویم.

اگر عراق را جای پای محکم شوروی بد انیم، بتدریج این سؤال مطرح میشود که چرا با پایگاه شوروی در منطقه درگیر شده‌ایم در حالی که دشمن اصلی ما آمریکا است، لذا باید جنگ را تعطیل کنیم و نهایتاً به سازش با صدام کشیده می‌شویم.

چرا بدن ان زن را لمس کردی؟ اولی گفت من که در جهت نجات او عملی انجام دادم و قضیه تمام شد. ولی این تویی که او را به درون کلیسا آوردی و در زهنت پرورش دادی و قادر نیستی از آن رها شوی. ادامه این طرز تفکر به آنجا میانجامد که اگر زنی زیر آوار و بمباران بماند باید صبر کرد تا زنی بیاید و او را نجات بدهد. وقتی حساسیت زیاد بشود بچوانها در

گفت اگر کسی در محیط دانشگاه حواسش پرت بشود از دو حال خارج نیست، یا متاهل است و یا مجرد. اگر متاهل است که علاقه اش به همسرش بیشتر میشود و اگر مجرد است، موجب میشود که بفکر سنت خدا و رسول بیافتد و ازدواج کند، به چه دلیل به فساد کشیده شود؟ چرا سنت خدا و رسول ترک شود؟ چرا راه تکامل و تکاشر متوقف شود؟ در تجربه ای که مبارزین در سالهای بین ۵۰ تا ۵۴ داشتند، دانش-

لسان نصیحت کردن غیر از لسان سخن کردن ضایع کردن است

امام خمینی

دین‌داری احمالی از...

خودشان شك میکنند و سواس می‌شوند و بالاخره طغیان میکنند، به انفعال کشیده شده و به دنبال مفاسدی مثل اعتیاد و... می‌روند. در بین روانشناسان اصلی است که در اینگونه مسائل جنسی اگر حساسیتی وجود ندارد، نباید حساسیتها را برانگیخت.

حضرت محمد (ص) در محیط فاسد مکه زندگی میکردند و پس سالها مبارزه و جنگ با کفر، محاصره اقتصادی و هجرت به مدینه، پس از یازده سال که از بعثت ایشان گذشت آیات حجاب نازل شد.

وقتی حضرت زهرا (س) حق مسلم امیرالمومنین (ع) را پایمال شده میبیند، با خواندن خطبه و برخورد با انصار سعی بر آن میکند که ولایت علی (ع) را اثبات کند حضرت زینب (س) نیز برای قومی خطبه خواند و آنها هم صدای او را شنیدند، که از فاسد ترین اقوام تاریخند. مهم این است که این خطابه ها از روی ایمان به رشد حق و انجام تکلیف الهی صورت گیرد.

امید داریم که با عده کردن فساد از سرچشمه فساد که استکبار جهانی است غافل نشویم.

عدل طلبی فطری است یا مالکیت؟ فطرت در رد بردار است؟

رسالت مقاله "اسلام دین برتر" ۲ اردیبهشت ۶۶

کسانی که قبل از بروز انقلاب اسلامی هجوم نظام طاغوت را به «اصول کلمه توحید و اسلام» احساس نمی‌کردند به علت غفلت از مسئله «نظام» و جزئی نگری در موضع عمل، تنها کارهای فردی را برای مقابله با طاغوت کافی می‌دیدند و اصولاً ضرورت «نظام» و اهمیت برپایی تشکیلاتی برای اقامه ارزشهای الهی را نادیده می‌گرفتند.

مثلاً این افراد به خاطر بی توجهی به مسئله نظام و جدا انگاشتن روابط اجتماعی از روابط فردی، تصور می‌کردند که رژیم شاه، به این دلیل که مالکیت را محترم می‌شمارد، در این جهت با اسلام مخالفت نکرده است! و حتی آمریکاییها را هم از این حیث خوب می‌دانستند!

به نظر میرسد این جریان به ایمن دلیل با شاه درگیری نداشته که حکم اولیه را مالکیت دانسته و مبارزه با رژیم و پیاده کردن عدل را حکم ثانویه تلقی میکرد. لذا اکنون نیز با همین تفکر، بر سر مالکیت با جمهوری اسلامی به مقابله برخاسته است (مالیات، تقسیم زمین و...) مثلاً در نامه ای که تحت عنوان «مروری پیرامون حدود مالکیت و فعالیت های بخش خصوصی» به

تحلیلی تاریخی از... بقیه از ص ۲۳ هدف انبیا این بوده که مبارزه مستمراستوار کنند و اجرای عدالت. هدف انبیا این بود که نظام فسادناك طبقاتی را برودارند و جای آن انبیا نظام تساوی حقوق و برادری و برابری را در جای آن بگذارند و نظام بی طبقه ای را به اصطلاح جایگزین آن بکنند. برای اینکه در این جهت موفق بشوند، معنویات اسلام را آن بخش دیگر اسلام را چون خیلی مهمشده بود و حق داشت مهم بشود آرا شروع کرد نه به تسخر گرفتن و جووری تعبیر کرد نه که در واقع نتیجه بد دارد. گفتند کلاً پیامبران وقتی هدف اصلیشان عبارت از این

روزنامه رسالت ارسال شده (۶۶/۳/۲) مالکیت امری فطری قلمداد شده است:

از قدیم الایام هنگامیکه انسانهای نخستین بدون ابزار کار و با تکیه بر نیروی بازوان خود برای ادامه حیات با طبیعت به ستیزه می‌پرداختند مالکیت بصورت امری طبیعی و فطری تلقی می‌شده است.

اگر مالکیت فطری است چرا؟ مسلمانان قسمتی از اموال خودشان را تحت عنوان خمس پرداخت میکنند؟ آیا میتوان فطرت را تقسیم کرد؟ چرا در قرآن این همه جهاد با مال و جان در راه خدا تاکید میشود؟ چرا هر چه انسان فطری تر میشود، بیشتر از مال و جان خود که گرانمایه ترین دارایی اوست میگذرد؟ حرکت و ایثار رزمنده ها چگونه تبیین میشود امام در سخنرانی عید قربان ۶۴ گفتند: حضرت ابراهیم چیزی از خود نداشت که ایثار کند و بدین مضمون گفتند که ایثار در مقام ابراهیم يك خصلت است، او تسلیم محض بود.

جزئی نگری در رساله های موجود

رسالت مقاله "اسلام دین برتر" ۶ اردیبهشت ۶۶

..... ممکن است بدون توجه به کل یک ترکیب فاسد تنها به خاطر تطبیق یک اجزاء آن با اسلام یا احکام اسلامی خیال کنیم عمل ما اسلامی و آن مجموعه بر اساس اسلام بنا گذاشته شده. حال آنکه در واقع مجموعه است غیر اسلامی که ظاهری اسلامی به خود گرفته است. مثلاً فردی که می‌خواهد ربا بگیرد می‌تواند با ترکیب حیاصی از احکام الهی به هدف خود برسد برای این کار می‌تواند از ترکیب دو حکم فرض و وسیع که هر دو در اسلام جایز است سوء استفاده کرده و از این طریق وجهی را به دیگران برزاند و بعد از مدتی با درصدهای اضافه آن را پس بگیرد. یعنی می‌تواند بگوید من به شما در صورتی هزار تومان فرض می‌دهم که بعد از یک ماه یک دانه سکه‌لات یا یک قوطی کریم بدهد که ارزش جسدانی ندارد و با صد تومان از من بخرید! اگر به این فرد اعتراض کنید که «آقا چرا کار حرام انجام می‌دهی؟» به یک ناله اعتراض عملش به طور جداگانه اشاره خواهد کرد و خواهد گفت که آیا فرض دادن حرام است؟ حیرت، شرط کردن چطور؟ حیرت، فروختن یک سیبی به هر قیمتی با رضایت طرفین چطور؟

خیر و نتیجه می‌گیرد که پس، او هم مرتکب عمل خلاف شرعی نشده است

متأسفانه این جزئی نگری در رساله های موجود هم نفوذ کرده است. مثلاً در مورد کم فروشی احکام وجود دارد ولی گرانفروشی با دلیل رضایت طرفین توجیه میشود. در اینجا بجای اینکه رضایت واقعی و طرف مورد

بوده که باید مبارزه کنند و نظام اقتصادی مردم را اصلاح بکنند، بنابراین وقتی اینجور شد، همه کارها، همه کارهای پیامبران باید به این هدف برسند، نماز هم باید در این هدف باشد، مجالس ابا عبد... هم باید در این هدف باشد و حتی بصراحت گفتند راه تقرب به خدا اتعبد نیست، راه تقرب به خدا اتعقل است. به این حد که بصراحت گفتند نمازی که نتواند در نیای من را اصلاح کند، نیای منی که نتواند در نیای من را اصلاح کند، این هان نماز است و نه روزه است نه عبادت است. البته این بود که تشریحی از جوانها و تحصیل کرده ها بسوی اسلام گرایش پیدا کردند... چه راهی اگرند، آمدند و به اسلام گرایش

رابطه مجتهد ومقلد قابل مقایسه با رابطه دکنتر ومریض نیست. چرا که دکنتر متخصص است ولسی مریض نیست. در حالیکه در اسلام مقلد ومجتهد هر دو مسلمانند ومقلد حق تقلید در اصول راندارد وایین حتی در اول رساله هر مجتهدی نوشته شده است که اصول فطری، یقینی وغیر قابل تقلید است.

نظر باشد، رضایت لفظی و صوری مورد نظر قرار میگیرد. برخی از رضایت ها بدلیل جهل ویا اضطراب صرفاً لفظی است حال آنکه ولی فقیه و امام جامعه تشخیص میدهد که رضایت واقعی فرد در چیست. ضمن تأیید این انتقاد، امید داریم که ریشه شرعی این توجیه شرعی در رساله ها مورد بررسی قرار گیرد.

رابطه مقلد و مجتهد رابطه مریض و دکنتر متخصص نیست.

رسالت مقاله "اسلام دین برتر" ۳۰ فروردین ۶۶

بسیاری بودند که واقعاً به خاطر بی اطلاعی از اسلام اینجور می‌فهمیدند که «اجتهاد» در منابع استخراج حکم چیزی جز آشنایی اجمالی به زبان عربی و در دست داشتن چند کتاب اصلی مثل قرآن، نهج البلاغه، اصول کافی و مانند اینها نیست و هر کس می‌تواند با رجوع به کتب ترجمه عربی به فارسی و یک «المعجم المفهرس» آیات خاصی را گزینش و منظور شارع مقدس را به راحتی دریابد!!

جای تعجب نیز در همین بود که در حالی برای فهم اسلام اینگونه برخورد های ساده اندیشانه را جایز می‌شمرند که در سایر امور و نیازها و مسائل زندگی خود اینگونه رفتار نمی‌کردند، مثلاً مجال بود که کسی برای درمان بیماری قلبی خود فکر کند که می‌تواند با مراجعه به یک کتابخانه پزشکی و مطالعه چند کتاب درباره بیماریهای قلبی، راه درمان بیماری خود را دریابد بلکه چنین کاری را ممنوع و غیر عقلانی دانسته و ضرورت رجوع به متخصص بیماریهای قلبی، و عمل بی چون و چرای دستوره های پزشک را لازم می‌دیدند. اما از این طرف برای فهم کلام وحی یا ساده اندیشی و فقط با استناد به یک آیه یا یک روایت و بدون در نظر گرفتن مجموعه معارف و آیات و روایات و با احساس بی نیازی از هرگونه اصول و قواعد و ضوابطی برای استنباط دینی آن بودند که با پیشداوری نظری را به اسلام تحمیل نمایند.

پاورقی: (۱) مطالبی تحت عنوان نامه یا مقاله وارده در روزنامه رسالت بچسب میرسد که این روزنامه به بعضی از مطالب آن انتقاد نداشته است و یا انتقاد خود را مشخص نکرده است. با توجه به این مسئله با این مطالب بعنوان مواضع مورد قبول روزنامه برخورد میشود.

پیدا کردند... متأسفانه یک نتیجه‌ی هم‌دار و آن نتیجه این بود که اولاً مسلمانها مخصوصاً تبیین روشنفکر اسلام نسبت به تعبدیات و معنویات در رشدند و حالت برخورد یک حالت تسخر آمیزی بود که این نماز چه نماید دارد... از یک طرف این سبب شد، مردم رابعه روحانیون بدین کردند. تبلیغات وسیع کردند. کتاب نگهبانان سحر و انجمن نوشتند که روحانیون کسانی هستند که از سحر و انجمن حمایت میکنند... حتی به آن حد رسید که صحبت از اسلام منهای روحانیت میان آمد و صحبت از این شد که اسلام چه نیازی به روحانیت دارد.

مقدمه
چندی پیش شورای ملی فلسطین در الجزایر تشکیل جلسه داد، این کنفرانس بدلیل شرکت داشتن و آشتی جناحهای رقیب فلسطینی که مدتها با یکدیگر حالت قهر داشتند کنفرانس آشتی لقب گرفت. این کنفرانس به دلیل پیوند دوباره ای که در خلال آن میان گروههای جبهه میانه فلسطینی برقرار و باعث ازگشت آنها به همکاری با ساف شد، تغییر در مواضع آن سازمان در برابر مصر در مورد قطعنامه ۲۴۳ و همچنین بدلیل موضعگیری این کنفرانس در برابر جنگ ایران و عراق و حمایت از عراق، مورد بحث محافل سیاسی و خبری جهان قرار گرفت. نتایج این نشست همچنین از طرف برخی مسئولین جمهوری اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برخی تلویحا و برخی صریحا نتایج آنرا محکوم کردند.

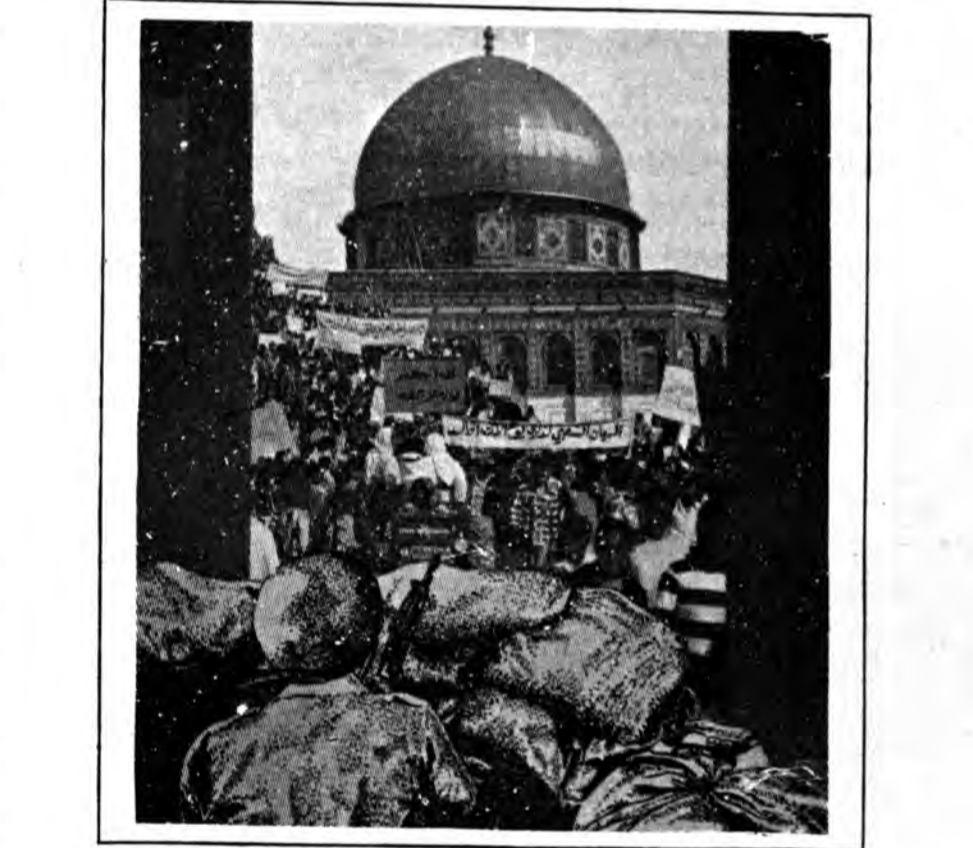
کفاتی چند دوباره؛ اجلاس شورای ملی فلسطین در الجزایر

ایشان است. همچنین موضعگیری علیه دولتی که هوادارانش عمال، اسرائیل در رگیر شده اند (مثل حزب ۰۰۱، لبنان) و منبع دولتی که هیچگاه عملا در رگیری با اسرائیل نداشته و در توطئه های قتل کادرفلای فلسطینی نیز شرکت داشته است، در کارز منافع استراتژیک انقلاب فلسطین هم نمیگنجد ب- رژیم عراق ماهیتی چپ نماد داشته و تبلیغات ضد صهیونیستی فراوانی مینموده است. و این امر باعث شده اند پیش شدن برخی جناحهای فلسطینی نسبت به عراق شده است عراق مساعدت های مالی ساف داشته، و همچنین تسهیلاتی برای انجام امور تشکیلاتی اجرایی ساف به آن سازمان مینماید (نظیر برگزاری اجلاسهای فلسطین و ۰۰۰)

عراق همچنین بخشی از آوارگان فلسطینی را در خود جای داده است. در مقابل جمهوری اسلامی بجز مدت کوتاهی بعد از انقلاب سیاست محدود کننده ای در برابر ساف داشته است و سعی نموده است که جای کشورهای نظیر عربستان، عراق، کویت و ۰۰۰ را در حمایت از ساف بگیرد. ج- شیوه مقابله مثل در مباران و موشک زدن به شهرهای عراقی باعث آن شده است که جمهوری اسلامی بشکل کوربودن مرزندی در برابر خلق عرب قرار بگیرد و جنگ انقلاب اسلامی در برابر رژیم کمپ د یودی عراق، در این فاز، شکل جنگ نظام جمهوری اسلامی علیه دولت و مردم عراق را بخود بگیرد. این اشتباه باعث شده است که دولتهایی مثل

جمهوری اسلامی در منطقه گنجانده شده است و کرد. ۶ سال جنگ دفاعی و ضد کمپ د یودی ماوگسترش و حمله انقلابی - ضد صهیونیستی در منطقه، موجب گسترش انقلابی در مردم فلسطین شده و خود بخود رهبران فلسطینی راهمتابع چنین خطی میکند. عرفات در سالهای اخیر سعی بر آن داشته که ساف و مردم فلسطین را به پذیرش طرحی مسالمت جویانه کشاند و در همان حال مردم اردوگاها، بیروت و جنوب لبنان شاهد آن بودند که جریان غیر فلسطینی برای آزاد سازی سرزمین ایشان در روز عملیات میکنند و شهید میدهند با توجه اینکه تمامی گروههای مخالف

۱- علت وحدت گروههای فلسطینی
وحدت حاصله در میان سازمانها و گروه های فلسطینی بیش از هر چیز ناشی از فشار وارده از سوی خانواده ها فلسطینی و آواره های زیر فشار اسرائیل، سوریه و امل در اردوگاهاست. زیرا در حالیکه مردم آواره فلسطین در اردوگاها در حال قتل عام بود و آب و غذا و امداد های پزشکی شان قطع شده است، هیچ دلیلی برای اختلاف و مبارزه این یا آن رهبر علیه همدیگر از سوی خانواده های فلسطینی پذیرفته نیست بعد از این که مردم اردوگاها شاهد بودند که گروه انشعابی از فتح (ابوموسی و ۰۰۰) هم جز شعار دادن هیچ کاری نکردند. لزوم وحدت بیش از پیش مطرح گردید.



۲- وحدت گروههای فلسطینی جهت مترقی مبارزه جویانه ارد.

دلایل اصلی این ادعا را در مواردی نظیر رد مجدد قطعنامه ۲۴۳ شورای امنیت از سوی تمامی اعضای ساف، ابتقا ابوالعباس رهبر جبهه آزاد بیخ فلسطین در شورای اجرایی ساف و تغییر مواضع در برابر صریان قابل توجه است که پذیرش قطعنامه ۲۴۳ از سوی رهبران کشورهای عربی، اساس تمامی طرحهای سازشکارانه میباشد. چرا که بر اساس این طرح، وجود اسرائیل اساسا تایید و امر ائیل مرتقا ملزم به عقب نشینی از اراضی اشغالی در ژوئن سال ۶۷ شده است. کمپ د یودی، کنفرانس فاس، ۰۰۰ هم در نهایت چیزی بجز این قطعنامه را نمیگویند. همچنین ابوعباس بعد از قضیه کشتی رایان در دریای مدیترانه (قضیه کشتی آکیل لارو) از طرف امریکا بعنوان تروریست تحت تعقیب است و تثبیت چنین فردی در حقیقت تاییدی بر عملیات چوکی و موضع ضد امریکایی است.

۳- علت سمت گیری مترقی و مبارزه جویانه ساف

علت سمت گیری مترقی و مبارزه جویانه ساف را میبایست در تاثیر عمده عملی و تبلیغاتی

علت سمت گیری مترقی و مبارزه جویانه ساف را میبایست در تاثیر عمده عملی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی در منطقه گنجانده است، جستجو کرد.

لیبی نتوانند صریحا از حمایت کنند و ساف نیز بیشتر به مخالفت با جمهوری اسلامی و حمایت از نظام عراق کشیده شود.

۵- موضعگیری مسئولین جمهوری اسلامی

۵- موضعگیری مسئولین جمهوری اسلامی در برابر نتایج این کنفرانس موضعگیری مثبتی نبوده است. اولاً: این وحدت را امری مثبت توصیف نکردند و ثانياً: حملات خود را به ساف تشدید نمودند و آنها را به سازشکاری متهم نمودند. این موضعگیری به چند دلیل نادرست است:

- ۱- روح کلی این کنفرانس وحدت در رخط مبارزه علیه اسرائیل و در رخط توصیه های آیت ۰۰۱. منتظری بوده است. این مهم در موضعگیری مسئولین جمهوری اسلامی پایه فراموشی سپرد شده و با عنوان امری سیاسی و گذرا بیان شده است.
- ۲- جنگ اسلام و کفر که میتوان وسیله ای برای تمیز دادن حق و باطل و سره از ناسره را بران و منطقه باشد. کما اینکه رابتدای جنگ چنین

و دیگری جمهوری اسلامی ضد صهیونیست بوده است و بنابراین از همان ابتدا در ردد میانجیگری و حل سیاسی این لرگیری بوده اند پس از شکست عراق در خر مشهور عقب نشینی از غرب کشور و ارائه پیشنهاد برقراری صلح و آتش بس، کار صحیح بنظر آنها خط مشی عراق بود و طبیعا موضع جمهوری اسلامی در ادامه جنگ منظور سرنگونی رژیم بعث عراق امری غیر منطقی و غیر انقلابی است.

بر موضعگیری رهبران فلسطینی این اشکال اساسی دارد که در صورت محکوم نکردن متجاوز (متجاوزی که هنوز از بخشهای او از کشور ماعقب نشینی نکرد است) و موضعگیری علیه دولتی که برای از میان برداشتن نفس تجاوز و تجاوزگری تلاش میکند. چگونه میخواهند مبارزه خود علیه اسرائیل ادامه دهند. در حالیکه اسرائیل نیز تجاوزگر سرزمین اجدادی

عرفات روی همه یگریش از دکل نیروهای فلسطینی را تشکیل نمیدهند و جو عمومی اردوگاها، فلسطینی، حتی اردوگاها، موجود در سوریه شدت در رطرفداری از عرفات است. دلیلی وجود نداشته که عرفات تابع خط جناح اقلیت اردوگاها شود. این اتحاد حتی در رخط سوریه نیست چرا که سوریه هم قطعنامه ۲۴۳ شورای امنیت را پذیرفته است و از اینکه این قطعنامه مورد مخالفت پارلمان فلسطین قرار گرفته است، ناراضی است.

۴- شورای ملی فلسطین و جنگ ایران و عراق

کنفرانس فلسطین در الجزایر جنگ ایران و عراق، محکوم موضع. عراق، مورد تایید قرار داده است. موضعگیری این کنفرانس در برابر جنگ ایران و عراق، بشده

امروز ایران، فردا فلسطین

تکلیف چند دربار...

بود، لیکن بدلیل بکارگیری برخی شیوه‌های غیرمکتبی و نارسا از جانب ما، زمینه‌های راجع به وجود آوردن است که نمیتوان هر مخالفی با جنگ را به حساب سرسپردگی و سازشکاری گذاشت. مهم این نارساییها عبارتند از:
- شیوه غلط برخورد با مسئله ملیت و ناسیونالیسم و تاکید بیش از حد روی مسئله اسلامیت -
در حالیکه باید تئولوژی ساف میهنی است و با این ایدئولوژی سالها پرچم مبارزه در منطقه و وجهان را برد و برداشته است. در حالی که جمهوری اسلامی مدتی به اینها جهت تغییر ملامت‌های ایدئولوژیگشان نداد است نفعی مطلق ناسیونالیسم معنای نفع ارزشهای اینها میشود، و خود بخود اینها را به موضوع گیری میاندازد.
لازمه تندرست که نفعی مطلق ارزشهای ملی هم در داخل و هم در خارج مشکلاتی برای ما ایجاد کرده است. پس از انقلاب، عناصری که سالها پرچم در مبارزه ضد استعماری بوده و هیچگاه در رطوفانهای سیاسی انقلاب، موضعی علیه جمهوری اسلامی اتخاذ نکردند یا برچسبهای نظیر ملی گرا و کفر از صحنه سیاست منزوی شدند، عناصری که نیرو و تجربهشان میتوانست بعنوان پشتوانه انقلاب اسلامی قرار بگیرد، و آنها را در مقابل یک انتخاب گذاشتند: یا انزوا را بپذیرند و یا تمام‌امی ارزشهای گذشته و میل و گرایش باطنی به مصالح ملی و میهنی را زیر پا بگذارند.
در سیاست خارجی هم روماردی بهمین شیوه برخورد کرده ایم.

سنت الهی پیامبر آنچنان که در قرآن آمده این بود که ارزشهای مثبت این گرایش را نفعی نکرده و باندگرایان که عبادت خدا و تبعیت از دستورات اسلام بهترین وجهی میتواند خواستهای آنها را بر آورد کند، انگیزه‌های توأمی و ملی را به انگیزه‌های مکتبی ارتقا میدهد. لایلاف ترفیض ایلات نهم رحله الشتا و العریف فلیعبد وارب هذالبیت الذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف.
- موشکهای پرتاب شده از سوی جمهوری اسلامی به بغداد و مصره... بیش از آنکه حد و نظامیان بغداد را هدف قرار دهد، تودعرب و عراقی را مورد هجوم قرار میدهد. تبلیغات عراق روی کشته‌های این حملات هر عرب منصف را تحریک نموده و به این جمع بندی میرساند که این جنگ ضد و خلق ایران و عرب است و میبایست سرعت پایان بپذیرد.
انتظار اینک که ساف بنفع ماموعه بگیرد. در حالیکه بعد از انقلاب حتی یک اردوگاه برای اسکان آواره‌های فلسطینی اختصاص ندادیم و سیروهای ظاهراً هوادار ما (امل و سوریه و...) اردوگاههای فلسطینی را ممان می کنند، انتظاری بالا ترا ضد توان فلسطینیهاست.
۳- محکوم کردن عرفات بخاطر موضعگیری دیپلماتیک: حاضریم حتی با شیعیون پسرز به مذاکره بشینیم (در مورد تشکیل کشوری مختلط از فلسطینی، یهودی و مسیحی) امری تحریک کننده و سهوالب برانگیزاست. بخصوص در شرایطی که اخبار مربوط به خرید سلاح از اسرائیل زانزد محافل خبری است. و ما خود پند برای فردی مثل برژینسکی (مسک

نارلین) بود ایم. اگر نه اگر بعد شمن غلط است پس چرا ما با نماندگان اسم الفساد قرن و شیطان بزرگ پشت یک میز بشینیم و اگر غلط نیست پس چرا اینها را محکوم میکنیم؟ شعار ما اگر با اسرائیل طرح شده از سوی عرفات، در حالیکه او گاهها بشدت زیر فشار حملات اسرائیل هستند بطور علنی مسطح میشود و بیانگرایان است که ساف

شیوه مقابله بمشکل در مبارزان و موشک زدنی به شهرهای عراقی باعث شده است که جمهوری اسلامی، بشکل کمروسی و نمرزیندی در برابر خلق عرب قرار بگیرد.

و عرفات آنرا نوعی مبارزه میدانند. لیکن ما مذاکره مخفی با آمریکا میکنیم در حالیکه شعار عدم مذاکره را سردار ایم و بعد از آن شاهم آنرا تکذیب میکنیم.
۴- این اشکال به شکل فراگیری در جمهوری اسلامی وجود دارد که با اندک نقطه قوتی در یک نظام خارجی و بیانیروها شکی نیست به انقلاب در ورهستند، وحدت برقرار کرده و برخورد فعال میشود لیکن در مورد نزدیکان انقلاب خشن عمل کرده. و نقطه ارزشهای آنها درک نمیشود. مثلا با آمریکا به صرف

اینکه تمایلی نشان داد باشد که حقوق مسلم جمهوری اسلامی را پس از سالها غصب پس بدهد، وارد مذاکره شد ولی با نیروی یکمیه قول خودشان در خط امریکا است توهین آمیز و همراه با سکوت کامل سیاسی رفتار میکنند. با سران دولتها شکی که هیچکدام بقول امام در خط اسلام نیستند به ریزی و مشورت میرود از نفعی با عناصر متفکرند همی داخل هیچگونه برخوردی نمی نمایند. از مواضع ضد امپریالیستی فلان کشور کم نیست قدرتی که در آن کرد و آنرا ما سیه همکاریهای مشترک میانگاردن لیکن برای کمونیستهای داخلی که از آنها حداقل مستقلتر و هادترند هیچگونه ارزشی قائل نیستند.
این اشکال در شیوه برخورد با سازمان آزاد بیخ و انقلاب فلسطین نیز وجود دارد تغییر ظاهری در مواضع یک کشور را مهم تلقی کرده و پیام قدرتی برای آنها میفرستیم، لیکن در قطعنامه ۲۴۴۲ (ماه اصلی کمپ) دیوید و کنفرانس ناس، تغییر موضع در برابر مصر... رانادیده میانگاریم.
حال آنکه موضع ساف در برابر اسرائیل از موضع سوریه که قطعنامه شماره ۲۴۴۲ را پذیرفته است مترقی تر است. در شرایطی که برای حزب امارات متحده، سودان، ترکیه و کره شمالی... فعالیت دیپلماتیک داریم و در شرایطی که برای هیئتهای کشورهای نظیر شوروی هستیم (که موضع عراق را تاخیر و کمکهای تسلیحاتی و استراتژیک به آنها میکنند) آیا زمین نیست که با تغییر شیوه برخورد با ساف، راه را برای نزدیک شدن بیشتر این سازمان با انقلاب اسلامی اتخاذ نمایم؟



چون عضوگیری حزب در شن عمل صالح نبود و ملاکی برای تشخیص خوب بود در آن وجود نداشت باعث شد که حزب مجموعه ای از افراد ناهمگن با ایدئولوژی و خط مشی های مختلف گردد. بطوریکه در شرایط فعلی حزب توان تصفیه تشکیلاتی افراد غیر هم خط با خود را ندارد.

پس بنا بر میزان نزدیکی و دوری اشیا، مراتب وجود سازماندهی ماده مطرح میشود و هر شیئی در مرتبه عدل الهی خود قرار میگیرد.
اصلی ترین کار رهبری تشخیص عمل صالح زمان و وسیله توده ها در این عمل میباشد. بنا بر این تحقق این تفکر را میسر نموده که تشبیه سازماندهی الهی فقط در حرکت عمل صالح امکانپذیر می باشد و بعد عمل صالح عملی است که در جهت مبدا و معاد بوده، و درجه قرب ما را به خدا بیشتر کند.

انحلال یا تعطل... بقیه از ص ۱۰

..... حزب جمهوری اسلامی در اولین روزهای پس از انقلاب با اعلام موجودیت تشکیلاتی، دست به عضوگیری وسیع و میلیونی زد تا به آنجا که در تمام می مسا حد و کمیته ها و... اوراق نام نویسی در حزب پخش شده و هر فرد برای اعضای خانواده اش نیز اوراق مذکور را بر میگرد. سرعت تعداد اعضای حزب به دو میلیون رسید. این عضوگیری چون در متن عمل صالح نبود و ملاکی برای تشخیص خوب و بد در آن وجود نداشت باعث شد که حزب مجموعه ای از افراد ناهمگن، با ایدئولوژی ها و خط مشی های مختلف گردد. بطوریکه در شرایط فعلی حزب توان تصفیه تشکیلاتی افراد غیر هم خط با خود را ندارد. بخصوص بعد از شهادت تعدادی از کارکنان مکتبی آن توسط تروریسم آمریکا بی، ریشه برخورد های غیر خط اما می برخی شعبات حزب در شهر ستانها را در این شیوه با بد جستجو کرد.

ریشه یابی ایدئولوژیک دوشیوه تشکیلاتی فوق
الف- این سینا معتقد بود که "ماده" بر "حرکت" تقدم دارد و ابتدا "ماده بی حرکتی" را فرض میکند که بعداً "حرکت" بر آن سوار میشود. یعنی اول برای جهان سازماندهی و نظم ثابت و ساکنی را در نظر میگیرد که بعداً "حرکت" بر این سازماندهی ساکن و بی حرکت عارض میشود. تحقق این تفکر این میشود که در عمل، ابتدا در شرایط سکون دنبال سازماندهی باشیم تا بعداً "از این سازماندهی در حرکت استفاده کنیم. از آنجایی که در شرایط سکون ملاک محکم عینی برای محک زدن افراد نداریم، تضمینی نیز برای سازماندهی وجود ندارد. در ضمن چون از ابتدا تا روپود سازماندهی از عمل صالح زمان شکل گرفته، "حرکت عمل صالح" عارض بر تشکیلات بوده و ذاتی آن نیست، در نتیجه اعضای سازمان با آن عمیقاً "وحدت نخواهند داشت."
ب- ملاصدرا، جهان را پرا ز شور و حرکت و ضرورت می بیند و حرکت را مقدم بر ماده میدانند. یعنی این پرتو وجود است که همه را برپا می آید و مشتاق قرب الی الله (حرکت) است.

تفقه فی دین... بقیه از ص ۸

اگر آموزشی غیر از ایدئولوژی امام خمینی را فرا گیرند چه در جبهه و چه در حوزه نمی توانند در جهت تحقق امر امامت فعال شوند. حال از علماء و فقها و سایر نیروهای جامعه که در این زمینه صلاحیت دارند انتظار داریم که با این مطالب برخورد فعال نموده و در صورت لزوم در صدر بر طرف نمودن نارسائیهای آن برآمده و ما را نیز ارشاد نمایند.
نتیجه گیری
بنظر ما تفقه فی الدین یعنی تحقق یا اجرای امر خدا و لذا به هیچ وجه تقاعد و گوشه نشینی از آن در نمی آید حال اگر خواهیم امر خدا را تحقق دهیم و صدق فاستقم کما امرت شویم حتما در وادی جهاد فی سبیل الله گام نهادیم و با صاحب و شکیبیه های مختلف روبرو خواهیم شد بدین شکل است که جهاد از دل تفقه بیرون می آید اگر تفقه بر این مبنا باشد حتما به عاقبت طلبی روشن فکری و تقاعد منجر میگردد.
در نظام آموزشی جاری حوزه های علمیه بنظر مبرسد آنچه عمدتاً جریان دارد تفقه فی العلوم است نه تفقه فی الدین یعنی تفقه در اصول دین و از آنجا که اصول دین فطری و یقینی هستند منظور از تفقه فی الدین همان تحقق امر خداست حال اگر حوزه های علمیه در این راستا قرار گیرد تفقه فی الدین یکبارچه به جهاد فسی سبیل الله تبدیل میگردد که البته جبهه ها یکی از اشکال جهادند گاهی اوقات جرئت و شهادت در ابراز یک نظریه جهادی است عظیم در این رابطه آیت الله جوادی آملی نیز گفته اند... باید در نظام حوزه علمیه تجدید نظر شود یعنی باید تفسیر قرآن جزو دروسهای اصولی و اساسی باشد چون الان در حوزه هر چه هست فقه و اصول است و استفاده از حدیث. ولی از قرآن کترب یاد میشود کتابهای ادبی که در حوزه تدریس میشود (نحو- صرف- بدیع - بیان - عروض و...) کاری با قرآن ندارد منطق که بافتش با فقه نیست که به آیه استشهاد کند بلکه در باره طرز تفکر بحث می نماید در اصول هیچ مسئله ای ارتباط با قرآن ندارد و اگر یکی دو جا از آیه استفاده شده بیشتر برای این است که مثلاً حجیت خبر واحد را نفی کند از آن گذشته سراسر اصول روی پایه عقلی و مباحث الفاظ تکیه دارد.

نگوئید مردم عوام هستند و نمی فهمند، شکر خدا مردم واقعا رشد فکری و سیاسی پیدا کردند منتظری آیت اله

روحانیت

انقلاب اسلامی ایران



سخنرانی شهید بهشتی در سال ۵۹

از آنجا که طراحان استراتژیک برای ارائه خط مشی پایستی به رابطه روحانیت و انقلاب و نقش آنها توجه داشته باشند و همچنین برای تمیز دادن بین روحانیت واقعی و دیگر روحانیون بر آن شدیم که گزیده‌های از سخنرانی شهید بهشتی را در سال ۵۹ بیاوریم البته این متن بمناسبت ۷ تیر و سالگرد شهیدای این فاجعه بزرگ تهیه شده بود که بعلت کامل نبودن موفق به چاپ آن در شماره قبل نشدیم. متن کامل این سخنرانی از مدای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. امید داریم اینکار گامی باشد در جهت تعمیق تحلیل روحانیت و انقلاب.

رابطه روحانی با مردم مثل ماهی و آب است
اصل بحث، مسئله روحانیت و انقلاب است. روحانی کیست؟ روحانی یک عالم دینی است که در راه تزکیه و تعلیم و تلاوت و فراخواندن آیات خدا بر مردم میکوشد. کار پیمبران را ادامه میدهد. "هو الذی بعث فی الامم رسولاً منهم یتلو علیهم آیات و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه...".
سوره جمعه آیه (روحانی مسئولیت تلاوت آیات خدا بر مردم، تزکیه مردم و آموزش دادن اسلامی بر مردم و نشان دادن راه زندگی سالم و سعادت آفرین به مردم را بر عهده تعالیم خدا بر عهده گرفته است. این روحانی است. ایفای این مسئولیت، این مسئولیت خطیرو سازنده موسیله روحانی ایجاب میکند که روحانی خودش اهل علم باشد. خودتربس در باره قرآن و اسلام درس بخواند، مطالعه داشته باشد بفهمد کتاب و سنت را، و چون میخواهد تزکیه کند دیگران را، اول خودش را تزکیه کند و راه تقوی باشد، بسازد خود را عادل، بیاتقی، خداتربس و دارای احکام مکارم اخلاق باشد و چون میخواهد دیگران را سازد و به آنها یاد دهد باید یک آدمی باشد دارای جوهر سازندگی و یاد دهنده گسی سازندگی و یاد دهنده گسی خودش یک کار د شوار است و چون ساختن مردم و یاد دادن به مردم علاوه بر آگاهی بر اسلام، قرآن، سنت، سیره پیغمبر و غیره، نیاز دارد به اینکه آدم، خود مردم و زمان خودش را هم درک کند. مازمان خود مان را شناسیم تا محیط خود مان را شناسیم، تا مردم خود مان را شناسیم نمیتوانیم مردم را در راه اسلام دعوت کنیم و آموزش دهیم و بسازیم پس باید محیط و زمانش را هم درک کنیم. روحانی کسی است که با این انبوخته‌ها و با این سرمایه‌ها میآید توی مردم در رابطه با متن مردم زندگی میکند و کار میکند. اگر امام جماعت است صبح و ظهر و شب با ظهر و شب توی مسجدش با مردم است، با مردم عبادت میکند برای مردم صحبت

مکنند مردم از او سوالات میکنند و اتمام ستقیم با مردم است اگر منبری است واعظ است سخنران است توی همین مردم وتوده‌ها سخنرانی میکند. سخنرانی اش به یک تشریح منبسط نیست به سه منبسط است سخنرانی هم نیست که بیاید حرفش را بزند و برود. سخنرانی اش را میکند با همان وقت با مردم است یا شیش مردم میآیند در خانه. اش، توی خونهایش با او معاشرت دارند. روحانی و مردم مثل ماهی میماند و آب. روحانی با مردم و در مردم زنده است، بدون مردم نمیتواند رسالتش را ایفا نماید.

وظیفه روحانی خدمت بی منت به مردم است.

مردم، بخواهیم یا نخواهیم از روحانی محلشان انتظار دارند اگر گره‌های در کارشان پیدا میشود قدم بگذارد جلو، گره‌گشایی کند. مشکلی پیدا میشود حل کند. یادم میآید در نجف آباد اصفهان یک عالم مردمی فعال محبوب مردم بنام مرحوم آقای آشیخ ابراهیم رحمت اله علیه زندگی میکرد. خوب یاد میآید آنوقتها که ما طلبه جوانی بودیم و دوست، میداشتیم که این الگوهای خوب را بشناسیم و از آنها چیزی یاد بگیریم هر سیدیم خوب وضع آقای آشیخ ابراهیم در میان مردم نجف آباد چطور است؟ گفتند مردم آقای آشیخ ابراهیم را از صمیم قلب دوست دارند. چطور؟ چون ایشان هم امام جماعت است هم مدرس است هم واعظ است «مخدوم به مردم است. به مردم خدمت میکند. بعد گفتند از باب مثال برات میگویم، ایشان گاهی بعد از نیمه شب مثلاً ۲ بعد از نیمه شب در خانه ایشان را میزند، آقای آشیخ ابراهیم... بله... باز من دعویان شده توی خانه، نتوانستند ریش سفیدهای فامیل دعوا را حل کنند کار بالا گرفته تا چار به شما زحمت دادیم لطفاً بیایید ما را اصلاح بدهید بنیامان را آقای آشیخ ابراهیم هم با کمال خوشرویی و خوشحالی بلند

میشود میروند آنجا و مینشینند و میگویند خوب یک جای درست کن با هم بخوریم و مینشینند تا صبح اختلاف اینها را حل میکند، نماز میخواند و میبوی. بسیاری از روحانیون آماده خدمت برای خدمات مردم زندگی میکنند و اینک ساعت معین داشته باشند، همیشه در اختیار مردمند. اینها خصلتهای اساسی یک روحانی است در این بازار تهران یک بجه‌زاری نفت فروش در زمان رضا خان قلد رآنوتیکه روحانیت تحت فشار بود، آنوقت که در صدر ریشه کن کردن روحانیت بود تصمیم میگرفت حالا که روحانیون را اینقدر تحت فشار قرار میدهند من بیایم درس بخوانم و روحانی میشوم. این هم خودش یک شجاعت است. ایشان میآید درس میخواند نفت فروشی اش را هم میگذرد، در رشت راهم میخواند تا کم یک مقدار طلبه درسی خوانده‌ای میشود، تصمیم میگیرد بجه‌های دیگر بازار را، کارگرها، بجه‌های کارگر بازار را آموزش دهد. این بجه‌ها الان عده ایشان جزو افراد موثر در اوم انقلاب اسلامی ما هستند در سال ۴۲-۱۳۴۱ اینها را در ارضه سازماندهی نیروهای انقلاب قتر اساسی داشتند. این آقا روزهای جمع‌بندی کوچک را میگذرد بیرون شهر یک نیک، دنگی راستی هم دنگی خودش هم دنگ می‌دارد، آنجا با هم بود اند هم‌بازی و برنامه داشتند و هم برایشان حدیث میگفته‌ها هاشون نماز میخوانده، میگفته این بجه‌ها روزهای جمعه فاسد میشوند، من باید برای روزهای جمعه اینها برنامه‌ای داشته باشم که اینها فاسد نشوند. اینها کارهای روحانیت است. (۱)

رهبرانقلاب، به برکت علمای بزرگ و جلیل القدری که قبل از آن اعلام کردند که روحانیت و دیانت با سیاست کار دارد خیلی هم کار دارد. حضرات کبیر) من اینجا نموناسبت علاقه حضور برادر عزیزم آیت... آقای حاج سید محمد باقر خوانساری که امام جماعت اینجا هستند بلکه بمناسبت علاقه قلبی که مرحوم آیت... العظمی مرحوم آقای حاج سید محمد تقی خوانساری رضوان... علیه داشتیم این را یاد میکنم. مرحوم آیت... حاج سید محمد تقی خوانساری رضوان... علیه در رقم یک مرجع و یک مدرس عالیقدر و مورد اعتماد همسوم بودند و نماز جماعت ایشان جزو باشکوه‌ترین نمازهای جماعت بود. چه در مدرسه فیضیه چه در بیرون مدرسه فیضیه، ایشان در سالهای ۱۳۳۰ تا ۳۲ در همان سالهای نبرد ملت قهرمان ما با استکبار اروپایی و غربی رسماً وارد میدان شدند تا نشان دهند که مرجعیت و روحانیت مقدس و تقوا و تعهد در برابر وظایف سیاسی ایجاب میکند نهی تفاوتی و از کنار مسائل عبور کردن. و ما پیشگامانی اینچنین داریم و همینطور به جلوسر وید و پروید و ولوسی هممان میدانیم که نقش سازنده گسترده در رابطه با حضور وسیع روحانیت در مبارزات اجتماعی در پی قیام انقلابی متداوم میگیریم و سرسختانه سال ۱۳۴۱ برهبری امام خمینی (صلوات حضرات) صورت گرفت. ایشان همه تلاشها و زحمات گذشته را توانستند شکر گذاری و قدر دانی کنند و با پشتتازی و پیشگامی شان به این طلسم و افسانه باطل جدایی دین از سیاست پایان دهند. روحانیت اکثریت قاطعش در همه جا وارد عرصه سیاست

علیرغم نظریه شهید بهشتی که معتقدند نیاز روحانی به مردم مثل نیاز ماهی به آب است عده ای معتقدند رابطه روحانیت و مردم مانند رابطه پزشک و بیمار است ابتدا مردم را بیمار می کنند و بعد نیاز مند به پزشک.

و میدان نبرد و مبارزه شد. (تکبیر حضرات) همین الان صد ها روحانی جوان در صحنه‌ها نبرد در پشت جبهه‌ها حضور دارند و در کنار برادران دیگرشان میروند. یک برادرها سادار به من گفت در آن روزهایی که در این شهرها خط آتش و در این مراکز خط آتش... گفت: فلانی چقدر زیبا بود و آرامش میداد به قلب ما و وقتی که من در سنگر هیلویی من برادرها سادارم راجع به نماز در سوال میکند، که من در این حالت چگونه نماز بخوانم، و دیدم همسنگر او یک روحانی جوان است که دارد برایش مسئله عبادت و نماز را در این حال نبرد بیان میکند. حضور تمام عیار روحانیت در صحنه زندگی اجتماعی برای خود روحانیت بارها و مسئولیتهای جدیدی را به همراه آورده و روحانی حالا باید صبح تا شب کار کند. آنوقت صبح تا شب باید در اختیار مردم میبوی. گاهی مراجعه کننده داشت و احياناً گاهی هم فرصت مطالعه و آرامش داشت، حالا روحانی باید صبح تا شب کار کند، صبح تا شب باید آماده باشد

روحانی اسلامی از روحانی سیاسی و انقلابی جدا نیست. در رابطه با اسلام و روحانی اسلام، روحانیت یک وظیفه دیگر هم پیدا میکند و آن وظیفه این است که چون اسلام دینی است که مشتمل بر سیاست است و سیاست از دیانت و حتی از عبادت جدا نیست، عبادت هم سیاست است. نماز جماعتش نماز جماعتش نماز عهدشش حتی ونهی از منکر که در جای خود اینها هم تویش الهام بخش و عمل سیاسی وجود دارد. روحانی عالم اسلام در رابطه با سیاست هم مسئول است، یک وقتهایی بود بیگانگان آنها. میکه میخواستند روحانیت از گه‌ها در جامعه و سیاست غایب شود تا بتوانند کارهایشان را بکنند اینها یک فکر ضد اسلامی را در جامعه ما رونق داد بودند. و آن این است که آقا روحانی چکاره کار سیاست دارد دیگر، فلانی خیلی روحانی جلیل القدری است اصلاح کاری به کارهای مردم ندارد. به برکت این انقلاب به برکت خود اسلام، به برکت قرآن، به برکت

علم و عمل وسیله‌ای است برای بیداری نفس

روحانیت و ...

مسئولیت‌ها سنگین شده است در این دوران انقلاب، در این دوران متدبیرین سال ۱۳۴۱ تا حالا که ۱۳۵۹ است در این ۱۸ سال بتدریج روحانیون وارد میدان و معرکه شدند عدای پیشتان بودند زود تر وارد شدند - عدای بد نبال آنها وارد شدند و در سال ۱۳۵۷ در آن چند ماه اخیر که باید ملت ما یک پارچه در مقابل مزدوران رژیم بایستد همگان شاهد بودید که بهیچ‌سرساجد ما، اکثر مساجد ما، پایگاه رزم و نیرو بود، مردم آنجا در هر جمع می‌شدند روحانی و روحانیت محل قاطی با مردم، دوشادوش مردم کار داشت، حرکت داشت، فعالیت داشت البته چون واقعیت‌ها را می‌خواهم همانطور که بوده مطرح کنم در همان موقع هم گاهی جوانها گله می‌کردند که روحانی محل ما آنطور که باید حرکت ندارد، همکاری ندارد. (۲)

نظارت روحانیت متعهد بر امور حکومتی

من این را صریحاً عرض می‌کنم روحانیت آگاه - متعهد مسئول حداقل در رصد نظارت همه جانبه تمام عبار عنوان معتمدان ملت در جریان کارهای کشور برای همیشه نظارت - خواهد کرد (تکبیر حضار) کسانی در جمهوری

نمی‌توانیم نم‌نمی‌گویم با این کارمند هانمی‌توانیم تخیر، بسیاری از این کارمندان، خدا شاهد است عناصر انقلابی هستند عده زیاد دیگر انقلابی نیستند ولی انقلاب را پذیرفته‌اند و آماده ساختن هستند و عدای هم پاهای انقلاب بهرحال می‌آیند عدای هم نخود نیز باشند خود بخود تصفیه می‌شوند و پاکسازی می‌شوند نمی‌گویم با این کارمندان نمی‌شود کار کرد ما اکثریت این کارمندان و خانواده‌های آنها را جزئی از این جمهوری اسلامی میدانم و وظیفه داریم برای سلامت و سعادت و انقلابی کردن آنها ساختن انقلابی آنها تلاش کنیم و همانطور که مکرر عرض کردم وظیفه انقلاب این است که یک جریان سازنده بر روند بوجود بیاورد تا بتوانند همه اینها را بسازد اما این غیر از این است که حالا که هنوز ساخته نشده‌اند بگویم آقایان، دیگران روحانیون، معتمدان محل شما کاری به کارها نداشته باشید دولت خودش کارها را انجام می‌دهد. ما اصلاً می‌خواهیم دولت در متن وطن ملت باشد. ما می‌خواهیم دیگر دولت و ملت در وگانگی و جدایی نداشته باشند و این راهش این است که راه‌های پیوند میان دولت و ملت کشف شود و این پیوند ها تقویت شود غیر از این راهی ندارد. این مسیر است. (تکبیر حضار)

توطئه جد این روحانیت از مردم

گرفتار بودم و کار داشتم گفتم چون نزدیک است وقت از نظر آمد و شد زیاد نمی‌برد چشم خواهم آمد آنجا رفتم تا در میان آن نسو جوانان باشم با آنها سخن بگویم البته برادران دیگر هم خبر شده بودند آمدند بودند بهرحال همه مان سعی کنیم با این نوجوانان عزیز پیوند نزدیک داشته باشیم. کمی از آنها دور ماندن، کمی به حساسیت و ظرافت روح آنها کم توجهی کردن آنها را در میدان و در صحنه و در دسترس شکار دشمن قرار می‌دهد حیفاست از این نیروهای عزیز پاک هر توان که دست دشمن می‌افتند و این ما هستیم این شماره روحانیون مسئول هستید که در این رابطه مسئولیت سنگینی را بعهده دارید.



علیرغم اعتقاد شهید بهشتی که روحانی اسلامی از روحانی سیاسی و انقلابی جدا نیست جریانی سعی دارد بین اسلام و انقلاب مرز بندی کند. مثلاً آقای شریعتی در جریان تصرف لانه جاسوسی گفته بود اینکار دانشجویان انقلابی هست ولی اسلامی نیست. این تفکر متأسفانه در بسیاری از روحانیون ما پاکسازی نشده است.

پاورقی :
۱- علیرغم نظریه شهید بهشتی عدای معتقدند رابطه روحانیت و مردم مانند رابطه پزشک و بیمار است اعتقاد مردم را بیمار می‌کنند و نیازمند به پزشک، در حالیکه شهید بهشتی معتقدند روحانی ماهی است و نیازمند به آب یعنی مردم است و بهسراغ مردم می‌رود، مردم را به گوه و پیک‌نیک می‌برد حدیث می‌خواند، مسلماً اگر این در خانه‌اش نشست بود بچه‌های بازار سرافش می‌آمدند و گوهی هم نمی‌رفتند. با معیارهای شهید بهشتی خیلی از مجاهدین شهید و بزرگی های یک روحانی را بیشتر تحقق دادند
۲- علیرغم اعتقاد شهید بهشتی که روحانی اسلامی از روحانی سیاسی و انقلابی جدا نیست جریانی سعی دارد بین اسلام و انقلاب مرز بندی کند. مثلاً آقای شریعتی در جریان تصرف لانه جاسوسی گفته بود اینکار دانشجویان انقلابی هست ولی اسلامی نیست. این تفکر متأسفانه در بسیاری از روحانیون ما پاکسازی نشده است.
۳- در امور ساختمان، مهندس ناظر کسی است که تمام مراحل ساختمانی را طی کرده باشد از قبیل کارهای یدی، محاسباتی، اجرایی و پس از اینکه ویژگی‌هایی پیدا کرد می‌تواند مهندس ناظر باشد و بر سایرین نظارت نماید. امر نظارت بدون کار اجرایی بسیار مشکل و مرحله سوزی است.

علیرغم اعتقاد شهید بهشتی که روحانی اسلامی از روحانی سیاسی و انقلابی جدا نیست جریانی سعی دارد بین اسلام و انقلاب مرز بندی کند.

تحلیلی تاریخی از ... بقیه از ص ۲۸

نورعلما، دزدی، سرقت، همه‌کاری که انسان را به این هدف برساند توجیه کردند. حتی بحدی که فحشا را توجیه کردند که انسان به هدف برسد. بالا تر از این بحدی اینها غلو کردند و در برنامه شان گفتند حتی اگر انسان برای رسیدن به این هدف لازم باشد می‌تواند با دشمن اسلام سازش کند، با کفار سازش کند، پناه بدهد به آنها ببرد.

... و دیدید که گروه‌های التقاطی چه ضرب‌های به اسلام و انقلاب زدند. خوشبختانه بواسطه روشننگری‌های امام محل شد و تقایم با ریشه‌کن خواهد شد.
... مطهری از یکطرف با تبحر فکری مبارزه می‌کرد برای احیای آن بخش عظیم حرکت اسلام مثل حکومت، جهاد، دفاع و امثال آنها.
... و از طرف دیگر مثل آن اسلام‌شناسان روشن‌فکر هم نبود که معنویات و تعبدیات را کوچک بشمرند و پشت پایه آن بزنند، بلکه موازی با این از آن‌ها هم حمایت می‌کرد.
تئورهای صحبت‌های آیت‌الله امینی صحبت از حکومت اسلامی در مدارس علمیه نبود. در آنجا حتی حدود و دیات را نوعاً تدوین نمی‌کردند، می‌گفتند فایده ندارد.

روحانیون هم در خوش بودند به اینکه خوب الحمد لله مردم نماز شان را می‌خوانند، روزه هم که می‌گیرند... الحمد لله خوب است فلان هم که می‌گیرند... الحمد لله خوب است. فلان کس (شاه) هم مخالفت با دین ندارد، بلکه حامی دین هم هست.
- اینها اسلام‌شناسان روشن‌فکر آمدند و عکس العمل آنجیزیکه آنها (روحانیون) بودند که هم در دین رانجسرد معنویات و عبادیات می‌کردند اینها آمدند و احوالت را دادند به مبارزه با مستمگر برای اجرای عدالت.
- اسلام‌شناسان روشن‌فکر از یکطرف به اسلام علاقه داشتند و عقیده من شخصاً این است که

بسیاری از اینها مخلص بودند. برای رسیدن به این هدف (مبارزه) همه چیز را توجیه کردند. ترور جایز، بلکه لازم، ترور افراد، ترور علما، دزدی، سرقت و همه کاری را برای رسیدن به هدف توجیه کردند.

فقه امام خمینی بقیه از ص ۱۵

"باهم باشید تا این شیطان را بیرون کنید بعد وقتی که بیرون کردید بنشینید خودتان هرکاری خواستید بکنید. هر چیزی وقتی دارد امروز وقت مناسبات نیست. امروز وقت این نیست که یک دست یک طرف را بگیرند یک دست یک طرف را بگیرند یک دست نصیحت کنند مارا که شما باید صلح کنید." وقت این است که شما جدیدتتان زیاد ترس، چه قوی سلحه از هر سخ که هستند چه این ملت چه این بسیج اگر مهلت بپوشید هر روزی که مهلت بدهید او را تقویت می‌کنند و کار مشکندر میشود. باید مهلت بپوشید تا دست سستی نباید کرد."

امام‌روای عطیات بی‌امان و روی هر روز بودن آن تکیه نهادی نمودند و در این رابطه از فرماندهان و رزمندگان استمداد طلبیدند.



مطالب زیر که به مناسبت چهارم استاد شریعتی تهیه شده است، خاطراتی است چندا ز ملاقاتهای برادر میثم مرحوم استاد محمد تقی شریعتی.

هروقت به زیارت امام رضا (ع) میرفتم بر خود واجب می دیدم از محضر استاد شریعتی بعضی بیروم و به دیدارشان می شتافتم استاد آنکه مریض حال بوده و طبق تجویز دکتر در استراحت مطلق بودند معذرتا آخرین لحظات عمری با سخ به نیا زندان را ترک نکرده و علاقمندان به مشکلات اجتماعی برخورد میکردند. در طی چند ملاقاتی که با ایشان داشتم برخی از نقطه نظرهایشان را که در خاطر مانده است ذکر میکنم. امیدوارم کسانی که با استاد برخورد های بیشتر و نزدیکتری داشته اند، جا معه را از ظرافتها و نقطه نظرات ایشان محروم نسازند، تا صرفا "به برگزاری مجلس یا دیودا کتفا نشود

عقل و ادله" اربعه: ایشان در مورد ادله اربعه گفتند که من با مرحوم علامه طباطبائی بحث مفصلی در این رابطه داشتم و به ایشان گفتم که عقل نمیتواند دلیلی همدیگر قرآن و سنت باشد و عقل در این حد مطرح است که فقیه عاقل باشد و نه سفیه و گرنه عقل و روش تعقل هم در قرآن و هم در سنت وجود دارد. ایشان در این رابطه اضافه کردند که در خطبه اول نهج البلاغه علی (ع) یک ویژگی از نهضت های انبیاء را این میدانند که عقلهای پنهان شده و دفن شده را بیرون آورده و بکار اندازند. (و بشیر و الهام دفن العقول - خطبه اول صفحه ۲۴ نهج البلاغه فیض الاسلام) ایشان گفتند که شیاطین عقلهای فطری را دفن کرده و روی آن را می پوشانند در حالی که انبیاء می آیند کندوکاو کرده و عقل را بیرون می آورند و جابهای آن را کناری می زنند.

منطق یونان: به ایشان گفتم عده ای معتقدند منطق ارسطو هم صورت است هم سیرت و قرآن سرتا سر منطقی است و ایشان تعجب کرده و گفتند چرا پیا پیا میر (ص) و ائمه اطهار ما را بدین مطلب هیچ سفارشی نکرده اند.

سیاست علی (ع) و عزل معاویه: به ایشان گفته شد دانشجویان دانشگاه مشهدیه یکی از مسئولین جمهوری اسلامی گفته اند که یا روش شما در برابر شما و روان خود روش یکی از اربابان حضرت علی (ع) باشد که به حضرت علی گفت ابتدا بگذار تشییع شویم و بعد معاویه را عزل نمائیم.

ایشان گفتند عزل معاویه توسط علی (ع) علاوه بر اینکه تکلیف الهی بود، نبوغ سیاسی علی (ع) را میبازاند. عده ای بلحاظ مذهبی کار علی (ع) را درست میدانند ولی بلحاظ سیاسی آن را غلط می پندارند ولی بنظر من بلحاظ سیاسی هم کار درستی بود، چرا که معاویه شیطان زمان بود و بیگین داشت که علی سازش نا پذیر است و اگر هم در ابتدای حکومتش با او معاشات کند ولی بالاخره کار او را یکسره خواهد کرد علی (ع) نیز به این تحلیل معاویه از خود آگاهی داشته و لذا اگر او را در فرمانداری

شام تاء بید میکرد معاویه اینکار را سندی برای مشروعیت خود قلمداد کرده و به وسیله و گردآوری نیرو جهت مبارزه با علی می پرداخت چرا که بیگین داشت علی با او سازش نخواهد کرد. علی (ع) ارزیابی کاملی داشتند که اگر در اول حکومت خود معاویه را عزل نکنند دیگر کسی نخواهد توانست او را خلع کرده و با جریان او درگیر شود.

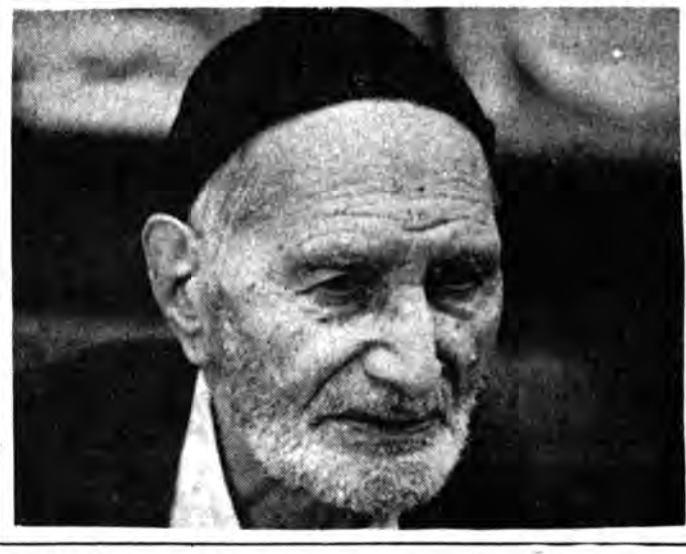
امیدواریم این توشه گیری استاد از عرفان علی (ع) رهنمودی باشد برای حل

و این تفکیک نا پذیری خود روشی است مستقل برای درک قرآن که نمی گذارد ما بدام روشهای ذهنی یا شرقی و یا غربی بیفتیم.

بعد از شنیدن بیانات استاد و پس از تفکر و تعمق به این نتیجه رسیدم که بدون انتظار فرج و تلاش در این راه و حل مسئله امامت و رهبری به درک درستی از قرآن نمی رسیم و خود انقلاب اسلامی که گامی در جهت ظهور حضرت بود درک ما را از قرآن تعالی داد متاء سفا نه در روشهای جاری قرآن و عبرت به فراموشی سپرده می شوند چرا که فهم

برخی از نظرات

مرحوم استاد شریعتی



سائل انقلاب و انقلابیون

قرآن را مشروط میکنند به روایت و فهم روایت را مشروط میکنند به درایت و درایت را همان عقل و عقل را عقل ارسطویی میگیرند و بدین ترتیب این منطق ارسطوست که بر قرآن و سنت حاکم میگردد، و وصیت پیا میر را زیر پا میگذارند.

"حسین وارث آدم" و حل تضاد شیعه و سنی به ایشان گفته شد که برادران سنی دارند تلاش دکتر روی کتاب "حسین وارث آدم" را ندانند و دهند چرا که در این کتاب حسین (ع) وارث آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) و محمد (ص) و کلیه پیامبران معرفی شده است و لذا امام حسین از انحصار شیعه بدرآمده و یک شخصیت انبیائی و قرآنی و جهانی شده و اگر بتوانیم نشان دهیم که لحظه لحظه نهضت امام حسین (ع) تحقق آیات قرآن و به عبارتی وسیعتری تداوم راه انبیاء است قادر خواهیم بود به حل تضاد شیعه و سنی و همچنین حل اختلاف بین یهودی ها و مسیحیان و مسلمانان بپردازیم. یعنی یهود حسین را وارث موسی بدانند و مسیحیان حسین را وارث عیسی (ع) و اهل تسنن حسین (ع) را وارث محمد (ص) باینکه رتق و اتقاتی گامی هم علیه توطئه امپریالیسم برداشته ایم. ایشان ضمن تأیید و دعا جهت موفقیت

روش توشه گیری از قرآن: ایشان در روش توشه گیری از قرآن به حدیث ثقلین استناد کرده که میفرماید انی تارک فیکم الثقلین کتابا... و عترتی... یعنی بیگمان من در میان شما دو موجود گران بها و ارزشمند میگذازم: کتاب خدا و ذریه ام... خدای نیکی رسان دانا بمن خیر داده است که این دو (کتاب و عترت) از هم جدا نمی شوند تا در کنار کوشش من وارد شوند.

حدیث ثقلین را به کرات شنیده بودم ولی توشه گیری استاد از این حدیث از طرفی برخوردار بود که تاکنون نشنیده بودم و آن تفکیک نا پذیری قرآن و عترت بود، یعنی هر آیه ای که در قرآن هست یک عینیت و میثاق یا مدلولی در خارج دارد، میگوئیم علی قرآن ناطق است یعنی قرآن در شخص علی (ع) پیاده شده و عینیت پیدا کرده است و با تشریح علمی فرق میکند. روشی که دستگیرمان شد این بود که برای توشه گیری صحیح از قرآن باید به ناطق و حامل و تحقق دهنده هم توجه نمود که تحقق دهندگان، کامل قرآن در هر عصری ائمه معصوم بودند و در عصر فعلی امام زمان (عج) است. و عترت و قرآن را تا روز قیامت نمیتوان از هم جدا کرد چرا که تفکیک نا پذیرند

انگیزه فرزندشان را از نوشتن این کتاب بدین شرح بیان داشتند که در شب عاشورا دکتر به مساجد و تکیا میروند تا بهر آیه بگیرد ولی هر جا می رود ملاحظه میکنند که دارند امام حسین (ع) را می کشند. و سپس با انگیزه زیادی به منزل برگشته، قلم را از دست نینداخته تا این کتاب را به تمام رساند.

استاد شریعتی و احسان نراقی: استاد در مصاحبه ای با کیهان فرهنگی نقل قولی را از دکتر شریعتی آورده بودند که در زندان ساواک حسین زاده به دکتر توصیه میکند که در بیرون با احسان نراقی همکاری کند، بدینال چاپ این نقل قول استاد گفتند احسان نراقی تلاش زیادی کرده و از طرق مختلف پیا پیا می داده بود تا این مطلب را تکذیب کنم.

استاد در ریشه یابی حجتیه: بحث از حجتیه بود و عافیت طلبی و تاثیر که این تشکیلات در روند سیاسی مملکت گذاشته است، ایشان گفتند حاج شیخ محمود حلبی شاگرد میرزا مهدی اصفهانی کسی است که در مشهد بهتراز هر کسی فلسفه رادرس می داد و پس از آنکه خوب در شاگردانش جا می انداخت به ردتان می پرداخت و شیخ محمود حلبی هم متاء شرافکار میرزا مهدی اصفهانی است

استاد در زمینه روش تعقل قرآنی: کمکهای زیادی به ما کردند و هر بار دستا وردهایمان را برای ایشان توضیح داده و رهنمودهای دریافت میکردیم جا دادا ز برادر دکتر کاظم بسا می تشکر کنیم که ما را در رابطه با این نیا ز راهنمایی کرده و گفتند بهترین کسی که میتواند شما را یاری دهد استاد شریعتی است.

بنظر میرسد بهترین طلب آموزش و استغفار را در راه او و در راستای قرآن و عترت است و امیدوارم همگان بخصوص نسل جوان روح این استاد شهید پرور را از این طریق شاد نمایند.

باینها النفس المطمئنه رجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی. ای نفس آرا مش یافته با زگرد بسوی

عقل نمی تواند دلیل
همه ی قرآن و سنت باشد و
عقل در این حد مطرح است
که فقیه عاقل باشد و نه
سفیه و گرنه عقل و
روش تعقل هم در قرآن
و هم در سنت وجود دارد.

پروردگارا رخویش خوشنود شده، پیس در آ، در بندگام و جا و دانه شود در بهشتم.

عقل نمی تواند دلیل همردیف قرآن و سنت باشد استاد شریعتی

خطر عهده گردن شوروی یا توطئه جابجای دشمن اصیل

انگیزه نگارش:

بنظر میسرود توطئه است که در صدر است دشمن اصلی را عوض کند و شعار آزادی قدس را که روح و جان انقلاب اسلامی است تحت الشعاع قرار داده و جنگ را سازشکارانه پایان دهد. از آنجا که تلاشهای این جریان برای صلح و سازش در جنگ با مقاومت رزمندگان روبرو شده اکنون جریان فوق سعی دارد بطور خنده بسا عهده گردن شوروی خط امام را مخدوش کرده و سپس انقلاب را به صلح و سازش با کپ دپد سوق دهد.

هم چنین این جریان سعی دارد وحدتی از دول بظاهر خدا پرست بچون آورد که در دل این وحدت آمریکا بعنوان یک کشور خدا پرست تیره شده و شوروی بعنوان کافر دشمن اصلی معرفی شود. سردمداران این جریان خط انحراف سادات معدوم بود که با آمریکا و اسرائیل علیه خلقهای مستضعف مسلمان پیوند برقرار نمود و در نطقی که در اسرائیل بعد از صلح کپ دپد ایراد کرد بدین مضمون گفت: ما و آمریکا و اسرائیل که خدا را قبول داریم بر علیه آنها که خدا را قبول ندارند باید متحد شویم. اکنون نیز چنین توطئه ای آینه انداخته انقلاب اسلامی را تهدید می کند و با یاری مرموز در داخل سعی دارند خطر شوروی را در اذهان مردم عهده کنند. از آنجا که این توطئه زمینه های فکری در درون نیروهای انقلابی دارد به بررسی منطقهای مختلف آنها می پردازیم.

این روزها مقالات زیادی در این رابطه می نویسند مخصوص در رابطه با خلیج هدف گرفته شده را متوجه شوروی میکنند. از طرفی آمریکا آشکارا سعی دارد با به درگیری با شوروی بکشاند و خود را تماشاکر باشد حال ما سعی داریم در این مقاله مواضع آمریکا می شوروی را نشان دهیم و با نگرشی عمیق و تاریخی ثابت کنیم که شوروی باز چه و تابع سیاست آمریکا است این مطلب را روشن کنیم که اگر با آمریکا درگیر شویم با شوروی هم بطور اصولی درگیر شده ایم ولی اگر با شوروی درگیر شویم نه با شوروی میزنیم مبارزه کنیم نه با آمریکا.

زمینه های درونی این توطئه

۱- عراق را ماهیتاً چپ معرفی می کنند.

بسیاری می گویند بافت داخلی رژیم عراق سوسیالیستی است و وابسته به شوروی و سیستم ارتش آن هم به لحاظ تجهیزات و آموزش روساست و تنها ظاهر سوسیالیستی آن را می بینند و اساس منطق خود قرار می دهند. امام خمینی در سخنرانی عید فطر سال ۶۶ بدین مضمون گفتند: چون عراق رام شده است آمریکا آنرا از لیست کشورهای ترویست حذف کرده است. توجه شود که صدام بسیاری از کمونیستها را اعدام کرده است.

۲- شوروی عامل جنگ است.

بسیاری می گویند چون صدام با ما در حال مبارزه است و شوروی صدام را تجهیز می کند و بسا او

قرارداد دو جانبه می بندد پس دشمن اصلی شوروی است. باید توجه داشت این منطق نیز صلح و سازش خرنده را بدنبال دارد و دست آمریکا را در معادله نشان نمیدهد.

۳- شوروی را کافر و دشمن اصلی معرفی میکنند.

برخی نهادها این شعار را می دهند: آمریکا دشمن اسرائیل غاصب شوروی کافر، گه اگر آمریکا از دشمنی با ما دست برآورد اسرائیل از غصب یعنی بخشی از سرزمین فلسطین را پس بدهد تنها شوروی می ماند که کافر است و بسا سادگی تضادش را با ما حل نمیشود. لذا دشمنی ما با شوروی یک تضاد ایدئولوژیک و عمیق است و از دشمنی با آمریکا و اسرائیل هم اهمیت بیشتر است. در انجیلی هم که ریگان برای مسئولین فرستاده بود به آنها از انجیل استناد کرده بود که همین مفهوم را می رساند. تاسف آنست که مسئولین هم از این عمل اظهار خرسند نبوده و گفتند که امریکاییها روی خوب ننگهای انگشت گذاشته اند و این تفکر زمینه های است برای عهده گردن شوروی.

۴- وحدت علیه شوروی را بجای وحدت برای آزادی قدس مطرح می کنند.

در زمینه سیاست خارجی شعار وحدت کشورهای اسلامی مطرح است در جهت تحقق این شعار رفت و آمدهای صورت گرفته و قراردادهایی هم منعقد می گردد. از آنجا که وحدت کشورهای اسلامی در برابر غیر اسلامی مطرح میشود و اغلب کشورهای اسلامی که مبتکرین کنفرانسهای نیز هستند ماهیت امریکائی دارند لذا غیر اسلامی این کمونیستها می شوند و شوروی بصورت دشمن عهده در می آید و این وحدت علیه شوروی معنا پیدا می کند. بطور مثال بازاری گفته بود چرا دولت ما با هنگا و پرست رابطه دارد و قطعات پدکی بیگان از آنجا ولری کند اما از انگلیس خدا پرست نه؟ این ها ملاک خدا پرستی را در لفظ خلاصه می کنند و به ماهیت استعمارگر و جنایتکار انگلیس توجه ندارند.

۵- خطر اصلورا وجود افکار روسی در مملکت می دانند

برخی خطر عهده را گرایش دولت بطرف طرحهای سوسیالیستی می دانند اما نسبت به رشد سرمایه داری نفتی و واردات از کشورهای غیر حساسیتی نشان نمی دهند. و میگویند خطر اصلی وجود افکار روسی در مملکت است اما به خطر نفوذ فرهنگ غرب در ایران بسا نمی دهند. اینان به رابطه با تکیه و پاکستان اعتراض ندارند اما به ربه دوت بسا شوروی و کره شمالی و بلغارستان و رومانی اعتراض دارند. این تفکر نیز زمینه های است در جهت عهده گردن شوروی.

۶- حزب توده را بعنوان اصلیترین خطر داخلی معرفی می کنند.

برخی نیز معتقدند اصلیترین خطر داخلی حزب توده است این جریان در ارزیابی نیروهای مخالف انقلاب حزب توده را چون کمونیست است و وابسته به شوروی دشمن اصلی می دانند. بطور مثال انجمن حجیه و کلا آنها که با اسلام برخورد قسری و سطحی دارند ملاک مسلمانان را در لفظ عهده اند. حزب توده را اصلیترین خطر داخلی محسوب میکنند. بطور مثال هم اکنون که یکی از تضادها، انقلاب خطر نفوذ دستهای مرموز و وابستگان عرب در ارگانها و نهاد های انقلاب است یک جریان مهم سیاسی در روحانیت گفته بود باید مواظب نفوذ توده ماها باشیم. این تفکر نیز زمینه های است برای اینکه خطر شوروی را در اذهان مردم عهده کنند.

نباید از یاد برد که بزرگترین ضربه به حزب توده در دوران نهضت ملت ایران برای ملی شدن نفت وارد شد. و علت آن هم این بود که لیبتهیز حمله ضمیمه امیرالایم انگلیس و فراموشیهای نفتی بود. در آن موقع حزب توده نسبت به این شعار حساسیت منفی نشان داد و ماهیت توده نفتی انکار شد دیگر اینکه احزاب و مطبوعات کاملاً آزاد بودند و توده ماها حرض برای گفتن نشدند جز اینکه با شعار ملی شدن نفت در سراسر ایران مخالفت کنند. مسلماً اگر لبه تیز حمله صدق علیه توده ماها بود آنها خوشحال می شدند. در عالم سیاست نباید به جولان و کفهای روی آب نگاه کرد بلکه باید با آرایش جریان واقعی آب چشم درخت در بحر انبساط فعلی هم نباید فرمول های اساسی را فراموش کرد. ممکن است خطر شوروی را طوری وانمود کنند که از خطر آمریکا غافل شویم.

آمریکا آشکارا سعی دارد ما را به درگیری با شوروی بکشاند و خودش تماشاگر باشد.

۷- خطر تهاجم شوروی را عهده می کنند.

برخی دیگر که معتقدند شوروی دشمن اصلی است. منتقدان این است که چون ایران با شوروی از نظر جغرافیایی مرز مشترک دارد در درجه اول در معرض خطر شوروی می باشد. اما آمریکا از نظر جغرافیایی هزاران کیلومتر از ما دور است و طبق ماده ۶ قرارداد ۱۹۳۱ نیز شوروی در صورت وجود نا امنی مرز و مرز در داخل ایران حق دخالت دارد مثل هجره به افغانستان.

البته به برخی از این منطقها در دل انقلاب اسلامی جواب گفته شده است اینکه صدام نوکر دست نشانده آمریکا است و بدستور و حمایت آمریکا به ایران حمله نظامی کرده است و با اینکه امام خمینی خود گفتند شوروی هم باز چه امریکاست.

اینها بر ما ثابت می کنند که نباید دشمن را جغرافیایی دید بلکه باید ماهیت آنها شناخت تا به هر لباس و شکلی که در آید بتوانیم با آن مبارزه کنیم.

مواضع امریکایی شوروی

۱- شوروی اولین کشی است که موجودیت اسرائیل را در سال ۱۹۴۸ بر رسمیت شناخته است.

۲- شوروی قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت را جنی بر پذیرش آتش آتش اعراب و اسرائیل و پذیرش موجودیت اسرائیل به ازای عقب نشینی را تأیید

کرده است.

۳- شوروی کودتای امیرالایمستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را تأیید کرده است. این کودتا با دخالت مستقیم آمریکا و انگلیس و مبره های دست نشانده اش چون سرلشکر زاهدی در داخل علیه نهضت ملی شدن نفت صورت گرفت پس از انجام کودتا شوروی آنرا تأیید نمود و طلا های ایران را به دولت کودتا پس داد.

۴- شوروی در دیوان بین المللی لاهه در محکوم کردن هدف با انگلیس هم موضع شد چرا که در آن مقطع منافعتش با منافع انگلیس یکی بود.

۵- انقلاب سفید شاه را در سال ۱۳۴۲ شوروی تأیید قرار داد. این رقم که در خط آمریکا بسوزد و میخواست با تکیه بر درآمد نفت کشور را صنعتی کند شوروی نیز این رقم را گامی بسوی رشد سرمایه داری و گسترش طبقه کارگر و در نتیجه انقلاب کمونیستی دیده و آن را تأیید نمود و هر حرکتی را در مقابل آن ارتجاعی نامید.

۶- قیام ۱۵ خرداد که طی آن هزاران نفر از بهترین جوانان و طلاب توسط رژیم امریکایی به قتل رسیدند شوروی محکوم دانست و مشیل شاه آنرا ارتجاع نامید. و این بدان علت است که خط مشی رژیم شاه را در جهت صنعتی کردن ایران که لازمه انقلاب کارگری بود می دانست.

۷- شوروی جنایات شاه و اربابش آمریکا را در کشتار عظیم ۱۷ شهریور مورد تأیید قرار داد چرا که شوروی با ستسور رژیم امریکایی شاه احساس خطر می نمود.

۸- پس از انقلاب اسلامی شوروی شبکه های سیا را در ایران افشا نکرد و این معاطله ای با امریکا علیه مردم ما بود زیرا شوروی خود نیز وحشت داشت که آمریکا شبکه های کاب که بر ایران افشا کند. ۹- شوروی عمل گرگانگی و تصرف لانه جاسوسی امریکا را که بزرگترین ضربه به سیا بود در سازمان ملل متحد محکوم نمود. و در اینجا هم با امریکا هم موضع شد.

۱۰- اشغال افغانستان همزمان با تصرف لانه جاسوسی در ایران توطئه ای بود در جهت انحراف از شرفنامه امیرالایمستی مردم ایران به صورت شوروی و ضد کمونیستی. چرا که حمله نظامی به افغانستان هیچ ضرورت واقعی استراتژیک نداشت و صرفاً برای انقلابی انجام گرفت. چرا که شوروی دید اگر منطقه ضد امریکایی شود ایران بیشتر از این مبارزه کرد و دکان ضد امیرالایمستی اش تعطیل میشود. و مسکن است جمهوریهای مسلمان نشین شوروی که فرهنگ ضد امیرالایمستی دارند به ایران گرایش پیدا کنند.

۱۱- از نظر نفت شوروی منافعتش با نفتیها یکی است چرا که هدف شوروی آنست که تمدن غرب صنعتی حذف شود تا ادعایش در موبیلج دوره تاریخ درست درآید حال سه چهارم حجم تجارت جهانی حمل و جوش نفت است و اگر نفت به چرخهای صنعتی غرب نرسد موجب تعطیل کارخانجات میشود و بحران و بیکاری عظیمی گریبانگیر غرب میشود. شوروی حتی به رژیمهای نفتی امریکایی - انگلیسی هم اسلحه می دهد تا جریان نفت بسوی تمدن غرب قطع نشود و اخیراً حفاظت کتیبهای کیمیت را بر عهده گرفته است. بیچم شوروی بر سر از نفتکن از تجار خاطره توده نفتی را زنده می کند.

۱۲- در بحران خلیج نیز شوروی هم موضع به نقیبه است و در جنگ نیز در کنار امریکا و فرانسه انگلیس قرار گرفته است. بحیه در صحنه ۵

پرچم شوروی بر فراز نفتکش ارتجاع، خاطره توده نفتی را زنده می کند

بگروههای اسلامی لبنان همکاری داشتند.
اولین بار هم که مسئله زادگاه ایشان در مطبوعات مطرح شد توسط شیخ علی تهرانی بود و منظور او هم این بود که بنی صدر به ریاست جمهوری برسد و اسناد فارسی از کاندیداهای ریاست جمهوری حذف شوند البته در قانون اساسی ماهم تصریح شده که رئیس جمهور باید ایرانی باشد.



س- برادری نوشته اند اطلاع دارید که نیروهای جوان و فعال دنبال مسائل تحلیلی نمی روند (در مسائل سیاسی اقتصادی فرهنگی و...) و این "خلا" بخواهی در جامعه انقلابی ماحضور است.
یعنی هرگونه خیرچه از جانب محافل امپریالیزم غربی باشد و یا جریانهای ضد انقلاب و ضد نظام "فرو" مورد پذیرش واقع می گردد بدون کنکاش و تحقیق سپس چند سؤال مطرح کرده اند که بترتیب بآنها پاسخ خواهیم داد. منجمله:

ب- بنظر من هر جریانی سعی کرد مسئله مهدی هاشمی را به نفع خود تحلیل کند (مانند رسالتی ها و...) اما شما چرا تاکنون هیچگونه تحلیلی از سید مهدی هاشمی در نشریه تان ارائه نداده اید؟
ج- در مورد مطلب اول ماهم از این روحیه تقلید نکرده ایم مثلاً پیغمبر. توجه دارید که این شیوه در بین بسیاری نیروها هم از گروههای سیاسی، روحانیت نهاد های انقلابی، ارتش و... هم وجود دارد بنظر می رسد برای پاکسازی این شیوه غلط به ریشه های این شیوه باید توجه کرده و پاکسازی از میان نیروهای انقلاب شروع کرد. راه درست این است که اخبار خارجی ولو تو همین آینه گفته شود و با آنها برخورد فعال گردد. نشنیدن و نگفتن دردی را که دوانی کند هیچ برعکس همه ای آن اخبار را چون جنبه مخفی پیدا می کند باورش می کنند.

د- در مورد تحلیل قضیه سید مهدی هاشمی در نشریه شماره ۴۰ تحلیلی تحت عنوان نامه ای به سید مهدی هاشمی منتشر کردیم که در آن هم خود ایشان تحلیل شده است و مواضعشان مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. وکلاً مقالات راه مجاهد شماره ۴۰ در مورد جریان سید مهدی هاشمی مطلب دارد. همچنین مقاله "پیرامون مسئله التقاط" و نظرات موجود پیرامون دستگیریهایی اخیر و مقاله جنگ نفت، صدور انقلاب و الفتح، مجاهدین، حزب جمهوری نشریه شماره ۳۹ نیز مراجعه شود.



س- آقای احمد توکل در یکی از سرمقاله های روزنامه رسالت نوشت که کتابخانه سیاسی قم محل رفت آمد افرادی چون: مهدی، پیمان، جعفری و... بوده است. هیچ گونه عکس العملی منی بر اینکه این مطلب صحیح بوده است یا نه نداشته اید. اگر صحت ندارد که هیچ، ولی اگر درست است شما که کار تشکیلاتی می دانید و سابقه دارید مگر عملکرد این جریان شخص مهدی هاشمی را قبل و بعد از انقلاب خیر ندانید؟

ج- در مورد سرمقاله مزبور برادر مهدی با آقای توکل و آقای پرورش تماس تلفنی گرفتند و گفتند که شما از ما بعنوان یک دارودسته اسم برد مایند و معمولاً این لفظ را برای تاجا قبیله ها و جاققش ها و شعبان بی مخ ها بکار می برند، نه یک جریان بسا مواضع مشخص سیاسی ایدئولوژیک. ثانیاً بچه دلیلی ماریه جریان کتابخانه سیاسی سید مهدی هاشمی منتسب کرده اید؟ آیا بر جنبی خبر می گوئید یا نظر شخصی شماست؟ ایشان گفتند: کار اطلاعاتی را که میشود گفت. برادر مهدی گفتند: ولی ماهیج رابطه تشکیلاتی با این جریان نداشته ایم و اطلاعات شما ممکن است غلط بوده و از ناحیه دستهای مرموز باشد. ایشان پاسخ دادند: که از مواضع فکری شما و از تحلیل در می آید که رابطه داشته باشید.

آقای مهدی طبق قانون مطبوعات خواستار چسبایی جوابیه آن شدند. که ایشان طفره رفتند و گفتند: بنظر من نباید چاپ شود. ولی آقای پرورش گفتند: انتقادات را اینصورت بررسی میشود. آقای مهدی گفتند: شما هیچ دلیلی برای اینکار نداشته اید، اگر تقوایی هست خودتان انتقاد کنید. اگر دلیلی دارید آنرا ذکر کنید. اینطور نمیشود که همه نیروها مارک زد. مگر امام نگفتند سبیل انتقاد کردن با این شکل مارک زدنها فرق دارد.

اما از این که بگذریم برادر اولاً "کتابخانه سیاسی یک مرکز قانونی و علمی و تحت نظر آیت اله منتظری بود و رفت و آمد بآنجا جری و قبضی ندارد کما اینکه شنیده ایم نزدیک هزار طلبه به این کتابخانه رفت و آمد داشته اند. آیا همه گروه سید مهدی هاشمی می شوند؟

ثانیاً: تاجا تپه شنیده ایم کتابخانه سیاسی ربطی به سید مهدی هاشمی نداشته و یک ارگان مستقل بوده است و هم اکنون نیز از نظر قانونی در ایران آن منعی ندارد.
ثالثاً: خط سیاسی و فکری و علمی ما با سید مهدی هاشمی مرز مشخصی داشته است. قبل از انقلاب توره شمس آبادی را محکوم کردیم و معتقد بودیم این خط با خط مجاهدین که علیه ساواک و مزدوران امپریالیزم بود نه روحانیت، تفاوت بنیادی دارد (مقاله روحانیت و مجاهدین شماره ۴۱). بعد از انقلاب هم عملکرد شیوه ها متفاوت بوده است.

رابعاً: از آقای توکل باید پرسید آیا این شیوه برخورد که تروخشا را با هم بسوزانیم و با همراک و افترا بی بخواهیم نظرات مخالف خود را از میدان بدر بریم آیا شیوه غیر اسلامی نیست؟



س- در رابطه با سفر مکه فاروق، هیچگونه تحلیلی ارائه ندادید مگر مطلب (گاه گام با آقای رفسنجانی در رابطه با مکه فاروق) اگر قرار باشد که شما تحلیل مسئولین حکومت را برای خوانندگان نشریه تان ارائه دهید چه لزومی دارد نشریه چاپ کنید. اگر دچار خودسانسوری هستید و نگرانید که حقایق را بگوئید سپس در مظان اتهام قرار بگهید که روش درست و اصولی نیست. اگر هم میگوئید شرایط جنگی است و طرح مسائل بنفع امپریالیسم تمام می شود باید گفت واقعیت هارا گفتن به نفع آنها نخواهد بود.
ج- برادر اولاً در نشریه شماره ۴۱ سرمقاله در رابطه با این قضیه بود و هدف بیشتر طرح ملا کهای بود که بتوان این قضیه را ارزیابی کرد چرا که مسئله قدری پیچیده شده بود و کمبود خبر و اطلاعات موثق هم بر ابهام آن می افزود. لذا مادر تحلیلها پیمان سعی بر این داشتیم که ملا کهای اصلی را مرز بندی و مشخص تر نماییم تا مانع سردرگمی گردد. در این زمینه شما هم اگر اخبار موثق داشتید بما کمک نمائید. مقالاتی هم چون اسلام رویا روی غرب و اسلام مکل غرب در همین زمینه نوشته شده است. در شماره مقاله گام به گام با حجة الاسلام رفسنجانی و... را با مقدمه اش یکبار دیگر بخوانید.



س- نامه زیر را بجهت تقاضای نویسنده چاپ می کنیم و سپس به پاسخ آن می پردازیم:
روزنامه محترم راه مجاهد - توفیق دست اندرکاران این روزنامه را برای نشر حقایق از خداوند مَنَّان مسئلت دارم. و اما در روزنامه راه مجاهد شماره ۴۲ در پاسخ یک از سئوال کنندگان که چرا بعضی از احزاب از صحنه سیاسی کنار گذاشته شده اند مثل مجاهدین انقلاب، انجمن حججیه، و نهضت آزادی بعد از خلاصه توضیحی که در مورد این دو سازمان داده اید در بخش سوم جوابتان دو مورد نهضت آزادی گفته اید که فعالیتهای آزاد و نشریاتی هم منتشر می شود.
جواب دهنده محترم می خواهم از شما بپرسم آزادی

بدون امنیت برای چه کسی ارزش دارد؟ آیا این اسطر آزادی است که عده ای مجلس ترحیم را که بمناسبت سوم مرحوم استاد محمد تقی شریعتی از طرف شاگردان و جمعی نهضتی هابزرگوار شد بهم بزنند و شعار میدهند؟ آیا اجازه ندادن برای سخنرانی را اسطر را آزادی می گذارید؟ آیا حطبه جلسات نهضت ویرم زد و وکک زد و همکاران نهضت و بودن اعضای برجسته نهضت از بهشت زهرا و وکک زدن آنها در کجای قلموس آزادی جای گرفته است؟ آقایان بودن نهضت فقط جنبه تبلیغاتی بسرای حاکمیت دارد که تا از عدم آزادی در ایران صحبت شود فورا می گویند خیر آزادی هست و دلیل آن نهضت آزادی هست که مخالف ماست و آزادانه فعالیت می کند. آقایان قدری انصاف بدیدید قریب پنج سال از توقیف روزنامه میزان می گذرد و هنوز هم در هیچ زادگاه صالحه ای به جرم آن رسیدگی نشده تا خلاف آن ثابت شود. در ایران هیچ حزب و گروهی تا رشته ارتباطی با حزب حاکم نداشته باشد نمی تواند فعالیت کند - مثال برجسته آن همین مجاهدین انقلاب اسلامی که برای همه مشهود است. در آخر به نام آزادی و حاکمیت آن بر جامعه اسلامی ایران خواستار چاپ این چند خط هستم و امیدوارم دست اندر کاران روزنامه بدون کم و زیاد کردن آن اقدام به چاپ آن بکنند. سلاخی خدستگاران به نظام اسلامی ایران را از خداوند خواستارم.

ج- ضمناً، تشکر از برخورد فعال شما با پاسخ به سئوالت از اینکه خودسانسور ننهیم و درحقیقت چون شما داریم خوشحال شدیم. انشاء اله در همه موارد این رفتار داشته باشید و ما را از برخورد سطحی و یک جانبه برحذر دارید. اما در رابطه بانامه شما چند نکته را مفید به تذکر دیدیم:

۱- در پاسخ قبلی گفته شده بود که امام خمینی و آیتاله منتظری خود طرفدار آزادیهای سیاسی و آزادی عقیده هستند. حملات مزبور به نهضت آزادی هم بنظر می آید یک کار باندی بود نه نشانه گرفته از رهبران انقلاب.
۲- گفته شده بود بایستی با عوامل سلب آزادی همیشه های اصلی اختناق مبارزه کرد. در غیر این

خطبته کین شوروی یا ...

بقیه از ص ۳۴

می بینیم که در تمامی این رویدادهای مهم تاریخی آمریکا بعنوان عامل اصلی عمل کرده و شورگذا هم متحرکات او بوده است و در عمل بازچه و تابع سیاست آمریکا شده است.
در اوراق لانه جاسوسی آمریکا سندی بوده است که قبل از پیروزی انقلاب سفير آمریکا در منطقه اطراف ایران یک سری مطالبات استراتژیک نموده است. شما ببینید اگر امام خمینی حاکم شود از کدام کشور بهتر است به ایران حمله کند و برای این کار تمام تجهیزات کشورهای همسایه را با تجهیزات ایران مقایسه نموده است و در نهایت عراق را کاندیدای این حمله مینماید می بینیم که چگونه آمریکا طرح می ریزد و شوروی اسلحه اش را داده و مارکس را میخورد و باز بچه دست آمریکا میشود. چرا ترکیه و پاکستان کاندیدای حمله نشدند علت این بوده است که دست ناتو خیلی زود در این حمله آشکار می شده است. ولی عراق می توانسته خود را در سنگرهای تضاد شیعه و سنی و تضاد عرب و عجم مخفی نموده تا مدت های زیادی ماهیت آمریکایی حمله رونشود ولی به یمن پروردگار دیدیم که بالاخره دست آمریکا از آبهای گرم خلیج در آمد و ناوگانهایش را در حمایت از عراق به خلیج فارس کسب داشت.

وجوه مختلف این توطئه

این خطی توانا فرادناگاه روحانیت بازار و ارتش را جذب کند و به عبارت دیگر سه وجه نظامی، مذهبی اقتصادی دارد. در واقع هر منطقی برای جذب

صورت چه بسا تضعیف مسئولان انقلاب خود در جهت تقویت باند هایی باشد که حملاتی شبیه آنچه شما نام برده اید از آنها صادر می شود.
مثلاً در زمان مرحوم دکتر صدق عوامل دربار در هر کجای نظام بودند دست به شیوه های غیر اصولی، می زدند تا مردم ناراضی شوند و همه را منتسب به دکتر صدق کرده و او را تضعیف کنند.
در آن شرایط جریاناتی بجای اینکه با عوامل دربار و مانند اشرف که در بعضی ارگانهای انتظامی و سیاسی نفوذ داشتند مبارزه کنند با صدق در می افتادند و عملاً "موجب تقویت کودتاچیان می شدند. این قانون گذاری در شرایط فعلی نظام جمهوری اسلامی هم وجود دارد. بنظر من رسد ریشه و عامل اختناق دستهای مرموزی هستند که آیتاله منتظری بارها به خطر آنها هشدار داده اند و راه ایجاد آزادی هم مبارزه جدی و اصولی با آنهاست.

ما معتقدیم نهضت آزادی در این مورد کم کاری داشته است. مثلاً قضیه مسجد ارك و ختم مهندس احمد صدق کار عوامل بقیان بود. همچنین قضیه بهشت زهرا اینطور بود که هفته قبل مهندس موسوی با حجة الاسلام محتشی صحبت از جذب نیروها می نمود. چون نهضت آزادی کردند بعد هم آن قضیه اتفاق افتاد. از طرفی برای ما معلوم شده در حاکمیت هم عده های مخالف جنگ هستند و برای اینکه جنگ از اصلیت بیفتد حملاتی به مرکز نهضت آزادی می کردند و نهضت آزادی موضوع روز شود. از طرفی اصلی ترین شعار نهضت آزادی جامعه باز بود ولی بعداً به شعار پایان جنگ تبدیل شد. بهتر نبود نهضت آزادی بعد از ریشه یا بسی کانون حملات آنان را افشا میکرد نه آنکه متوجه امام شود؟ امروزه هیچکس باند از امام یا دستمای مرموز برخورد نکرد.

گفتن یک نکته ضروری است. آیا می دانستید وقتی در زمان دولت موقت ساواکا تشکیل شد اکثر کارهایش از جتیه بودند؟ آیا می دانستید عده این شیوه های غیر اسلامی در نهادها توسط این کارها انجام می شد؟ دریا میان امیدواریم مسئولین به روزنامه میزان نیز اجازه انتشار بدهند.

قصری خاص در نظر گرفته شده است بطور مثال مارک کونستو، به دولت برای جذب افساری از بازار مطرح میشود. خطر حمله شوروی به ایران برای جذب ارتش مطرح می گردد. سوسیالیست بودن صدام و وابسته بودنش به شوروی را برای جذب روحانیت مطرح می کنند.

اما ماهیت استعمارگرانه و اصلی بودن نقش آمریکا در شیوه تجاوز و استعمار نفی و نقش او در جنگ و دست نشاندگی صدام به آمریکا اصلی بودن آمریکا را بر ما بیشتر می نمایاند.

نتیجه گیری

در صورت عده شدن شوروی ارتش هم اکنون بیخود سالها جنگ علیه صدام آمریکایی ضد آمریکا شده است و در خط آزادی قدس و کربلا مشغول خدمت و فداکاری است بشدریج با قوت گرفتن این شعار ضد شوروی و در نتیجه در خطر قرب عمل می کند و از این جایجایی دشمن شیطان بزرگ آمریکا بهره مند میشود.
در چنین صورتی توطئه خرنده ارتش حمایت مراجع را هم جلب کند و با هم همراه میشوند و مسارک سوسیالیستی به دولت هم بالا گرفته و به خط امام هم زده میشود و کجک زمینه برای یک کودتا آماده میگردد. در آن صورت نه تنها از مسیر اصل مبارزه با آمریکا که در دل آن تضعیف شوروی هم نهفته است خارج شده ایم بلکه حتی توانسته ایم با شوروی هم مبارزه کنیم. چرا که اگر ما با کمپ دیوید جوهر توطئه ها درگیر شویم در دلتیها شوروی شویم کمپ دیوید و ایادی مرموزشان در داخل مبارزه کرده اند

پایخ بر خولندگی

س- برادری پرسیده اند برخی شمارا جریانی با تفکر التقاطی می دانند بدلیل اینکه از حوزه نشأت نگرفته اید . معتقدند در درازمدت به بن بست عقیدتی گرفتار می شوید . البته با توجه باینکه برخی جریانات خراسانی از حوزه همپنجر ف شده اند در این زمینه چه نظر دارید ؟

★ ★

ج- در این زمینه مقاله احتیاطی در باره مسئله التقاط و رابطه باروحانیت در راهبها منتشر شد . استیضاح فرمائید . نشریه شماره ۴۰ "پیرامین مسئله التقاط" نشریه شماره ۴۱ "روحانیت و جهادین" .
حقیقا اسلام ری شهری در صاحب خود گفتند اصلی ترین جرم گروه سید مهدی هاشمی التقاط است و تقاطی جرمها فرع است . با توجه به اینکه اعضای این گروه اکثرا از روحانیت بوده اند اگر پدیده التقاط از حوزه ها هم موجود باشد بایستی از حالت چماق و تکفیر سیاسی در آمده و با آن دلسوزانه برخورد شود . در دو مقاله فوق الذکر سعی شده که تذکری در این راستا داده شود . لذا خواندن این دو مقاله توصیه می شود .

★ ★

س- در نوشته های تان تفکرات نشأت گرفته از منطق ارسطو را می گوید و می گوید دید حوزه نسبت به جهان و مکتب ارسطویی است در مورد تفکر ارسطویی مقاله پاکتایی معرفی کنید .

★ ★

ج- برادر در مورد حوزه به نظر می رسد دو جریان وجود داشته باشد روحانیت مکتبی و غیر مکتبی (وجود به سرفقه اسلام فقهی و فقه سنتی راه مجاهد شماره ۴۲) . از جریاناتی که مینا و ملاک بدیهی را تنها بدیهیات عقلیه ارسطویی دانند می برسم چرا خدا صفات الهی را مبنای استدلال و تفکر قرار نمی دهید ؟ با توجه باینکه مکتب اسلام خود شیوه استدلال و تفکر مستقل دارد چه نیازی به روشهای غرب و شرق داریم ؟ در این زمینه جزوات شرح مکتب راهنمای عمل شرح ماده ۱۰ و ۱۱ مطالعه شود . در مورد آشنایی با خود منطق کتاب "منطق فلسفه سید مطهری برای آشنایی اجمالی مفید است . کتاب از "عوام زندگی تا بسیج مستضعفین" از سری

ما که اصند . امام خمینی تکه ای در تفسیر سوره طه گفته اند که امیدواریم راهنمای عمل ما بشمار قرار گیرد که انحراف را نمیتوان با انحراف مستقیم کرد . انحرافات را با اسم رب مستقیم کنید . اگر باید حجابی یا هر متکر دیگری به روشهای غیر اصولی و در مرتبه خودش برخورد نشود موجب توسعه آن نیز می گردد . سخن ما در این باب بود .
ضمنا آقای محتسب وزیر کشور نیز اخیرا در صاحبه باکیهان ریشه فساد جوانان را در این مسئله دانستند که سعی می شود جوانان از سیاست و فعال شدن در امور سیاسی کنار زده شوند . البته در آن موقع مواضع روزنامه رسالت هم بیشتر حول مسائل بدحجابی در جامعه می گذشت که پس از زیر سؤال رفتن رسالت توسط امام نقطه عطفی در این روزنامه پدید آمد که در عرض تضعیف دولت روی مسئله جنگ فعال شدند .

در مورد گرم نگه داشتن جبهه بایستی همانطور که امام خمینی بارها گفتند در جبهه عطیات بسی امان باشد . روابط را آنچنان خالص کرد که جبهه نسبت به سایر مسائل جامعه خود جان بدیست بیشتر پیدا کند . کما اینکه شاهد بودیم جوانانی از همین خانواده های بدحجاب بسمت جبهه داوطلبانسه بسیج شده اند و از این طریق روابط خانوادگی خود را نیز متحول نموده اند . در اینصورت نگرانی شما که نکند رزندگان جبهه را رها کرده و دچار فساد و فحشا شوند صوابه احتیاط روی آوردن با به زندگی صرفی گرفتار شوند میا . . . بر طرف میشود . باید توجه کنیم جازه بر علیه شاه در اوج فساد بود که در زمان رژیم شاه فراگیر شده بود و عدل ظلمی و ضدیت با ظلم تعطیل بردار نیست .

★ ★

س- در شرایط کنونی شخصا چه تهدیدهایی از ناحیه صدام علیه آزادی خلقان از اسارت و بندگی وجود دارد که تهدید اصلی انقلاب بسیم و تضاد اصلی جامعه ما مطرح می شود ؟ مثلا آیا امکان اشغال نظامی بعضی وجود دارد ؟ آیا احتمال کودتای نظامی بعضی وجود دارد ؟ و بالاخره آیا خلق ستم دیده مادر اسارت صدام بسر می برد ؟

ج- برادر یا خواهر ارجمند بارها رهبران انقلاب گفته اند که آنچه انقلاب را تهدید می کند خطر پوک شدن از درون است نه حمله نظامی . خطر اصلی رواج شیوه های غیر اصولی در جامعه ماست که انقلاب را چون خوره از درون می خورد . حمله نظامی هم وقتی موثرتر می افتد که ضعف داخلی باشد . در مورد خطر اشغال نظامی اطلاع دارید که کشور ما یکبار مواجه با این مسئله شد و صدام سر زمینهای جنوب و غرب را اشغال نمود و اگر امروز این خطر رفع

شد میا احتمال حمله زمینی کمند است بخاطر مقاومت و یابردی رزندگان است . لذا بایستی این مقاومت و بسیج مردمی را حفظ کرده و تعالی و تعمیق داد . در مورد اسارت خلق ما بنظر می رسد خلق ما امروزه بدرجه ای از رشد و پیدار رسیدند که توبار اسارت کسی نمی روند و در اسارت کسی هم نیستند . مردم ما رزندگان ما رنج و نگرانشان بیشتر از این است که آرمانهای انقلاب فراموش شود و عدالت و استقلال در جامعه خدشه دار گردد . در این رابطه هم چشم و گیشان باز است و حوادث را تعقیب می کنند . آینهالمنتظری چندی قبل می گفتند مردم ما دیگر عوام نیستند چرا که آگاهی سیاسی زیادی پیدا کرده اند

★ ★

س- برادری پرسیده اند آیا این حرف درست است که روحانی اصلا ریشه اسلامی ندارد ؟ بلکه ریشه صهیونی دارد و از فرهنگ صهیونیت است و آنچه ریشه اسلامی دارد طلبه و عالم است ؟
ج- در درسهای شرح مکتب راهنمای عمل بحث شده است در همین باره و در آنجا برای استدلال شده است که کلمه روحانی به فلسفه اسلام نزدیکتر است تا عالم . چرا که در فلسفه اسلامی روح عالمی ترین مرحله کمال شی و منطوقی است (مراجعه به شرح مکتب راهنمای عمل) روحانی در خط مشی به این معنی است که در تمام مراحل با توده ها باشد و در درون آنها راهبند و به مرحله پیشتازی آنها برسد . البته اگر روح بمعنای اسیریت و بمعنای غریب آن بگیریم روحی است جدا از ماده و در خط مشی به روحانی جدا از مردم تبدیل میشود مثل تارک دنیا های کیهانک مسی خواهند مشکلات خانواده ها را حل کنند .

★ ★

س- آیا این فرموده امام خمینی است که جلال الدین فارسی ایرانی الاصل نیست ؟ ایشان اهل کجاست و چه مسئولیتی فعلا دارد ؟
ج- تا جاییکه می دانیم در این مورد امام خمینی نظری نداده اند و ایشان نماینده مجلس و عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس هستند . عضو حزب جمهوری اسلامی بودند و مدتی هم با روزنامه رسالت همکاری می کردند . تا آنجا که می دانیم آن طور که خود استاد فارسی نامه ای در روزنامه نوشتند متولد هرات می باشند ولی در ایران بزرگ شده اند و در متن جریانات اسلامی پرورش یافته اند نظیر کانون نشر حقایق اسلامی استاد شریعتی ، انجمن اسلامی دانشجویان ، نهضت آزادی ، هیئت مؤلفه و مدتی هم در لبنان بودند و با سازمانهای فلسطینیسی

بعده در صفحه ۳۵

نحوه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند ، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند . بهای اشتراک:

۱۲ شماره	۱۲۰۰ ریال
۶ شماره	۶۰۰ ریال

لطفا وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمایید .

جمهوری اسلامی ایران
وزارت مشاوران سیاسی
اداره امور مطبوعات و نشریات
آقای لطف الله میثمی
بزرگبلازه و سیزدهم تانول مطبوعات سبز
۱۳۵۸.۵.۲۰
پروازاتار راه مجاهد آموزش سیاسی بیهوشی
تربیت جنگی فرزندان شهدایان بنام شهید سرب
و شهید ۲۱۵۲ فرابانج ۳۶۰۰۲۲ ثبت گردید .
بنامبال مکتب بر رعایت مقررات در این مورد تشریح

فانح المشریه
فانح المشریه
روزنامه نهضت مجاهدین خلق ایران
زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول
مهندس لطف الله میثمی
روش سیاسی ایدئولوژیک - چاپ آشنا
آدرس : توجه شود که راه مجاهد بدلیل کمبود امکانات دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیو مسئول نشریه است و در فاجت اجرای قانون مطبوعات و مجامعه وزارت ارشاد اسلامی معرفی میگردد تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرید . خیابان ری - آب منگل - که جه شهید قاسم گلی - کوچه نصیر دیوان - پلاک ۲۶ - طبعه دوم .

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی ، میخواهند تفاهم داشته باشید